

درباره

ساواک

هارالد ایلر بنکر



Handwritten text on a long, narrow strip of aged paper, oriented vertically. The text is written in a cursive script and appears to be a list or a series of entries. The characters are somewhat faded and difficult to read, but they seem to be a mix of letters and numbers. The paper shows signs of wear, including creases and discoloration.

35
(1)

3

1

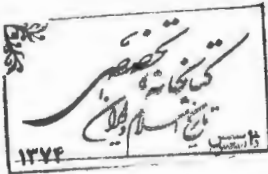
50

شماره
 ردیف
 دفتر نشرات اسلامی
 جامعه مدرسین حوزه علمیه قم



نویسنده : هارالد ایرنبرگر

درباره ساواک



این کتاب مربوط به اینجانب بوده، که به کتابخانه دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم واگذار شده. ولی چون در آنجا مورد استفاده واقع نشد، به کتابخانه تاریخ اسلام و ایران اهداء گردید.

محمد رضا فاکر

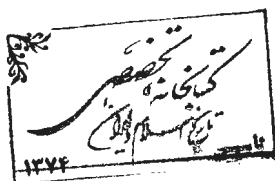
یکی از ابزار سلطه امپریالیسم و ارتجاع

کتابخانه دفتر نشرات اسلامی
 وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

سلسل
 قفسه
 ردیف
 شماره
 ۱۳۷۰
 ۹
 ۵
 ۲۰

۱۹۷۸

جمعیت آزادی



مقدمه

شاید لازم بود که کتاب در باره ساواک نوشته ایرنبرگر نویسنده و ژورنالیست اطریشی بسیار زودتر از این انتشار می یافت. امروزه امکان بدست آوردن اطلاعاتی بمراتب بیشتر از آنچه که در این کتاب آمده است را جنبش مردم ممکن ساخته است. لازم است مطالعه این کتاب که در سالهای پیش، در نوع خود از کتب معدودی بود که توسط نویسندگان مترقی خارجی در باره ساواک انتشار یافته است، با توجه به زمان انتشار آن بزبان آلمانی و محدودیتهائی که توسط این سازمان جهنمی بوجود آمده بود انجام گیرد.

در این کتاب دو یا سه نکته کوچک که از نظر زمانی و مکانی اشتباهاتی دارد آمده است که در چاپهای آینده در همان صفحات توضیح داده خواهد شد.

ترجمه این کتاب بخاطر شهیدان جنبش انقلابی توده مردم و زندانیان سیاسی پی گیر و مقاومی که بامبارزه و مقاومت خود در زندانهای رژیم شاه حماسه ها آفریدند و هرگز تسلیم نشدند تقدیم میشود.

جمعیت آزادی

زندہ باد دلاوری خلق

فهرست مطالب

موضوع	صفحه
پیشگفتار	
فصل اول سی. آی. ا. در پس پرده کودتای ۱۹۵۳ و تا' سیس ساواک	۱
فصل دوم پهنه فعالیت‌های ساواک تشکیلات و میزان قدرت سازمان امنیت و اطلاعات کشور	۱۳
فصل سوم مرکز اروپائی ساواک در ژنو	۴۵
فصل چهارم فعالیت‌های ساواک در اروپا جاسوسی، پرونده سازی و قتل نفس	۶۶
فصل پنجم ساواک به شا به يك همکار - با کمک‌های روسی به ساواک چگونه سازمان امنیت ایران با همکاران غربی خود هم کاری میکند.	۹۴
حواشی	۱۳۱

فصل اول

س. آ. ی. ا. ا. در پس پرده^۱
کودنای ۱۹۵۳ و تاسیس ساواک

شبانگه روز ۱۵ اوت ۱۹۵۳ *

در ایران حکومت نظامی برقرار است. در ابتدا چنین به نظر می‌آید که در خیابانهای تهران سکوتی شیخ آمیز ستولی است. تهران در زیر گرمای بختک آسا به دشواری نفس میکند. تنها صدای موتور جیب هائی که در تهران در حال گردش هستند این سکوت را می‌شکند. خیابانهای مرکز شهر تقریباً خالی از انسان میباشند.

در پس این نمای ظاهری، از ساعت یک بعد از نیمه شب جنگی بی امان که نقطه اوجش را در شمیران^۱ (شمال تهران) در پشت سر گذارده، درگیر است. در آنجا ساعتی پس از نیمه شب دو وزیر و یک نماینده مجلس در خانه های خود توسط افراد گارد شاهنشاهی در هنگام خواب غافلگیر شده اند. افراد گارد این سیاستمداران را از رختخواب بزیر کشیده کتک زده و سپس به داخل جیبهائی که در خارج آماده ایستاده بودند، کشانیده اند.

مانند های جیب آنگاه در جهت کاخ سعد آباد، محل اقامت تابستانی شاه واقع در شمال تهران، براه افتادند. پس از اندکی توقف سیاستمداران بزور که طیس به لباس خواب بودند به داخل شهر، که قرار بود در آنجا واحد دیگری از گارد ویژه مرکز ستاد فرماندهی را استعمال نماید، برده شدند. لیکن از آنجا که مرکز ستاد از طرف سربازان وفادار به دولت دفاع میند، ناچاراً

* برابر با ۲۴ مرداد ۱۳۳۲

اسرای سه گانه به کاخ سعدآباد عودت داده شدند . در این فاصله اداره پست و تلگراف واقع در بازار به کلی وسیله سربازان گارد اشغال و تماس تلفنی بین مرکز ستاد ارتش و فرماندهی گارد سلطنتی قطع شده است .

در حدود ساعت يك و نیم شب چندین جیب و يك تانگ زره پوش بسا سربازان گارد که مسلح به اسلحه سنگین میباشند به طرف خیابان کاخ پناه می افتند . دستور آنها عبارت از دستگیری نخست وزیر محمد مصدق در محل اقامت گاهن میباشند . در رأس این گروه ژنرال نصیری فرمانده گارد شاهنشاهی قرار دارد که امروز رئیس کنونی ساواک است .^۱

در این روز یعنی در ۱۵ اوت ۱۹۵۳ نصیری با مقاومت روبرو می شود ، زیرا اقامتگاه نخست وزیر توسط سربازان وفادار به دولت دفاع میشود . بدین ترتیب کودتای شاه و گارد او با شکست روبرو است . تنها کاری که نصیری در این لحظات میتواند انجام دهد بی شباهت به امری عجیب و غریب نیست . وی فرمانی را که روز قبل از طرف شاه امضا شده و در آن مصدق معزول و سرلشکر زاهدی به نخست وزیری منصوب گردیده بود ، تسلیم مصدق مینماید . ولی در این روز این رئیس دولت نیست که باید استعفا دهد زیرا که از حمایت اکثریت قریب به اتفاق ملت برخوردار است ، بلکه این شاه است که به همراهی ثریا دیار دور بسته و از طریق بخداد عازم رم میشود .

صبحگاهان به دستور مصدق گارد سلطنتی خلع سلاح شده و نصیری توقیف میشود . مصدق طی يك نطق رادیوئی جریان کودتای نافرجام را به اطلاع ملت میرساند . بلافاصله سکوت شبیح آهیز تهران ناگهان پایان یافته و در تظاهرات و میتینگ هایی که لحظه به لحظه تشکیل میشوند صدها هزار ایرانی از مصدق طرفداری کرده و علیه شاه تظاهر میکنند . لیکن علیه سه آکتور اصلی این کودتای نافرجام اقدامی صورت نمی گیرد . این امر انتقام تلخ خود را بعدها پس میدهد . این سه نفر عبارتند از شخص شاه که اینک به خارج فرار کرده است و ژنرال زاهدی و نورمن شوارتزکف *Norman Schwarzkopf* که از ژنرال های آمریکائی و منسز استراتژیك این توطئه به شمار میرود . دو نفر مذکور اکنون در سفارت آمریکا

نحمن یافته و مشغول طرح نقشه‌ی کودتای جدیدی میباشند . شوارتزکف که ابتدا بین سالهای ۱۹۴۲ و ۱۹۴۸ به دستور دولت آمریکا و برای بر پا ساختن دستگاه پلیسی شاه در تهران به سر میبرد ، در روزهای اول ماه اوت ۱۹۵۳ مجدداً به ایران باز گشته و وارد پایتخت شده است . وی بلافاصله پس از ورود مشاورات بسیاری با شخص شاه و اسرمان مورد اعتماد او انجام میدهد . البته سفارت ایالات متحده آمریکا این گونه ملاقاتها را تحت عنوان "دیدار دوستان دیرین" (۱) پس اهمیت جلوه میدهد . لیکن در ایران مردم خطری را که از این مرد بر میآید احساس کرده و هر کس میتواند حدس بزند که وی از عاملین سی. آی. او. میباشد . در تاریخ نهم اوت روزنامه شهباز می نویسد : خطری بزرگ کشور ما را تهدید میکند . اظهارات آیزنهاور تهدیداتی توخالی نبوده و هم اکنون به مرحله عمل وارد میشوند .

منظور این روزنامه اظهاراتی است که دوایت د. آیزنهاور رئیس جمهور آمریکا در تاریخ ششم اوت در طی یک کنفرانس مطبوعاتی در واشنگتن بیان داشته و در مورد رفتار دوم مربوط به انحلال مجلس علیل ایران به نحو زیر موضع گرفته است "از یاد نفوذ کمونیسم در آسیا سبب نگرانی بوده و بدون عواقب دشوار برای ایالات متحده آمریکا نخواهد بود صدق نخست وزیر ایران بالاخره خود را از جنگ شدن خود در مجلس از طریق انحلال آن راحت کرده و در این رهگذر از یاری و مساعدت کمونیست‌ها بر خوردار بوده است ."

در حالیکه درست محض صدق این سیاستدار شرقی و طی است که حتی پس از کودتای ۱۵ اوت با وجود فشاری حزب توده که به قول آمریکایی از صدق پشتیبانی میکرد ، نسیخواست شاه را از کار بر کنار کرده و حکومت جمهوری را اعلام نماید . سیاست صدق و هدف کودتا که چیزی جز غلبه این سیاست نبود ، در واقع نتیجه سیاست ضحط زمامداران در چندین دهه - چنانچه نخواهیم بگوئیم چندین صد ساله اخیر - بوده است . عدم احساس مسئولیت ، فساد و رشوه خواری خاندان سلطنتی از یک سو و شایع سوی الجیش و اقتصادی دول بزرگ از سوی دیگر و بالاخره مسئله نفت که از آغاز قرن اخیر همواره عامل تعیین کننده در اتخاذ تصمیم سیاسی در مورد ایران بوده است از مشخصات این سیاست میباشند . عوامل مزبور

سبب شده بودند که ایران از قبل جنگ جهانی اول دچار وابستگی کامل به دول مقدر آن زمان گردد، دولی که در سال ۱۹۰۷ ایران را به سه قسمت تقسیم کرده بودند؛ قسمت بی طرف، بخش بزرگی که تحت نفوذ روس‌ها بود و بخش کوچگری که در اختیار دولت بریتانیا قرار داشت.

از آنجا که جنگ جهانی اول ضایع نفتی کشور انگلستان را در جنوب ایران دچار مخاطره ساخته بود، دولت بریتانیا دست به دخالت در امور این کشور زد و این امر را سر آغاز سیاست دو جانبه دو کشور پس از جنگ قرار داد. در معاهده‌ای که در ۹ اوت ۱۹۱۹ بین دو دولت ایران و بریتانیا بسته شد، وام و کمک فنی دولت انگلستان برای تخییر تشکیلات ارتش ایران و نیز امتیازاتی برای دولت انگلیس جهت ایجاد جاده‌ها و راه آهن و همچنین استقرار مشاورین و متمدیان انگلیسی در جمیع امور اداری در نظر گرفته شد.

" مفاد قرارداد از طریق پرداخت رشوه‌های زیاد به مقامات و سیاستمداران بالا رتبه ایرانی تعیین شد. این معاهده با وجود آنکه در مقدمه آن به حفظ تمامیت ایران سوگند خورده شده بود، در نظر رهبران مردم ایران عبارت از کوششی بود برای تبدیل ایران به یک کشور مستعمره." (۲)

با توجه به این نکات بود که دولت جدیدالتاسیس اتحاد شوروی توانست عقد قرارداد مشهور ۱۹۲۱ را که در ۱۶ ژانویه آن سال به امضا و در ۲۶ ژوئن همانسال به تصویب مجلس رسیده بود، به دولت ایران عرضه نموده و قرارداد ۱۹۱۹ با دولت انگلیس را لغو نماید. طبق قرارداد جدید دولت شوروی تمام معاهدات دیگری را که سابقاً بین تزارهای روسی و دولت ایران و یا دول دیگر در باره ایران منعقد شده بودند، لغو نمود. در همین قرارداد جهانی و اصول سیاست عدم مداخله و ایجاد روابط حسنه همسایگی بین دو کشور اتحاد جماهیر شوروی و ایران پایگذاری گردید.

عقد قرارداد مزبور دوره نسبتاً استواری را از نظر سیاست خارجی برای ایران به همراه آورد. لیکن اوضاع از نقطه نظر امور داخلی در حال دگرگونی بود. در ۲۲ فوریه ۱۹۲۱ رضاخان فرمانده تیپ قزاق با حمایت انگلیسی‌ها و

پیرو مذاکراتی با سید ضیاء الدین طباطبائی که ماسریک روزنامه بود، از قزوین که در حدود ۴۰۰ کیلومتری شمال غربی تهران واقع است تقریباً بدون شلیک یک تیر وارد تهران شده و شلیک دولت جدیدی را به ریاست سید ضیاء الدین اعلام نمود و خود در این کابینه بیست وزارت جنگ را به عهده گرفت. در ۲۲ ژوئن رئیس الوزرا جدید پس از اصلاح به مقاصد رضا خان مبنی بر انقراض خاندان قاجار و اعلان حکومت جمهوری در سیاه پناهندگی در سوئیس شد.

در روز ۳۱ اکتبر ۱۹۲۵ به جای حکومت جمهوری در ایران شاه جدیدی بر سر کار آمد که همانند سایر شاهان قبل از خود فاسدانه و جبارانه به حکومت پرداخت. این شخص رضا خان نام داشت که همچون خانهای فتوال دوران اشکانیان خود را پهلوان و در زمان خود پهلوی نام نهاد. در آغاز جنگ دوم جهانی کشور ایران بار دیگر از طرف دولت انگلستان و روسیه شوروی اشغال گردید. رضا خان که خود را به ساهی انستانت کرده بود در سال ۱۹۴۱ به نفع پسرش (شاه کنونی) احبارا از سلطنت استعفا داده و به جزیره موریشس در آفریقای جنوبی تبعید گردید. وی در آنجا در سال ۱۹۴۴ فوت کرد.

رضا خان روابط همکاری را با آلمان نازی شروع کرده بود.

پس از جنگ جهانی دوم بار دیگر روابط مشترک بین اتحاد جماهیر شوروی و ایران سبب تغییرات بسیار عمیقی در امور داخلی ایران گردید. این بار دولت اتحاد جماهیر شوروی به عنوان مدعی در صحنه ظاهر شد. بحرانی که پیش آمده بود تنها پس از فعالیت‌های طویل‌مدت در سطح بین‌المللی و مداخلات شورای امنیت سازمان ملل متحد برطرف شده و کشور اتحاد جماهیر شوروی از جمله احتیاز نفت به مدت ۱۰ سال و نیز انتقال ۵۱ درصد سهام شرکت نفت ایران و شوروی را دریافت داشت.

بحران مزبور در واقع سرآغاز کار سیاسی مردی بود که بین سالهای ۱۸۷۱ و ۱۸۸۰ به عنوان مرشد یکی از ثروتمندترین زمین داران بزرگ به دنیا آمده بود، یعنی محمد مصدق که پس از اتمام تحصیلات خود در فرانسه و بلژیک در آغاز دهه دوم قرن اخیر بین سالهای ۱۹۲۳ و ۱۹۲۸ صاحب منصب سیاسی

مهی بوده و نمایندگی مجلس را نیز به عهده داشت .

وی در سال ۱۹۳۸ از طرف شاه جدید یعنی رضاشاه پهلوی به املاک خود که آنها را بین رعایا خود بدون کوچکترین چشمداشتی تا سال ۱۹۳۸ تقسیم کرد تبعید و پس از آن به مدت دو سال توقیف شده و سرانجام مجبوره اقامت اجباری در احمدآباد گردید .

در ماه مارس ۱۹۳۹ صدق بار دیگر به عنوان نماینده و رهبر جبهه ملی که نسبتاً شرقی بود ، به تهران بازگشت . وی در بهمن ۱۹۴۴ در امتیاز نفت به اتحاد جماهیر شوروی و تصویب قانونی را به کرسی نشاند که طبق آن هرگونه مذاکره‌ای در باره منابع نفتی با خارجیان ممنوع گردید . از آنجا که وی در این زمینه و در تحلیل نهائی به موفقیت نرسیده بود ، هنگامیکه در سال ۱۹۴۹ ریاست کمیته نفت را در مجلس به عهده گرفت قرارداد تازه‌ای را که دولت با شرکت نفت ایران و انگلستان به تصویب رسانیده بود و طبق آن انگلیسی‌ها اکثریت سهام را در دست داشتند طغی ساخت . شرکت مزبور - تحت اسمی گوناگون - از آغاز سده جدید سیاست استثماری ناپود کننده‌ای را در ایران دنبال کرده و برای اجرای آن هزاران کارگر هندی را سر تلمبه‌های چاههای نفت در ایران به کار گماشته بود . کارگران هندی مطلقاً تحت نظر و دستور شرکت بوده و نهایت کار را در مقابل کترین کارمزد - که البته آنهم عاید مردم ایران نمی شد - تضمین میکردند .

صدق در همین زمان ضمن طرح تعدیل قرارداد مزبور لایحه‌ی ملی کردن نفت را در ایران نیز به تصویب مجلس رسانید .

قانون مذکور در روز اول آوریل ۱۹۵۱ وارد مرحله اجرا گردید و صدق که در تاریخ ۲۸ آوریل همانسال به نخست وزیری برگزیده شده بود ، یک روز پس از آن لایحه‌ی مصوبه ۱۹۴۹ خود را بار دیگر از مجلس گذرانید . البته صدق با این اقدامات دشمنی نا پای مرگ کارتل‌های نفت انگلیس و آمریکا را علیه خود بوجود آورد . آنچنانکه دول کشورهای مزبور از این پس با تمام وسائل ممکن ایران را تحت فشار قرار دادند .

در پس جریان‌های بعدی کارتل جهانی نفت قرار داشت یعنی همان شرکت‌های هفت گانه نفت که تقریباً کل معاملات نفتی جهان را تحت کنترل خود و بیش از ۹۲٪ منابع نفتی جهان و بیش از ۵۷٪ تصفیه‌خانه‌ها و ۲/۳ توناژ حمل و نقل نفت را در اختیار خود دارند. دولت انگلیس عاقدانه سیاست کارتل مزبور را اجرا کرده و محاصره اقتصادی شدیدی را علیه ایران عملی ساخت. علاوه بر این خریداران احتمالی نفت ایران را تهدید به کسانیدن به محاکم دادگاه بین‌المللی لاهه نمود. مؤثرتر از همه این اقدامات اعلام تصمیم کارتل بود جنسی بر اینکه شرکت‌های نفتی وابسته به کارتل از این پس از دادن هرگونه سفارشی به آندسته از شرکت‌های کشتی‌رانی که نفتکش‌های خود را جهت حمل و نقل نفت ایران در اختیار بگذارند، خودداری خواهد کرد. از اینرو در طول تمام مدت حکومت دولت مهدی تنها چهل کشتی نفتکش تن به خطرات مکه داده و به بارگیری نفت استخراجی و فروش رفته شرکت نفت ملی ایران پرداختند.

دولت آمریکا نیز سرانجام در مبارزه اقتصادی علیه ایران سهمگین گردید. شرکت آمریکائی *Consolidated Brokerage* که قرارداد اختصاصی پنج ساله با شرکت ملی نفت ایران منعقد کرده بود، از اجرا آن سرباز زد و اعلام نمود "وزارت امور خارجه آمریکا از این شرکت نقاضا کرده است تا زمانیکه هنوز امید بیرونی از طریق مذاکرات سیاسی راه حلی یافت از هرگونه اقدامی که سبب مشکل‌تر کردن اوضاع حاضر گردد خودداری نماید." (۳)

شخص شاه در تمام این درگیری‌ها بجای دفاع از منافع کشور خود، از کارتل‌های بین‌المللی حمایت میکرد و این سیاستی است که او تا به امروز دنبال نموده است. بهر تقدیر هنگامیکه سی. آی. او. کارگزار شخص خود نورمن شوارتزک را به تهران فرستاد تا در آنجا مقدمات کودتائی را برای حفظ منافع کارتل‌های جهانی فراهم آورد، شاه از همکاری نه تنها سرباز نبرد بلکه با فرار کوتاه‌زمان خود به خارج سرانجام خود را تمام و کمال در دست سی. آی. او. سپرد و از این وابستگی دیگر هیچگاه نجات نیافت. از همین زمان است که شاه همواره سیاستی علیه ملت ایران و اینطور که بر میآید حتی علیه بورژوازی ایران

ولی در هر صورت به نفع کارتل های جهانی (و همچنین دولی که از آنها تبعیت میکنند) دنبال منماید و با کمک این دول و کارتل های مزبور به تسلیح ارتش خود پرداخته و هنگام ایجاد سازمان جاسوسی خود از مساعدت آنان بهره خوردار بوده است. حتی وضعی که در رابطه با بازار بین الطلی نفت در سال ۱۹۷۳ پیش آمد، نیز تغییری در این وابستگی به وجود نیاورده است. بالعکس اوضاع مزبور هم پهلای شاه را با کارتل های جهانی روشن تر کرده و او را به وجهی از نظر مالی غنی ساخته است که بتواند جانی در بین کارتل های مزبور برای خود خریداری نماید .

برگردیم به ماه اوت ۱۹۵۳ .

سحرگاهان روز ۱۹ اوت * (گروههای تجاوزی کوچکی که از شوارتزکف پول دریافت کرده بودند عازم خیابان های مرکز شهر شدند . اینان افرادی بودند از قبیل جانپان ، طفیلی ها و بطور خلاصه لومین پرولتاریا که به علت فقر و گرسنگی بسیار در مقابل پیشیزی آماده برای هر جنایتی بودند . از آنها تنهها خواسته شده بود که در تهران ایجاد شورش کرده و علیه صدق تظاهرات نمایند . این ارازل صلح به چاقو و باتوم که با ماشین های نظامی به داخل شهر آورده شده بودند به مردم حمله کرده و آنها را به قصد کت میزدند .

ایالات متحده آمریکا حداقل مبلغ ۴ میلیون تومان (در حدود ۲ میلیون مارک) به این دعوا راه اندازان پرداخته بودند . اینگونه که از قرائن بر می آید ، حالغ بسیار زیادتری در این راه خرج شده است . صدق در دادگاهی که علیه او براه انداخته شده با ارائه سندی ثابت کرد که عمال آمریکائی روز قبل طبق " چک شماره ۷۰۲۳۵۲ بانک ملی ایران در مقابل /- ۳۹۰۰۰۰۰ دلار بیست و نه هزار و سیصد و پنجاه و دو ریال در اختیار ادوارد گ. دانلی *Edward G. Danolily* گذارده بودند (۱) تا پول ایرانی همراه خود داشته باشد . ولی این مبلغ مسلماً نمیتوانست برای انجام این معامله کفایتی بوده باشد . کما اینکه روزنامه آمریکائی *The Nation* بعدها نوشت که آمریکا برای اجرای این

(۳) برابر با ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

ما^۳ موریت ۱۹ میلیون دلار خرج کرده است . (۵)

در عرض يك شب در تاريخ ۱۹ اوت ۱۹۵۳ دلار تبدیل به پول رایج
ملکت شد . شوفرهای تاکسی و اتوبوس که اوپاشان و عهده‌کشان را به محل‌های
تعیین شده برای ایجاد بلوا و آشوب آورده بودند ، با فخر و غرور اسکاس‌های
سبز رنگ خود را به معرض تماشای می‌گذاشتند .

همزمان با فعالیت‌های گروه‌های مزبور حمله اصلی کودتا نیز آغاز گردید .
سحرگاهان صبح روز ۱۹ اوت سرلشکر زاهدی لانه خود را در سفارت آمریکا ترک
گفته و در راه چندین واحد گارد که به وسیله آمریکائی ها مجدداً و به سرعت
تسلیح شده بودند ، قرار گرفت . وی برای حفظ امنیت خود تانک زره پوشی را به
عنوان وسیله نقلیه انتخاب کرده و با سربازان مزدور بار دیگر روانه خیابان کاخ
گردید تا ایستگاه نخست وزیر را مورد حمله قرار دهد . در آنجا کت و کشتار
خونینی صورت گرفت زیرا سربازان وفادار به دولت به سختی مقاومت میکردند . صدای
تلیک توپ‌هایی که کودتاچیان همراه آورده بودند ، در تمام تهران شنیده
می شد .

در این گرویدار بود که اعضا^۴ کابینه از نخست وزیر خواستار شدند که
ایستگاه خود را ترک نماید . صدق این پیشنهاد را رد کرده و میگفت " این
خانه ی ملت است و نباید آنرا ترک گفت . " بالاخره زمانیکه کودتاچیان در مغرب
گاه همانروز اداره رادیو را نیز اشغال کرده و هرگونه نظامی دیگر بی نتیجه بود
صدق به‌مراه مشاورین خود از روی پشت‌بام به منازل مجاور فرار نمود .

دو روز بعد نخست وزیر قانونی کشور خود را تسلیم مقامات پلیس نمود .
وی ابتدا توقیف و بعد هم دادگاهی شد . بعلت بیماری شدیدی که اثر آن به
خوبی در او دیده میشد ، وی به سه سال حبس مجبر محکوم و پس از طی ایمن
مدت در خانه خود زندانی گردید . محمد غلام صدق بدون شك بزرگترین سیاست
مدار ایرانی در قرن حاضر بوده و در تاریخ ۵ مارس ۱۹۶۷ به بیماری سرطان گلو
در گذشت .

با سقوط صدق در ۱۹ اوت ۱۹۵۳ بار دیگر دنیای سرمایه بی درد سر

شد. آنتونی ایدن *Anthony Eden* وزیر خارجه وقت دولت انگلیس در خاطرات خود مینویسد: "خبر سقوط صدق زمانی به من رسید که دوران رو به بهبودی خود را همراه همسر و پسر در دریای مدیترانه و بین جزایر یونان میگذرانیدم. من در آن شب به راحتی به خواب رفتم." (۶) البته يك سالی گذشت تا افرادی که سر نخ کودتا را در دست داشتند بالاخره سر تقسیم طعمه ای که بدست آورده بودند با یکدیگر کنار آمدند. "سرانجام در سپتامبر همان سال دولت آمریکا با شرکتهای نفتی کشور خود وارد مذاکرات شده و برای ایجاد مجمعی که سهام شرکت نفت ایران و انگلیس را خریداری نماید پافشاری نمود. این پیشنهاد نه تنها مورد اعتراض شرکتهای وابسته به کارتل قرارگرفت بلکه موج مخالفت وزارت خارجه را نیز برانگیخت زیرا که مقامات انگلیسی این عدول از خط مشی مشترک جهت وصول به هدف را حیل بر بی اعتنائی به منافع خود کرده و مصر به اجرا قرارهای قبلی بودند." (۷)

بهمان وضوحی که دعوا بر سر تقسیم طعمه صورت میگرفت بهمان نسبت نیز دولت آمریکا کوچکترین کوششی نمی نمود که نقش خود را در اجرای کودتای پنهان نماید. مثلا در روزنامه های آمریکائی اخباری از این قبیل دیده میشد: "یکی از پیروزیهای سی. آی. ا. کودتای موفقیت آمیز است که در تابستان ۱۹۵۳ در ایران صورت گرفت و به دوران حکومت مستبدانه صدق پایان بخشید و دوست کشور ما یعنی محمد رضا پهلوی را دوباره بر سرکار آورد." (۷)

درباره نفتی که سازمان جاسوسی آمریکا در این زمینه داشته است روزنامه نیویورک تایمز *New York Times* کوچکترین شك و تردیدی نداشته و می نویسد: "سی. آی. ا. نقش اساسی را در ساقط نمودن دولت صدق در ایران در ماه اوت ۱۹۵۳ بازی کرده است."

سرانجام بیست سال بعد دوتن از عمال سی. آی. ا. به نام ویکسور مارکی *Victor Marchetti* و جان د. مارکز *John D. Marks* در کتاب خود در باره عطیات مرموز سازمان جاسوسی آمریکا، اسرار را فاش کرده

و مینویسند : " در این ماه کارگزاران دیگری که شاید شهرت و معروفیت لانس دیل Lansdale را نداشتند فعالیت‌های مخفی در کشورهای دیگر انجام میدادند . مثلا کریت روزولت Kermit Roosevelt که از اعضای Oyster-Bay-Roosevelts بود پدر روحانی کودتای ۱۹۵۳ کسه سبب سقوط نخست وزیر ایران محمد مصدق شد ، میآید . " (۱۰) لیکن معتبر ترین سندی که اوضاع و احوال پس پرده این کودتا را برملا می سازد سندی که در تاریخ ۱۵ ژوئن ۱۹۶۱ در شماره ۷ روزنامه باختر امروز چاپ شده است . دکتر مزبور نامه ای است که ابوالقاسم امینی که در دوران کودتا وزیر دربار و بدین ترتیب یکی از نزدیکترین معتمدین شاه بوده نوشته است . این شخص برادر دیگر امینی است که در کابینه کودتای زاهدی پست وزارت دارائی را دارا بود و بعدها نیز سفیر ایران در آمریکا گردید . در این نامه می آید* " برای روشن شدن مطلب من باید یکی از اسرار عالیه دولتی را فاش کنم زیرا اگر غیر از باشد متأسفانه سری را به گور برده ام که دور از انصاف و جوان مری است . وقتی من در دربار بودم یکی از دروستان که ناشی را نمی بسرم و فعلا در اروپاست حامل پیامی از یکی سفرای دول بیگانه بود و نیز من آمد و عنوان کرد که آنها حاضر هستند پنج ملیون دلار برای مخارج و یادستمسزد به شرط اینکه اقامتی برای سرنگون کردن مصدق شود به پردازند و عقیده دارند که این کار باید وسیله برادر شما سرتیپ محمود امینی که رئیس زانداربری وقت بود انجام شود . من عنوان کردم تصور نمیکنم سرتیپ محمود امینی این وظیفه را تعهد کند . او اصرار کرد که با مشارالیه صحبت شود زیرا باید جواب طرفی داده شود . من با سرتیپ امینی مذاکره کردم و ایشان رد کرد خلاصه جریان بمدی را همه میدانند و امروز دیگر مطلبی نیست که بر کسی نهفته باشد و منجر به سقوط مصدق شد . من هم پس از حبس سیاسی به تمعید به رم آمدم تا زمانیکه دکتر امینی به سمت سفیر ایران در آمریکا منصوب

* نقل از اصل منبع ، باختر امروز شماره ۷ مورخ ۲۵ خرداد ۱۳۴۰ - مترجم .

شد و در عبور از رم دیداری دست داد و ضمن بحث از جریان من اشاره به این مطلب کردم. ایشان گفت پنج ملیون دلار را پرداختند و من از ترس اینکه لوطی خور نشود فوراً به خزانه دولت ریختم و بعد نخست وزیر وقت زاهدی از من پرسید پنج ملیون دلار چه شد؟ گفتم به خزانه رفته است. ایشان فشار آورد که این مربوط به خزانه دولت نبوده است. من ناچار شدم سه پرداخت کننده مراجعه کردم. آنها دو ملیون دیگر دادند که به آقای زاهدی تحویل شد.

این حقایق دال بر این واقعیت هستند که کودتای علیه دولت مصدق همچون دزدی دریائی بوده که مخارج آنرا خارجیان پرداخته اند و حداکثر قابل مقایسه با توطئه ای است که سی. آی. ا. و کارتل های جهانی و نظامیان فاشیست در دسامبر ۱۹۷۲ در نیلی به کار بستند. با وجود همه این اوصاف شاه از نوشتن سطور زیر پرهیز نکرده است. مردم کشور ما هر سال در ۲۸ مرداد بیاد روز سقوط مصدق و شکست نیروهای بیگانه که نزدیک بود چراغ استقلال سلطت را خاموش کند جشن بگیرد و من آرزو مندم که درس عبرتی را که آن روز تاریخی به مردم ایران داد هرگز فراموش نکنیم. (۱۱)

صد ها هزار ایرانی که هر یک به نحوی با سازمان جاسوسی شاه سروکار داشته اند، مطمئناً هرگز فراموش نخواهند کرد که این روز دارای چه اهمیتی می باشد زیرا روزی است که ساواک به وجود آمد.

فصل دوم

پهنه فعالیت‌های ساواک
تشکیلات و میزان قدرت سازمان امنیت و اطلاعات کشور

س. آی. ا. از طریق کودتای اوت ۱۹۵۳ بار دیگر شاه را بر سر کار آورده و برای حفظ و استقرار قدرتی که وی مجدداً بازپایه بود، با تشکیل سازمان امنیت و اطلاعات کشور یعنی ساواک موافقت نمود.

امروزه این سازمان که در سال ۱۹۵۶ به کمک اعوان و انصار س. آی. ا. به وجود آمده و به مرور زمان بوسیله سازمان جاسوسی اسرائیل به نام موساد MOSSAD نیز تعلیم و تربیت یافته است حد اقل دارای پنجاه هزار جاسوس می‌باشد که در رشته خود شهرتی به سزا دارا هستند. بقول مجله آمریکائی نیوزویک (۱۲) "سرجاسوسان کشورهای غربی برای عطیات جاسوسی عمال ساواک و رد و بدل اطلاعات و اخبار در خاورمیانه و به ویژه در منطقه خلیج فارس، مصر و لبنان نمرات خوبی به آنها اعطا می‌کنند."

حدود و فعالیت‌های سازمان جاسوسی ایران ولی تنها منحصر به کشورهای مجاور و همسایه نمی‌شود. عطیات جاسوسی این سازمان در اروپا نیز (و در این مورد به تفضیل سخن خواهد رفت) گسترش یافته و مخصوص سراسر کشور ایران را تحت سلطه خود دارد. از جمله کنترل گذرنامه تشکیلات پلیس و امور زندانها که بنا بر اطلاعات مجمع عفو بین‌المللی Amnesty International در حدود چهل هزار زندانی سیاسی در آنها محبوس هستند تحت نظر ساواک می‌باشند. همچنین برنامه‌های موسوم به گروههای تکاملی از قبیل بهرانت، فرهنگ، مبارزه با بیسوادی و بالاخره ارتش نیز در دست ساواک است.

بطور خلاصه ساواک در همه جا حاضر است. در هر وزارتخانه ای حداقل یکی از ماژوران ساواک به عنوان معاون به کار اشتغال داشته و در هر بخشی یکی از جاسوسان تربیت یافته این سازمان مستقر می‌باشد. انبوه خبرچینان ساواک نیز که شتعلق به طبقات و اقشار مادون جامعه می‌باشند، در هتل‌ها و کافه‌های خیابانی برای ساواک انجام خدمت می‌نمایند. عده زیادی از آنها حتی بطور مجانی این کار را انجام داده و تنها مزدی که دریافت می‌دارند عبارت از این است که "در هر حال به ضرر تو نخواهد بود." جاسوسان کشورهای غربی با حسرت بسیار باید اذعان کنند که ساواک "کاملاً پراثر و ارزان کار میکند." (۱۲)

به این ترتیب امکان اینکه سازمان امنیت تقریباً سطله تمام جانبه خود را بر کشور گسترش دهد وجود دارد. "در حقیقت ساواک قوای مقننه و قضائی را به طور کامل تحت کنترل خود در آورده است. نه تنها شهرزنده‌های معمولی بلکه حتی وزرا و نمایندگان مجلس و قضات تحت نظر این سازمان جاسوسی و تروریستی می‌باشند." (۱۳)

نقض و تسلط تام سازمان امنیت تنها با توجه به اوضاع زمان تا میس آن قابل فهم است. این سازمان حاصل و نتیجه منطقی کودتائی است که توسط سی. آی. ای. ۱. نقشه ریزی و با کمک عمال آن علیه حکومت صمدی اجرا گردید. تا سال ۱۹۵۸ سازمان امنیت شاه تنها به دو بخش که کمابیش از یکدیگر نیز مستقل بودند تقسیم میشد که یکی تحت نظر پلیس و دیگری در دست ارتش قرار داشت. بخش پلیس موسوم به کارآگاهی و در درجه اول مواظب امور سیاسی داخل کشور از جمله احزاب، سندیگاهای کارگری، مطبوعات و افراد صاحب نفوذ سیاسی بود. بخش دیگر که در دست ارتش قرار داشته و رکن دو ناحیه میشد، اطلاعات و اخبار منبوط به شتعلقین ارتش را جمع آوری میکرد. در واقع این سی. آی. ای. ۱. بود که بلافاصله پس از کودتای سال ۱۹۵۳ به‌شابه محرک برنامه ای عظیم برای شتنگل کردن مجدد و مدرنیزه ساختن و تجدید تسلیح سازمان امنیت طرح نمود.

تجارب آمریکائی‌ها در این زمینه حاصل دوران اوجگیری نهضت‌های انقلابی

در ایران بود که سرانجام ضجر به ملی کردن صنعت نفت در سال ۱۹۵۱ گردیدند . سازمان جاسوسی آمریکا برای حفظ منافع اقتصادی شرکت‌های نفت آمریکا حتی در آن زمان نیز با دارودسته شاه و سایر خاندانهای ثروتمند ایران همکاری کرده بود . ساواک رسماً در سال ۱۹۵۲ تأسیس گردید ، به این ترتیب که دولت ایران در این زمان لایحه‌ی مربوط به تأسیس ساواک را تقویم مجلس نمود . این لایحه از طرف نمایندگان که مستقیماً بوسیله شاه به کار گذاشته شده بودند بدون چون و چسرا تصویب گردید . بدین ترتیب آنچه از ماه‌ها پیش به راه افتاده بود ، یعنی تغییر تشکیلات سازمانهای گوناگون جاسوسی و ایجاد یک فرماندهی واحد ، اینک نیز شکل قانونی به خود گرفت . حال چه اهمیتی این فرماندهی جدید دارا میبود از این واقعیت بر میخیزد که رئیس این تشکیلات جدید عنوان معاون نخست وزیر را در کابینه دولت دریافت مداشت .

از این زمان به بعد ساواک روز بروز وسعت پیدا کرده و تبدیل به آن سازمانی شد که امروز تقریباً قدرت نامحدودی دارا میباشد . پدر تعمیدی این سازمان غول آسائی طلسم آمریکائی بود . ساواک نه تنها بوسیله سی . آی . ا . ساخته شد ، بلکه اداره نیز میگردد . علاوه بر این ساواک در قلب فردی جای بخصوص گرفته بود که قدرت این را داشت که تصمیماتی از این قبیل را در ایالات متحده آمریکا پیاده کند . این فرد رئیس اسبق سازمان جاسوسی آمریکا یعنی آلن دالس *Allan Dulles* بود که از دوستان شرکت‌های آمریکائی بشمار رفته و همواره حاضر بود منافع آنها را در هر نقطه جهان حتی با اعمال زور به کرسی به نشاند . بدین ترتیب می بینیم که جلوه دیگری از این پیوستگی مرگ آور این است که در سال ۱۹۷۵ ریچارد هلمز *Richard Helms* رئیس وقت سازمان جاسوسی آمریکا که به خاطر اختفاحات این سازمان با مشکلاتی گریبانگیر بود ، شغل جاسوسی خود را بدون وقفه زمانی با سمت سفیر آمریکا در ایران تمویض مینماید .

پس از تأسیس ساواک قدرت دیگری پا به عرصه ظهور گذارده و براساس منافع فوق العاده حیاتی خود به یاری و مساعدت ساواک پرداخت . این سازمان تشکیلات جاسوسی اسرائیل موسوم به موساد میباشد . عمال و جاسوسان این سازمان به

تربیت و آموزش ما، موران ساواک پرداختند و این امر نمایانگر دید دراز مدت اسرائیلی ها مانند، زیرا امروزه آنها قسمت اعظم اطلاعات و اخبار جاسوسی خود را درباره کشورهای عربی که بین ایران و اسرائیل قرار دارند به ویژه عراق، سوریه و جمهوری توده ای یمن از ساواک دریافت میکنند.

ولی با همه همکاریهای ظاهرا مرتب و هماهنگی که بین سازمان اضیت و دیگر سازمانهای خارجی که حکم ابویت تعمیدی بر او دارند، صورت میگیرند، ارکان این سازمان به کرات به علل بحرانهای داخلی به لرزه درآمده است. ایسمن بحرانیها بلافاصله پس از انتصاب اولین رئیس سازمان اضیت یعنی سرتیب تسیمور بختیار که شهرتی مخوف داشته و اپوزیسیون ایران او را با آدلف ایشمان قاتل پشت میز نشین نازی ها مقایسه میکند، شروع شدند. این گنجه را بختیار و بخصوص بین سالهای ۱۹۴۴ و ۱۹۴۶ بدست آورد. یعنی هنگامی که با درجه سرگردی در راس گروهی به سرکوبی جنبش انقلابی آذربایجان پرداخته و در پس جبهه به کشت و کشتار وحشتناک شورشیان دست زد. وی پس از بازگشت به تهران به درجه سرهنگی نائل گشته و چند سال بعد نیز با درجه سرتیپسی ارتش ایران و در سمت فرمانده تیپ زره پوش غرب، نقش مهمی در کودتای نظامی سی. آی. ا. که شاه را در ماه اوت ۱۹۵۳ دوباره بر سر کار آورد، بازی نمود. خدمات مشکوک او در هر حال کافی بودند که وی به سمت فرماندار نظامی تهران منصوب گردد. یعنی پستی که تقریبا دارای قدرتی نامحدود میباشد. او نیز از این قدرت نهایت استفاده را نمود. در طی این مدت است که تهران خونین ترین دوران تاریخ خود را دیده است. دهها هزار ایرانی مخالف دستگاه پسا سوابق مختلف سیاسی و تعلقات گوناگون نظری در زندانها و بازداشتگاهها محبوس شده و تعداد زیادی از آنها به قتل رسیده و تعداد بیشتری نیز بدون کوچکترین اثری مفقود گشتند.

این گونه فعالیتها بودند که بختیار را نامرتب بلامانع شغل ریاست ساواک نمودند. در این مقام بود که وی قدرتی بیش از حد یافت. در سالهای متعاقب بین او و شاه اختلاف عقیده و دشمنی آشکارا ظاهر شد که ضجر به درگیریهای خونینی در تهران و دیگر شهرستانها گردید. سرتیب بختیار نه تنها ریاست تشکیلات

بهر قدرت کشور را در دست داشت بلکه از اعضای یکی از قبایل ایران نیز بود. وی روابط نزدیکی نیز با الیکارنسی قبایل و ملاها داشته و با استفاده از این بستگی‌ها اصلاحات ارضی شاه را بهانه نموده و دارورسته ثروتمند کشور را علیه شاه برانگیخت. لیکن از آنجا که شاه هنوز دارای قدرت بیشتری بود، رئیس سازمان امنیت خود را به اروپا تبعید نمود.

بختیار ولی هنوز تسلیم نشده و در سوئیس به دوز وکلک علیه شاه ادامه داد و حتی موفق شد دامنه فعالیت‌های خود را به کشورهای همسایه ایران نیز گسترش دهد: "این نیتخند تاریخ است که ساواک یعنی سازمانی که به وسیله بختیار به وجود آمد، در این دوره بزرگترین مانع او در راه وصول به قدرت بود. پس از تصادفات طولانی و بیکیفر و آشکارا و نهان بین ساواک و رئیس سابق آن که انسان را به یاد فیلم‌های جیمز بوندی میاندازد بالاخره بختیار به دست آجودان انگلیسی خود که توسط ساواک خریداری شده بود و دیگر خدمتگزارانش محاصره گشته و به قتل رسید." (۱۴)

رئیس بعدی ساواک سرلشکر پاکروان - سفیر بعدی ایران در فرانسه - بود. رئیس جدید فردی بود که در دست آمریکائی‌ها به عنوان شخص جنگ‌های روانی تربیت یافته بود و این امر از این پس اثر خود را در طرز کار ساواک باقی گذارد. در دوران ریاست پاکروان شنکجه‌های بدنی تا حدود زیادی جای خود را به فشار و شکجه روحی دادند. از جمله جعل اقرار شواهد، سیمه اندازی بین زندانیان، تهدید اعضا خانواده مخالفین رژیم و روشهای مشابه که در قورخانه سازمان امنیت معمول شدند. البته این گونه روشها سبب اختلاف نظر در سلسله مراتب ساواک گردیدند. هویزه رؤسای جاسوسی که سالها در این زمینه خدمت کرده بودند، اعتقاد براین داشتند که این روشها برای حفظ شاه بر سر قدرت کافی نیستند. سر دسته این گروه سرلشکر نصیری یعنی یکی از دوستان نزدیک شاه و از حامین اصلی اقدامات نظامی در کودتای اوت ۱۹۵۲ بود.

همین روابط دوستانه بودند که سرانجام شاه را بر آن داشتند که طرف

شی شدیدتر را گرفته و نصیری را به ریاست ساواک منصوب سازد. حداقل ازین زمان است که نصیری در زمره ی خفوزترین افراد در ایران بشمار میآید. درباره وی گفته میشود که شخصی است جبار، سادیسیت و رشوه خوار. در ظرف چند سال حسابهای بانکی او چه در داخل و چه در خارج از ایران بالغ بر هالفی در حدود میلیونها (اکترا به دولار) شده اند. البته این امر چندان قابل تعجب نیست زیرا ساواک هالف هنگفت و نامحدودی در اختیار دارد. رئیس ساواک تنها باج سبیل از داخل و خارج دریافت نمیکند. وی تنها کسی است که کما بیش اطلاع دقیق در باره بودجه دوایر ساواک دارد. بدین ترتیب امکانات فراوانی برای او وجود دارند که مقادیر هنگفتی به حسابهای خصوصی خسود واریز نماید. تا چه حد این جنگلی که رؤسای ساواک ثروت خود را از آن بهره میکشند تیره و تار است از انتشاراتی بر میآید که در باره تعداد همکاریان ساواک نوشته شده و در اختیار ما میباشند. مثلا روزنامه اطلاعات ارگان نیمه رسمی دولت در سال ۱۹۷۵ تعداد افراد ساواک را حدود سه هزار نفر ذکر میکند. لیکن مجله آمریکائی نیوزویک براین عقیده است که بین سی تا شست هزار نفر مرتبا برای ساواک کار میکنند. ولی این عده فقط پایه دم و دستگاهی را تشکیل میدهند که در حقیقت خیلی وسعتر میباشند. از گزارشات دیپلماتها بر میآید که در حدود سه میلیون ایرانی (یعنی يك ما مور ساواک برای هشت نفر ایرانی) برای ساواک خبرچینی میکنند. محل کار اینان هتلها، تاکسی ها، مدارس، نمایندگیهای دول و شرکهای خارجی، کارخانه ها، ادارات، مطب پزشکان، حتی خوابگاهها و رستورانهای سلف سرویس که دانشجویان ایرانی در طول زمان تحصیل خود در خارج در آنجا زندگی و تغذیه میکنند، میباشند. (۱۵)

همانگونه که تعداد ما موران ساواک ناروشن است بودجه این سازمان نیز نامعلوم میباشد. بودجه ساواک رسما از طرف دولت بر سال ۱۹۷۲/۷۳ بالغ بر ۱۷/۹ میلیارد ریال (برابر با ۲۵۵ میلیون دولار) و در سال ۱۹۷۳/۷۴ بالغ بر ۲۲ میلیارد ریال (برابر با ۳۱۰ میلیون دولار) اعلام گردید. با اینکه از آن تاریخ به بعد دیگر بودجه ساواک اعلام نشده است،

میتوان از این نقطه نظر حرکت کرد که بودجه سازمان مزبور از آن زمان تاکنون به علت بحرانی تر شدن اوضاع سیاسی در ایران نه تنها به مقدار زیادی افزایش یافته بلکه جالبی که این سازمان همواره در اختیار داشته است، بسی بیشتر از آن بوده که منتشر شده است.

فقط هنگامی میتوانیم تصویری از این داشته باشیم که این پول ها چگونه تسویه حساب میشوند که بدانیم بخش بزرگی از ما موران ساواک افسران ارتش و با افراد شخصی هستند که دارای گذشته ای جنائی میباشند. این افراد از طریق روابط خود با ساواک نه تنها در در هم شکستن قوانین موجود آزاد هستند بلکه زمینه مساعدی برای آن فساد و ارتشا فراهم میآورند که در مورد ساواک دیگر ضرب المثل شده است.

از يك سو تسلط بر دستگاههای جاسوسی که در سراسر کشور پخش شده اند و از سوی دیگر در اختیار داشتن مقادیر نامحدودی پول این امر را ممکن ساخته است که نصیری به عنوان رئیس ساواک نه تنها به حل و فصل امور امنیتی اشتغال داشته بلکه نفوذ سیاسی زیادی نیز در داخل و خارج از کشور داشته باشد. در ایران به کرات پیش میآید که اعضا دولت تصحیبات خود را نقض میکنند زیرا که ظاهراً با نظرات امنیتی ساواک در تضاد میباشد.

البته قدرت ساواک کاملاً هم نامحدود نیست. برای شاه مبارزه علیه اولین رئیس سازمان امنیت یعنی بختیار درس خوبی بود که از این پس موقعیت خود را چند طرفه محکم نماید. این امر در درجه اول برعهده بازرسی ویژه سلطنتی میباشد که کارکنان آن نه تنها تمام ادارات و مقامات دولتی بلکه حتی سازمان امنیت را نیز تحت کنترل خود دارند. قسمت عده وظیفه حفاظت شاه در مقابل سازمان جاسوسی خودش برعهده دفتر ویژه او میباشد که ۴۵ نفر در آن بکار مشغولند. اینان همگی از سرهنگان گارد ویژه شاه میباشند. رئیس کنونی این دفتر ژنرال فرد وست است که ۵۶ سال داشته و مورد اعتماد خاص شخص شاه میباشد. فرد وست به فرمان پدرشاه و پایگذار سلسله پهلوی همراه شاه کوزی در مدرسه اختصاصی رزی Rosey در سوئیس بوده و از دوستان دوران

جوانی شاه بشمار می‌رود .

نقش ژنرال فرد وست در جهت حفظ قدرت شاه هنگامی روشن تر میگردد که هرم پیچیده‌ی قدرت را در ایران نزدیک تر مود تدقیق قرار دهیم . بر این چارچوب ارتش از اهمیتی زیاد برخوردار است و تعداد سربازان زیر پرچم (با احتساب نیروی دریائی و هوائی) بالغ بر ۳۲۰ هزار نفر میباشد . البته فرماندهی این ارتش که رهبری آن همواره از گروه افسران انتصاب میگردد توسط ساواک کنترل میشود . با وجود این ، گارد مخصوص سلطنتی که فرماندهی آن با شخص شاه است ، به عنوان وزنه مخالف و آخرین حفاظت سنگر پشت سر وجود دارد . این گارد دارای ۸۰ هزار سرباز مسلح به انواع اسلحه بوده و برای کسب هر چه بیشتر تجارب جنگی ، افراد آن مرتباً در جنگهای چریکی که در کشور سلطنتی عمان (که از دوستان رژیم ایران بشمار می‌رود) صورت میگیرند به کار گماشته میشوند تا علیه جنگ نجات بخش منطقه ای ظفار دست به عملیات نظامی به زنند . در زامس این گروه برگزیده ژنرال فرد وست قرار دارد . وی تنها فردی است که اصل سلطه را که قدرت شاه توسط آن حفظ میشود در واقع درهم شکسته است . زیرا : " اساس این اصل عبارت از این است که بهترین مقامات به افرادی سپرده شوند که بین ایشان دشمنی برقرار بوده و یا حداقل روابط حسنه موجود نیست . تعویض ناکهانی از يك مقام پرنفوذ به پستی تقریباً بدون اهمیت و یا ترقی ناکهانی از حقیض به اوج ، بهیچ کس امکان اینک ادعا نماید ، تنها او است که قادر است ما* موریت معینی را انجام داد ، و یا خدمات بسیار مهمی را به اتمام رساند ، داده نمی شود . " (۱۶)

ساختمان و تقسیمات ساواک *

ساواک در شکل اصلی خود از سه بخش تشکیل میشود (۱۷)

۱ - ادارات کل که در جمیع امور تشکیلاتی و هماهنگسازی شعبات خارج از کشور

* این قسمت تا حدود امکان توسط مترجم تکمیل شده است .

- ۴ - اداره امور مربوط به عراق
- ۵ - اداره امور مربوط به یمن

اداره گل سوم *

این اداره که به "مرکز دفاع" نیز موسوم است در واقع مهترین بخش ساواک بشمار میآید و به شش دفتر و یک دبیرخانه تقسیم می گردد:

دفتر اول

این دفتر دارای شش اداره و یک دایره مخصوص میباشد که مهترین آنها عبارت زیر هستند:

- ۱ - اداره امور مربوط به حزب توده
- ۲ - اداره امور مربوط به جبهه ملی
- ۳ - اداره امور مربوط به دانشجویان خارج از کشور

دفتر دوم

- ۱ - اداره مطبوعات
- ۲ - اداره امور مربوط به قبایل
- ۳ - اداره امور مربوط به احزاب و شخصیتها (منظور طرفداران دولت می باشند)

۴ - اداره امور مربوط به کارگران و دهقانان

۵ - اداره مدارس و دانشگاهها

۶ - اداره نارضایتی های عمومی

۷ - اداره مجلس سنا و وزارتخانهها

دفتر سوم

۱ - بخش اقامه ادله

۲ - اداره تصفیه

۳ - بخش امور مالی

ذیصلاح بوده و وزارت امور خارجه و به هيات ديگر تمام نمايندگي‌هاي سياسي کشور را زير نظر دارند .

۲- ساواک تهران

۳- ساواک ديگر شهرستانهاي کشور

در مجموع ۹ اداره کل وجود دارد که بر حسب تکاليف خود به نحو زير تقسيم شده‌اند:

اداره کل یکم

اين اداره مسئول تنظيم رهبري و کنترل جميع عمليات سري ساواک بوده

و شامل دواير زيرميانند:

۱- اداره کادرها

۲- اداره تشريفات

۳- اداره روابط و مکاتبات

۴- اداره بودجه فعاليت‌هاي سري

۵- اداره مشاوران

۶- اداره بازرسي

۷- ريهرخانه

۸- اداره روابط با کشورهای آمريکا و انگلستان (اين اداره خودداري

بخش‌هاي الف و ب ميانشند) .

۹- اداره اطلاعات در باره خارجيان

۱۰- اداره تعليم و تربيت

اداره کل دوم

۱- اداره کسب اطلاعات در خارج

۲- اداره امور مربوط به کمونيسم جهاني

۳- اداره امور مربوط به افغانستان

۴ - بخش امور قضائی

بخش‌های مستقل

۱ - بخش امور نظامی

۲ - بخش امور قضائی

۳ - دارالترجمه

۴ - بخش امور مالی

دبیرخانه

دبیرخانه مسئول بودجه فعالیت‌های سری می‌باشد.

اداره کل چهارم

این اداره مسئول امنیت و حفظ عمال ساواک و به عبارت دیگر مسئول تحت نظر داشتن امور داخلی یعنی اطلاعات و اخبار در باره جاسوسان ساواک می‌باشد.

اداره کل پنجم

این اداره مسئولیت امور فنی و چاپخانه فیلم و بخش عکاسی و استماع مخفیانه مذاکرات تلفنی و اموری از این قبیل را به عهده دارد.

اداره کل ششم

این اداره مسئول امور اداری عمومی ساواک می‌باشد.

اداره کل هفتم

این اداره مسئولیت بازرسی و هماهنگی جمیع اطلاعات وارده از داخل و خارج از کشور را به عهده داشته و بخش‌های زیر را تحت نظر دارد.
الف) بخش امور مربوط به پیمان سنتو پیمان سه طرفه بین کشورهای ایران

ترکیه و اسرائیل و پیمان های دوطرفه بین کشورهای ایران و پاکستان و ایران و ترکیه .

ب) بخش رد و بدل اطلاعات و همکاری با سازمانهای جاسوسی اسرائیل، آمریکا، انگلستان، آلمان فدرال، فرانسه، ایتالیا، ترکیه، پاکستان، اردن و عربستان سعودی. هر یک از این کشورها یکی از عمال جاسوس خود را که با ساواک در رابطه است در سفارت خود در ایران مستقر نموده است.

اداره گل هنتم

این اداره شامل بخش ضد جاسوسی بوده و در ضمن مسئول کنترل نمایندگی های سیاسی ایران در خارج میباشد.

اداره گل نهم

- ۱ - بخش گذرنامه
- ۲ - اداره جمع آوری اطلاعات در باره تک تک افراد

ساواک تهران

برای کنترل پایتخت کشور، ساواک تشکیلات جداگانه ای به وجود آورده است که از نظر جغرافیایی به چهار بخش مسئول شمال غربی، شمال شرقی، جنوب غربی و مرکز تهران تقسیم میشوند. بخش مرکزی شامل واحدهای زیر می باشد:

- ۱ - بخش مربوط به جبهه ملی
- ۲ - بخش مربوط به حزب توده
- ۳ - بخش مربوط به سازمانهای دولتی
- ۴ - بخش امور کارگران

۵ - بخش امور مربوط به دانشگاه های تهران

۶ - بخش با زار

ساواک استانیهای ایران

برای تحت نظر داشتن استانها، ساواک شبکه شراکی از شمبات و مراکز خود را در شهرها ایجاد کرده است. در جوار این ادارات ساواک در شهرها نیز سپاهیهایی از قبیل سپاه دانش، سپاه بهداشت و سپاه دادرسی در دهات وجود دارند. این "سپاه" ها "امور اجرای برنامه های خاص" مثلا مبارزه با بیسوادی (بوده و وسیله ساواک رهبری میشوند.

این امر در مورد "سندیکا های کارگری" نیز که توسط ساواک تاسیس شده و موظف هستند که کارگران را تحت نظر داشته و تربیت نمایند، صدق میکند. خبر کوتاه و موجز زیر در روزنامه فرانکفورتر آلگماینه تسایتسینگ *Frankfurter Allgemeine Zeitung* مورخ ۱۴ اوت ۱۹۷۱ چاپ شده است:

"تهران - ۱۳ اوت (آ.ا.ف.پ.) در آتیه مجازات های شدیدتری مخصا لفین رژیم را که دارای اسلحه و مواد منفجره بوده و یا نهیفت های اشتراکی در داخل و یا خارج از کشور تشکیل دهند، نهیدید میکند. بنا بر تغییراتی که در قوانین نظامی ایران صورت گرفته است ضمیمین مورد اول باید با مجازات اعدام و ضمیمین مورد دوم با مجازات حبس ابد حساب کنند. طبق اخبار خدرج در روزنامه های ایران از این پس ایرانیانی که در داخل و یا خارج از کشور دارای ایدئولوژی اشتراکی بوده و یا بر ضد رژیم سلطنت استوار بر قانون اساسی اقدام کرده و یا با نهیفت های مشابه همکاری داشته باشند، طبق قوانین نظامی به حبس ابد محکوم خواهند شد."

این خبر را میتوان فقط بدین نحو تفسیر کرد: قوانین مزبور که تاکنون سالها بود که فشار وحشیانه ی رژیم را علیه مخالفین عملا مجاز جلوه میدادند اینک شدید تر شده اند. خبر زیر که کاملا تصادفی از آزانس مطبوعاتی اتریش

Austria Presse Agentur مورخ اول ژوئیه ۱۹۷۶ اخذ شده
 چگونگی زندگانی روزانه تحت فشار را در ایران بازگو میکند:
 ° تهران - (آ. اف. پ.) در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه
 چهار تروریست در خیابانهای تهران کشته شده اند. در گوروارها نیکه
 با افراد پلیس دست داده چهار نفر از مردم عادی و یک پاسبان مجروح
 گردیدند. این خبر از منابع رسمی پخش شده است. در قطعنامه ای که روز
 پنجشنبه در مطبوعات تهران منتشر شده ذکر میشود که " تروریست ها " در
 چهار نقطه مختلف تهران به قتل رسیده اند. گفته میشود هنگامیکه افراد پلیس
 قصد دستگیری آنان را داشته اند، افراد مزبور بدوا به طرف مأموران پلیس
 تیراندازی کرده اند. بدین ترتیب افرادی که از آغاز شروع عملیات ضد خرابکاری
 یعنی از ابتدا، اسامی تاکنون به قتل رسیده اند، بالغ بر ۵۳ نفر می شود.
 واقعیت این تراژدی خونین - که میزان آن با احتیاط حدس زده
 شده - از گزارشی که در ۲۸ ماه مه ۱۹۷۶ در ژنو منتشر شده است برمیآید:
 ° از سال ۱۹۷۱ تاکنون ۷۵ نفر در ایران بعنوان مخالفین رژیم
 اعدام و ۵۵ نفر به حبس ابد محکوم شده اند. ۲۳ زندانی دیگر مشمول
 محکومیهائی بین ۱۰ تا ۱۵ سال کشته اند. در زند و خورد هائی که
 هنگام دستگیری افراد با مأموران پلیس صورت گرفته ۵ نفر کشته و ۹ نفر دیگر
 ظاهرا در حین فرار به قتل رسیده اند. ۱۶ زندانی سیاسی در زیر شکنجه
 مرده اند.

هر وقت و به هر ترتیب که در ایران خون مخالفین شاه جاری شده
 همواره دستور دهنده و اجرا کننده آن ساواک بوده است. این مطلب از طرف
 ویلیام ج. بانلر *William J. Butler* رئیس کمیسیون بین المللی حقوق
 بشر و حقوقدان نیویورکی و پروفیسور ژرژ لواسیه *Georg Levassier*
 استاد دانشگاه پاریس که هر دو از طرف آی. جی. کی^۱ در این زمینه
 تحقیقاتی کرده اند، تأیید میشود. این دو نفر تأکید میکنند که ساواک از
 سال ۱۹۷۵ با کسب اجازه از شاه وظیفه دارد تمام افرادی را دستگیر کند

که به علت " فعالیت‌های توطئه آمیز علیه منافع عمومی " مورد سؤاظر می باشند. ولی ساواک فقط به دستگیری اینگونه افراد قناعت نمی‌کند بلکه در عین حال برای اخذ اقرار لازم کوشش کرد. و داوری در دادگاه را نیز خود به عهده می‌گیرد. این افسران ساواک هستند که در جلسات دادگاه علیه زندانیان سیاسی خود نقش قضات نظامی را بازی می‌کنند. نتیجه گزارش سازمان آی. جی. کی. اینست که " با این ترتیب دوران طولانی زندانی بودن افراد مظنون قانونی جلوه داده می‌شود. "

" از این گذشته ساواک می‌تواند علیه افراد نامطلوب و خانواده‌های آنها مجازاتهای اقتصادی نیز اجرا نماید. از جمله می‌توان از عدم پرداخت مزد آنها اسم برد. " (۱۹)

با ذکر این واقعیت‌ها بطور اختصار روشن می‌شود که چه نقشی ساواک در ایران بازی می‌کند. عملیات جاسوسی و سری وسائل هستند که به کمک آنها شاه هر اریکه قدرت نگهداشته می‌شود. فقط با این تفاوت که میزان زورگویی و فشار خیلی شدید تر از آنست که ما در مورد سازمانهای جاسوسی رژیم‌های دیکتاتوری در شرق و با غرب می‌شناسیم. بدون ساواک - و این ادعا را می‌توان با خیال و وجدانی راحت نمود. - شاه هیچ گاه نمی‌توانست بر سر قدرت باشد. زیرا که ارکان رژیم او امروزه بیش از حد به لیزه درآمده است. ملت ایران بیش از اندازه از حاکم خود ناراضی هستند. سرچشمه این نارضایتی عمومی در کجاست؟ این سئوالی است که حقایق زیر بدان پاسخ می‌دهند: ۲۳٪ کودکان نوزاد در ایران در سنین طفولیت بحالت عدم تغذیه کافی و با عدم رسیدگی بهداشتی از بین می‌روند. حد متوسط عمر در ایران ۳۸ سال می‌باشد و دلیل آن اینست که برای بیش از ۳۰ میلیون ایرانی تنها ۷۵۰ بیمارستان وجود دارد که بیش از نیمی از آنها در تهران می‌باشند.

علاوه بر این ۷۰٪ مردم هنوز بیسوادند. یک کارگر صنعتی ماهر که دارای یک خانواده متوسط پنج نفری می‌باشد در ماه در حدود ۱۸۵ تا ۱۹۰

مارك در میآورد. ۴۰ خانواده های ایرانی در خانه های يك اطاق زندگی میکنند. مع الوصف اجاره خانه قسمت اعظم درآمد ماهیانه يك کارگر را می بلعد، یعنی بخوبی میتوان گفت ۱۵۰ مارك آنرا .

در سالك غریب افراد زیادی هستند که تم بهلت ارتجاعي بود نشان بلکه بهلت عدم اطلاعات کافی، معتقدند که در درجه اول رؤسای قبایل و اربابان فتودالی علیه شاه دست به مقاومت میزنند که ظاهراً قربانی " انقلاب سفید " سرتا با اجتماعی شاه میباشند .

این " انقلاب سفید " از شخصات سیاست شاه است . زیرا از صده سز این " انقلاب " هم بورژوازی طی و هم توده مردم فقیر آنچه را که داشتند، باخته اند با این تفاوت که فقرا خیلی بیشتر از اعیان " انقلاب سفید " در حقیقت چیز دیگری نبود جز حراج ایران به کارتل های جهانی و منافع سرمایه که شاه نیز با آن سروسر دارد .

این انقلاب به اصطلاح سفید و بیخ از همه مرکز نقل آن یعنی اصلاحات ارضی چیزی نبود جز تخمیراتی در سامانه اجتماعی که خواست آمریکائی ها را که فقط درین شود هر بیشترند ارضا" میکند . در این رهگذر شاه فقط پسندی را حلقه گوش خود کرده بود که وزیر امور خارجه آمریکا جان فاستر دالس *John Foster Dulles* (برادر آلن دالس رئیس سابق سی. آی. ا) به او داده بود . یعنی پول حاصل از فروش زمین های خود را در معاملات که سود بیشتری عاید میکند، مثل کارخانه ها، بانک ها و شرکت های کشتیرانی نهفته و از این طریق صرفنظر از اینکه مطمئناً نفع بیشتری به دست میآورد، زمین هایش را نیز از چنگ دهقانان انقلابی نجات میدهد. (۲۰)

اصلاحات ارضی هرگز بدین معنی نبود که زمین های فتودال ها غصب شده و به رعایای ایشان هدیه شوند . این امر تنها به این دلیل ممکن و میر نبود که خود شاه بزرگترین زمین دار کشور محسوب میشد و دارای بیش از دوهزار ده و همین اندازه چراگاه بود . اصل مسئله از این قرار است: وزارت کشاورزی بانکی تا سهیم نمود که زمین ها را برای تقسیم، به اقساط

ده ساله از زمین داران بزرگ خریداری کرده و پس از کشیدن ۱۰ درصد سود آنها را به رعایا میفروخت. البته با این قرار که کشاورزان بدهی خود را به اقساط سالانه و طول مدتی تا ۱۰ سال به پردازند. لیکن شرایط پرداخت اقساط و طول مدت بودن قروض دهقانان را ناپود کرد به طوری که اغلب مواقع چیزی جز یک پنجم محصول از زمین نصیب ایشان نمیداد.

از این گذشته تنها ۱۰ تا ۲۰ درصد زمین های قابل کشت آنهم تازه از نامرغوب ترین آنها بین دهقانان تقسیم شدند. این است ماهیت عملکرد پند دوم از ماده دوم قانون اصلاحات ارضی که در آن آمده است: "در سراسر کشور مالکیت یک فرد بر زمین به یک ده محدود میشود. صاحبان دهات بسیار اجازه دارند فقط یکی از آنها را برای خود انتخاب نمایند. دهات دیگر طبق مواد قانونی تقسیم خواهند شد. باغات میوه، مزارع چسای و تمام زمینهایی که زیر کشت بطریق مکارانه قرار دارند، از قانون مستثنی میباشند." (۲۱)

در عمل این بدان معنا بود که زمین داران بزرگ قسمت اعظم املاک خود را به نام افراد خانواده خویش نموده و در حقیقت چیزی از دست ندادند. بهمین دلیل مالکیت خصوصی بر زمین های زراعی فقط ۹ درصد کاهش یافت. ۹۶٪ زمین های قابل کشت هنوز بهر دست تعداد کمی از زمین داران بزرگ میباشند. خشم این اربابان فتودال نسبت به شاه دلائل دیگری داشته و مربوط به چگونگی پرداخت اقساط است، برای اینکه شاه در واقع خود را از قبل دهقانان بزرگ ثروتمند تر کرده است، بدین ترتیب که قسمت زمین های خود را بلافاصله از بانکی که بهمین خاطر تشکیل شده بود دریافت نمود. در حالیکه تمام زمین داران بزرگ پول خود را به اقساط طول مدت دریافت میدادند و این امر بهره فراوانی نصیب شاه میساخت.

و اما در مورد عمل ناراضی های گوناگون علیه شاه و رژیم او بساید گفت که کسانیکه قدرت را در ایران در دست دارند هرگز در این باره فکر نکرده بلکه اصولاً مخالفت های گوناگون در مقابل رژیم را با یک چشم می نگرند:

" سالهاست که گفته میشود که تمام مخالفین شاه افرادی هستند که با هم آمیخته و علیه شاه و سلطت توطئه و ککاتن میکنند . بنا بر ادعا های رژیم و حامیان او سازمانهای زیر همه و همه زیر یک پتو خوابیده اند ؛ حزب توده ، مارکسیست - لنینیست ها ، سوسیالیست های طرفدار سکس ، طرفداران پکسن ، زمین داران ناراضی ، گروه های افراطی و ارتجاعی ، کفدراسیون دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی) که در این فاصله نیز منضوع گردیده است و بالاخره دولت عراق و در رأس آن حزب بعث . " (۲۲)

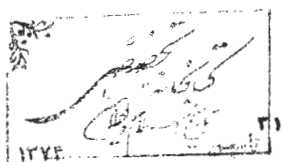
بعقیده ساواک تمام این توطئه گران تحت تاثیر تیمور بختیار اولین رئیس ساواک که به دست شمال این سازمان کشته شد میباشند .

این مطلب مجله اسپیکل Spiegel را به ذکر این نکته نشخوند آمیز برانگیخته است :

" در جریان تعقیب افراد به اصطلاح طرفدار او (منظور طرفداران بختیار میباشد . - نویسنده) یعنی به عبارت دیگر تمام مخالفین رژیم دولت ایران همواره اصل " ظلم مساوی بر همه " را در مد نظر دارد . " (۲۳)

ولی در حقیقت این طرفداران کم شمار و فرصت طلب و جاه طلب شاه میباشند که چندان تفاوتی با یکدیگر نداشته و تا سال ۱۹۷۵ در سه حزب " ایران نوین " و " مردم " و " پان ایرانیست ها " جمع آمده بودند که در فاشیت بودن آخری حد اقل شبکی نیست . این سه حزب دست پرورده رژیم بوده و از او تنخواه خود را دریافت میداشتند . کما اینکه این نکته بر خود شاه نیز مکتون نبوده و در این مورد مینویسد : " گاه و گداری از احزاب ما انتقاد شده و گفته میشود که احزاب مزبور از میان مردم بر نخواستند بلکه به آنها تحمیل شده اند . حتی بد زبانیهائی وجود دارند که مدعی هستند این احزاب همچون عروسک های خیمه شب بازی در دست دولت و یا در دست میباشند . " (۲۴)

البته اینک این حقیقت در باره احزاب مزبور صدق نمیکند زیرا در ۲ ماه مارس ۱۹۷۵ شاه در یک صاحبه مطبوعاتی در تهران تمام احزاب موجود



را منحل اعلام کرده و دستور ایجاد تشکیلات سیاسی جدیدی را داد که رژیم شاه، قانون اساسی ایران و "انقلاب سفید" را در دستور برنامه کار خود قرار دهند.

بدین ترتیب گامی بیشتر در جهت فاشیزه کردن ایران برداشته شد. رژیم امروزی در ایران عبارت از یک رژیم دیکتاتوری است، با نهاد های اجتماعی و اقتصادی در هم فرو ریخته و حاکی که بوسیله ساواک حمایت شده و هیچ انتقادی بر او وارد نیست و بالاخره حزبی که موظف به اجرای اراده سیاسی شاه می باشد.

رژیم فاشستی در ایران همانند تمام رژیم های فاشستی دیگر نه تنها نهضت های مترقی اجتماعی و اقتصادی بلکه اقلیت های ملی را نیز تحت فشار قرار داده است. بخش عظیمی از مقاومت ها نیکه در مقابل شاه صورت می گیرند از همین اقلیت ها بر می خیزند. باید در نظر داشت که در ایران فقط ۵۱ درصد مردم ایرانی پارس زبان بوده و ۲۰ درصد آذربایجانی و ۱۹/۵ درصد کرد می باشند. با وجود اینکه شاه کردها را در مبارزه آنها علیه عراق حمایت میکرد (و در این باب صحبت خواهد شد) مع الوصف حتی اجازه نمیدهد که این اقلیت های ملی به زبان مادری خود مکالمه کنند چه رسد به دیگر حقوق آنها.

اقلیت های ملی نیز بخشی را تشکیل میدهند که مدتهاست ساواک آنها را در بد نظر دارد. سازمان امنیت ما موران خود را در سکنی گاه های آنها که بی شباهت به بازداشتگاه نمی باشند و کردها مجبور به زندگی در آنها هستند، وارد کرده و میکوشد هرگونه حرکت و مقاومتی را حتی المقدور بزودی باز شناخته و خنثی سازد.

البته منطقه اصلی ساواک تهران می باشد. زیرا در آنجا به ثبوت رسیده است که توده ها میتوانند بر تصمیمات سیاسی صاحبان قدرت تاثير بگذارند. مثلا این امر در تابستان سال ۱۹۵۲ صورت گرفت یعنی زمانی که او (منظور صدق است. - نویسنده) بعزت رد تقاضایش منی بر

دریافت اختیارات نام استعفا داده بود. ملت شاه و مجلس را وادار نمود که تن به خواسته های صدق داده و او را مجدداً بازگردانند. در بسیاری موارد دیگر نیز هنگامیکه زمین داران بزرگ و عمال شاه در مجلس از دادن رأی موافق به لوایح وارده از طرف صدق خودداری میکردند این توده ها بودند که تظاهر گران به خیابانها ریخته و پذیرش آنها را به کرسی میشانیدند.^{۲۵۰} مبارزات سیاسی توده ها در تهران دارای سابقه ای دیرین میباشند و از اینرو میتوان نقش ساواک را در وحله اول به هول و هراس شاه از این گونه مبارزات توده ای روشن ساخت. این مبارزات که حاظرین آن کارگران و دهقانان و روشنفکران میباشند، هنوز نیز با وجود فشار موجود در جریان بوده و تاکنون بارها بوسیله ساواک و ارتش و پلیس بطرز خونینی سرکوب شده اند. تلخیص زیر از وقایع سالهای گذشته نمایانگر این واقعیت می باشد:

ژوئن ۱۹۵۹ - ۳۰ هزار کارگر آجرپزی برای تحصیل شرایط بهتر کار اعتصاب میکنند. ساواک آتش را بروی آنان باز کرده و پس از کشتن ۵۰ نفر چندین صد نفر را نیز دستگیر میکند.

دسامبر ۱۹۵۹ - دانش آموزان دبیرستانهای تهران علیه محدودیت های سیاسی تظاهر میکنند. در طی این تظاهرات هشت نفر کشته چندین نفر مجروح و ۲۲۰ نفر دستگیر میشوند.

آوریل ۱۹۶۱ - دهبران دبیرستان های تهران برای اضافه حقوق دست به اعتصاب میزنند. در این جریانات یک نفر کشته، ۳ نفر مجروح و تعداد زیادی دستگیر میشوند.

ژانویه ۱۹۶۲ - دانشجویان دانشگاه تهران برای ازدیاد بورس تحصیلی اعتصاب میکنند. ماهوران ساواک به ساختمانهای دانشگاه هجوم آورده آزمایشگاهها را با خاک یکسان کرده و صد ها دانشجو را مجروح و مضروب و دستگیر مینمایند. در میتنگی که برای اظهار همتگی با دستگیر شدگان تشکیل میشود، ۵۰۰ دانشجوی دیگر مجروح و دانش آموزی به نام

مهدی کلهور کشته میشود .

ژوئن ۱۹۱۳ - هزاران نفر ایرانی مراسم مذهبی را تبدیل به تظاهرات سیاسی کرده و آزادی زندانیان سیاسی و اجراء انتخابات آزاد را خواستار میشوند . ساواک آتش را بروی تظاهرکنندگان می‌کشد . هزاران نفر تظاهرکننده دیگر در نزدیکی تهران یعنی در ورامین تجمع کرده و به قصد پیوست به تظاهر کنندگان اصلی عازم تهران میشوند . مزدوران شاه اینان را نیز به آتش مسلسل می‌بندند . در شهرهای دیگر ایران نیز تظاهرات صورت میگیرد که در طی آنها افراد زیادی به قتل میرسند . در این تظاهرات مجموعاً در حدود ۱۰۰۰ نفر کشته میشوند .

ژوئیه ۱۹۱۵ - قبایل استان فارس علیه شاه به پا می‌خیزند . نیروی هوائی دهات دهقانان را بمباران میکند . دادگاههای نظامی احکام اعدام صادر مینمایند . تعداد قربانیان را نمیتوان حدس زد .

مارس ۱۹۲۱ - در شهر سیاهک واقع در شمال ایران اولین برخورد مسلحانه بین مزدوران رژیم و گروه چریک صورت میگیرد . دو تن از چریکها کشته و ۱۷ تن دیگر به وجه وحشیانه‌ای مورد شکنجه قرار میگیرند . ملا پای یکی از آنها را زنده زنده قطع میکنند .

این حادثه و اقدامات بعدی رژیم شاه گویی آتشی را شعله ور می‌سازد . چه از این پس بطور لاینقطع مخالفین رژیم مخفی شده و برای مبارزه علیه رژیم شاه دست به اسلحه می‌برند .

آوریل ۱۹۲۱ - دو هزار نفر کارگر پارچه بافی جهان در کرج دست به اعتصاب زده و تقاضای افزایش دستمزد کرده (در آمد آنان در روز فقط بالغ به ۲ تارک میشد) و بطرف تهران حرکت میکنند و در آنجا خیابانهای اصلی بین شمال و جنوب شهر را بند می‌آورند . وانداری به تیراندازی پرداخته و ۲۰ نفر از کارگران را به قتل می‌رساند .

اوت ۱۹۲۴ - کارگران کارخانه آجرپزی " ایرانیان " علیه اخراج چهار کارگر اعتصاب میکنند . در نتیجه تیراندازی پلیس چهار کارگر به قتل

میرسد. دانشجویان دانشگاه تهران با این کارگران اظهار همبستگی می نمایند که ضجر به احراج ۱۵۰ دانشجو از دانشگاه میشود.

کارگران شرکت انوبوسرانی تبریز علیه دستزد کم اعتراض کرده و در دفتر شرکت جمع میشوند. تعداد کثیری از آنها توسط ساواک دستگیر شده و یکی از آنها به علت شکجه زیاد به قتل میرسد.

شروحات فوق خلاصه‌ای از لیست طولانی حوادث را شامل بوده و نشان میدهد که ساواک با وجود تمام فشاری که وارد می‌آورد قادر نیست سکوت گورستانی مورد علاقه شاه را ایجاد نماید. بدون شك بهمین دلیل است که روشهای سازمان امنیت در مبارزه علیه مخالفین رژیم مرتبا و حسیبانه تر میشوند. چگونه این روشها اجرا میشوند با ذکر مثال زیر روشن می‌گردد که عبارت از اظهارات کارمند سابق سازمان برنام یعنی شکراله پاک نواز میباشد که در آن زمان ۲۳ سال داشت و ظاهرا به علت تعلق به یک سازمان مضع دستگیر شده و در سال ۱۹۷۱ در تهران دادگاهی گردید. پاک نواز در این دادگاه اظهار داشت:*

پس از دستگیری در تاریخ ۱۸ دیماه ۱۳۴۶ فوراً مرا به سازمان امنیت خرمشهر بردند. در آنجا سه نفر به ضرب مشت و لگ مرا لخت کرده و به اصطلاح بازپد بدنی کردند. از ساعت هشت بعد از ظهر تا یک بعد از نیمه شب بازجویی توأم با مشت و لگ ادامه یافت. فردای آنروز مرا به زندان شهبانی آبادان منتقل کرده و در یکی از مستراحهای آن محبوس کردند. هشت هفته در این مستراح تنها با یک پتوی سرپازی بدون لباس و روزانه با یکوعده غذا گذراندم. روز هشتم با دستهای بسته در یک لندروور سازمان امنیت به تهران زندان اوین منتقل شدم. در بدو ورود به زندان اولین بازجویی همراه با شکجه شروع شد. بدین ترتیب که دو نفر به نامهای رضا عطاپور مشهور به

* این قسمت از اظهارات پاک نواز از متن اصلی آخرین دفاع او در پی دادگاه شاه عینا نقل میشود. مترجم

دکتر حسینی زاده و دیگری بهیگری مشهور به مهندس یوسفی با چک و شت و لگ به جان من افتاده و قریب يك ساعت متوالی مرا زدند. بعد مسرا پشت میز نشانده و از من خواستند بنویسم که گونیت هستم و به کسار جاسوسی اشتغال دارم و چون من اختراع کردم به دستور رضا عطاپور دو نفر درجه دار آمده و مرا روی زمین خوابانده و با شلاق سیبی سیاه رنگی به جان من افتادند و به اتفاق بهیگری بیش از سه ساعت متوالی با شلاق و شت و لگ مرا می زدند و به ترتیب نوبت عوض کرده رفع خستگی می نمودند در جریان زدن شلاق من دو بار بیهوش شدم. تمام بدنم کبود شده و خون از پشت من راه افتاده بود. با زجولنی روز اول بهمین به جا خانه یافت و روز دوم عینا تکرار شد. به اضافه اینکه چند بار بمن دستبند قیانی زده و مرا روی چهارپایه قرار داده و واردم کردند يك پاهم را روی هوا نگه دارم و هر چند دقیقه يك بار با لگ چهارپایه را از زیر پای من پرت کرده و مرا روی زمین می انداختند. روز سوم در اثر کسیده های محکی که عطاپور به گوش من میخواست خون او گوش من راه افتاد که منجر به پاره شدن پسرده گوش چپ من شده است. گوش چپ من بگی قوه شنوائی خود را از دست داده است نمیتوانید معاینه کنید. همان روز سوم ساعت تقریباً ۱۰ بعد از ظهر مرا با چشم بسته از سلول انفرادی زندان وحشتناک اوین بهرون کسیده و به داخل باغ زندان بردند. در حالیکه چشمهایم همچنان بسته بود مرا به جلو راندند. صدای عطاپور و بهیگری را شنیدم که هیچ می کردند و گاهی من می شنیدم که درباره من حرف میزنند. قارقار کلاغها و سرمای دیناه درد زخم شلاقها و گوش چپ و صدای نحوس عطاپور و بهیگری جلادان ساواک که مرتباً هدیهگر را دکتر و مهندس صدا میزدنتم، سخت آزار دهنده بود. مرا به درخت بستند. صدای پای عده ای همراه با دستورهای خنکی که صادر میشد روشن میکرد که جوخه اعدام را صدا کردم اند. عطاپور را می دادگاه را میخواند که شکراله پاک نژاد بجرم سو قصد به جان اعلیحضرت همایونسی و ارتباط با دولت خارجی به اتفاق آرا محکوم به اعدام شده است. بعد

دستور داد که جوخه آماده بماند و مرتباً یاد آوری میکرد که تو در کار مرز عراق دستگیر شده‌ای و کسی از توفیق تو اطلاعی ندارد و همه فکر میکنند توبه عراق رفته‌ای و هیچکس از اعدام تو اطلاعی نخواهد یافت. پس از چند لحظه بیج و بیج عطاپور فریاد زد: این چه وضعیتی است؟ چرا دستور صادر میکنند و بعد لغو میکنند؟ مگر سفره بازی است؟ و پاسداری بلند قدری هم دشنام به من داد. مرا را از درخت باز کرده و دوباره به سلول انفرادی برگرداندند. تمام این صحنه سازی‌ها برای این بود که من اعتراضاتی مطابق میل آنها بکرم. در جریان بازجویی‌های بعدی ناخن سپاه چپ و ناخن کوچک دست راست مرا کشیدند. بارها با فنون کاراته با پا و دست مرا به زمین انداختند. دشمنهایی که این جلادان در تمام مدت بازجویی بمن میدادند تنها لایق خودشان و اربابانشان بود و من از تکرار آنها شرم دارم. سه بار و هر بار ۱۸ بمن بیهوشی دادند. از شکجه‌های گرسنگی طولانی و از دیدن نور که بارها انجام شد سخنی نمیگویم. شکجه ۱۸ روز ادامه یافت.

آقای رئیس دادگاه یکی از دلایل دیر فرستادن ما به دادگاه این است که باید آثار شکجه از بین برود.

البته اینگونه شکایات علنی به ندرت در دادگاه صورت گرفته و به خارج نیز رخنه نمیکند. گفته‌های پاک‌نژاد فقط به این دلیل هر ملا شدند که تیبری مینیون *Thierry Mignon* حقوقدان پارسی موفق شده بود به نمایندگی از طرف مجمع بین‌المللی حقوق بشر در جلسه دادگاه شرکت نماید. معمولاً ساواک میتواند بدون اینکه کسی اطلاع یابد زندانیان را شکنجه بدهد. مگر نه اینست که در نقاط مختلف کشور زندانیهای مخصوص ساواک برای زندانیان سیاسی وجود دارند؟ از جمله در تهران زندان قزل‌طغه، زندان موقت، زندان قصر، زندان قزل‌ختر، زندان عشرت‌آباد و بالاخره زندان هراسناک اوین.

در پس دیوارهای این زندانها تنها روشهای شکنجه که در فوق گفته شد اجرا میشوند. ایران به خاطر اجرا و وحشی‌گریهای عمومی مقام اول را

در دنیا دارا میباشد. روزنامه دی تسایت Die zeit چاپ هاجبورگ در این مورد مینویسد: "البته کار آسانی نیست که از بیان ده ها رژیم که به خاطر اعمال شکنجه امروزه محکوم میشوند بدترین آنها را انتخاب کرد. ولی با همه این اوصاف باید گفت که دو نام کشور شیلی و ایران در این مورد بیشتر از طرف متخصصین ذکر میشوند." (۲۷)

کارشناسان مجمع بین المللی عفو گزارشی در باره شکنجه تحت عنوان "گزارشی در باره شکنجه" Torture Report (۲۸) منتشر کرده و در آن تذکر شده اند که ساواک علاوه بر شوک الکتریکی و کتک زدن طرق زیر را برای شکنجه معمول میدارد: فرود کردن بطری شکسته به مقعد زندانی، آویختن وزنه به بیضه های آنها، مجبور کردن قربانیان خود به حمل کلاهخودی که در زیر آن صدای فریاد ناشی از درد خود را تقویت و تشدیدتر شنیده مجدداً میشوند.

عمل ضافی با عفت نیز انجام میگردد. رضا پراهنی شاعر ایرانی (اپوزیسیون ایران وی را از خود نمیداند. - نویسنده) که خود مدت ۱۰۲ روز بدون کوچکترین اعلام جرمی در یکی از زندانهای تهران محبوس بوده و اکنون بعنوان پناهنده سیاسی در نیویورک بسر میرود، مشاهده کرده است که چگونه يك زندانی سیزده ساله هنگامیکه خانواده اش برای ملاقات او آمده بودند یکی از سر بازجویان را با کلمات زیر معرفی میکند: "ایمان همان آقای هستند که با من با اعمال زور عمل جنسی انجام داده است." (۲۹)

برای عمل جنسی اجباری ساواک حتی حیواناتی نیز در اختیار دارد که برای همین منظور تربیت شده اند. از جمله این حیوانات خرس است. از نظر ساواک عمل جنسی با توسل به زور جزو شکنجه های بدنی محسوب نشده بلکه از زمره شکنجه های روانی میباشد. بویژه هنگامیکه زنان در مقابل شوهران و یا پدران خود مورد تجاوز قرار میگیرند تا آنها را به اقرار و ادار نمایند.

مواردی نیز وجود دارند که خانواده‌های زندانیان هرگز در باره دستگیری بستگان خود مطلع نشده و عده‌ها نمیدانند که آنها در کجا به سر می‌برند. این امر فشار روانی برای زندانیان می‌باشد. اینگونه شکجه‌های روانی را حتی خود شاه نیز عنکر نشده و تکذیب نکند. کریستوفر اوگدن Christopher Ogden خبرنگار مجله *TIME* که همراه هنری کیسینجر Henry Kissinger در ماه اوت ۱۹۷۶ به تهران رفته و در باره روشهای شکجه نیز با شاه مصاحبه کرده بود، از شاه نقل قول میکند که: "ما دیگر احتیاجی نداریم که زندانیان را شکجه دهیم. برعکس ما نیز مثل دیگر کشورهای شرقی روشهای روانی را به کار می‌نندیم. مثلا زندانیان با اقرارنامه‌های رفاقایشان مواجه میکنیم و آنها پس از اطلاع بر خیانت رفاقای خود همه چیز را اعتراف میکنند." (۳۰)

در این مصاحبه شاه تعداد زندانیان سیاسی را که از طرف مجمع بین‌المللی عفو بالغ بر ۲۵ تا ۱۰۰ هزار نفر تخمین زده شده بود تکذیب کرده و ادعا مینماید که تعداد آنها بیشتر از ۳۴۰۰ تا ۳۵۰۰ نمی‌باشد و بعد اضافه میکند: "ولی اینها که زندانی سیاسی نیستند. اینها مارکسیست - تروریست، آدم‌کش و افرادی هستند که بستگی به وطن ما ندارند."

ساواک در مواردی که دست به دستگیری و شکجه میزند، بهش از هر چیز توجه خود را توجه روشنفکران و هنرمدان مینماید. در یکی دو سال اخیر مثلا در بین دستگیرشدگان و شکجه‌شدگان افرادی چون ویدا حاجبی تبریزی که یکی از جامعه‌شناسان برجسته میباشد و با غلام حسین ساعدی در اما تیکر مشهور و با نویسنده‌ای چون فریدون تنگابنی بوده‌اند.

در اینگونه موارد نیز روشهای مخصوصی به کار بسته میشوند. مثلا عدا اشخاص نامدار و صاحب عقیده انتخاب میشوند. چه مگر نه اینست که یکی از دلایل شکجه توسط عمال ساواک در این نهفته است که مخالفین بالفعل و یا بالقوه رژیم را به هراس انداخته و آنان را به ترتیبی از مخالفت با رژیم بازدارد؟ یکی دیگر از علل اعمال شکجه اینست که بتوان از مخالفین

دستگاه اطلاعاتی درباره تشکیلات آنها بدست آورد.

از طرف دیگر تنها از راه شکجه میتوان زندانیان را وادار به تبلیغ بر له هدفهای خود کرد. برای نمونه در حدود یک سال پیش شخصی بنام فرانز تاتاروتی Franz Tatarotti به فرستنده های تلویزیونی اروپا مراجعه کرده و فیلمی را که حداقل با تصویب و رضا و کک ساواک تهیه کرده بود، به آنها عرضه میدارد. این فی الواقع در برنامه آئینه جهان Weltspiegel فرستنده تلویزیونی آلمان به نام آ.آ.آ. در ارد در تاریخ اول فوریه ۱۹۷۶ نشان داده شد. در این فیلم سه تن از زندانیان سیاسی که هنوز اثرات شکجه روی بدن آنها پیدا بود نشان داده شدند و معلوم بود که آنها را بلافاصله پس از صدور حکم اعداشان به پشت دوربین فیلمبرداری آورده بودند. ظاهرا به این امید که سر خود را از حلقه دار نجات دهند، این عده اعترافات تکان دهنده و غیر قابل فهمی ابراز داشتند. با وجود این آنها پس از فیلمبرداری اعدام شدند. کارولا اشترن Carola Stern در تفسیری که بر این فیلم نوشته بود میگوید:

" این فیلم نمایانگر این واقعیت است که پلیس مخفی ایران حتی باکی از آن ندارد که افراد محکوم به مرگ را که در انتظار اجرای حکم اعداشان میباشند، تا آن حد آماده سازد که با وجود آنکه باید دشمن این رژیم باشند مع الوصف لحظاتی چند قبل از اجرای حکم قتل شان حتی از این رژیم دفاع میکنند. این را ما از دیکناتورهای دیگر نیز سراغ داریم." یکی دیگر از دلایل شکجه در این است که ساواک همواره سعی بر این دارد که اقرار و اعترافات گیتی از زندانیان سیاسی گرفته و آنها را در اختیار دادگاه بگذارد. زیر باید در نظر داشت که در ایران اقراری که یک سار صورت گرفته باشد، بدون توجه به نحوه ی تهیه آن و یا تکذیب بعدی آن توسط فرد زندانی، بعنوان دلیل برای توجیه دستگیری وی مورد استفاده میگردد. بطور کلی زندانیان باید اکثرا ماه ها در سلولهای انفرادی منتظر

دادگاه خود باشند. در باره شن اعلام جرم برای اولین بار در جلسه دادگاه به این افراد اطلاعاتی داده میشود. بدین ترتیب واضح است که برای آنها وقتی باقی نمی ماند که خود را جهت دفاع آماده سازند، البته مشروط بر اینکه پس از تحمل آن همه شکنجه اصولاً قادر بر انجام چنین کاری باشند. در باره چگونگی برگذاری جلسات دادگاه، و حقوقدان فرانسوی یعنی نوری آلبالا *Nuri Albala* و آنری لیمبرتالیس *Henry Libertalis* بر اساس شهادات خود در تهران اینطور گزارش میدهند:

" پس از ورود به جلسه دادگاه، زندانیان با یستی بالمشخصه و بدون کوچکترین کنکی صلاحیت دادگاه را مورد سؤال و تردید قرار داده و خواستار شرکت هیأت ضمه در جلسه دادگاه میشوند. یعنی آنچه را که قوانین ایران برای دادگاههای سیاسی در نظر گرفته است تقاضا میکنند. صرفنظر از اینکه شهین مزبور هنگام بازجویی وکیل مدافع نداشتند، اکنون هم در جلسه دادگاه فقط افسران سرخمدت و با بازنشسته بعنوان وکلای مدافع برای آنها در نظر گرفته شده بودند که البته دارای تحصیلات حقوقی بودند ولی بیشتر از هر چیز به تقدیم تقاضانامه های گسی به دادگاه اکتفا میکردند. تقاضانامه های مزبور نیز بعداً در پرونده افراد مظلوم شده و کسی حق ملاحظه و مطالعه آنها را نداشت. جلسه دادگاه بدین نحو پیش میرفت که نه شاهدهی مورد استماع قرار میگرفت و نه ادله ای ارائه میشدند. پرونده های حاوی اوراق گویا ظاهراً چیز دیگری جز اقرارنامه هایی که ساواک تهیه کرده بود در بر نداشتند. (۳۱) مینیون *Mignon* حقوقدان دیگر در مورد شهادات خود در دادگاه دیگری مینویسد:

" با وجود اینکه دادستان بر خلاف قوانین دادرسی هر بار پس از پایان سخنان شهین مجدداً علیه آنها - البته با تاکید رئیس دادگاه هر بار فقط استثناً - موضع میگرفت هیچ یک از سه وکیل مدافعی که با لباس شخصی در دادگاه حضور داشتند (آنها در واقع افسرانی بودند که دستگیر گرفته بودند در جلسه دادگاه حضور داشته باشند.) اعتراضی نمیکردند. (۳۲)

یکی از این وکلای مدافع به حقوقدان فرانسوی گفته بود که او نمی بایستی فقط فرامین مافوق نظامی خود یعنی سرلشکر بهزادی ساواک را ساواک و دادستان دیرانعمالی نظامی را اجرا می نموده .

این کارها و اقداماتی از این قبیل هستند که طرز کار و وظایف ساواک را در ایران مشخص میکند . اینست در واقع چگونگی اجرا و انجام مسئولیتی که در ماده دوم قانون تأسیس سازمان امنیت و اطلاعات کشور آمده است .*

قانون تشکیل سازمان امنیت

(مصوب ۱۳۳۵)

ماده یک

برای حفظ امنیت کشور و جلوگیری از هرگونه توطئه که مضر به مصالح عمومی است سازمانی به نام اطلاعات و امنیت کشور و امته به نخست وزیر تشکیل میشود و رئیس سازمان سمت معاونت نخست وزیر را داشته و به فرمان اعلیحضرت هماهون شاهنشاهی منصوب خواهد شد .

ماده دو

سازمان اطلاعات و امنیت کشور دارای وظایف زیر است :

الف) تحصیل و جمع آوری اطلاعات لازم برای حفظ امنیت کشور

ب) تعقیب اعمالی که متضمن تسمی از اقسام جاسوسی است ، عملیات عناصری که بر ضد استقلال و تمامیت کشور و یا به نفع اجنبی اقدام کنند .

* نویسنده کتاب در اینجا تنها به ذکر ماده دوم قانون تشکیل سازمان امنیت اکتفا کرده است . از آنجا که اطلاع بر متن این قانون برای خوانندگان مفید است در این جا متن کامل آن آورده میشود . ترجمه

- ج) جلوگیری از فعالیت جمعیت‌ها، که تشکیل و اداره کردن آنها غیر قانونی اعلام شده یا شور و همچنین سامنت از تشکیل جمعیت‌هایی گمراه و یا رویه آنها مخالف قانون اساسی است.
- د) جلوگیری از توطئه و اسباب چینی بر ضد امنیت کشور
- ه) بازرسی و کشف و تحقیقات نسبت به بزه‌های زیر
- ۱- بزه‌های منظور در قانون مجازات مقدمین بر علیه امنیت و استقلال مملکت مصوب ۲۲ خرداد ۱۳۱۰
 - ۲- جنحه و جنایاتی که در فصل اول باب دوم قانون کیفر عمومی مصوب دیماه ۱۳۰۴ پیش‌بینی شده است.
 - ۳- بزه‌های مذکور در مواد ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵ و ۳۱۶
- ۳۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸

ماده سوم

مأموران سازمان اطلاعات و امنیت کشور از حیث طرز تعقیب بزه‌های مذکور در این قانون و انجام وظایف در زمره ضابطین نظامی محسوب و از این حیث دارای کلیه اختیارات و وظایف ضابطین نظامی خواهند بود و از تاریخ تصویب این قانون رسیدگی به کلیه بزه‌های مذکور در فصول در صلاحیت دادگاه‌های دائمی نظامی خواهد بود.

بسمه ۱- انجام وظایف و تکالیف سازمان اطلاعات و امنیت کشور از حیثی که ضابطین نظامی محسوب‌اند بهیچ وجه مانع انجام وظایف و تکالیفی که بموجب قانون دادرسی و کیفر ارتش بر عهده ضابطین نظامی است نخواهد بود و همچنین مواد این قانون مانع اجرای قوانین و احکام و آئین‌نامه‌ها و مقرراتی که مربوط به تکالیف نظامی و زاندرمری و شهر بانی نسبت به انجام وظایف و خدمات معوله است نیسبند.

بسمه ۲- رسیدگی به بزه‌هایی که بموجب این قانون در صلاحیت دادگاه دائمی نظامی شناخته و متهمین به ارتکاب بزه‌های مزبور که قبلاً از تصویب این قانون در مراجع صالح دیگر تحت تعقیب قرار گرفته‌اند هر

گاه بر علیه شهمن کیفر خواست صادر نگردیده پرونده های مشکوک به ادستانی ارتش جهت تعقیب و رسیدگی فرستاده میشود و نسبت به پرونده های گسی که کیفر خواست صادر شده و در دادگاه های مربوطه رسیدگی خواهد شد .

ماده چهارم

کارند ان سازمان اطلاعات و امنیت کشور هرگاه شهمن به ارتکاب بزه می شوند که راجع به خدمت بوده و یا ملازمه با خدمات آنها داشته باشد از حکم نظامیان و خدمتگذاران ارتش هستند و با رعایت مقررات قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۳۸ دادگاه های دایمی نظامی خواهند بود .

ماده پنجم

اساسنامه سازمان و آئین نامه های داخلی و استخدامی و مالی مربوط به این قانون با تصویب هیئت دولت قابل اجرا است .

اصلاح قانون سازمان اطلاعات و امنیت کشور

(مصوب ۱۳۳۲)

ماده اول

در مورد بزه های مصرح در قانون سازمان اطلاعات و امنیت کشور مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۳۰ هرگاه شهمن نظامی یا کارمند مسلح شاهنشاهی باشند و وظیفه ضابطین به عهده اشخاص مندرج در ماده ۱۲۴ قانون دادرسی و کیفر ارتش و ما مورین سازمان ضد اطلاعات خواهد بود .

ماده دوم

ما مورین سازمان ضد اطلاعات در زمره ضابطین نظامی محسوب می شوند .

اینست دفاع از قانون اساسی به سبک شاه .
 اما با وجود اینکه شاه به دست جاسوسان سازمان جاسوسی اش
 و از طریق این قانون حقوق بشر را در کشور خود لگد مال میکند بدون
 شک از هواداران و شوقین بسیار محترم حقوق بشر بشمار میرود . مگر
 نه اینست که خواهر او شاهزاده خانم اشرف در سال ۱۹۷۰ ریاست
 کمیسیون رسیدگی به حقوق بشر را در سازمان ملل متحد به عهده داشت؟

فصل سوم

مرکز اروپائی ساواک در ونو

در پهن از ظهر روز اول ژوئن ۱۹۷۶ دو دانشجوی ایرانی زنگ درب کسولگری ایران در ونورا واقع در *Avenue Champe* بعداً در آورده و به خانم سوئیس کارمند کسولگری که دروا بروی آنها میگشاید، اطلاع میدهند که قصد دارند گذرنامه‌های خود را تجدید نمایند. لحظه‌ای بعد کاشف حمل می‌آید که این مطلب بهانه‌ای پیش نبوده است. زیرا یازده دانشجوی دیگر ایرانی که خود را در سحوطه دالان پنهان کرده بودند بدنبال دوستان خود جلورفته و وارد ساختمان کسولگری میشوند.

قبل از اینکه کارمندان ایرانی کسولگری و کارمند زن نامبرده اصلاً متوجه شوند که جریان از چه قرار است، دانشجویان آنها را مؤذبانه ولی بطریقی محکم و مؤکد در یکی از اطاق‌های کسولگری گرد می‌آورند. در همین اینکه چند تن از دانشجویان ترانسپارنت‌هایی که جله "شاه قاتل" روی آنها نوشته شده بود از پنجره‌های کسولگری آویزان می‌کنند، یکی از دانشجویان اوضاع و احوال را برای کارمندان کسولگری تشریح کرده و اعلام میکند که آنها کسولگری را اشغال نموده و بدینترتیب علیه حکم اعدام هفت تن از مخالفین رژیم که به احزاب درآمده بود اعتراض میکنند. ۷

لیکن علت اصلی اشغال را هنوز دانشجوی مزبور ننگته بود، یعنی افشای ماهیت کسولگری ایران در ونو به عنوان مرکز اروپائی ساواک. در بین کارکنان کسولگری دو چهره آشنا بنام احد مالک مهدوی و محمد

حسن افتخاری لنگرودی وجود داشتند که هر دو از آغاز سال ۱۹۷۶ رسماً جزو هیأت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد در ژنو بوده و با وجود اینکه نامشان در این بین از فهرست اسامی دیپلماتها حذف شده بود، هنوز در کسولگری ایران در ژنو به کار اشتغال داشتند؛ مهدوی با درجه سرهنگی و افتخاری به عنوان آجودان وی و هر دو در سمت مأمورین ساواک. اینکه این دو از زمره‌ی چه آدمهایی میباشند، ساله‌ای بود که از روز ۴ ماه مارس ۱۹۷۶ بر همه روشن شده بود. زیرا در این روز یکی از نمایندگان مجلس بنام ژان زیگلر *Jean Ziegler* طی یک سؤال به قید فوریت در مجلس سوئیس، اشاره کرده بود که: "در کنسور سوئیس حداقل دو شبکه ساواک وجود دارد که یکی از آنها از طرف احمد مالک مهدوی و دیگری^۱ وسیله محمد حسن افتخاری لنگرودی اداره میشوند." در رحله اول چنین بنظر میرسید که همکاران دیگر زیگلر اصلاً عقیده‌ای در این مورد نداشتند. تا اینکه اشتغال کسولگری در ژنو جریان را به حرکت در آورد و در آخرین هفته ماه اوت بود که مالک مهدوی از طرف مقامات سوئیس اخراج گردید.^۸

علت اخراج وی در واقع امر دیگری جز آکسیون این سیزده دانشجوی ایرانی، یعنی اشتغال کسولگری که همچون یک برنامه‌ی کاباره‌ای آغاز گردید نبود. یکی از درهای کسولگری کاملاً محکم بسته و چند تن از کارندان آن در پشت این در جمع آمده و گویا اصلاً خیال نداشتند آنرا بروی اشتغال کنندگان باز نمایند. از اینرو دانشجویان دست به حقه‌ای زده و جلوی در مزبور گرد آمدند و چنین وانمود کردند که ظاهراً قصد انفجار آنرا دارند. این حقه به نتیجه دلخواه منجر شد. کارندانی که پشت در جمع شده بودند ابتدا^۹ سؤال کردند که آیا اگر در را باز کنند مواد منفجره دیگر منفجر نخواهد شد و سپس در را باز نمودند.

در این اطاق بود که اشتغال کنندگان کوهی از اسناد مربوط به ساواک را پیدا کردند. در مجموع تعداد ۲۸۰۰ مرسوله بسیار مهم بدست دانشجویان

عضو کفدراسیون افتاد که بخش زیادی از آنها "کاملا محرمانه" بودند. در بعضی از این اسناد حتی با عداد معانی کلمات رمز روی متن اصلی نوشته شده بود و این امر کشف کلید رمز را بسیار تسهیل نمود. از این تاریخ است که میدانیم شاه "منصور" و یا "نیکام"، شعبات ساواک "لوبیا" عمال ساواک "تمیز پنجه"، مرکز اروپائی ساواک در ونو "سیجن" و مرکز ساواک در تهران "لاهورت" نامیده میشوند. از این تاریخ است که میدانیم که در بسیاری از اسناد ساواک تهران از خود بعنوان "بريستول" نسام میرد و فردی که در تهران مسئول اصلی شعبات ساواک در خارج از کشور میباشد "با عداد" نامیده میشود که در واقع شخص "تابتی" است که از افسران ساواک بوده و از مردان ساعات اول هشمار میرود.

لغات رمز دیگر عبارتند از: تبلور (اطلاعات)، روغن (ما) مور ساواک، بخاری (بازجویی)، کیوسک (خبر)، قهوه (فرمان و اوامر) و نشریه پانسمان و استمداد (نشریه آموزشی داخلی ساواک برای کسادر که عبارت از نشریه امنیت داخلی میباشد). مسئول آموزشی کادر در تهران با نام مستعار "توتون" اسناد را امضا کرده و اخبار "کاملا محرمانه" را با رمز به ونو میفرستد. من باب مثال سند زیر*

از توتون ۳۳۰ (مرکز ساواک در تهران) خیلی محرمانه

۲۳۰/۱۷۴

به سیمن (مرکز ساواک در ونو)

۵۲/۱/۴

درپاره - جمع آوری تبلور (اطلاعات) پیرامون احزاب

افراطی کشورهای جهان چون همکاری در بهبود وضع نشریه امنیت داخلی

* کفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در ماه دسامبر ۱۹۷۶ مجموعه ای تحت نام "پاره ای از اسناد ساواک" انتشار داد که محتوی بخش بزرگی از مدارک و نیز توضیحات لازم در این زمینه میباشد. اکثر قریب به اتفاق اسنادی که در این فصل و فصول دیگر کتاب حاضر بدانها اشاره شده است در این مجموعه موجود میباشد. از اینرو از این پس مدارک مزبور عیناً از این مجموعه نقل شده و حتی المقدر معانی لغات و اساسی رمز و صفحات مربوطه در مجموعه تحت عنوان "نقل از پاره ای " ذکر خواهند شد. - مترجم

و همچنین دلاویز (درج) طالب آموزنده و غارت (جدید) جهت بسالا بردن سطح معلومات و تهلور (اطلاعات) روغنیهای (کارندان) لوسبها (ساواک) بد نظر میبایند لذا ضمن بخاربههای (بررسی های) لازم کیوسکی (گزارشی) تهیه که بمرض پاکنام (فرد وست قائم مقام ساواک) رسید کسه قهوه (اوامر) صادره از طریق مقام با عداد (ثابتی) چنین قبله (اعلام) کردید درباره اصطلاحات کبری (سیاسی) و چپ غارت (چپ جدید) بیشتر طلب دلاویز (درج) شود . اکنون در اجرای قهوه (اوامر) پاکنام (فردوست) این لاهوت (مرکز تهران) مصمم میبایند که در نشریه پانسمان (امنیت) استناد (داخلی) به تشریح اهداف خطشی و تشکیلات احزاب افراطی کشورهای جهان بپردازد . لذا ماهور (خواهشمند است) سجده (دستور فرمایند) از طریق ره آورد (نمایندگی) همکاریهای لازم به منظور جمع آوری تهلور (اطلاعات) مربوطه انجام و مدارک تهیه شده را جهت دلاویز (درج) در نشریه پانسمان و استناد (امنیت داخلی) به توتون (مرکز تهران) ارسال دارند . با عداد (ثابتی)

از طرف سیال

(نقل از پاره ای ص ۲۴۱)

روز اول زوین هنگامیکه سیزده نفر اشغال کننده کسولگری ایران را در ونو ترک میگفتند در سه چدانی که همراه آورده بودند تنها مدارک بسیی اهمیتی از این قبیل همراه نمیبردند بلکه بدین ترتیب موجودیت سازمان امنیت را در چارچوب نمایندگی های سیاسی اثبات نموده بودند . این واقعیت برای نمونه از سند زیر بینی بر پرداخت وجوه تلفن و نامه ای خطاب به مرکز ساواک در تهران بر میآید :

خیلی محرمانه

اداره کل

به لاهوت ۱-۱۳۱ (مرکز ساواک در تهران) شماره ۱۳۱
از سیمین (نمایندگی ساواک در ونو) تاریخ ۲۵/۵/۴
درباره هزینه مکالمات تلفن نمایندگی سولیس
بپیوست همین فیش پرداختی مربوط به هزینه مکالمات تلفن این نمایندگی تلفن

سنتیم شماره ۴۷۷۹۴۸ در سر کسولگری شاهنشاهی و نو که مبلغ آن ۳۰۸/۱۰ فرانک (سیمد و هیجده فرانک و نو و سانتیم) می باشد بضمیمه سند هزینه قطعی تقدیم میگردد خواهشمند است دستور فرمایند نسبت به حواله آن اقدام شود .

محمودی (احمد مالك مهدوی)

گیرنده

لا هوت ۶- ۶۱۴ جهت استحضار و هر گونه اقدام مقتضی

(نقل از پاره ای ۰۰۰۰۰۰ ص ۲۰۶)

احضاً کننده این نامه " محمودی " است . یعنی همان سرهنگه مالك که نامش در مرسوله های دیگری نیز قید شده است . از اینجأ نتیجه می شود که چه مقام مهی کسولگری و نو در رشته زنجیره ای نمایندگی های ساواک در خارج از کشور دارا میباشد . مرسوله نامبرده که عنوان " کمالا محرمانه " دارد تلگرافی است که وزارت خارجه در تهران به " سفیر شاهنشاه در و نو " در تاریخ ۱۹۲۵ مخابره نموده و رونوشت آنرا برای " تمام نمایندگی های شاهنشاهی " نیز فرستاده است . در این تلگراف دستور داده میشود :

وزارت امور خارجه

اداره دبیرخانه

تاریخ ۵۳/۱۰/۸

ر م ر

تلگراف به جناب آقای خوانساری - سفیر شاهنشاهی - و نو

بکلی سری

رونوشت بخشنامه ای که به نمایندگی های شاهنشاهی در خارجه ارسال شده است ز بلا مخابره میگردد دونقطه

(متن بخشنامه مخابره شود)

در مدت اقامت مبارک طوکانه در خارجه و نو بعنوان مرکز اطلاعاتی شماره یک تعیین شده و آقای دکتر مالك نماینده ساواک با همکاری مأموران امنیتی مربوطه مانند ارسال اطلاعات رسیده را از جناب عالی دریافت خواهند داشت نقطه اطلاعات مذکور را برای بررسی نهائی و اقدام لازم

هما نظور که سال گذشته عمل میشد در اختیار فرمانده کارد شاهنشاهی در سنت مورس قرار خواهید داد نقطه وصول این دستور را تلگرافی اعلام فرمائید نقطه

خلعت بری

رمز بشود صبر فخرانی ۵۳/۱۰/۸

بهارت دیگر سرهنگ مالك با نام ستعمار محمودی، در زمانی که شاه يك بار دیگر مشغول گذرانیدن تفریحات اسکی معموله خود در سنت مورس بوده مسئولیت اصلی را برای فعالیت های ساواک ساواک بمبده دانسته است. همین امر سرانجام باعث احراج این سرهنگ ساواکی از کشور سوئیس گردید.

البته این خود ساواک باعث شد که در صحت اسناد مزبور دیگر شك و تردیدی نباشد. بدین معنا که یکی از دو سرکسول ایران در ونو یعنی خوانساری که از ما مورس ساواک و از مردان ساعات اول بوده و سمت سفیری را دارا بود، با اقدامی ناشی از دستپاچگی بر علیه اشغال کنندگان کسولگری در روز اول ژوئن منحل به اتهام سرقت نزد مقامات قضائی کشور سوئیس اعلام جرم نمود. و این درست همان نکته ای بود که اشغال کنندگان در مد نظر داشتند. بویژه به این خاطر که از این طریق بهترین دلیل صحت و ناخندوشی اسناد را بکک مقامات ایران بدست میآوردند.

مقامات سوئیس نیز با لطمع بر اساس شکایت مزبور بلافاصله ریز کا مل و دقیق تمام اثبات خسوفه را از سرکسولگری ایران در ونو خواستار شدند. تازه در این زمان بود که تهران متوجه شد که ساواک در چه دام و نله ای افتاده است و بهمین خاطر اعلام جرم خود را پس گرفت.

این اقدام البته دیگر نمیتوانست ما مورس محفی شاه را نجات دهد زیرا که اسناد و مدارك مزبور اینك در اروپا به گردش درآمده و شبکه تراکم و فشرده ساواک هر ملا گردیده بود. حداقل از این زمان کاملاً روشن است که ما مورس ساواک تفریبا در تمام ناپندگی های سیاسی ایران در کشورهای

اروپای مرکزی مستقر میباشند. تصویری که ساواک در جمیع سفارتخانه ها از خود به دست داده است تقریباً در همه جا یکسان میباشد. بدین معنا کسه اغلب سفرا خود از ما مورین ساواک بهره ولی کمتر در این نقش جلوه گر می شوند. دارو و دسته فعالین ساواک معمولاً با کارمندان رتبه اول سفارتخانه ها شروع میکردند. علاوه بر این گروه اختصاصی ساواک نیز وجود دارد که حفاظت نمایندگهای ایران را به عهده داشته و نیز مسئول مبارزه علیه مخالفین رژیم در محل میباشند. بخصوص دیپلماتهایی که مسئول کنترل دانشجویان ایرانی مخالف دستگاه هستند نقش مهمی در این زمینه بازی میکنند. این نقش را اکثراً صاحب منصبان رتبه دوم و یا سوم از قبیل آتاشه های مطبوعاتی بعهده دارند که وظیفه آنها تنها جلوگیری از انتشار مطالب مضره علیه شاه از طریق رسانه های عمومی محلی نبوده بلکه شامل تهیه اخبار و اطلاعات در باره احزاب محلی، سیاستمداران و دیگر افراد و مقامات با نفوذ نیز میشود.

من باب نمونه در این مورد مصاحبه کاملاً روشنگرانهای با آتاشه مطبوعاتی ایران در بن د کتر امیر خلیلی وجود دارد که یک شب قبیل از اشغال کسولگری در ژنو یعنی در تاریخ ۳۱ ماه مه ۱۹۷۶ صورت گرفته است. برنامه "مونپتور" فرستنده "آ.ا.ر.د." تلویزیون آلمان غربی با تکیه به اسناد و مدارک مربوط به ساواک که در سفارت ایران در بن بدست دانشجو یان ایرانی افتاده بود، خلیلی را با تحقیقات و تفحصات مخالفین رژیم مواجه ساخت.

گوینده برنامه سؤال کرد: "آیا شما از همکاران ساواک هستید؟"

خلیلی با تکذیب این مطلب به تله افتاد. وی اظهار داشت: "خوب است که شما این سؤال را می کنید. زیرا چند سال پیش گذرداسیون لیسستی منتشر کرد که نام اینجانب و نه نفر دیگر در آن دیده میشد. در آنجا ادعا شده بود که ما همگی ما مورین ساواک میباشیم."

گوینده سؤال نمود: "ولی شما اصولاً فعالیت های سازمان جا سوسی

کشور خود را در آلمان فدرال تکذیب نمی کنید؟"

"بلی ولی جریان از این قرار است که هر کشوری برای خود تشکیلاتی

برای حفظ قانون اساسی و سازمانی برای اطلاعات و اخبار دارد و اعضای این دو تشکیلات میبایستی البته مخفی بمانند.

سؤال: " پس چرا سفارت شما لیستی از نام ۱۵۰ ایرانی تهیه کرده و آنرا در صندوق سفارتخانه نگاهداشته است؟ "

خلیلی: " خوب است که شما از این لیست صحبت میکنید زیرا ادعا میشد که از سفارت چیزی به سرقت نرفته است. ولی شما نیز اکنون همین لیست را که از سفارت درزیده شده است در اختیار دارید. "

اینجا بود که با سؤال بعدی در تله باز شد.

سؤال: " آیا درست است که لیست مزبور در صندوق شما بوده است؟ "

خلیلی: " آری درست همین لیست. "

لیستهایی از این قبیل تقریباً در صندوق های تمام سفارتخانه های ایران در اروپا و آمریکا وجود دارند. روی آنها اسامی آنگونه از ایرانیان مقیم خارج دیده میشوند که در صف مخالفین رژیم شاه قرار دارند و یا چنین بنظر میآیند. لیستهای مزبور معمولاً مربوط به دانشجویان ایرانی خارج از کشور میباشند که مورد توجه خاص ساواک قرار دارند. این نکته از نامه ای که سرهنگ مالك که تحت نام مستعار خود محمودی به بریستول یعنی مرکز ساواک در تهران نوشته است بر میآید:

سری

به بریستول - ۲۲۲ (مرکز ساواک در تهران)

از سین (مرکز اروپائی ساواک در ونو)

شماره ۶۰۹

تاریخ ۵۲/۱۰/۷

بازگشت بشماره ۲۲۲/۲۳۰۴ - بدون تاریخ

پیرو شماره ۵۵۹ - ۵۲/۹/۲۳

در باره تشکیل سفارت دانشجویی

جناب آقای خوانساری فرمودند بحرض جناب باطداد (پرویز ثابتی) به رسانید سفارت دانشجویی که در روزهای ۲۵ و ۲۶ دیماه ۱۳۵۲ (۱۵ و

۱۶ ژانویه ۱۹۷۴) در وینو تشکیل خواهد گردید مربوط به کشورهای بلژیک - هلند - ایتالیا (میلان) - نروژ - کپنهاگ - دانمارک - سوئد - سوئیس خواهد بود و اضافه کردند شرکت کارشد نمایندگی آلمان از این نظر که نمایندگی آن مسئولیت امور دانشجویان مالک اسکاندیناوی را بعهده دارد و همچنین شرکت نمایندگی ایتالیا (میلان) فقط در این زمینه ضروری است .

برای سایر مناطق منطقه خود آلمان و اطرفش سمینارهای دیگری که ممکن است در محل آنان تشکیل یابد بعداً ترتیب داده خواهد شد .
محمودی (احمد مالک مهدوی)

سری

به سیمین (مرکز اروپائی ساواک در وینو)

از ۳۳۲ (مرکز ساواک در تهران)

شماره ۳۱۲/۲۳۰۴

تاریخ - بدون تاریخ

به آقای معاون ساواک ابلاغ تا در سمینار مسائل : دانشجویی در صورت امکان در تاریخ ۲۵ و ۲۶ دی در وینو شرکت نماید .

باغداد (پرویز ثابتی)

(نقل از پاره ای ص ۱۰۰)

وینو به عنوان مرکز اروپائی سازمان جاسوسی ایران محلی است که ساواک برای تبادل افکار و انعقاد جلسات سمینار اصولاً بر اماکن دیگر ترجیح میدهد . مثلاً بین ۱۲ تا ۱۸ اکتبر ۱۹۷۵ رؤسای ساواک تمام سفارتخانه های ایران در اروپا در وینو گرد هم آمده بودند . در این گونه موارد صورت حساب های کلانی از قبیل صورتحساب زیر مربوط به این مورد بخصوص به مرکز در تهران (لاهوت ۳ - ۳۳۰) فرستاده میشوند :

سری

به لاهوت ۳ - ۳۳۰ (مرکز ساواک در تهران - اداره گل سوم)

از سیمین (مرکز اروپائی ساواک در وینو)

شماره ۷۲۷

تاریخ ۵۴/۸/۲

بازگشت بشماره ۱۰۸ - ۲۳۰ - ۵۴/۶/۲۹

در اجرای اوامر جناب کارگشا (رئیس سازمان امنیت نصیری) جلسات

سمینار نمایندگی از تاریخ ۵۴/۷/۲۱ الی ۵۴/۷/۲۶ در هتل های متعدد ریشموند و پرزیدنت برگزار گردید کتبه جلسات سمینار تحت ریاست تیمسار سرتیب ودیمی معاون لاهوت (اداره کل سوم) با نظم و ترتیب لازم بسر گذار و تبادل نظرهای مربوطه جهت رؤسای نمایندگی ها بطور قابل ملاحظه‌ای طید واقع گردید .

در دو سیمانی یکی مورخ شنبه ۵۴/۷/۱۹ و یکی بمنظور ختم سمینار مورخ ۵۴/۷/۲۵ و با شرکت جناب آقای خوانساری سفیر شاهنشاه آریا مهر و جناب آقای رضا اسفندیاری و نزال کسول شاهنشاهی در ونو و رؤسای نمایندگی های شرکت کننده در سمینار در هتل بوریواژ از طرف ایشان نمایندگی بر گذار شد .

بهبوست صورتحساب های مربوطه شامل اجاره سالن های هتل و سایر هزینه های سفره که از طرف این نمایندگی پرداخت شده است بشرح زیر ارسال میگردد خواهشمند است دستور فرمایند نسبت به ارسال مخارج معموله اقدام فرمایند .

- ۱ - صورتحساب هتل ریشموند شامل سالن - جای - فتوکی مدارک مورد نظر و تلفن ۹۵۶ فرانک
 - ۲ - صورتحساب هتل پرزیدانت شامل اجاره سالن - جای - فتوکی مدارک و تلفن ۱۷۳۸/۱۰۰ فرانک
 - ۳ - صورتحساب پذیرائی مورخ ۵۴/۷/۱۹ ۹۶۸/۷۰ فرانک
 - ۴ - صورتحساب پذیرائی مورخ ۵۴/۷/۲۵ ۲۲۸۲ فرانک
- جمع ۵۹۴۴/۸۰ فرانک
- عین صورتحساب های مربوطه به ترتیب در شماره های ۱ - ۲ - ۳ - ۴ به ضمیمه تقدیم میگردد .

محمودی (سرهنگ احمد مالک مهدوی)

(نقل از پاره ای ۰۰۰۰۰۰۰۰ ص ۱۱۸)

البته فقط صورتحساب های این مجال نیستند که بمرکز ارسال میشوند بلکه علاوه بر این نتایج هم که در این مجالس خوشگذرانی تحصیل گشته اند

به تهران مخابره شده اند:

نتیجه گرفته شد که ناپبندگی‌ها لازم است بگذراند را در باره تجارب رهبران عطیات قرار دهند. علاوه بر این ضروریست که مرکز نیز در این باره کسب اطلاع کرده و تجارب مزبور را در اختیار ناپبندگی‌های دیگر قرار دهد. در این جلسه سبب مثال در زمینه روابط با مقامات پلیس محلی تماس با سفرا و سرکسولگری‌ها و صاحبان دولتی و مقامات اداری محلی مطرح و تدابیری اتخاذ شدند تا ناپبندگی‌ها بتوانند امکانات خود را در محل جهت اجراء وظایف خود توسعه دهند. این مسائل براساس موارد معینی مذاکره و مورد بحث قرار گرفتند.

در بین اعضا هائیکه زیر این سند وجود دارند عده‌ای از اعضا سفارت ایران در آلمان غربی یعنی جوان، کیکاووس و پارساکیا وجود دارند. محدوده اختصاصی کار این حضرات عبارت از اجرای عطیات جاسوسی هنگام برگزاری جلسات دانشجویان ایرانی مخالف رژیم در آلمان فدرال از جمله هنگام تشکیل کنگره ۱۴ کفدراسیون در تاریخ ۱ ژانویه ۱۹۷۳ در فرانکفورت بوده است. قبل از انعقاد جلسات این کنگره با داد یعنی همان پرویز تابتی از تهران به مرکز اروپایی ساواک در ژنو دستور میدهد:

سری - فوری

شماره ۳۳۲/۱۸۳

تاریخ ۵۱/۹/۱۶

به سیمین (مرکز اروپایی ساواک در ژنو)

از بریستول (مرکز ساواک در تهران)

با توجه باینکه چهاردهمین کنگره کفدراسیون در روز ۱ ژانویه ۱۹۷۳ در آلمان غربی (فرانکفورت) تشکیل خواهد شد خواهشمند است دستور فرمائید سریعاً نسبت به آموزش و توجیه لازم ضایع و اعزام آنها اقدام مقتضی معمول نمائید. ساهی ساهی که از طریق آن ناپبندگی به کنگره اعزام میگردند تلگرافی به مرکز منعکس شوند. ح - با داد (پرویز تابتی)

از طرف سیمین

یرونده‌های جاسوسی که در این گونه موارد وسیله مأمورین ساواک

نهیة مینوده، البته شوخی آیز نیستند. چه بلایی ممکن است بسر دانشجویان ایرانی که بدین طریق به جنگال ساواک می افتند، هنگام بازگشتشان به ایران بیآید، در روزنامه نیمه دولتی کیهان مورخ اوت ۱۹۷۵ درج شده است:*

"..... با تغییراتی که در ماده ۳۱۰ قانون دادرسی و کیفر ارتش داده شده..... در قانون جدید پیش بینی شده هرکس تشکیل جمعیت بهر شکل و عنوان در سلطنت بدهد یا اداره کند که دارای رویه یا مرام اشتراکی یا بر ضد حکومت مشروطه سلطنتی باشد و همچنین هر ایرانی که در خارج از سلطنت اقدام چنین عملی بکند و هرکس با چنین جمعیت‌هایی همکاری داشته باشد محکوم به حبس دائم است و هرآینه جمعیت‌های مزبور برای اجرای منظور خود اسلحه یا مواد مناجره تدارک کنند محکوم به اعدام هستند.

تحریک و ترغیب به اغتشاش بر ضد امنیت داخلی یا خارجی از راه نطق یا اوراق چاپی یا خطی و یا هر وسیله دیگر به شرط آنکه مؤثر واقع شود مرتکب به حبس دائم و اگر عمل او منجر به قتل گردد به اعدام محکوم است ولی اگر تحریک مؤثر واقع نشود مجازات مرتکب حبس جنائی درجه ۲ از ۲ سال تا ۱۰ سال است.

هرگونه اقدام به منظور جدا کردن قسمتی از ظمرو حاکمیت ایران و یا لطمه زدن به استقلال و تمامیت کشور مجازات اعدام در بر دارد و چنین مجازات بر کسانی است که مستقلاً و یا با حمایت بیگانه بر ضد حکومت ملی سلحمانه قیام کنند.

کسانی که قبل از کشف جرم خود را معرفی و یا مأموران در این راه همکاری کنند از مجازات معاف میشوند و اگر بعد از کشف جرم اطلاعاتی در اختیار بگذارند که مأموران را در انجام وظایف کمک نماید از تخفیف در مجازات برخوردار خواهند شد.

این بدان مفهوم است که این قانون به ساواک امکان میدهد که اتباع ایرانی را در داخل و خارج از کشور متهم به تحریک علیه شاه نموده و به این ترتیب آنها را وادار به جاسوسی برای سازمان امنیت کند. مثالی که بعداً در این مورد آورده خواهد شد، نشان میدهد که این امر عملاً بسیار پیش آمده است.

* نقل از کیهان مورخ ۲۳ مرداد ۱۳۵۴ - مترجم

ایجاد شبکه‌های حاسوسی بخصوص در کشورهای اروپای مرکزی از زمان ریاست دومین رئیس ساواک یعنی سرلشکر پاکروان ویس از آن زمان بر سر قدرت آمدن سپهبد نصیری در سال ۱۹۶۵ آغاز گردید. چه اهمیتی آلمان غربی در این زمینه دارا بوده است از این واقعیت اجتناب نشود که پاکروان حتی بختیار رئیس سابق ساواک سپهبد علوی کیا را به عنوان رئیس ساواک آلمان فدرال بدین کشور گسیل داشت. علوی کیا رسماً بعنوان فرستاده دولت ایران به آلمان غربی آمده و مرکز فرماندهی خود را در شهر گل و در *Bonner Straße 150* مستقر ساخت و دفتر کار یکی از دیپلمات‌های ایرانی به نام سرهنگ اکبر دادستان را در طبقه چهارم ایس ساختمان محل کار خود قرار داد. البته نه تنها دفتر این شخص بلکه خود او نیز در خدمت ساواک قرار گرفت. دادستان که تاکنون معاون آناش نظامی در سفارت ایران بوده به سمت معاونت رئیس ساواک در آلمان غربی برگزیده شد.

در مجموع تعداد اعضای ساواک بهنگام تأسیس شعبه آلمان غربی بالغ بر ۳۰ نفر میشد. برخی از آنها با لباس نظامی مشغول خدمت شدند، مثل سرگرد عطا الله فروتن که در ابتدا به عنوان افسر امور مالی بود. ساواک در آلمان غربی را که بالغ بر ۵ میلیون دلار میشد، اداره میکرد. سردار رئیس سابق و از کار افتاده ساواک یعنی بختیار که شاه او را به دیپلماتیک فرستاده بود در باره افراد ساواک اظهار داشت: "این افراد وظایف خود را به نام تجار انجام میدهند. مثلاً در مونیخ سرهنگ بازنشسته‌ای هست که رسماً قالی می‌فروشد."

این طور که کاشف بعمل آمده است حتی شعبات خارجی شرکت هواپیمایی ایران و نیروبانک‌های ایرانی در چندین مورد جایگاه ماورین ساواک بوده‌اند.

کام بعدی پس از ایجاد شعبه ساواک در کل ایجاد پایگاه در کشور اتریش بود که در واقع گامی در جهت توسعه ساواک در کشورهای اروپای

بشمار میرفت. در اینجا شعبه سازمان امنیت در سفارت ایران واقع در
 وینر شوارتزن برگ پلاتز *Wiener Schwarzenbergplatz*
 پنهان گردید و یکی از کارمندان قدیمی سفارت که سمت آتاشه طبوعاتی
 را دارا بود، یعنی کناورز بعنوان مسئول ساواک تعیین گردید. اتا بهی
 سفیر ایران از این جریان مطلع و وظیفه داشت که راه را برای ما مورسین
 ساواک نیز مقامات دولتی اتریش هموار سازد.

از دیگر جاسوسان ساواک در وین هوشنگ سمعی آتاشه دوم
 فرهنگی بود که حتی زمانی مسئول ساواک در سفارت نیز گردید. نفر دیگر
 فرخ امیر پرویز بود که چنانچه شرحش بعدا خواهد آمد شخص پسر
 انداختن هوا و درگیری محسوب میشد.

تیم ساواک اتریش نیز پس از تأسیس دستی پر از کار داشت. زیرا
 در آنجا نیز همان وظایفی را عهده دار بود که تمام نمایندگی های ساواک
 در اروپا موظف به اجرا آنها هستند. یعنی از یک سوتلیفات بر لسه
 شاه و از سوی دیگر جلوگیری از انتشار مطالب انتقادی در باره او و از
 طرف دستگاه های عمومی پخش اخبار و علاوه بر این انجام فعالیت های امنیتی
 در سفارت و هنگام دیدارهای شاه از کشورهای خارجی و بالاخره تحت
 نظر داشتن ایرانیان و دعوت آنها به جاسوسی به نفع ساواک.

در اتریش در حدود هزار نفر دانشجوی ایرانی به تحصیل مشغول
 میباشند. ساواک در مدت نسبتا کوناهی شبکه تراکی بوجود آورد که حتی
 به تمام دانشگاه های که ایرانیان در آنجا به تحصیل اشتغال دارند و هم
 چنین در اتحادیه های دانشجویان مخالف رژیم رخنه نمود. طرز کار
 بدین ترتیب بود که با بخشش از دانشجویان که اشکالات مالی و یا مشکلات
 دیگری داشتند خریداری و یا اینکه عمال کارگشته بکار گماشته میشدند. یکی
 از این افراد شخص بود به نام ایرج شهیدی مهندس نفت. وی حتی تا
 آنجا موفق شد که بعنوان رئیس اتحادیه دانشجویان در اتریش انتخاب
 گردید. تنها یک اشتباه از طرف او بود که نقش اش را بر ملا ساخت.

شهیدی لیستی از نام اعضاء اتحادیه را برای یکی از مأمورین ساواک در مونیخ فرستاد. شخص مزبور بخاطر تربیت بوروکراتیک خود کار بهنتری بنظرش نیامد از اینکته این لیست را پس از برداشتن يك رونوشت از آن مجدداً برای شهیدی پس بفرستد، لیکن مرسوله مزبور این بار دیگر بدست شهیدی نیافتاد بلکه تحویل یکی دیگر از افراد هیأت کارداران اتحادیه گردید. بدین ترتیب برده از چهره رئیس اتحادیه برداشته و نقض جاسوسی وی برملا گردید. دلیل نهائی را منی بر نقض دوگانه خود، شهیدی چند هفته دیگر بدست داد. وی در پائیز سال ۱۹۶۵ در صدر بود که پاکت ضخیمی را از لثوبن (شهری که او در آنجا تحصیل میکرد و از سال ۱۹۵۹ در دانشگاه مونتسان ثبت نام کرده بود.) به آدرس سمعی مأمور ساواک به سفارت ایران در وین ارسال دارد. همکاران وی در هیأت کارداران که به او مشکوک بودند این نامه را بدست آورده و آنرا باز کردند. آنچه که آنها در این پاکت یافتند سی باستی همچون شوکی بر آنها اثر کرده باشد. این نامه حاوی تعداد زیادی عکس از دانشجویان ایرانی که علیه شاه تظاهرات کرده و علاوه بر آن اطلاعات دقیقی در مورد آنها بود که سر این دانشجویان را پس از بازگشت شان به ایران بر باد میداد. بر اساس همین نامه بود که نقض هوشنگ سمعی که در این مابین به مقام مسئول ساواک در وین ارتقا یافته بود روشن گردید. شهیدی از اتحادیه اخراج و از لثوبن به وین کوچ نمود. ما این شخص را مجدداً در رابطه با فعالیت‌های پرماجرایی ساواک بار دیگر خواهیم دید.

شعبات ساواک در اروپا البته تنها با جاسوسان کارگشته‌ای از قبیل شهیدی گردانده نمی‌شوند. این شعبات در همین حال نقطه تجمع و مرکز رهبری آن دسته از اتباع ایرانی نیز میباشند که گاه و گداری خود را در خدمت سازمان اذیت قرار میدهند و اینطور که از ظواهر ابر برمیآید این کار را خیلی از ایرانیان و اکثراً از روی اجبار انجام میدهند. سند زیر دلایل برصحت این مدعا:

سری

از بزیستول / ۳۳۰ (مرکز ساواک در تهران)

به سیمن (مرکز اروپائی ساواک در ونو)

۱۳۰ / ۳۳۰ - ۵۱/۱۱/۳

در باره طرح استفاده اطلاعاتی از پیروها (افسران) کسرننگها (دانشوران) و اکرهای محزون (درجه داران) صلح بریتونل اخیرا طرحی به منظور استفاده اطلاعاتی از افراد نامبرده فوق که در دانشگاه های غیر سدد (نظامی) مشغول تحصیل هستند مورد تصویب مشور (شاه) قرار گرفت که به موجب آن به نامبردگان که بهر عنوان به خارج از کشور مسافرت نمایند دستور داده میشود که نسبت به تاهین نیازمند بهای اطلاعاتی اقدام نمایند .

مراتب جهت اطلاع اعلام . شرح جریان و طرحهای اجرایی ضماقبا ارسال خواهد شد .

با مدار - پرز (تائیتی)

از طرف میمال

(نقل از یاره ای ۰۰۰۰۰۰ ص ۲۷)

این بدان معنا است که برای ساواک جاسوسی بکنند . این که دستوراتی از این قبیل شامل حال افراد نظامی که به عنوان مهمان نزد ارتش آلمان غربی بسر میبرند نمی شود امریست که قبولش کاملا مشکل است . درست در مورد افراد نظامی است که شاه اصلا شوخی سرش نمیشود چنانچه در خبر زیر میآید :

سری

از بریتونل (مرکز ساواک در تهران)

به سیمن (مرکز اروپائی ساواک در ونو)

۱۱۵۲ / ۳۳۱ - ۵۲/۳/۳

در سال گذشته سازمان ضد اطلاعات اداره دوم متوجه روابط نا مطلوب هفت نفر از افسران ارتش شاهنشاهی با سرویس اطلاعات بیگانه میشود که با بررسی و اقدامات لازم مدارک و اسناد کافی بر فعالیتها و تماس آنان بدست میآورد . در نتیجه افسران مزبور دستگیر و پرونده آنان جهت رسیدگی قانونی به اداره دادرسی نیروهای صلح ارتش شاهنشاهی احاله که در اداره مزبور پس از انجام مراحل قانونی چون جرایم مرتکبه جنی بسر بر جاسوسی و اقدام علیه امنیت کشور و فعالیت های اطلاعاتی به نفع

بهگانه مسلم میگردد دو نفر از افسران به اعدام و پنج نفر دیگر بین ۱۸ ماه تا ۱۵ سال زندان محکوم میگردند که رأی صادره به مورد اجراء گذاشته میشود.

مراتب جهت اطلاع آن نمایندگی اعلام. از درج موضوع در جراید خود داری گردد.

با طدار. یز (پرویز ثابتی)
 از طرف (امضا ناخوانا)
 (نقل از پاره ای ۰۰۰۰۰۰ ص ۴۲۴)

وظیفه مأمورین ساواک در خارج از کشور تنها به اینگونه فعالیت های جاسوسی محدود نشده بلکه حفاظت گروه های مسافرتی در طول مسافرتشان در خارج نیز بر عهده آنها میباشد. مثلا در سال ۱۹۷۵ جنس واره رقصی که در شهر ونیز منعقد گردید. دانشجویان ایرانی موفق به شناختن رئیس زورخانه یعنی شعبان علی حمفری که از افسران ساواک بوده و از شبکه گران بنام و مشهور به " بی مخ " میباشد شدند. پس از اینکه روزنامه استامپا ' *Stampa* چاپ تورین هویت اصلی وی را فاش ساخت گروه مزبور به سرعت محل را ترك گفت.

هر آن که مأمورین ساواک به اروپا بیایند از توجه شایان و شدید مرکز ساواک در اروپا واقع در ژنو برخوردار میشوند. سرهنگ مالك حتی با نام مستعار محمودی تحت عنوان " خلیلی محرمانه " آنچه را که رئیس اش یعنی سرگرمول خوانساری هنگام مراجعت مأمورین مزبور از آلمان غربی به تهران توصیه میکند، روی کاغذ آورده است. مثلا اینکه آنها بهتر است ابتدا از برلن غربی به برلن شرقی رفته و " در آنجا مارک غربی را به مارک شرقی تبدیل کنند (هر مارک غربی برابر است با ۳/۵ مارک شرقی) و سپس پس از خرید بلیط هواپیما از شرکت هواپیمایی روسی آئروفلوت *Aeroflot* به ایران مراجعت نمایند.

مالك مهدوی " محرمانه " اخبار خیلی مهتر از این را نیز به تهران مخابره کرده است. از حظه خیر زیر :

سری

به لاهوت ۲ - ۴۴۲ (مرکز ساواک در تهران اداره کل سوم)

از سیمین (مرکز اروپائی ساواک در ژنو)

شماره ۱۶۲ - تاریخ ۵۳/۴/۷

پیرو شماره ۱۱۱ - ۵۳/۴/۷

از سفارت شاهنشاهی ایران در هلند به جناب آقای خوانساری اطلاع داده اند که یکفرا انگلیسی بنام مستر Low که از دوستان والا حضرت شاهپور غلام رضا میباشد ضمن تماس با سفارت مورد بحث اظهار نموده است که اطلاع دارم دولت عراق مقداری اسلحه ضحطه دو هزار تانک که برای پیمان ناتو ساخته شده خریداری نموده که قرار است این اسلحه ها به سوئد حمل و سپس از طریق سوئد به عراق امداد شود .

اسم کارخانه سازنده اسلحه *Kreusse-Maffei* و محل آن در شهر

مونخ است ولی شرکت معامله کننده اسلحه بنام *I.L.S.* میباشد .

مدیر کارخانه به اسم دکتر *Beyer* و شماره تلفن او ۸۱۸۸۱۱۱۲ - ۰۰۴۹ میباشد . در حال حاضر از طرف این کارخانه نمایندگانی برای نمایندگان اسلحه های خریداری شده به عراق رفته اند و روز ۲۵ ژوئن مشغول نمایندگی این اسلحه ها شده اند و بر طبق مذاکرات ممکن است تعداد تانکهای فروخته شده به عراق تا ۷۵۰۰ عدد نیز افزایش یابد و مبلغ معامله فعلی یک هزار و پانصد میلیون مارك است .

مشغول تماس گیرنده در سفارت شاهنشاهی ایران در هلند از انگلیسی مورد بحث یعنی آقای Low سؤال کرده است که نفع شما در دادن این خبر به مقامات ایرانی چیست؟ که آقای Low جواباً اظهار نموده که کارخانه اسلحه سازی در مونخ که نام آن در بالا ذکر شده است دارای دو دسته مدیر می باشد که مدیران جوان کارخانه این معامله را انجام داده اند و صورت موفقیت کامل معامله موقعیت مدیران قدیمی بخطر خواهد افتاد و یکی از مدیران قدیمی کارخانه یعنی آقای *Beyer* به اینجانب گفته است در صورتی که از طرف دولت ایران و یا سفارت شاهنشاهی ایران در گن با مسئولین کارخانه تماس گرفته شود و این موضوع عنوان گردد که فروش چنین اسلحه هایی به عراق موقعیت ایران را بخطر میاندازد . مسکیت که این معامله صورت عمل بخود نگیرد و در اینصورت تا صدها دو میلیون مارك به انگلیس مورد بحث پرداخت خواهد نمود .

محمودی (سرهنگ احمد مالک)

(نقل از پاره ای ۰۰۰۰۰۰ ص ۷۶/۷۵)

جملات آخر این خبر این سوژن را به وجود می‌آورد که خبر مزبور با شایعه‌ای ماجراجویانه و با حقه‌ای آگاهانه است تا بتوان از آن طریق سرکیمه پول را شل نمود. کما اینکه جبهه اصلی در آخر آورده شده است. حوزه دیگر فعالیت‌های ساواک در اروپا کردهای فراری از عراق می‌باشند. رقیب تر بگوئیم آندسته از پیش مرگان رهبر کردها یعنی مصطفی بارزانی که دولت مرکزی عراق پس از سالها جازه آنها را در اوایل سال ۱۹۷۵ با شکست مواجه ساخت. البته پس از اینکه دول ایران و عراق بطور کامل غیر مترقبه‌ای روابط حسنه برقرار کرده و دولت ایران مرزهای خود را در قسمت کردستان عراق بسته و راه کمک‌های پشت جبهه را به پیش مرگان قطع نمود. قبل از اجرا چنین گامی در طول تمام مدتی که کردها مشغول جازه بودند، ساخت و پاخت‌های بیشرمانه‌ای بیسوس. آی. ا. و ساواک صورت گرفته بود که بعدها در گزارش موسوم به "پایک رپورت" *Pike Report* برملا شدند. گزارش مزبور نتیجه بررسی‌هایی است که تحت ریاست سناتور پایک از طرف کمیته برگزیده *Select Committee* پارلمان آمریکا در باره فعالیت‌های سی. آی. ا. صورت گرفته است.

در این گزارش آمده است که کرد‌های عراق "شاید بتوانستند با حکومت مرکزی به توافق رسیده و از این طریق حداقل خود مختاری را به دست بیاورند و نتیجتاً خون کثری ریخته میشد. این امر مشروط بر این میبود که بر اساس توطئه‌های ماجراجویانه ساواک وارد آخرین جنگ نمی شدند."

چه ضافعی ایران در این جنگ داشته است در صفحه ۱۶۶ "پایک رپورت" مورد تحلیل قرار میگیرد:

"اسناد و مدارکی که در اختیار این کمیته میباشند کاملاً مبین و روشن گر این نکته هستند که رئیس جمهور آمریکا، دگر کیسینجر و حاکم کشور بیگانه (منظور شاه میباشند) امید داشتند که متولکین ما (یعنی کردها) پیروز نشوند. برعکس اینان ترجیح میدادند که قیام کنندگان در همان مرحله دشمنی باقی بمانند. چرا که از این طریق امکانات

کشور همسایه (یعنی عراق) دوست ما (یعنی ایران) ضعیف می‌شدند .
 این نکته ایست که بدون شك باید در رابطه با اختلافات مرزی که
 در این زمان بین ایران و عراق در زمینه شط‌العرب وجود داشته مورد دقت
 قرار گیرد .

با وجود بر ملا شدن تمام این ساخت و پاخت‌های وحشیانه اینک
 فردی به نام موریت از طرف ساواک به سفر در کشورهای اروپای مرکزی
 پرداخته تا در میان پیش‌مرگان فراری کرد عمالی برای ساواک پیدا و آن
 ها را به مراجعت به عراق دعوت نماید تا بار دیگر دست به جنگ پارتیزانی
 بزنند . این نکته ایست که میتوان در شبنامه‌هایی که از طرف اتحادیه‌های
 دانشجویان کرد در اروپا در شهر وین پخش شده است مطالعه کرد . این
 اتهام با تحقیقاتی که صورت گرفته اند، فقط میتواند تأیید بشود . اتهامات
 مزبور در حله اول متوجه شخصی هستند که دارای سابقه‌ای پر ماجرای
 باشد . این شخص محمد محمود عبدالرحمان موسوم به سامی رحمان‌نسی
 است که خورشید کرد و از اعضای سابق حزب دمکرات کرد ها که در این
 مابین محمل شده، بوده و علاوه بر این مدتی نیز به سمت وزیر در یکی
 از کابینه‌های بغداد بکار اشتغال داشته و بالاخره در آخرین جنگ کرد
 ها در کنار بارزانی بوده و اوائل سال ۱۹۷۵ همراه او به ایران فرار
 نموده است .

در زمانی که پیش‌مرگان فراری امروزه در ایران در اماکن مخصوص
 بسر برده و حتی مجبور هستند به عنوان مزدور علیه شورشیان ایرانی مبارزه
 کنند ، سامی رحمانی با جیب پر پول و یک گذرنامه ایرانی در کشورهای
 اروپائی گشته و از سفارتخانه‌های ایران در وین ، استکهلم ، لاهه و از محمل
 هایی که کردها در این کشور نگاهداشته میشوند ، دیدن میکند زیرا انریش
 و سوئد و هلند تنها کشورهای اروپائی بودند که با قبول فراریان کرد
 که این خطر میرفت که دولت ایران آنها را به کشور عراق تحویل دهد ،
 موافقت کرده بودند . رحمانی در ماه اکتبر ۱۹۷۶ پس از اقامتی طولانی

در بین گروهی از پیش‌سازگان فراری را از طریق بی‌راهه —
 عراق بازگردانیده است تا در مبارزه پارتیزانی علیه سرهازان دولت
 عراق شرکت نماید. ایری بطلب با این واقعیت تطابق میکند که اکنون
 باز دیگر صلحی که يك حال و نیم پیش بین دول ایران و عراق صورت گرفت،
 کاملاً نا‌عطف شده است.

فصل چهارم

فعالیت‌های ساواک در اروپا جاسوسی، پرونده سازی و قتل نفس

زمانی که یکی از دانشجویان ایرانی بنام محمد صادقی نجابی با نفیسی ۲۸ ساله قصد مسافرت به ایران را داشت، ابتدا مخالفتی با سفر او صورت نگرفت. ولی به محض اینکه پا به مرز ایران گذارد گذرنامه‌اش از طرف مأمورین دولتی از وی گرفته شد. دانشجوی مزبور مدت چهار سال بود که در ویسن به تحصیل در رشته علوم کامپیوتر اشتغال داشت و اینک در تاریخ ۲۰ دوشنبه ۱۹۷۵ برای اولین بار بود که پس از مدتی طولانی به قصد دیدار افراد خانواده خود که در تهران یک مغازه الکتریکی دارند، به ایران باز میگشت.

سر مرز به او گفته شد که هنگام خروج مجدد از ایران میتواند گذرنامه خود را در تهران از اداره گذرنامه دریافت نماید. باین ترتیب وی بدون درد دست داشتن گذرنامه‌اش به دیدار خانواده خود نائل گردید.

درست پس از از گذشتن ۵ روز بجای اداره گذرنامه یک مقام بالاتر از آن یعنی ساواک بسراغ وی آمد. "تمیز پنجه‌های شاه" (این عنوانی است که در رمز به مزدوران ساواک داده میشود.) دانشجوی مزبور را احضار کرده و شروع به بازجویی و پرسش از او درباره رفتارهایش در وین، افکار سیاسی‌اش، روابط‌اش با ایرانیان مخالف رژیم در اروپا و غیره ذالك کردند. نتیجه این استنطاقات فوق‌العاده ناچیز بود. البته نه بخاطر اینکه نجابی حاضر به اظهار کوچکترین مطلبی نبوده، خیر بلکه به این دلیل که تا آنجا که چیزی برای گفتن نداشت. وی در تمام طول اقامتش تنها و تنها به فکر درس و تحصیل خود بوده و در فعالیت‌های سیاسی و غیره

هموطنانش در اروپا شوکت نکرده بود. مع الوصف (و شاید هم بهمین علت) عمال ساواک به این عقیده بودند که وی میتواند فردی قابل استفاده و ما موری بالقوه برای ساواک باشد و از اینرو به صراحت از او خواستند که در اتریش با ساواک همکاری کند.

لیکن این تقاضا از نظر شجاعتی بیش از حد تصور بود. وی ایسین خواسته ساواک را در وحله اول نه بخاطر اعتقادات سیاسی اش بلکه از نقطه نظرهای کلی و عاطفی رد نمود. ما مورین ساواک پس از این مذاکره با رفتن او موافقت کردند مشروط براینکه هفته دیگر مجددا در مرکز ساواک حاضر شود.

محمد صادقی شجاعتی باقیی بار دیگر در محل موعود حاضر شده و به خاطر اینکه خانواده اش ناراحت نشود چیزی در این باره با آنها در میان نگذاشت. البته این کار اشتباه بزرگی بود زیرا این بار سازمان امنیت دیگر حاضر به هیچ چك و چانه ای نبود و وی را با چشمان بسته به زندان مخوف ساواک در اوین انداخت. شجاعتی را در آنجا در يك سلول انفرادی کوچک و کتیلی نگاهداشتند و طولی نکشید که تمام بدنش پر از شیش شد. او بالاخره در تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۷۵ مجددا آزاد گردید. شجاعتی در اطلاعیه ای که بدست خود اضا کرده است میگوید:

در طول این مدت شدیدترین روشها را اعمال کردند تا مرا به همکاری با ساواک مجبور نمایند. منجمله به من گفتند که مادرم در نتیجه يك سگه ظمی در بیمارستان بستری میباشد - که البته حقیقت نداشت - تا فشار بیشتری به من وارد آورند. در تمام زمان زندانی بودن ام به هیچ کس اجازه ملاقات با من داده نشد. مرتب به من پیشنهاد میداد که اگر با ساواک همکاری نمایم در آنصورت پول خوبی هم دریافت خواهم داشت. سر انجام هم مرا در سر يك دوراهی قرار دادند به این ترتیب که یا باید در ضمن تحصیل خود در اتریش به نفع ساواک کار کنم و یا اینکه مدت ده سال در زندان بمانم.

در چنین موقعیت دشواری شجاعتی بالاخره آمادگی خود را اعلام نمود با این سؤال که به چه صورتی همکاری با ساواک باید انجام گیرد. در جواب

به وی گفته شد: "وظیفه من عبارت خواهد بود از اینکه با دانشجویان ایرانی مخالف رژیم حاکم در ایران در خارج و به ویژه در اتریش تماس گرفته، در محافل آنان راه یافته و بدین ترتیب سرکار آنها در آورم که چه کسانی هستند، چکار میکنند، افکار و عادات آنها در زندگی خصوصی شان چیست. بعداً میبایستی این اطلاعات را بطور مرتب در اختیار ساواک میگذاشتم."

برای شجاعی نام مستعار جها نشاهی انتخاب شده و آدرس و شماره تلفن او را در وین از او گرفتند. علاوه بر این در تهران به او اطلاع داده شد که در وین شخص معینی با او بر قرار خواهد کرد. شجاعی روز اول اکتبر ۱۹۷۵ مجدداً به وین مراجعت نمود. درست ۱۰ روز از اقامت وی در اتریش میگذشت که به او تلفن شد. شخص تلفن کننده شجاعی را به اسم مستعارش مخاطب قرار داده و با او در مقابل درب شماره ۳ کورستان مرکزی وین قرار ملاقات گذارد. روز موعود و در محل مزبور مرد جوانی با یک ماشین سواری با نمره سیاسی حاضر شده و خود را به عنوان دیپلمات معرفی نمود.

باز دوباره در این مورد حیرانی شروع شد که شجاعی چه کارهایی را میتواند برای ساواک انجام دهد و در قبال آن چه دریافت خواهد کرد. حتی به وی کمک هزینه تحصیلی نیز عرضه شد. ضمناً به او گفته شد که وای به حالتش هرگاه همکاری مطیع برای ساواک نباشد. مأمور مزبور حتی او را تهدید کرد که: "در این صورت گزارش به ایران خواهد داد و در نتیجه مرا در سفر بعدی به ایران مجدداً توقیف خواهند کرد و اشاره کرد که نباید از نظر دور بدارم که افراد خانواده من در تهران میباشند."

گفتگوهای از این قبیل دوبار دیگر ولی این بارها در مقابل یکی

از سینماهای وین در نوس دورف اشتراسه *Nubdorfer Straße*

بنام "دیدگان خدا" صورت گرفت. این بار نیز همان شخص در محل مقرر حاضر شده و به تهدید شجاعی پرداخت که چرا هنوز اخبار و گزارشهای

تهیه نکرده است. در ملاقاتهایی که صورت میگرفت شخص مزبور همواره با ماشینهای سواری دیپلماتیک حاضر میشد. یک بار با یک مرسدس آبی رنگ و بار دیگر با یک جنی سفید رنگ و بالاخره یک بار با یک ب.ام. و. که البته دلیل این امر بعداً روشن شد. زیرا ما «مورساواک» در این ملاقاتها فقط به تهدید و با ترغیب شجاعی نمی پرداخت، بلکه یک بار هم آدرس خود یعنی اتای شماره ۳۲ در سفارت ایران واقع در شوارتزن برگ پلاتز و شماره تلفن مستقیم خود را ۷۳۶۴۱۰ به او داد. طبق فهرست اسامی دیپلماتها در اداره امور خاجی در وین شخص بنام ناصر ربیع زاده که آناشه سوم سفارت است دارای این آدرس میباشد.

در اینکه شخص مزبور خود ربیع زاده بوده است به دلیل زیر دیگر جای هیچگونه شك و تردیدی نیست. وی با شجاعی برای چهارمین ملاقات در روز ۹ آوریل بار دیگر در مقابل سینمای "دیدگان خدا" وعده میکرد. در حدود ساعت ۷ بعد از ظهر بود که ما «مورساواک» با اتوموبیل سواری ب.ام.و. که نمره سیاسی و ۲۷ - ۳۲ داشت در محل مقرر حاضر شده و به گفتگو با شجاعی پرداخت. در همین لحظات بود که اتفاق غیره منتظره ای رخ داد. بدین معنا که شخصی با یک دوربین عکاسی چند بار از ربیع زاده عکس گرفت. او نیز به سرعت داخل ماشین خود شده و بسرعت از آنجا دور شد. جریان از این قرار بود که این بار شجاعی یکی از دوستان خود را همراه برده بود تا از او و ما «مورساواک» شفا عکس بگیرد. در این عکسهاست که ربیع زاده با وضوح تمام شناخته شده است.

روز بعد هم ربیع زاده با عجله فراوان از خانه خود واقسع در تریبانوم گاسه *Thersianumgasse* شماره ۸ که در آنجا ایرانیان دیگری نیز سکونت داشتند اسباب کنی نمود.

دو هفته بعد نیز بار دیگر این امکان پیش آمد که از ناصر ربیع زاده

— ولی اینبار در مقابل سفارت ایران در وین — عکس گرفته شود.

از قضا در این اثنا حزب محافظه کار مردم اتریش *Osterreichische Volkspartei* رشته کار را در دست گرفته و یکی از نمایندگان آن در مجلس بنام فرانتز یوزف باوئر *Franz Josef Bauer* بعنوان شخص امنیتی خطاب به اتوروش *Otto Rösch* وزیر کشور و عضو حزب سوسیال دموکرات های اتریش سؤال زیر را در پارلمان مطرح کرد: "آیا وزارت کشور اطلاعاتی در باره فعالیت های پلیس مخفی ایران در اتریش دارد یا خیر؟ اگر اطلاعاتی در این زمینه دارا میباشد، چه اقداماتی انجام داده تا به فعالیت های سازمان جاسوسی یک کشور بیگانه در اتریش خاتمه داده شود؟"

این سؤال در روز ۲۰ ماه مه ۱۹۷۶ در مجلس مطرح شد و وی با بستی طبق نظامنامه مجلس حداکثر تا ۲۰ ژوئن ۱۹۷۶ جواب روشنی به آن داده شود. ولی چنین پاسخی داده نشد زیرا که درست در همین زمان رئیس جمهور اتریش رودلف کیرش شلگر *Rudolf Kirchschläger* همراه با وزیر امور خارجه و وزیر بازرگانی اتریش بعنوان نمایندگان بازرگانی صاحبان سرمایه در اتریش در بارگاه شاه بار میافتند. پر واضح است که جواب درست و متکی به حقایق از طرف وزیر کشور در باره عطیات ساواک در اتریش با چنین برنامه ای مفایرت میداشت. از طرف دیگر وابستگان قدرتمند جناح طرفداران صاحبان سرمایه در حزب مزبور نیز میتوانند این نکته را به باوئر "حالی کنند" و او که معمولاً فردی پرا میبانشد، رضایت خود را با عدم دریافت جواب اعلام دانست. وزیر کشور نیز او را در اتخاذ چنین تصمیمی یاری نمود به این ترتیب که وی را در یک فرصت مناسب به کنار کشیده و به او اطمینان داد که مسئله را حل خواهد کرد. طبق گفته باوئر وزیر کشور به وی اظهار داشته بود که قضیه آناشه سفارت و ما مور ساواک یعنی ربیع زاده در حال حاضر در دست داستان کشور میباشد. البته در محل مزبور پرونده شخصی از ربیع زاده وجود داشت ولی هرگز علیه وی به کار برده نشد.

وزارت کشور نیز اعلام نمود که به آقای باوئر اطمینان داده شد ماست که مقامات ایرانی ربیع زاده را از اتریش احضار خواهند کرد. البته این اقدام

نیز در دهم دسامبر ۱۹۷۶ بدون جار و جنجال صورت گرفت. حال چه دلائلی رفتار مرددانه مقامات انریشی داشته است، ننگه‌ای است که بعداً مورد بحث قرار خواهد گرفت.

فضیه شجاعی بهر حال نکات دیگری را نیز به اثبات میرساند و آن اینکه اولاً سازمان جاسوسی ایران در اروپای مرکزی شبکه عظیمی برپا ساخته است تا بتواند اتباع ایرانی را که در خارج از کشور زندگی میکنند تحت نظر داشته باشد. دیگر اینکه در میان ایرانیان افرادی هستند که در نتیجه و فشار شانتاژ، کارهای بسیاری از قبیل جاسوسی و خبرچینی برای ساواک انجام داده و به این ترتیب زمینه را برای اعمال اصلی ساواک فراهم می‌آورند. اینطور که به نظر میرسد این افراد را ساواک دیر با زود به ملکیت خود در می‌آورد. چرا که وقتی شخصی یک بار به چنگال ساواک افتاد دیگر از آن رهائی نمی‌یابد.

در یکی از برنامه‌های تلویزیونی آلمان فدرال بنام مونیتور - *Moni-tor* که در آن سخن از فعالیت‌ها و عملیات ساواک در این کشور بود و در تاریخ ۳۱ ماه مه ۱۹۷۶ پخش گردید، نامه‌ای از ساواک خطاب به یکی از این گونه جاسوسان قرائت شد که در آن آمده بود: " بسیار خوشحالم که شما از روی عشق به وطن و شاهنشاه آمادگی خود را جنی بر همکاری با ما اعلام نموده اید. از عکسی که فرستاده بودید تشکر میکنم. بزودی کارت شناسایی ساواک برای شما ارسال خواهد گردید." ۱۰

این نامه که در سفارت ایران در بن نوشته شده و از آنجا نیز ارسال گردیده بود، خود دلیل دیگری بر این مدعا است که ساواک در جیب ناپندگی‌های سیاسی ایران مستقر بوده و عمال خود را این محل‌ها هدایت مینماید. این مطلب در باره ایرج شهیدی نیز کاملاً به روشنی به چشم می‌خورد یعنی همان فردی که در سال ۱۹۵۹ به شهر دانشگاهی لئوبن آه تا در دانشگاه مونتان تحصیل نماید.

در اروپای مرکزی نیز شبکه‌های ساواک وجود دارند که به سفارتخانه

های مربوطه الحاق شده‌اند تا بتوانند درون محافل دانشجویان و دیگر اتباع ایرانی که در خارج به سر می‌برند نفوذ نمایند. برخی از خبرچینان مانند موران و عمال ساواک در خارج - همان‌طور که در مورد شجاعی اشاره رفت - مستقیماً در تهران و از اطراف ساواک مرکزی به کار گماشته می‌شوند. رژیم شاه همانند همه رژیم‌های دیکتاتوری هم و کوشش بر این دارد که اتباع خود را هرگز از نظر دور نداشته و آنان را همواره تحت کنترل خود داشته باشد. انجام این مهم یکی از وظایف اصلی شبکه‌های ساواک در خارج از کشور بشمار میرود. بویژه اجرا این وظیفه در مورد دانشجویان و وابسته کردن آنها امر چندان مشکلی نیست. منابع مثال ذکر این نکته ضروری است که اوراق گواهی تحصیلی صادره از دانشگاه‌های خارج باید توسط آتاشه فرهنگی سفارتخانه‌های مربوطه تأیید و گواهی شوند چون در غیر اینصورت برای والدین و بستگان دانشجویان مورد نظر حواله پول برای مخارج زندگی غیر ممکن است. با علم به این نکته ساواک میتواند دانشجویان مخالف رژیم را حسابی به گرسنگی بکشد. با ذکر این واقعیت دیگر ضروری نیست که در اینجا در باره نحوه و شرایط پرداخت هزینه تحصیلی از طرف دولت به دانشجویان - که آن هم از طریق ساواک صورت می‌گیرد - صحبتی بشود. ۱۱

یکی دیگر از ابزار فشار که ساواک با علاقه فراوان در باره ایرانیان خارج از کشور اعمال میکند عدم تمدید گذرنامه‌های آنها میباشد. و این وسیله فشار بسیار پر اثری است. زیرا که اتباع ایرانی که در خارج از کشور بسر می‌برند بدون گذرنامه و حمایت از طرف سفارت ایران نه تنها دیگر آدم حساب نمی‌شوند بلکه تبدیل به شکار دلخواهی برای مقامات دولتهای خارجی می‌گردند.

اختیار تمدید گذرنامه در خارج از کشور در دست ساواک از این گذشته به مزدوران ساواک در سفارتخانه‌های مربوطه این امکان مطلوب را میدهد که اطلاعات حساسی در باره تک‌تک افراد ایرانی که در حیطة

قدرت آنها بصر میبرد برای خود جمع آوری نمایند. انگیزه های ساواک در این زمینه را سند زیر که تحت عنوان " سری " از طرف مرکز اروپائی ساواک در ژنوبه مرکز ساواک در تهران نوشته شده و مربوط به " نحوه انجام وظایف نمایندگی بنحو مطلوب " میباشد به خوبی روشن میسازد. در این سند سرهنگ مالك تحت نام مستعار محمودی مینویسد:

سری

به بریستول - ۳۳۲ (مرکز ساواک در تهران)

از سین (مرکز اروپائی ساواک در ژنو)

شماره ۱۵۶۰ - تاریخ ۰۱/۹/۴

در باره نحوه انجام وظایف بنحو مطلوب

طی با زرسی اخیری که آقای فرجادی در معیت تیمسار سرتیپ انصاری از این نمایندگی بعمل آوردند بنظور اینکه اینجانب از نزدیک با کلیه دانشجویان آشنا و مالا در مسیر شرایط زندگی آنان قرار گیرم پس از تبادل نظر چنین تصمیم گرفته شد که از طریق سر کسول شاهنشاهی ژنو از سرپرست محصلین ایرانی در سوئیس که در محل کسولگری مشغول انجام وظیفه است بخواهیم دانشجویانی را که جهت تعدید گذرنامه و با گواهی مدارک تحصیلی خود به سرپرستی مراجعه مینمایند پس از انجام امور مربوطه بنحو مقتضی با طاق اینجانب هدایت نماید.

اینجانب نیز موضوع را با جناب آقای خوانساری و آقای اسفندیاری و سرال کسول شاهنشاهی در میان گذاردم ولی پس از کمیونی که در اینمورد تشکیل گردید جناب آقای خوانساری اظهار داشتند که این پیشنهاد عملی بنظر نمیرسد زیرا بعضی از اینک دانشجویان بهر نحوی از آنها پس از انجام امور مربوطه با طاق شما هدایت شوند موضوع را استنباط و آنرا بنحویه نا مطلوب بین سایرین اظهار خواهند داشت و اضافه نمودند همانطوریکه طی مسافرت اخیر به مرکز با اولیای محترم لوبیا (سازمان امنیت) صحبت نموده ام بایستی نمایندگان لوبیا (سازمان امنیت) در کلیه سفارت خانه ها و سرکسولگری ها در پوشش قرار گیرند که انجام امور دانشجویان عملاً در دست آنها باشد تا محصلین جهت انجام امور خود را با آنها مراجعه و نتیجتاً مساعدت بین آنان و دانشجویان بطور طبیعی بر قرار گردد.

محمودی (سرهنگ احمد مالك مهدوی)

(نقل از پاره ای ۰۰۰۰۰۰ ص ۱۲)

این سند یکی از مدارك بسیاری است که نشان میدهد چگونه ساواک کنترل دانشجویان ایرانی مقیم خارج را به نحو دلخواه در دست خود گرفته و ثابت میکند که چرا گذرنامه های آندسته از دانشجویان که مطلوب خاطر عمال سازمان امنیت نیستند تعدید نمیشوند. ماه ها قبل از تحریر مدارك فوق وزارت امور خارجه در تهران نیز طی بخشنامه ای به تمام سفارتخانه ها و سرکسولگری ها چنین نوشته بود:

وزارت امور خارجه

اداره گذرنامه و روادید - کسولی

شماره ۱۳۲۴۰/۲/۱۲ - تاریخ ۱۳۰۱/۵/۲۲

پیوست دارد - ۵/۳۱

سری

بخشنامه بگلیه ماموریتهای شاهنشاهی

با ارسال ۸۸ برگ فهرست اسامی دانشجویان و ایرانیان مقیم کشورهای (ایتالیا - ترکیه - ایالات متحده - اطریش - آلمان غربی - فرانسه - انگلستان) خواهشمند است دستور فرمایند در صورت مراجعه آنان مراتب زیر را رعایت نمایند

۱ - در ماموریتهایی که نماینده سازمان اطلاعات و امنیت کشور حضور دارد در صورت مراجعه این قبیل افراد جهت انجام امور کسولی ترتیبی داده شود که نماینده سازمان در جریان تقاضای آنان قرار گرفته و در صورتی که با انجام موافقت شود بدون استعلام نظر از وزارت امور خارجه اقدام لازم معمول دارند.

۲ - در ماموریتهایی که نماینده سازمان اطلاعات و امنیت کشور نباشد در مورد تقاضای افراد مذکور قبلاً نظر وزارت امور خارجه استعلام گردد. از طرفی وزیر امور خارجه امضا

بیش از يك سال بعد یعنی در نوامبر ۱۹۷۳ حتی شخص شاه دست به کار گشت تا اینگونه دستورات که تبعیت وزارت امور خارجه را از سازمان امنیت روشن میسازد بدون خدشه به مرحله اجرا درآیند. در این چارچوب وزارت امور خارجه بخشنامه دیگری با متن زیر به گلیه ماموریت های شاهنشاهی ارسال داشت:

وزارت امور خارجه

اداره گذرنامه و روادید

شماره ۲۳۴۳۴ - تاریخ ۵۲/۸/۲۱

سری

بخشنامه بکلیه مأموریت‌های شاهنشاهی

چون اخیراً ممدودی از مأموریت‌های شاهنشاهی بدون توجه بدستورالعمل های صادر از طرف وزارت امور خارجه مبنی بر نظر مقامات امنیتی کشور^۱ در مورد عدم تجدید و یا تعدید گذرنامه های اتباع شاهنشاهی ایران در خارج از کشور اقدام به تجدید و یا تعدید گذرنامه های افراد مورد نظر نموده اند. مراتب از طرف مقامات امنیتی کشور به شرفمرض پیشگاه مبارک طوکانه رسیده و اوامر مطاع مبارک همایونی چنین شرفصدور یافته است " این يك دستور انتظامی است و باید اجرا" نمایند ابلاغ نمایند."

در اجرای اوامر مطاع شاهنشاه آریا مهر خواهند است در تمام موارد دستور ات صادر از مرکز را دقیقاً رعایت و از هما نقرار عمل فرمایند.

بدیهی است که تخلف از اجرای دستورات صادره موجب مسئولیت شدید خواهد بود.

وصول این بخشنامه را نیز اعلام فرمایند. د

از طرف وزیر امور خارجه - امضا

آقای میدانی خواهشمند است بدقت توجه فرمائید.

۷۰۳۷ - ۵۲/۸/۲۹ سری

۴۰ - ۵۲/۸/۲۹

وزارت امور خارجه - اداره گذرنامه و روادید

بدینوسیله وصول بخشنامه شماره ۲۳۴۳۴ مورخ ۵۲/۸/۲۱ را اعلام میدارد. امضا

(نقل از پاره ای ۰۰۰۰۰۰ ص ۸۳)

فرمانهایی از این قبیل بخوبی نمودار این نکته است که حتی قرطاس بازی ادارات ایرانی نیز در این راه مسافت زیادی را پیموده است. مثلاً سرکسول ایران در هامبورگ بخاطر تجدید گذرنامه وزارت امور خارجه در تهران را در جریان میگذاشت. این مقام نیز بنوبه خود با نمایندگسی ساواک در سفارت ایران در آلمان فدرال (که در آن زمان هنوز در کلس

بود) تماس میگرفت و بعد دستوراتی به سرکسول در هامبورگ صادر می نمود که سرکسولگری نیز دستورات مزبور را مجدداً به سفارت در گن رد میکرد. بعنوان مثال میتوان گزارش‌های زیر را که در سال ۱۹۷۲ نوشته شده‌اند آورد:

"بدین وسیله متن تلگراف وزارت امور خارجه خاطر نشان میشود در باره تجدید گذرنامه آقای احمد فراهانی و همسر ایشان با توجه به نظر نمایندگی ساواک در آلمان با تجدید نشش ماهه آن موافقت حاصل است." دو سال بعد مجدداً سرکسول ایران در هامبورگ فرج الله پرهانی به وزارت امور خارجه در تهران اطلاع میدهد:

"آقای رحیم گیان دارنده شناسنامه شماره ۱۲۸۰۸۸۰ - ۱۴۱۵۶ / ۵۱ گ ۶ صادره در تهران بتاريخ ۳۱ ماه مه ۱۹۵۱ همانطور که گزارش داده شده است افسر سابق نیروی هوایی میباشد. نامبرده برای گذراندن سه ماه مرخصی به آلمان مسافرت و دیگر به ایران مراجعت نکرده است. وی اینک برای تجدید گذرنامه خود به این سرکسولگری مراجعه کرده است. ولی از تجدید گذرنامه ایشان خودداری میشود تا وضع خودرورش سازد. نامبرده در تاریخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۷۲ با دوشیزه "دوریس ایدا یاکوبس" *Doris Ida Jakobs* متولد ۲۳ (ژوئن ۱۹۵۲) که تبعه کشور آلمان غربی میباشد ازدواج کرده و در یکی از کارخانه‌های آلمانی مشغول کار است. پلیس هامبورگ تا سال ۱۹۷۵ به وی اجازه اقامت داده است."

ساواک در سفارتخانه‌ها و کسولگری‌های ایران در اروپا مرتب با ایرانیانی سروکار دارد که به جنگال دستگاه فشارآور شاه گرفتار آمده‌اند. ضباب نمونه پخشنامه زیر آورده میشود:

سری
وزارت امور خارجه - اداره گذرنامه و روادید

شماره ۱۱/۴/۱۹۱۰ - تأریخ ۲۲/۲/۱۳۵۲
پیوست دارد.

بخشنامه به گلبه نمایندگان های شاهنشاهی
بیرو بخشنامه شماره ۲۷۶۸۸/۴/۱۲ مورخ ۱۳۵۲/۱۰/۲ در مورد عدم تجدید
و تجدید گذرنامه ایرانیان مقیم خارج از کشور اینک اساسی دوازده تن
دیگر از ایرانیان معرفی به پیوست ایفاد میگردد.
خواهشمند است دستور فرمایند در آینده از تجدید و تجدید گذرنامه آنان
خودداری نمایند.
کسولی ۲/۷ از طرف وزیر امور خارجه - اخفندیاری
(نقل از پاره ای ۰۰۰۰۰۰ ص ۸۶)

نویسنده این سطور موفق شد برای تهیه فیلمی درباره فعالیت های
ساواک در اتریش یکی از دانشجویانی را که ناشی روی این لیست آمده بود
پیدا نماید. در این فیلم که در تاریخ ۱۴ ژوئن ۱۹۷۶ در برنامه تلویزیونی
اتریش بنام " تله اوبژکتیو " Teleobjektiv پخش شد دانشجوی
مزبور در باره تجارب خود با ساواک در وین چنین اظهار کرد:
" مدتها بود که سفارت از تجدید گذرنامه من خودداری میکرد و من
میبایستی مکرر به سفارت ایران مراجعه نمایم. در آنجا مرا به طبقه و به
نزد شخصی که خود را گسرخنی و نماینده ساواک معرفی میکرد میفرستادند.
وی به من گفت که امر تجدید گذرنامه مربوط به ساواک میباشد. من اظهار
داشتم که حاضر به صحبت و بحث با نماینده ساواک نیستم و آنجا را ترک
گفتم. ماهها طول کشید تا گذرنامه خود را مجددا دریافت داشتم."
نام این دانشجو فقط و فقط به این دلیل روی لیست سیاه ساواک آمده
بود که او عضو اتحادیه دانشجویان ایرانی ضد رژیم یعنی کفدراسیون بود.
همین کفدراسیون بود که با ارائه و پخش اخبار و اطلاعات سرانجام موفق
شد افکار عمومی را در اتریش ضوجه رفتار سفارت ایران با دانشجویان ایرانی
نماید تا آنجا که این امر حتی به مقامات اتریشی ناگوار آمده و به همین
جهت در این باره با سفارت ایران به مذاکره پرداختند. در اینجا بود که

ساواک مجبور به عقب نشینی شد.

در اواسط سال ۱۹۷۵ بود که مرکز ساواک در تهران طی نامه ای تحت شماره ۳۳۱/۱۲۰۲ به مرکز اروپائی ساواک در ونو چنین اطلاع داد: " نتیجه تدبیر گذرنامه های ۱۲ دانشجوی ضحرف نامبرده در اتریش باید جهت اطلاع آقای خوانساری به سیمین (مرکز ساواک در اروپا - ونو) ارسال گردد. سعی شود از این پس هرگونه اقدامی در این زمینه هم به مرکز و هم به سیمین اطلاع داده شود." بدیهی است که فنگری از جا سوسان و خیر چینان به فعالیت مسو پردازند تا اینکه سرانجام پس از جمع آوری و بررسی دقیق اطلاعات و اخبار طبق ضوابط موجود نام دانشجویان روی چنین لیست های آورده میشود. در دسامبر ۱۹۷۰ مرکز ساواک در تهران بخشنامه " سری " زیر را به ونو میفرستد:

از بریستول / ۳۳۲ (مرکز ساواک در تهران)

به سیمین (مرکز اروپائی ساواک در ونو)

۳۳۰/۱۵ - ۵۱/۹/۱۸

درباره ارسال اخبار جهت جناب آقای خوانساری سفیر سیار شاهنشاه آریا مهر در ونو (عهده دار امور فرهنگی و اجتماعی ایرانیان خارج از کشور) و سفیر شاهنشاه آریا مهر در آن کشور

پیرو ۳۱۵/۸۹۷۲ - ۵۰/۹/۲۰

همانگونه که طی شماره پیروی اعلام گردیده خواسته شد است دستور فرمائید ۱ - اطلاعات مکسبه در مورد خرابکاری، نظاهرات دانشجویان منحرف ایرانی اعتمایات، تشکیل جلسات، مراجعه دانشجویان به سفارتخانه های شاهنشاهی و ناپندگی ها، انتشار نشریات، کنگره ها و سمینارها، برگذاری پیک نیک، اردو، جشن ها، حوادث فردی جهت دانشجویان (نظیر تصادف دانشجویان با وسائل نقلیه) فعالیت های دانشجویان موافق و موارد مشابه روی کاغذ بدون مارك و بدون امضاء و تنها بسا قید کشور مربوطه در بالای صفحه، تایپ کرده و با پیک وزارت امور خارجه سفارت شاهنشاهی جهت ناپندگی سوئیس ارسال تا از آن طریق در اختیار جناب آقای خوانساری گذارده شود.

- ۲ - اخبار مذکور در اختیار سفیر شاهنشاه آریا مهر در محل نیز گذارده شود .
- ۳ - گزارشات خبری که بنحو فوق درباره آنها اقدام گردیده و برکسز ضعیف میگرد در ذیل آنها اقدامات معموله فوق قید گردد .
- ۴ - دقت شود اطلاعاتی که جهت جناب آقای خوانساری ارسال میگردد و نیز اخباری که در اختیار سفیر شاهنشاه آریا مهر در محل گذارده می شود غیر عملیاتی بوده و به حفاظت ضابط (مأمورین ساواک) لطمه ای وارد نشود .
- ۵ - جناب آقای خوانساری و سفرای شاهنشاه آریا مهر در امور پرسنلی و عملیاتی نمایندگی ها مداخله ای نخواهند نمود .
- ۶ - اطلاعات مکسبه در زمینه موارد فوق در ایران . مستقیماً جهت جناب آقای خوانساری (از طریق نمایندگی سوئیس) و یک نسخه هم جهت اطلاع به سفیر شاهنشاه آریا مهر در آن کشور به آن نمایندگی ارسال میگردد . با مباد . لایز (پرویز ثابتی)
- از طرف سیال

(نقل از پاره ای ص ۴۵ و ۴۶)

روشن است که برای جمع آوری چنین اطلاعاتی لازم است که ساواک در جریان تظاهرات سیاسی از شرکت کنندگان ایرانی عکس‌هایی تهیه نماید . هر کس که روی چنین عکس‌هایی شناخته شود، میتواند مطمئن باشد که نامش از بین پس در روی لیست اساسی دشمنان شاه قرار خواهد گرفت . البته تاکنون بارها اتفاق افتاده است که ساواک در انجام این مهم دچار ناکامی‌هایی نیز شده است . از جمله در سال ۱۹۶۸ هنگام تظاهرات به مناسبت روز اول ماه مه در وین که یک دانشجوی ایرانی بنام فیروز حجازی (که در آنزمان عضو اتحادیه دانشجویان ایرانی در وین بود) از شرکت کنندگان بطور تک تک عکس میگرفت و بهین خاطر بود که هموطنانش به او مظنون شده و دوربین عکاسی را از دست این مأمور ساواک گرفتند .

در آلمان غربی نیز مؤسسه عکاسی آژانس تبلیغاتی و عکاسی باهرن

Werbeagentur Bayerische Bild GmbH واقع در بخش ۸ مونیخ

در خیابان الیزابت *Elisabethstraße* شماره ۲۳ گواهی زیر را در

تاریخ ۱۸ مه ۱۹۶۵ صادر کرده است:

" از طرف کسولگری ایران در مونیخ واقع در مول اشتراسه شماره ۳۵ Möhlstraße و توسط خانم دکتر پیرایش از ما خواسته شد که از نظارت هرات دانشجویان که از محل دانشگاه تا بوستان هیم گل Alter Botanischer Garten صورت بگیرد و همچنین از میتینگ آنها عکسبرداری کنیم. خانم پیرایش بویژه میخواست که عکسهای تکلی گرفته شوند. بنا به تقاضای اتحادیه دانشجویان ایرانی در مونیخ فیلم عکسهای مزبور از بین برده شد.

مخارج عکسبرداری - ۵۰ مارک

در آینده نیز برای انجام اموری از این قبیل حاضر به خدمت میباشیم. - ۱۲

مهر و امضا

اینطور که از ظواهر امر بر میآید اکنون اینگونه عکسبرداری ها در وحله اول توسط رهبران عملیات ساواک تهیه میشوند. یعنی افرادی که در جوار فعالیت های مخفی و سری خود شاغلی در سفارت خانه ها دارا نبوده و بدون استثنا فقط و فقط در خدمت عملیات جاسوسی برای ساواک در اروپا می باشند. شاهد این مدعا سند " خیلی محرمانه " زیر میباشد:

از بریستول / ۳۳۰ (مرکز ساواک در تهران)

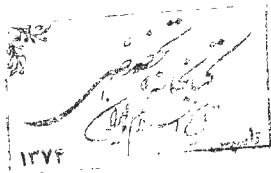
به سیمین (مرکز اروپائی ساواک در ژنو)

در باره تهیه عکس منحرفین

پیرو شماره ۳۳۰ / ۱۴ - ۵۱ / ۱ / ۱۹

بدینوسیله اعلام میگردد منظور از جمع آوری اینگونه مشخصات و اطلاعات (مفاد نامه پیروی فوق) این نبوده که يك گرفتاری بیش از حد برای اعضا سفارتخانه ها و یا کسولگری ها ایجاد گردد. بلکه منظور اینست که با ابتکار و علاقتندی رهبران عملیات این مشخصات و اخبار جمع آوری شود. با مدار. پ. ز (پرویز تاشی)
از طرف سیمین

گویا این تقسیم کار هم نتایجی منفی به همراه آورده است. برای اینکه



رهبران علیات ساواک اطلاعات خود را دیگر به سفارتخانه‌هایی که در محدوده کار آنها بوده رد نکرده بلکه فقط در اختیار ساواک مرکز می‌گذاشته اند. در هر حال تلگرافی از سفارت ایران در بن به آدرس وزارت امور خارجه در تهران در سال ۱۹۷۵ نوشته شده است که در آن متن زیر آمده :

شماره ۲۴۲ - تلگراف رمز
ساعت و تاریخ مخابره ۵۴/۶/۱۲
ماده - سفارت شاهنشاهی ایران - بن
وزارت امور خارجه
بازگشت به تلگراف ۱۵۴ مورخ ۵۴/۳/۲۸
خواهشمند است دستور فرمایند چنانچه شخصیات کامل دانشجویان منحرف اعلام گردیده لیست کامل آنها به سفارت شاهنشاهی ارسال دارند نقطه
امیر اعلان افشار

تقسیم کار بین کارمندان سفارتخانه‌ها و مزدوران ساواک که در این سفارت خانه‌ها مستقر هستند ظاهراً نیاز به یک رسیدگی کامل و مفصل داشته است. متن سند زیر دال بر این مطلب می‌باشد :

سرگسولگری شاهنشاهی ایران - ژنو
ژنو بتاریخ ۱۳۵۴/۵/۳
شماره - پیوست ندارد

محرمانه

جناب آقای انصاری سفیر شاهنشاهی آریا مهر در رم
محترماً به عرض میرساند

طبق دستور مرکز و پس از مذاکره تلفنی با آقای تابتی قرار شد از این به بعد نکات زیر در ایتالیا مورد توجه خاص قرار گیرد.
بکارمندان سفارت شاهنشاهی در رم دستور فرماید تا در امور امنیتی با رهبران علیات همکاری و مساعدت لازم را بعمل آورند.
۱ - از ضایع (مأمورین ساواک) خواسته شود تا در مورد محل سکونت

و نحوه رفت و آمد و فعالیت عناصر و دانشجویان ضحرف مستقیماً با آقای سیار (رئیس نمایندگی ساواک در ایتالیا) تماس گرفته و گزارشات لازم را بایشان و در صورت نبودن آقای سیار در محل به آقای محمودی (رهبر عملیات ساواک در ایتالیا) بدهند تا بر اساس این گزارشات نمایندگی لوبیا (ساواک) در آنجا بتواند در باره افراد معین و فعالین کشف را سیون تصمیمات لازم را با صلاحدید مرکز اتخاذ نماید .

۲ - ضروری است پس از شناسائی لازم از افراد مؤثر ضحرف با صلاحدید مرکز منازل مسکونی این افراد بقصد جمع آوری مدارک لازم بوسیله مأمورین عملیاتی لوبیا (ساواک) در ایتالیا بازرسی شود .

۳ - شایان ذکر است که کلیه عملیات علیه ضحرفین ایرانی باید با احتیاط کامل و با استفاده از اقدامات حفاظتی انجام گیرد .

۴ - مأمورین لوبیا (ساواک) در رم حتی المقدور باید کوشش کنند از دانشجویان ضحرف عضو کفدراسیون در حین فعالیت‌هایشان عکسبرداری کرده و فوراً به مرکز ارسال دارند .

۵ - نمایندگی لوبیا (ساواک) در ایتالیا باید سعی کنند از روزنامه نگاران و شخصیت‌های ایتالیائی که با عناصر ضحرف ایرانی در تماس هستند اطلاعات لازم را جمع آوری نموده و در صورت امکان از نمایندگان پارلمان و روزنامه نگاران ایتالیائی در ضمن تماس و ملاقات با افراد ضحرف ایرانی عکسبرداری نمایند و مدارک را به مرکز ارسال دارند .

با تقدیم احترام - خوانساری

چنانچه در بند ۲ این نامه آمده ، مأمورین ساواک در اروپا از ورود

سارقان به منازل و دزدی نیز ابا ندارند تا بتوانند سندی علیه اتباع ایرانی ضد رژیم (و نه فقط اینگونه افراد) بدست آورند . ولی خواهیم دید که حتی اینگونه اقدامات در مقام مقایسه با وقایع دیگر تا حدودی بی آزار جلوه میکنند .

دیدار رسمی شاه از آلمان غربی در پیش بود همان دیدار شومی که

در ژوئن سال ۱۹۱۷ به قیمت جان یک دانشجوی آلمانی بنام بنواونگه زورگ Benno Ohnesorg تمام شد . وی در طی تظاهرات علیه شاه در برلن بدست یکی از افراد پلیس به قتل رسید . ۱۳

چند روز قبل از این واقعه یکی از ایرانیان به کان خود پیک مرگ را به سفر فرستاد. روز ۱۶ به ۱۹۶۷ بود که این شخص بسته خطرناکی را به آدرس شهید علوی کیا فرستاده رسمی در سفارت ایران در کن ولسی در واقع رئیس ساواک در آلمان غربی و عزیزی رئیس شرکت هواپیمایی ایران در فرانکفورت که او نیز در نمایندگی ساواک در آلمان غربی صاحب منصب بود ارسال داشت. هر دو این حضرات بسته های محتوی مواد منفجره را از طریق پست دریافت داشته ولی آنها را با سابقه ذهنی که از جریان امر داشتند باز نکردند. ایسان از چگونگی ماجرا بخوبی اطلاع داشتند. زیرا فرستنده غیر مستقیم این بسته ها خود آنها بودند.

این داستان پیچیده و مهم در حدود دو سال پیش آغاز گردید. در سال ۱۹۶۵ وشتیک شهیدی در شهر دانشگاهی لئوبن توسط دانشجویان دیگر بعنوان جاسوس سازمان امنیت شناخته و مجبور به مهاجرت به وین گردید یکی دیگر از مأمورین ساواک یعنی شخصی موسوم به ناصر کریمی ملایری را در پیک خود گذارد که ما در باره او بعداً سخن خواهیم گفت. وی به ظاهر دانشجوی بود ولی در حقیقت حتی دیپلم دبیرستان را هم نداشت. شهیدی در وین بزودی تماس های جدیدی پیدا کرد. از جمله با یک ایرانی ۴۶ ساله بنام امیر شاهپور زندنیا که از کارمندان تشکیلات کشورهای صادر کننده نفت در وین یعنی اوپک بود. وی شخصی بود که مخالفت خود را با رژیم شاه پنهان نکرده و حتی مرتباً از سوء قصد با مواد منفجره میزد. شهیدی تمام اطلاعات خود را در باره آشنای جدیدش زندنیا در اختیار مسئول ساواک در وین یعنی سمعی میگذاشت که او نیز بنوبه خود گزارش هایی در این زمینه به علوی کیا یعنی رئیس ساواک در آلمان فدرال می فرستاد. از همین محل بود که به شهیدی دستور داده شد که زندنیا را تحت نظر داشته باشد.

جریان بر این منوال بود تا اینکه اواسط ماه مارس ۱۹۶۷ خبردار شاه از آلمان اعلان شد. شهیدی از رؤسای ساواکی خود دستورات تازه ای دریافت داشت که در حله اول در مورد تهیه مواد منفجره بودند. مواد

مزهور را آشنای شهیدی در شهر لئوبن یعنی ناصر ملایری که در این فاصله در معادن تری ملکام Trimmelkam واقع در شمال اتریش به کار مشغول بود، تهیه نمود. وی از معادن مزهور تعداد ۱۵ توله مواد منفجره پلاستیکی و مقدار زیادی چاشنی بسرقت برده و در قبال تحویل آن به شهیدی مبلغ ۱۶۵۰ شیلینگ دریافت داشت.

این بار شهیدی بود که به طرفدار مواد منفجره یعنی زندنیها حالی کرد که میتوان از طریق اجراء يك سوئصد از دیدار شاه از آلمان غربی جلودگیری نمود و در واقع با این پیشنهاد با آغوش باز کارزند او پک مواجه شد.

نقشه مزهور از برنامه های ساواک بود. زیرا بعضی اینکه این سه نفر به وین مراجعت کردند، ساواک به مقامات ایمنی آلمان غربی اشاره ای داد مبنی بر اینکه زندنیها نقشه سوئصد در سر داشته و سعی خواهد کرد مواد منفجره لازم را به آلمان غربی حمل نماید. فی الواقع زندنیها مجدداً در تاریخ ۵ مه به طرف مرز آلمان رهسپار شده و در آنجا بر اساس هشدار ساواک دستگیر شده. البته نزد او حتی يك گرم مواد منفجره هم پیدا نشد چرا که مواد مزهور از تاریخ ۳۱ مارس در مونیخ بودند. ولی با همه این اوصاف پلیس آلمان غربی فاعل بالقوه ای را برای سوئصد احتمالی در جریان سفر شاه به این کشور پیدا کرده بود. از قضا چنین سوئصدی نیز میبایستی صورت بگیرد. بهر حال زندنیها نیز در همان محلی سکونت اختیار کرد که مواد منفجره انبار شده بود یعنی در خانه ای در مونیخ که شمیلی به یکی از ما^۱ مورپسن با یگانی به نام سید ضیا رضوی بود.

روز ۱ ماه مه یعنی روزی که شهیدی مجدداً خانه خود را واقع در وینر زیگلر گاسه Wiener Zieglergasse شماره ۶ برای حرکت بطرف مونیخ ترک گفت عطیات شروع شدند. شهیدی همان روز پیش از ظهر وارد مونیخ شده و مستقیماً با زندنیها به فرودگاه رفت تا وسائل لازم را بسرای ساختن بمب و نیز مقداری آب نبات برای پر کردن بسته های بمب خریداری

نمایند .

در حدود ساعت ۲ بعد از ظهر شهیدی و زندانیا در منزل رهوی شروع به ساختن سه بسته کردند . طرفهای ساعت ۵ بعد از ظهر رهوی نیز به آنها پیوسته و در بسته بندی مواد منفجره در جعبه های سیگار برگ سوئیس کمک نمود . جعبه های مزبور پر از مواد منفجره و دارای چاشنی الکتریکی بودند . پس از اتمام این کار آدرس طوی کیا در کلن و هزیزی در فرانکسورت و اداره امور خارجه را در بن روی بسته ها نوشتند البته با این تفاوت که مدار چاشنی را در بسته ای که قرار بود برای اداره مذکور ارسال شود، جدا قطع کرده بودند ، زیرا به نظر آنها حتی يك بست کور کافی بود تا مقامات آلمانی را برآن دارد که دعوت دیدار شاه را پس بگیرند . غروب همان روز ۹ به سه نفری هازم نورتنگن *Nürtingen* شدند تا بسته ها را به دانشجویی بنام عبدال کاظمی رد کنند که از فضاها کوچکترین اطلاعی نداشت .

کاظمی بسته ها را دریافت کرده و طبق خواسته آن سه نفر در روز ۲۱ مه در شهر فرانکسورت به پست برد .

سه نفر بست ساز سپس به کلن رفته و از آنجا هریک به راه خود رفت . زندانیا و رهوی به مونیخ بازگشتند لیکن شهیدی غروب روز ۱۰ مه برای دادن گزارش به خدمت رئیس خود علوی کیا رئیس ساواک رهسپار شد . رئیس ساواک نیز گروه امنیتی را در بن از ماوقع مطلع ساخته ولی به دروغ اضافه کرد که رهوی و زندانیا با يك ماشین سواری در فرار به بلژیک می باشند ، با اینکه به خوبی میدانست که این دونفر در این فاصله و همچنین روزهای بعد در مونیخ خواهند بود .

علاوه بر این ساواک از ذکر این نکته نیز خودداری کرد که سه بسته حاوی بست تازه روز ۱۶ ماه مه به پست برده خواهند شد . این خود دلیلی بر اینست که ساواک تمایل بسیار داشت که بستها به دست گیرندگانش برسد . این کار نیز صورت گرفت و موجب سرو صدای مطلوب گردید .

چگونگی این قضاها که در آن زمان رخ دادند زمانی آشکار گردید که سه نفر بسبب ساز در ماه مه ۱۹۶۸ در شهر کارلسروهه معا که شدند. در آنجا بود که شهیدی ماجراها را مفصل لو داد. تازه آنوقت روشن شد که ساواک با به صحنه بردن این مؤلف چه مقاصد را دنبال میکرده است. از جمله اینکه این فکر را بیخ ریش اولین رئیس ساواک یعنی بختیار که در این مابین از کار افتاده بود بسته و او را به این طریق شهم سازد. ۱۴

همراه با سپهبد بختیار رانده شده می بایستی از این راه تمام ایرانیان ضد رژیم نیز در افکار عمومی در اروپا به لجن کشیده میشدند. با انتخاب رضوی و زندنیا برای انجام این منظور ساواک بقول معروف آلت دستهای حساسی پیدا کرده بود. حداقل در مورد رضوی میتوان گفت که وی دارای گذشته فاشیستی بسیار روشنی بوده و تعلق خاطر به محافل کاملاً راستی داشت. علاوه بر این میبایستی اپوزیسیون چپ ایران نیز به این ترتیب - و شاید هم قبل از هر چیز - به بدنامی کشیده میشد. در روشنائی این وقایع میتوان سندی را که در سال ۱۹۷۶ به چنگ افتاده در دست نظر گرفت. در این مدارک مرکز ساواک در تهران (بریستول ۳۳۲ - شماره ۱۷۶ / ۳۳۲) به تمام نمایندگیهای خود توصیه میکند که در مقابل ضایع خبری در اروپا فعالیت‌های ایرانی‌های ضد رژیم را (بطور مشخص منظور کلدراسیون است) مرتب با فعالیت‌های تروریست‌های آلمانی و سایر کشورهای اروپائی مقایسه نمایند.

بهر تقدیر وقایع شروح در فوق نمایان میسازند که سازمان امنیت شاه در اروپا چگونه کوشش در اتهام زنی به ایرانیان ضد رژیم دارد و نشان می دهند که به چه اسباب و ابزارهای دست میبرد تا علیه افرادی که اسمشان بعنوان ضد شاه در رفته است اقدام نماید. در برنامه تلویزیونی مستونیتسور *Monitoir* که در تاریخ ۳۱ مه ۱۹۷۶ در پاره نحوه کار ساواک در آلمان پخش شد از جمله گفته شد:

" به خانه‌های دانشجویان ایرانی دست برد زده میشود تا اسناد و

مدارك به سرعت برده شوند. بعد ها این اسناد سر از محاكم قضائی در تهران در میآوردند.

این مطلبی نیست که بهین آسانی ها گفته شده باشد. حداقل از زمانی که دانشجویان ایرانی طاقیر زیادی از اسناد متعلق به مرکز اروپایی ساواک در ژنو را به چنگ آوردند دلایلی هم برای چنین ادعاهائی وجود دارند. از جمله سند زیر:

سری

از بریستول / ۳۳۲ (مرکز ساواک در تهران)
به سین (نمایندگی ساواک در ژنو)

۳۳۲/۱۹۳۲ - ۵۲/۸/۱۰

در مورد ورود پنهانی بخازل سوژه ها (افراد مورد نظر - اپوزیسیون
ترقی)

ورود پنهانی بمنازل اشخاص باپستی با داشتن طرح عملیاتی (اطلاعات کامل از سوژه و محل سکونت وی . موقع ترك منزل و مراجعت . راههای خروج اضطراری در صورت وقوع حوادث پیش بینی نشده و غیره) باشد . علیهذا خواهشمند است دستور فرمائید چنانچه در آینده قصد دستبرد به محل یا منزل شخص مورد نظر بود طرح آنها دقیقاً تهیه و به مرکز ارسال تا پس از تصویب و ابلاغ آن به مورد اجرا گذاشته شود . با عداد . پ.ز (پرهیزتابی)
اطلاع حاصل گردید ۵۲/۹/۲
از طرف سیال

(نقل از پاره ای ص ۵۷)

شاهد اینگونه برنامه ها فقط روی کاغذ وجود ندارند . صورت سفارشات لوازم زیاد و مدور رسید تحویل آنها در ژنو به دست ایرانیان مخفی لک رویم افتاده اند . طلائع نیز با قید "خیلی فوری" به تهران ارسال شده است:

خواهشمند است دستور فرمائید تا از طریق بخش ه اداره مرکزی يك بسته قالب کلید به اضافه مواد لازم و سایر ابزار جهت بازکردن قفلهای معمولی درب اطاقها به اضافه پودر برای قالب گیری و همچنین طرز استفاده از آن

برای اینجانب بطوریت ارسال گردد زیرا ابزار مذکور مورد نیاز شدید می
باشند. با تشکر فراوان گلسیما (نمایندگی ساواک در زنو)

در جواب این نامه مرکز ساواک در تهران می نویسد:

سری

شماره ۲۲۵/۷۰۴۸۷

تاریخ ۱۷/۷/۲۷

از مرکز - ک ۱۶-۶

پیوست

به گلسیما (نمایندگی ساواک در سوئیس)

عطف ۱۵۳ - ۱۷/۷/۳

در باره ارسال وسائل

وسائل شروحه زیر جهت آن نمایندگی ارسال خواهند نمود است دستورفرمائید
وصول وسائل مذکور را اعلام دارند ضمناً در مواردیکه از این وسائل استفاده
میشود با کمال هوشیاری و احتیاط عمل نمایند.

- | | |
|---------|---------------------|
| ۱۰ عدد | ۱ - ابزار قفل بازکن |
| یک قطعه | ۲ - فلز (وود) * |
| یک عدد | ۳ - ابزار قالب گیری |
| یک بسته | ۴ - ماده پلاستیلین |
| یک بسته | ۵ - پودر تالک |

نام ابزار و وسائلی از این قبیل روی قبوض سفارشی و رسید های بی
شماری دیده میشود. علاوه بر این وسائلی از قبیل دوربین عکاسی سه پایه
دوربین، نوار ضبط صوت به اضافه جمیع دستگاه های مربوط به آن از قبیل
کوشی، میکروفون، باطری و غیره و یا دستگاه دستی کوشی دار جهت تشخیص
فرستنده (تلکی یا جفت) و حتی چند بار اسلحه سریع التسلک روس ساواک

* فلز وود Woodsches Metall (Wood metal) آلیاژی است از ۵۰٪
وینیموت ۲۵٪ سرب ۱۲/۵٪ کادمیوم و ۱۲/۵٪ روی. این آلیاژ دارای نقطه

کالا شنیکوف Kalaschnikow که در جنگهای مخفیانه بطور وسیع مورد استفاده قرار میگیرند، سفارش داده و تحویل هم گرفته شده اند. در جواب اینگونه توقعات، قبوض دریافت به سهک پر طمطراقی فارسی اداری با چنین متنی صادر میشوند: "بدینوسیله ضمن تشکر از لطف رؤسا دریافت یک عدد فلز وود گواهی میشود."

وقتی که ساواک در اروپا فقط به جاسوسی و تهیه فهرست اساسی افراد اپوزیسیون اکتفا نکرده و دست به فعالیت‌های بیشتری بزند، سازمان امنیت نیز خشن تر و وحشی تر شده و فقط به دستبرد به خانه‌ها و یاسرقت قناعت نمی‌کند. شاهد این طعنا قضیه‌ای است که در دانونیه ۱۹۶۹ در بین اتفای افتاد که علت اصلی آن دیدار شاه از پایتخت کشور اتریش بود. در روز ۲۰ دانونیه شاه در وین چنان از طرف دانشجویان پذیرائی شد که پلیس اتریش مجبور گشت با استقرار افراد زیاد و استفاده از باتوم از خود انعکاس عمل نشان دهد. ولی تنها پلیس محلی نبود که ضربه وارد می‌آورد بلکه این کار را ساواک خیلی سبعمانه تر انجام میداد.

همینطور در روز ۲۱ دانونیه ۱۹۶۹ در پارک شهرداری وین دو دانشجوی فد رژیم بنامهای روزنی و صاهر مورد حمله ۱۵ نفر از بسزن بهادرهای ساواک قرار گرفتند. ایندو نفر را آنقدر با زنجیرهای فولادی زدند که می‌بایستی به بیمارستان منتقل میشدند.

در غروب همانروز نشستی در ساختمان جدید انستیتوی دانشگاه وین در باره رژیم شاه و ساواک صورت گرفت. پس از پایان این نشست در حدود ساعت ۱۱/۵ شب عده‌ای در حدود پانزده دانشجو جلوی ساختمان مزبور ایستاده و مشغول بحث بودند. ناگهان پنج اتوموبیل با سرعت وارد جمع آنها شدند. یکی از آنها اهل آبی رنگ بود با نمره ۶۰۹ - ۲۲۲ و دیگری یک وانت فولکس واگن با نمره ۸۱۹ - ۰۷۱۷ در حدود ۳۵ نفر

ذوبی برابر ۷۰ درجه سانتیگراد بوده و خواص آن از نقطه نظر ریختگری مناسب میباشد. ترجم

از این ماشین‌ها پیاده شده و با میله‌های آهنی و چوبدستی شروع به کک زدن دانشجویان کردند.

پس از پنج دقیقه اوباش مزبور همچون کماندویی خود را به گسار کشیده و در حالیکه دو دانشجوی ایرانی را با خود می‌کشیدند بداخل اتوبوس‌های خود رفتند. یکی از این دو دانشجو را بنام توسرگانی در داخل ماشین آنقدر کک زدند که بیهوش شد. سپس او را از ماشین که در حال حرکت بود بجزیر انداختند.

دو دانشجوی اتریشی و یک نفر فرانسوی را نیز که سعی می‌کردند این ماشین را نگهدارند به زمین انداخته و بشدت مجروح کردند.

لحظه‌ای بعد برای افراد آشنا به امور روشن و واضح شد که این آکسیون توسط ساواک انجام گرفته است. زیرا یکی از این اوباش شخصی بود بنام ابراهیم راضی که در آن زمان به‌عنوان مأمور ساواک در وین شهور بود علاوه بر این دلیل محکّم دیگری نیز بدست آمد، حداقل دو ماشین که نمره آنها برداشته شده و متعلق به ارازل بودند، توسط یکی از کارمندان سفارت موسوم به سامی سیاوش اجاره و فراهم شده بودند.

بعد ها کاشف بعمل آمد که چوبدستی‌هایی که توسط آنها دانشجویان را مورد جرح و ضرب قرار داده بودند، همان چوبدستی‌هایی بوده‌اند که با آنها هواداران شاه که اظطری سفارت ایران در وین ارگانیزه شده بودند، پرچم‌های خود را برای استقبال از شاه حمل می‌کرده‌اند.

از این‌ها گذشته دو نفر ایرانی که به‌علت جرائم مختلف حتی مورد تعقیب پلیس قرار داشتند، از مزدوران ساواک و از جطه‌ی این اوباش بشمار می‌رفتند که بعداً خود را در داخل سفارت ایران در وین واقع در شوارتزن برگ پلاتنز پنهان کرده بودند. ایندو عبارت بودند از شمس‌الله آلبیگی که مدارک جعلی از سفارت دریافت کرده و بکک آنها نیز از اتریش ضواری شد و ابراهیم راضی که او را نیز سفارت از چنگ پلیس پنهان مینمود.

چندی بعد روی عکس‌هایی که گرفته شده بودند فرخ اصغر پرویز کارمند

بخش فرهنگی سفارت ایران در وین نیز از جمله حمله کنندگان باز شناخته شد .
 با همه این اوصاف وزیر کشور اتریش سفت و سخت ادعا میکرد که در
 اتریش ساواک موجودیت ندارد . رفتاری که بعداً بطور ضروح مورد نظر
 قرار خواهد گرفت .

گرچه حتی آن زمان هم واضح بود که توضیحات وزیر کشور نا درست
 میباشند ، اکنون دلائل لازم بر کذب محض آنها نیز وجود دارند . مدت کوتاهی
 پس از این زد و خورد دانشجویان ایرانی ضد رژیم در وین در باک بنزین
 رئیس اوپاشان یعنی ابراهیم راضی شکر ریختند . آنها در آلمان هنوز ایقان
 نداشتند که این فرد حتی " رهبر عملیات " ساواک در وین میباشد . این
 نکته از مدتی بر میآید که در اسناد به جنگ افتاده در تاریخ اول ژوئن
 ۱۹۷۱ بوده و بدون کوچکترین شك و تردیدی مربوط به همین واقعه است .
 سند مزبور در زیر آورده میشود :

سری

از مرکز - شماره ۳۱۵/۵۵۳۵

به گسما (نمایندگی ساواک در وین)

تاریخ ۲۸/۸/۷۱

پیوست

درباره مراقبت از خودروها (ماشین سواری)

روز ۲۷/۸/۷۱ وسیله عناصر ماجراجو و مخالف در باک بنزین خود روی رهبر
 عملیات شرکت در وین (اطریش) مواد منفجره ریخته شده و در نتیجه هنگام
 حرکت موتور بگلی منفجر و قطعه قطعه گردید . لکن خطر جانی بهار نیافت .
 با توجه به اینکه این خطر برای کاپه نمایندگی ها و رهبران عملیات شرکت در
 خارج از کشور وجود دارد . خواهشمند است دستور فرمائید اقدامات حفاظتی
 و مراقبت های لازم را بعمل آورده هنگام پارک اتومبیل محل و امکانات دسترس
 مخالفین را در نظر داشته باشند .

از طرف - امضا نویسن

(نقل از پاره ای ص ۱۷۱)

ولی يك سؤال پس از وقایع ژانویه ۱۹۶۹ هنوز هم بدون جواب مانده است و آن اینکه چه اتفاقی بر سر دانشجوی دیگری که افراد ساواک به داخل ماشین خود کشیده بودند آمده است. آنها توسرگانی را که زیر ضربات شان بیهوش شده بود توی خیابان انداختند. آیا دیگری را در دیده و به ایران برده اند؟

گو اینکه اسنادی در باب چنین عملیاتی موجود نیست ولی حدسیات در این زمینه همواره وجود داشته اند و آنهم نه فقط در يك مورد. مثلا روزنامه مونشنر آبند تسایتونگ *Münchener Abendzeitung* در شماره مورخ ۲۲ مه ۱۹۶۷ خود پس از اشاره به بمب‌هایی که نکرشان در آغاز این فصل رفته، می‌نویسد:

"در ژانویه ۱۹۶۶ حزب سوسیال دموکراتها تقاضا يك پررسمی پارلمانی در باره فعالیت‌های ساواک را نمود. دلیل آنهم ناپدید شدن ناکهانی سه دانشجوی ایرانی در آلمان فدرال بود که از مخالفین رژیم بشمار میرفتند. جسد نیمه سوخته یکی از آنها بعد ها در بروکسل پیدا شد. دو روز قبل نویسنده‌ای بنام ولونتاس *Voluntas* در همین روزنامه نوشته بود "سالبها قبل معلوم شد که سازمان جاسوسی شاه عمال خود را تا داخل آلمان غربی نیز فرستاده است. قهقه دانشجویان ایرانی که ربوده شده‌اند هرگز آشکار پیدا است."

لیکن یکی از ایرانیان در موقعیت کاملا نادری قرار گرفت و توانست در باره نقشه‌ای که ساواک برای ربودن او کشیده بود صحبت کند. این شخص ابرج دهقان نام دارد و بعنوان استاد ادبیات در مونیخ مشغول تدریس است. وی از یکی از خاندانهای پرنفوذ ایران بوده و در آمریکا تحصیل کرده است. دهقان در تهران دارای پست‌های مهمی بود و بهین خاطر خیلی زود بی به باطن پر از ارتش رژیم شاه برد. وی در سال ۱۹۶۱ به آمریکا مهاجرت کرده و پس از رانده شدن از آنجا در مونیخ سکون شد. طی لی نکشید که سهپید علوی کیا رئیس ساواک در آلمان غربی نزد او رفته و با

بی شرمی او را متوجه این نکته ساخت که ساواک در این کشور نیز خوابیده است .

حد اکثر از اوائل سال ۱۹۶۲ است که ایچ دهقان به واقمیت این نکته پی برده است . در این زمان مائورین ساواک دوست دختر او را بر آن داشتند که دهقان را تشویق و ترغیب به يك مسافرت به کشور ترکیه بنمایند ، یعنی کشوری که از متحدین ایران میباشد . پروفیسور دهقان درست بموقع از طریق دوستانش اطلاع یافت که نقشه دزدیدن و کشتنیدن او را به ایران دارند . از اینرو از این سفر صرفنظر کرد و بدین ترتیب تجربه دیگری بر تجاربش افزوده شد . از آن زمان تاکنون این استاد ادب همواره مسلح از خانه بیرون بیرون بیرون و این کاری است که نه تنها به ایرانیان مخالف دستگاه بلکه همانطور که از وقایع شروح در زیر نشان میدهند ، به اروپا همان غد شاه نیز قابل توصیه است .



فصل پنجم

ساواک به شاه یک همکار - یا کمک‌های رسمی سازمانهای حافظ قانون اساسی* به ساواک چگونه سازمان امنیت ایران با همقطاران غربی خود همکاری میکند.

دو نفر به ملاقات مادام لوئیز دوموئی *Madame Marie Louise Dumuid* آمده بودند - آنها دو نفر ایرانی. البته اینگونه ملاقاتها برای ناخبرده امر خارق‌العاده‌ای نیستند، زیرا ایشان که در زندگی میکند ریاست کمیته‌ای را که در سال ۱۹۷۲ برای دفاع از حقوق زندان‌یان سیاسی در ایران به وجود آمده، همبده داشته و در این مقام است که همواره با ایرانیان ضد رژیم در تماس میباشد. آن دو نفر ایرانی نیز که به‌دیار مادام دوموئی آمده بودند، خود را بعنوان مخالفین رژیم جاسا زده و در جریان گفتگوی طولانی سعی میکردند که اطلاعات هر چه بیشتر در باره مخالفین رژیم بدست آورند.

لیکن اطلاعاتی که آنها کسب کردند، کثر نتیجه این گفتگو بلکه به‌یستمر حاصل سرقتی بود که مرتکب شدند. فروپ همان‌روز هنگامی که دو ارباب رجوع رفته بودند، خانم سوئیس توجه شد که اسناد مهمی را از او بسرقت برده‌اند. از جمله قسمتی از گزارشی که سازمان عفو بین‌المللی *Amnesty International* در باره اعمال شکنجه در ایران تهیه نموده بود و همچنین مدارک دیگری از قبیل شننامه و احوالیه.

در اینجا برای مادام دوموئی معرز شد که این دو نفر از مأمورین

* منظور سازمانهای امنیت و جاسوسی کشورهای غربی میباشد. مترجم

ساواک بوده اند. البته در این فاصله ایشان به این نکته ایتان و اطمینان دارد زیرا اینک سندی در دست است که توسط یکی از عمال نمایندگی ساواک در ونو بنام "تطهیر ۸۸۹۶۶" (تطهیر نام رمز ما مورین و جاسوسان ساواک میباشد. ترجم) به مرکز ساواک در تهران ارسال شده است. سند مزبور که در ماه فوریه ۱۹۷۵ نگاشته شده حاوی مطالب زیر میباشد:

خیلی محرمانه

به لا هوت ۳-۳۳۲ (اداره کل ساواک در تهران)

از سیمین (نمایندگی اروپائی ساواک در ونو)

تطهیر ۸۹۶۶ (نام رمز مزدور ساواک)

شماره ۶۴۱ - تاریخ ۵۳/۱۱/۱۹

پیرو شماره ۶۱۲ - ۵۳/۱۱/۱۴

بهبوست اعلامیه ضمیمه را که توسط مادام دومید مسئول کمنه سوئیس حمایت از زندانیان سیاسی در ایران در سه هزار نسخه تهیه و قرار است ظرف روز ۵۳/۱۱/۲۴ در سوئیس پخش شود تقدیم میدارد. خلاصه ای از متن در سن موریتس بشرقعرض رسیده است.

محمودی (سرهنگ احمد مالک مهدوی)

سن موریتس - یعنی محلی که شاه معمولاً تفریحات اسکی خود را در

آنجا میگذراند.

علاوه بر این علائق دیگری نیز شاه را با کشور سوئیس پیوند میدهند

که بعد از آنها اشاره خواهد رفت. بهمین جهت است که سازمان امنیت شاه در این کشور فعالیت زیادی از خود نشان میدهد. یکی از اتباع سوئیس که مورد توجه خاص ما مورین ساواک است رئیس هیات تحریریه روزنامه چین لاپوئی *La Puiil* میباشد که در ونو منتشر میشود. دلیل آنهم اینست که این روزنامه بویژه جانب و هدایائی را که عمال شاه با دست و دل بازی بسیار بین صاحبان ادارات دولتی و پلیس سوئیس پخش کرده اند به نظر خود قرار داده است. در این فصل از کتاب حاضر در این مورد هم سخن خواهد رفت.

اداره کل ساواک در تهران برتب و به تفضیل درباره اینک سردبیر روزنامه مزبور چکار میکند و با مقامات دولتی سوئیس چه اقداماتی علیه او انجام میدهند، در جریان گذارده میشود. من باب نمونه میتوان خبر زهر را ذکر کرد که سرهنگ مالک با نام مستعار محمودی امضا کرده و در روزنامه ۱۹۷۲ از طرف نمایندگی اروپائی ساواک در ونو تحت شماره ۱۷۲۷ و با قید "خیلی محرمانه" به تهران ارسال داشته است؛

"در جریان نظاهرات افراد چپی علیه مسافرت شاه به ونو در ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۲ سردبیر و نویسنده دیگری از روزنامه چپی لاپلوی که شمار هائی علیه شاه حمل میکردند، توسط پلیس دستگیر و بازجویی شدند. بازرسی از آنها از ساعت پنج و نیم بعد از ظهر تا ساعت یک بعد از نیمه شب به طول انجامید. سردبیر روزنامه اشاره کرد که این بازرسی هشت ساعته عملی غیر قانونی بوده و قصد پلیس فقط اینست که او را به زندان بیاورد و جریان را به دادگاه کشانید. لیکن قاضی دادگاه تقاضای رسیدگی به این شکایت را رد نمود."

مالک محمودی، سرمایه‌مور ساواک، در همین حال مجبور بود که علاوه بر مطالب فوق نکات دیگری را نیز در این گزارش ذکر نماید که چندسان خوشآیند ساواک نمیتوانست بوده باشد:

"سردبیر روزنامه لاپلوی آقای اوروس - گاشه Oros Gashé رئیس هیأت تحریریه روزنامه چپی دومینو پابلیک *Dominio Public* را که در کانتون بازل منتشر میشود تحت نفوذ خود آورده و قرار گذاشته بود که ایشان تا آنجا که اطلاع دارد مقاله‌ای درباره جالب پرداختن توسط شاه به پلیس سوئیس برشته تحریر در آورد. ایشان نیز این کار را انجام داده است. پس از چاپ این مقاله روزنامه ناسیونال تسایوننگ

National-Zeitung نیز بطور وسیع در این باره مطالبی درج کرده و سبب شد که این قضیه در تاریخ ۱۵ فوریه ۱۹۷۳ در تمام روزنامه های ونو منتشر گردد.^۳

در پایان این گزارش مالك محمودی نام یکی دیگر از مخالفین رژیم شاه را در پرونده ذکر میکند.

این شخص کریستیان گروبه *Christian Grobert* نام داشته و حقوقدان و نماینده حزب سوسیالیستها در مجلس میباشد. ایشان دفاع از روزنامه لاپلوی را در دادگاه بعهده گرفته و از مقامات دولتی درخواست کرده است که اطلاعات لازم را در این مورد در اختیار او بگذارند.^۴

این قضیه نشان میدهد که ساواک آن بخش از مطبوعات اروپائی را که حاضر به چاپ مطالبی پر از تحسین درباره فرج دیبا و یا درج اخباری جذب کننده برای سرمایه گذاران خارجی در ایران نیست، دشمنان اصلی قلمداد میکند. توجیهی هم که سازمان امنیت در اروپا شامل حال ژورنالیست های اینگونه روزنامه ها نمینماید براساس این بر خورده میباشد.

در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۷۶ نمایندگی ساواک در ونوتلگراس در این چارچوب و به شن زهر از تهران دریافت داشت :

تلگراف شماره ۳

به سیمین (مرکز اروپائی ساواک در ونو)

از ۲۳۰

شماره ۲۳۰/۲۷ - تاریخ ۳۰/۲/۷۳

در اجرای اوامر کارگشا (نام رمز ارتشبد نصیری رئیس سازمان امنیت و اطلاعات کشور) دستور فرمائید کلیه شایعات و اخبار اغراق آمیزی که درباره ایران در جراید خارجی چاپ میشود و نشان دهنده آنست که عناصر و عوامل دولتهائی علیه ایران تحریرات مسموم کننده مینمایند همراه ترجمه آن جهت بررسی و یافتن سرمنشئ بمركز فرستاده شود.

با دد (پرویز تائبی)

در اجرای امر اقدام گردیده و ضمید نیز اطاعت خواهد گردید.

اطلا - ۳۰/۱/۷۳

(نقل از پاره‌ای ۰۰۰۰۰۰ ص ۶۹)

بدین ترتیب کوشش میشود تا به اصطلاح " سرخس ها " را پیدا کنند .
در همین چارچوب نیز نمایندگی ساواک در ونو به نمایندگی ساواک در سفارت
رم دستور میدهد :

" نمایندگی ساواک در ایتالیا باید کوشش برآن داشته باشد که
اطلاعات لازم را در پاره روزنامه نگاران و شخصیت‌های این کشورها که با
عناصر ضحرف ایرانی تماس دارند جمع آوری کرده و چنانچه مقدور باشد
از نمایندگان مجلس و روزنامه نگاران ایتالیایی در حین ملاقاتها پشان با
ایرانیان ضحرف عکس گرفته و اسناد مزبور را به مرکز ارسال دارد . *)

در مرسوله دیگری خطاب به نمایندگی ساواک در سفارت ایران در سوئد
مالک محمودی هنگام صدور دستورات حتی اساسی افراد شخصی را نیز ذکر
میکند :

سرکسولگری شاهنشاهی ایران - ونو

ونو بتاریخ ۲۰/۱/۲۰

۲۰۲۸۲ - ۱/۲۱

پیوست ندارد

محرمانه

اساسی دوفتر سوئدی که با دستور مستقیم ریاست محترم کارگشا (ارتشبد
نصیری) باید تحت نظر قرار بگیرند عبارتند از

Lars Werner

۱ - نام و نام خانوادگی

شغل نماینده مجلس

Stefan Eriksson

۲ - نام و نام خانوادگی

شغل خبرنگار

سعی شود از دو امکان (مامور ساواک) اعزامی ما برای نزدیکی با این

* رجوع شود به سند مورخ ۱۳۰۴/۵/۳ سرکسولگری ایران در ونسو
که متن کامل آن در صفحه ۸۱/۸۲ کتاب حاضر^۲ آمده است . مترجم

دو نفر و جلب اعتماد آنها استفاده شود .
 محل کار رابطه این اشخاص با سازمانها و اشخاص دیگر و تماس آنان
 بایستی بدقت کنترل شود . میتوانی در این مورد با مقامات پلیس دوست
 مذاکره کنید . کنترل باید مستقیماً از طریق امکانات (ما "مورین") ما
 باشد . گزارشات فوراً به مرکز ارسال گردد .
 محمودی (سرهنگ مالک مهدوی)

رمز شود ۳۵/۱/۲۲/

آقای تهرانی

لطفاً به نمایندگی سوگد ابلاغ نمائید . محمودی
 ابلاغ شد . تهرانی - ۳۵/۱/۲۵

به این ترتیب مشاهده میشود که ساواک برای جاسوسی در کارهای
 خبرنگاران و با جهت تحت نفوذ خود در آوردن ضایع خبری با سقا
 مات ارضی و افراد مختلف سایر تشکیلات کشورهای اروپائی همکاری نزدیک
 دارد . این طرز عملی است که پیش از اینها در باره آن سخن خواهیم
 گفت . در اینجا فقط لازم است اشاره شود که تا چه حد ساواک و بحبارت
 دیگر دستور دهندگان آن حساس بوده و با چه سرعتی این حساسیت دستگاہ
 عظیم ساواک را برای دخالت در امور به کار می اندازد . مثلاً در ماه اوت
 ۱۹۷۵ روزنامه منتشره در وین *Kurier* که وابسته به
 مجمع متحد کارفرمایان اتریشی است ، در یک سلسله مقالات در نظر گرفته
 شده ، شاه را طغیان " خدای نفت و دخترهاز و دیکتاتور " ساخته بود .
 همین کافی بود تا کارفرمایان مژبور که نیازمند به مراودات تجاری با
 کشور ایران هستند ، به اشاره ساواک در کار هیأت تحریریه این روزنامه
 دخالتی توقان آسا نمایند . آنهم در زمانی که هنوز مطالب این سلسله
 مقالات چاپ نشده و به اطلاع عموم برسیده بود . در حدود یک سال بعد
 بار دیگر عالی ترین مراجع دولتی کشور اتریش در امور تلویزیون آلمانی
 کشور مداخله کرده و علیه فیلمی که در باره فعالیت های ساواک در اتریش
 تهیه شده بود موضع گرفتند . اینکار زمانی صورت گرفت که فیلم مژبور تنها

به مؤلفین آن یعنی چند تن از ایرانیان ضد رژیم و همچنین به مسئولین اداره برنامه تلویزیون نشان داده می‌شد. البته اینگونه دخالت‌ها در هر دو مورد بدون موفقیت بودند. شاید هم عدم موفقیت در اینگونه مداخلات بوده است که ساواک تهران در سال ۱۹۷۶ تحقق و تفکر طفلی در شماره امکانات خود نزد مطبوعات اروپائی و پروژه آلمان غربی نموده و نتایج آن را در اطلاعیه زیر آورده است:

از برهستول ۲۲۲ (مرکز ساواک در تهران)
 به کامیسیب (نمایندگی ساواک در آمریکا)
 شماره ۲۲۲/۱۷۲ - تاریخ ۵۴/۸/۱۰

سری

اخیرا طرحی بمنظور از بین بردن برخی گرایشات ضد ایرانی در مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی آلمان فدرال از طرف کارگشا (ارتشبد نصیری) پیشنهاد شده است. طی مذاکرات در مرکز با جوان و پارساکیا (رهبران عملیات ساواک در آلمان غربی) قرار شد آقای امیر خلیلی (آناشسه مطبوعاتی سفارت ایران در بن)^(*) در جریان امر قرار داده شود تا بر اساس سیاست تعیین شده در این طرح و با استفاده از تماسهای خود با دوستان آلمانی به فعالیت بپردازد و موجبات جلب برخی عناصر ناراضی در مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی آلمان فدرال را برای پیاده کردن این طرح فراهم آورد. سیاست اطلاعاتی و تبلیغاتی ما در آن نمایندگی در مقابل مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی آلمان فدرال در مقابله با نظرات و شایعات از جانب مخالفین و عناصر ضحرف عضو کفدراسیون باید همواره مقابله با فعالیت‌ها و نظرات ضحرفین ایرانی با تروریستهای آلمان فدرال و سایر کشورهای اروپائی باشد.

چند تن از تطهرهای نمایندگی لوبیا (مامورین نمایندگی ساواک) در بن را مامور جمع آوری اطلاعات در باره تماسهای احتمالی عناصر ضحرف ایرانی با مطبوعات آلمان مانند فرانکفورتر روند شتا و سایر مطبوعات محلی نمایند و نتیجه را فوراً برای انتخاب تصمیمات لازم به مرکز ابلاغ کنند. ز پ
 با هداد (پرویز شایقی)

(*) رجوع شود به صفحات ۵۰/۵۱ این کتاب. مترجم

مهمترین نکته‌ای که در مجموعه این اقدامات بچشم میخورد مسئله کم‌بیش رشوه داده پنهانی به روزنامه نگاران می‌باشد. طبق کشفیاتی که مجله اسپگل Spiegel در باره رژیم سرهنگان در یونان نموده و در شماره مورخ اول نوامبر ۱۹۷۶ خود منتشر کرده است رژیم مزبور نیز این کار را با موفقیت بسیار انجام داده است. طور دیگری نمیتوان دستورات مذکور در سند فوق را فهمید. طبق اینگونه مدارک، مرکز نقل فعالیت‌های مطبوعاتی ساواک کما فی السابقی جهت زنی و افترا بستن به ایرانیان ضد رژیم می‌باشد و هر وقت که نه رشوه و نه افترا و نه پخش اطلاعات سوء طعنه و موثر واقع شوند، ساواک شاه به همان شیوه مطلق و دیرین خود دست زده و به جاسوسی می‌پردازد.

سازمان امنیت سعی دارد که در خارج از ایران نیز خارجیان مخالف رژیم شاه و با آنهایی را که بدین صفت صنف شده‌اند تحت نظر خود داشته باشد. موارد مشروح در فوق نشان میدهند که اینگونه کنترل‌ها نه تنها شامل حال روزنامه نگاران بلکه وکلای دادگستری و سیاستمداران نیز می‌شوند. اسناد به جنگ افتاده از مرکز اروپایی ساواک در ژنو دلالت می‌سازند که سازمان امنیت شاه حداقل در کشورهای آلمان فدرال، اتریش، سوئیس، دانمارک، هلند، ایتالیا و انگلستان به جاسوسی مشغول است. جهت صدور دستور به نمایندگی‌های زیربط ساواک مبنی بر کنترل افراد حتی فرم‌های مخصوص وجود دارند که نمونه‌ای از آنها در رابطه با دو نفر سوئدی بنامهای لارس ورنر Lars Wernner و استفان اریکسون Stefan Eriksson آورده شد. فقط لازم و کافی است که در این فرم نام کشورهای مربوطه را که افراد مورد نظر در آنجا زندگی میکنند تغییر داد و اساسی افراد دیگر را در آن ذکر کرد. مثلاً دستور تحت نظر داشتن ورنر و اریکسون موهوم همان متنی را دارد که در مورد دو نفر از اتباع سوئیس نیز صادر شده است. یکی از این دو نفر شخصیت مشهوری است موسوم به ژان زیگلر Jean Ziegler

که استاد دانشگاه و نماینده حزب سوسیالیست‌ها در مجلس ملی سوئیس بوده و برای اولین بار در پارلمان به توطئه‌ها و ککاش‌های ساواک در سوئیس اشاره کرده است. دیگری شخصی است بنام کریستیان گروبه Christian Grobet ساکن ژنو در رودولا مور rue de la Muse شماره ۳. سند زیر شاهد این مدعا است:

محرمانه

از لاهوت (اداره کل ساواک در تهران)

به سیمین (مرکز اروپائی ساواک در ونز)

اسامی دونفر سوئیس که با دستور ضمیمه ریاست محترم کارگشا (ارتشبد نصیری رئیس سازمان امنیت) باید تحت نظر قرار بگیرند عبارتند از

نام Professor Jean Ziegler

آدرس Conseiller National-Universität Choulex

نام Christian Grobet

آدرس Geneve, 3 rue de la Muse

سعی شود از امکان (مأمور ساواک) اعزامی ما برای نزدیکی به این دونفر و جلب اعتماد آنها استفاده شود. اگر دو امکان موفق نشوند باید محل کار و تماس آنان کنترل شود. میتوانند در این مورد با مقامات پلیس دوست مذاکره کنید. کنترل باید مستقیماً از طرف امکانات (مأمورین) ما باشد و گزارشات را به مرکز بفرستید.

با عداد (پرویز تابتی)

هدف از اینگونه اعمال جاسوسی تنها مشغول داشتن مأمورین ساواک نیست. اطلاعاتی که مزدوران سازمان امنیت درباره خارجهان و سوئیس سیاستمداران خارجی بدست می‌آورند در اکثر موارد روی میز کار شاه می‌آیند. برای این مدعا دلائل و شواهدی نیز وجود دارند. از جمله در رابطه با نمایندگان حزب کارگر در پارلمان انگلستان استن نیوانز Stan Newens و ویلیام ویلسن William Wilson. اولی کسی است که فعالیت‌های سازمانهای جاسوسی کشورهای بیگانه را در انگلستان مورد انتقاد قرار داده و دومی شخصی است که در سال ۱۹۶۹ بعنوان ناظر در جلسات معاکمه

علیه هفت رندانی سیاسی شرکت کرده و با انتقادات خود بطور ناظلوبین خاطر فرمانروای ایران را شوش ساخته بود. ۱۱

مجله اشپینگ در شماره مورخ ۶ سپتامبر ۱۹۷۶ مینویسد که ششاه هنگام بازیاختن نمایندگان انگلیسی در تهران آنان را مورد سؤال قرار داده و میبرد که آیا در میان آنها کسی ویلسن را میشناسد. پس از این که یکی از نمایندگان جواب مثبت به این سؤال میدهد شاه میگوید: " به آقای ویلسن بگوئید چنانچه در آتیه خود را فقط مشغول اوضاع و احوال خود کرده من نیز از این پس ناآنجا که مربوط به شخص ایشان است در فکر امور مربوط به خود خواهم بود."

در واقع این گفته حاوی و مستترکننده این اقرار است که سازمان جاسوسی شاه نماینده مزبور را تحت نظر دارد. اکنون نیز سندی به تاریخ ماه سپتامبر ۱۹۷۵ موجود است مبنی بر اینکه ساواک در انگلستان نه تنها ویلسن، بلکه نیوانز را طبق فرمان ریاست کل سازمان امنیت و اطلاعات کشور یعنی نعمت‌الله نصیری زیر نظر دارد:

مسری

به سینین (مرکز اروپائی ساواک در ژنو)

از بریتنول (مرکز ساواک در تهران)

شماره ۳۳۱/۱۲۷۴ - تاریخ ۵۴/۶/۱۰

در مورد ویلیام ویلسون و استن نیونز بمعرض کارگشا (ارتشبد نصیری) رسید فرمودند به آقای معین زاده (حاسوس ساواک در انگلستان) در انگلستان اطلاع داده شود تا تحقیقات بیشتری در باره ارتباطات این دو نماینده پارلمان انگلستان با عناصر ضحرف ایرانی بعمل آید و نتیجه را بلا فاصله به مرکز اطلاع تا تصمیمات لازم بعدی اتخاذ شود.

ضمناً به ره آورد لوپها (نمایندگی ساواک) در لندن یادآور شوئید تا تحیزان پنجه (ما'مورین ساواک) در محل نهایت دقت را در عملیات تعقیب افراد پارلمان انگلستان مبدول دارند و در اطراف منازل سکونی آنها توفق طولانی ننمایند.

با عداد (پرویز تابت...)

بنابر این هر کس که به نظر شاه در امور مربوط به "او" مداخله نماید، میتواند کاملاً مطمئن باشد که سازمان امنیت را پشت پاشنه پای خود خواهد داشت و احتیاجی هم نیست که این شخص حتماً نماینده مجلس یعنی شخصیت نسبتاً مهمی باشد. مثلاً زمانی که سه نفر از اعضای سازمان عفو بین المللی گروه هلند مطابق اهداف تشکیلات خود از طریق نامه ای به شاه در سال ۱۹۷۴ در صدد اقداماتی در مورد یکی از زندانیان سیاسی بودند (جریان مربوط بود به شخصی بنام عزیزالله غروی) مقامات دادگستری که زندانی مزبور را در چنگ خود داشتند، اصلاً در جریان امر گذارده نشده بلکه تقاضا نامه سازمان عفو از طریق غیر مستقیم یعنی از طریق مرکز اروپائی ساواک در ونو به نمایندگی ساواک در کهنهک ارسال و دستور داده شد که هویت این افراد و قبل از هر چیز منبع اطلاعات آنها را در باره زندانی سیاسی مورد نظر روشن سازند. حتی اتباع خارجی نیز لازم نیست که از زمره شخصیت‌های بسیار والا و یا از جمله فعالین برای احقاق حقوق زندانیان سیاسی ایرانی باشند تا مشمول اقدامات جاسوسی مزدوران ساواک شوند. این نکته را میتوان از سند شماره ۷۰۴/۳۱۵ مورخ ۷ اکتبر ۱۹۷۱ دریافت که ساواک تهران به نمایندگی خود در ونو ارسال داشته است :

از تاریخ ۱۵ تا ۲۶ مهر ۵۰ با استفاده از تمام امکانات و بدقیق ترین وجهی فعالیت‌ها و تماس‌های ماهی‌های (اتباع ایرانی) منحرف و دانشجویان و غیر دانشجویان و نیز خارجیان مشکوک را تحت نظر داشته و پس از جمع آوری کوچکترین اطلاعات و اخبار تا ساعت ۲ بعد از ظهر بوقت تهران با شماره تلفن ۷۷۶۵۵۵ و بعد از آن با شماره ۷۷۶۰۲۰ مرکز را در جریان امور بگذارد. - ۱۷

نتیجتاً کافی است که اتباع خارجی فقط در یکی از نظاهرات سلسیه شاه در اروپا شرکت کنند تا به عنوان مخالف شاه به چنگال ساواک اسیر

گردند. سند زیرگواهی است بر این دعاء:

سری
از لاهوت (اداره گل ساواک در تهران)
به ۲ - ۳۱۲
تاریخ ۵۳/۰/۷ - ردیف ن ۱۴۸۲
در اسرع وقت اساسی کلیه ایرانیان و اتباع اتریشی را که در تظاهرات
 علیه نیکام (شاه) شرکت داشته اند و با علیه دولت شاهنشاهی تبلیغ میکنند
 را به مرکز ارسال نمائید.
 با طراد (پرویز ثانی)
 از طرف سیال

در همین رابطه میتوان این واقعت را درک کرد که چرا مثلا وزارت
 امور خارجه در تهران اساسی اتباع اتریشی را در اختیار سفارت ایران در
 آلمان غربی میگذارد:

سفارت شاهنشاهی ایران - گل
 تلگرام رمز از وزارت امور خارجه . تاریخ ۰۰۰/۷/۹ . شماره دفتر ۷۰۷
 سفارت شاهنشاهی ایران - گل
 پیرو بخشنامه تلگرافی شماره ۱۱۰۱۹ سه نفر (اتریشی) بهلاتین به شرح
 زیر می باشد

FREIDERKE ZIZLAVSKY

WOLFGANG LIEBERT

SYLVIA GLAZAR

۱ - خانم

۲ - آقای

۳ - خانم

بهنام	۱۴۱۸۸	احتشامی
	۰۰/۷/۸	۰۰/۷/۸

(نقل از باره ای ۰۰۰۰۰۰ ص ۲۳۹)

حال این سوال مطرح میشود که ساواک چگونه اساسی این گونه
 اروپائیان را بدست می آورد. در پاسخ این سوال میتوان از این نقطه

نظر حرکت نمود که مقامات امنیتی تعداد زیادی از کشورهای اروپای غربی و همچنین مقامات امنیتی آمریکا به وجه قابل ملاحظه‌ای در این زمینه به ساواک کمک و مساعدت میکنند.

هنری علاقه داشت که همیشه شوخی بکند. از جمله چند روز قبل از شکست رئیس‌جمهور آمریکا جرالده فورده Gerald Ford در انتخابات وزیر امور خارجه آمریکا هنری کیسینجر هنگام خدا حافظی از مقام وزارت نیشندانده و با آهنگی پر از عصبانیت و شکفتی اظهار داشت: "چنانچه این امر صحت داشته باشد ما البته آنرا ممنوع خواهیم کرد."

آری صحت داشته و دارد که سازمان جاسوسی ایران در آمریکا نیز فعالیت میکند. شاه چند روز قبل نیز بنوبه خود طی یک محاسبه با تلویزیون "سی. بی. سی. آمریکا درست همین واقعت را اعلان کرده و بطور مشخص گفته بود که عمال ساواک اتباع ایرانی را در آمریکا زیر نظر قرار داده و به تشخیص هویت جمیع گروهائی که "دشمن کشور من هستند" مشغول می‌باشند. شاه ایران علاوه بر این تصدیق کرده بود که عملیات ساواک در آمریکا با علم و موافقت دولت آن کشور صورت میگیرند. و این نکته ایست که ناراحتی جاخانی کیسینجر را به گفته‌ای بی‌معنی و چرند بدل میازد.

این مسئله بوقتی مضحك تر شد که کیسینجر تهدید کرد که تمام عمال ساواک را از آمریکا اخراج کرده و به خانه‌هایشان خواهد فرستاد. زیرا که مقامات ایرانی نیز متقابلا به تهدید پرداخته و اعلام داشتند که آنها هم در اینصورت تمام کارگزاران سازمان جاسوسی آمریکا "سی. آی. ا." را از ایران اخراج خواهند نمود. ۱۸

حقیقت اینست که ایما همه جنگ زرگری و ناشی از اظهارات بسیی شرمانه شاه چند روز قبل از انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا بود که با نکتته و نسخه دولت وقت آمریکا توافقی و مطابقی نداشتند. چون ساواک فی الواقع و بنا بملک وجودی خود چیزی شبیه به شرکتی از "سی. آی. ا."

میباشد که او نیز بنوبه خود ایرانیان متعلق به اهوزیسیون ایران را در آمریکا تعقیب میکند. این حقایق را کیسینجر هم بخوبی میدانست. هر چه نباشد موارد بسیار وجود دارند که همکاری ساواک و مقامات دولتی آمریکا را بخوبی روشن میسازند. یکی از این موارد همان قضیه ایرج دهقان استاد ادبیات است که ساواک در سال ۱۹۶۷ نقشه در دیدنش را در سری پروراند. قبلا این ایرانی فد رژیم در آمریکا سکونت داشته و در تاریخ ۶ فوریه ۱۹۶۱ طی یک سلسله مقالات مخرج در روزنامه واشینگتن پست *Washington Post* ماهیت واقعی رژیم شاه را هویدا ساخته و بهین جهت توجه مخصوص پلیس جنائی آمریکا یعنی "اف. بی. آی." را به خود جلب کرده بود. و حتی که دهقان به این فکر افتاد که یک فیلم تلویزیونی هم راجع به اوضاع ایران تهیه کند، ساواک راه سر راست را برای خفه کردن صدای این ضد ناراحت پیدا کرد. بدین ترتیب که از مجرای دیپلماتیک مقامات دولتی در آمریکا را برای اخراج پروفیسور دهقان تحت تاثیر خود در آورد.

گرچه در بدو نظر خیلی غریب به ذهن میآید ولی باید دانست که شاه و سازمان امنیتش از این گذشته بهترین روابط را با رژیم شوروی و سازمان جاسوسی این دوین ابر قدرت جهانی دارند. از شواهد پر سر و صدای این مدعا استرداد خلبان روسی به دولت شوروی است که در سپتامبر ۱۹۷۶ با هواپیمائی از آن کشور به ایران فرار کرده بود و نامش هرگز در دنیای غرب فاش نشد. در این رابطه باید طرف دیگر قضیه را نیز مورد ملاحظه قرار داد. سالهاست که سفارت ایران در مسکو از تهدید و تجدید گذرنامه های دانشجویان ایرانی فد رژیم که در کشور اتحاد جماهیر شوروی بسر میبرند سر باز میزند. مقامات شوروی نیز اینگونه دانشجویان بدون گذرنامه معتبر را به فوریت از آن کشور اخراج میکند. توکوشی این حقیقت است که دولت ایران سالهای حال است که کمونیست ها و آنهایی که چنین نامی در کرده اند در سالهای اخیر با اتحاد می کنند و بر روی کار می آید و اصلاح

به شك و تردید نمی اندازد .

دلیل دیگری بر وجود همکاری بین ساواک و سازمان جاسوسی دولت شوروی میتواند آن سندی باشد که در فصل سوم این کتاب آورده شد و در آن آمده بود که مراجعت ما^۱ مورین ساواک به ایران باید از طریق آلمان غربی و برلن شرقی و وسیله شرکت هواپیمائی روسی صورت بگیرد^۲ . سؤال اینست که چرا اصولاً چنین همکاریهایی صورت می گهیرند ؟ تا آنجا که این سؤال مربوط به روابط بین ایران و شوروی است این نکته جلب توجه میکند که استرداد خلبان روسی درست زمانی صورت گرفت که دیدار وزیر بازرگانی خارجی اتحاد شوروی پاتولیتف - Patolilt schew در تهران در پیش بود . واضح تر بگوئیم مجله لوموند در شماره مورخ ۳ اکتبر ۱۹۷۶ اطلاع داد که " میزان حجم بازرگانی بین اینستد و کشور در سه ماه اول این سال بالغ بر ۲۲۱ میلیون روبل (در حدود يك میلیارد مارک) بوده است . " برای پوروکراتهای کرملین که اقتصاد کشور اتحاد جماهیر شوروی را ناپود کرده اند ، ایران طرف تجاری بسیار مهم تر از آنست که بتوان با او طبق و با رعایت اصول سوسیالیستی برخورد کرد . بهین دلیل است که در طبوعات اتحاد شوروی حتی يك کلمه هم در باره پیگرد و تعقیب ایرانیان ضد رژیم نمیتوان یافت . همچنین کوچگری^۳ اشاره ای در باره شکنجه های معمول و مرسوم در مورد زندانیان سیاسی در طبوعات این کشور آورده نمیشود . این خود دلیلی بر حداقل میزان همکاری بین دو سازمان جاسوسی دول ایران و اتحاد جماهیر شوروی می باشد که ناشی از وجود مرز مشترک بین آنهاست .

اینکه آمریکا چه شافعی را در ایران دنبال میکند سؤالی است که در فصل اول این کتاب طعلا مطرح و تشریح شد . از نظر آمریکا باید به حیات

^۱ رجوع شود به صفحه ۶۱ کتاب حاضر .
^۲ متن اصلی این سند در مجموعه " پاره ای " آورده نشده است . ترجم

رویم شاه دوام بخشید. تحویل اسلحه بمقدار بسیار وسیع نیز نوعی کوشش در جهت ادامه بخشیدن به حیات رویم شاه می‌باشد. طبق قراردادی که در سال ۱۹۷۳ توشیح شد و بنا بر گزارشی که در روزنامه فرانکفورتر روند شاو مورخ ۹ مارس ۱۹۷۴ آمده، دولت آمریکا هواپیماهای جنگی مافوق صوت از نوع اف - ۴ و هلیکوپترهای جنگی و بمب افکن‌های شکاری از نوع اف - ۴ و هواپیماهای باربر از نوع س - ۱۳۰ و نیز بمب‌های هدایت‌شونده توسط لیزر *LASER* به مبلغی در حدود ۲ میلیارد دلار تحویل ایران داده است.

علاوه بر این کارخانه‌های تجهیزات نظامی آمریکا برای رویم شاه و در اتحاد مرز کشور ایران با اتحاد جماهیر شوروی سیستم کنترل الکترونیکی می‌سازند که از هواپیماهای مجهز به دوربین رادار دستگاه گیرنده و پارازیت با نام رمز ای بکس *I b e x* تشکیل می‌شوند. "ای بکس" این نکه را روشن ساخت که شاه نه تنها بهترین بلکه خراج‌نهرین مشتری تجهیزات نظامی کارخانه‌های آمریکائی می‌باشد و همین دلیل باید همواره دلش را بدست آورد. زیرا دستگاه "ای بکس" اصلاً ارزشی نداشته و "سلاحی است به‌فایده به قیمت ۳۰۰ میلیون دلار". "بوب وود واردر" *Bob Woodward* کاشف افشاحات "واترگیت" *Watergate*

در ژانویه ۱۹۷۷ طی مقاله‌ای در "واشینگتن پست" می‌نویسد:

"این مطلب دیگر جزو اسرار نیست که از ایران بعنوان انبار آهن قراضه‌های تسلیحات و پروژه‌های نظامی استفاده می‌شود. یعنی تسلیحاتی که شورای امنیت طی آمریکا و سازمان جاسوسی آن از آن‌ها به علت بی‌فایده‌گی و یا بی‌بجیده‌گی انتقاد می‌کند."

منافع اقتصادی سیاسی و نیز قدرتی که به شکل مبادلات متضاد با ربرگانی و تسلیحاتی ظاهر می‌کند، سبب شده‌اند که بین مقامات دولتی دواهر قدرت آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی حس همکاری با سازمان جاسوسی شاه بوجود آید. تحت این نقطه نظر در واقع امری است ضلوع

که ساواک در کشورهای خیلی کوچکیترین و وابسته تر اروپای غربی خیلی ساده تر یارو یاور پیدا میکند .

بهترین نمونه در این مورد کشور سوئیس است که مرکز اروپای قسسی ساواک در آنجا مستقر بوده و شاه نیز تنها به گذراندن تفریحات سوتیب خود در " سن موریتس" اکتفا نمیکند . او در همین حال بزرگترین خریدار اسلحه جنگی از " رفقای سوگند یاد کرده" *Eidgenossen* (منظور اتباع کشور سوئیس میباشد . شرحم) است . پس از سوئیس به ترتیب کشورهای اسپانیا و آلمان فدرال مقامهای مهم را در این زمینه دارا میباشند . در سال ۱۹۷۵ دولت سوئیس بالغ بر ۱۱۹ میلیون فرانک تسلیحات نظامی به ایران صادر نمود یعنی ۳۰ درصد بیش از سال قبل ۱۹۷۴ .

بر اساس اینگونه روابط تجاری کشور سوئیس کاملاً حاضر است که محل آمد و شد عمال شاه باشد . البته تا زمانیکه افکار عمومی در این کشور از چگونگی این نوع فعالیتها مطلع نشود . ولی از آنجا که مسئله اشغال نمایندگی ساواک در ژنو دیگر قابل پنهان کردن نبود ، در نتیجه مقامات سوئیس بالاچار و با سی میلی مصمم به برداشتن گامی در این زمینه شدند . گامی که همکاران شاه بهیچ وجه قادر به درک لزوم آن نبودند و پس از اخراج همانک کننده ساواک یعنی احمد مالک مهدوی (نام مستعار محمودی) از سوئیس که تحت پوشش سیاسی در این کشور بسر میرد آنها نیز با افروختگی انعکاس از خود نشان داده و بنوبه خود و دلخواهانه یکی از دیپلماتهای سوئیس را از ایران اخراج نمودند . دلیل پر از معنی آنها این بود که دولت سوئیس از ابتدا " میدانسته که مالک از افراد ساواک میباشد .^A

بدون شك هم همینطور بوده است . مقامات سوئیس بخوبی میدانستند که در موارد فوقی العاده حساس به چه کسی باید رجوع کنند . مثلاً در سوم ژوئن ۱۹۷۴ جلسه مذاکره ای صورت گرفت که سوئیس ها آنرا جلسه مذاکره هشت جنبی میخوانند . در این نشست نمایندگان کانتون ژنو یعنی آقا قاسمان " وپو" *vieux* و " گاکه بیس" *Gagnebin* در يك طرفه مستوره

سرکسول ایران و بالاخره همین آقای مالک (محمودی) در طرف دیگر شرکت داشتند. مطلب مورد مذاکره دیدار رسمی شاه از سوئیس که در شرف وقوع بود. در این جلسه طبق مدارکی که در اول ژوئن در ونو به دست آمده مقامات سوئیس اظهار تمایل کرده بودند که موقتا از اهدام برخی از زندانیان سیاسی در ایران خود داری شود؛*

به ماکابا - ۳۱۵ (مرکز ساواک در تهران)
از منظره (نمایندگی ساواک در ونو)
شماره ۱۳۱۰ - تاریخ ۵۱/۳/۱۲
مذاکره با رئیس تشریفات و پلیس امنیتی کانتون ونو در باره برنامه تشریف فرمائی ذات مبارک طوگانه به ونو
روز ۵۱/۳/۱۱ کمیته‌ی با حضور آقای ستوده و نرال کسول شاهنشاهی در ونو آقای Vieux رئیس تشریفات کانتون ونو - آقای Gagnebin افسر پلیس امنیتی - احمد مالک وابسته هیئت نمایندگی دائمی ایران نزد سازمان ملل متحد تشکیل و مسائل کلی و امنیتی مربوط به تشریف‌رمانی اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر به ونو مورد مذاکره قرار گرفت.
در این صورت جلسه آقای ستوده و احمد مالک بعنوان " نمایندگان ایران " و آقایان Vieux و Gagnebin بعنوان نمایندگان ونو ذکر خواهند گردید.

- ۱ - (نمایندگان ایران) در روزهای تشریف‌رمانی ذات طوگانه به ونو اجازه تظاهرات به افراد و دستجات افراطی داده نشود.
(نمایندگان کانتون ونو) چنین اجازه‌ای نخواهیم داد ولی اگر دسته‌بانی در بعضی خیابانها اجتماع نمایندگانی متفرق کردن آنها مشکل خواهد بود.
(نمایندگان ایران) تقاضا میشود سعی نمائید که در مسیر عبور شاهنشاه هیچ گونه تظاهراتی صورت نگیرد که نمایندگان کانتون ونو در اینمورد جواب‌دادند ما حتی المقدور سعی خود را خواهیم کرد.
- ۲ - (نمایندگان ایران) طبق اطلاعات واصله سنگت در روزهای تشریف فرمائی منازل بعضی از کارکنان سازمانهای سیاسی ایران در ونو مورد حمله افراد افراطی قرار گیرد.
(نمایندگان کانتون ونو) لیست افرادی را که تصور می‌رود منازل آنها مورد حمله قرار گیرد حداکثر تا ۹ ژوئن (۵۱/۳/۱۹) تهیه و به مقامات امنیتی

* نویسنده در اینجا فقط به ذکر بند ۱ این سند که مبنی خواست مقامات سوئیس است شاعت کرده. برای اطلاع شن کامل آن آورده میشود. شرح

تسلیم نماید تا اقدام لازم از نظر حفاظت به عمل آید. مضافاً پلیس تعصبات کلی جهت حفاظت سازمانهای سیاسی و غیر سیاسی شاهنشاهی در ونو انتخاب خواهد نمود.

۳ - (نمایندگان ایران) طبق اطلاعات واصله جوانی که دارای افکار آناارشیستی است تفنگی تهیه نموده و در نظر دارد در یکی از آپارتمانهای کوچه لوزان نسبت به شاهنشاه سوء قصد نماید.

(نمایندگان ونو) در صورتیکه فرد مورد نظر سوئیس باشد طبقاً بهس از خاتمه خدمت سربازی تفنگ خود را در منزل دارد ولی در هر حال با پیوستن مشخصات بیشتری از شخص مورد نظر در دست داشت تا اقدام پلیس به نتیجه برسد.

۴ - (نمایندگان ایران) تقاضا داریم در روزهای تشریفاتی جهت حفاظت هتل محل اقامت ذات مبارک طوکانه ۲۴ نفر پلیس سوئیس بطور روزانه ۱۲ نفر برای کنترل هتل گمارده شوند.

(نمایندگان ونو) اینجده پلیس ثابت و جهت پاسداری هتل گمارده خواهند شد.

۵ - (نمایندگان ایران) لیست ایرانیانیکه طی اقامت شاهنشاه نباید وارد سوئیس شوند در فوریه ۱۹۷۱ از طریق سفیر شاهنشاه آریامهر در اختیار مقامات فدرال قرار داده شده است تقاضا داریم در مدت تشریفاتی اجازه ورود باین افراد داده نشود و لیست جدیدی نیز در اختیار شما قرار خواهیم داد.

(نمایندگان ونو) در صورتیکه فهرست جدیدی نیز در اختیار دارید در اختیار ما قرار دهید که اقدام لازم بعمل آید.

۶ - (نمایندگان ایران) بموجب اخبار واصله سکست در سالن سخنرانی سازمان ملل متحد همی گذارده شود و بطور کلی پلیس و مقامات امنیتی چسب اقداماتی از نظر تامین امنیت در سالن و محوطه سازمان ملل متحد بعمل خواهند آورد.

(نمایندگان ونو) طبق تقاضای مقامات سازمان ملل متحد و سازمان بین المللی کار اقدامات حفاظتی و امنیتی کامل در اینمورد بعمل خواهد آمد زیرا مسئله تنها مربوط به سازمان ملل نبوده بلکه هیئت کانتون ونو نیز در گرو حسن انجام امور خصوصاً انتخاب هرگونه تدبیر لازم جهت حفاظت شاهنشاه آریامهر قرار دارد.

۷ - (نمایندگان ونو) پیشنهاد نمودند جهت اینکه عوامل امنیتی و حفاظتی کانتون ونو افراد ایرانی را که بنحوی از آنها از نظر حفاظت شاهنشاه وظیفه ای معین دارند بشناسند و " بطور متقابل " سنجاقهایی کوچک تهیه شود که هر دو طرف در روزهای تشریفاتی از آن استفاده و قادر باشند که به

سهولت هدیدگر را شناختن نمایند .

از اینرو تقاضا میشود تعداد ۲۰۰ سنجاق کوچک تهیه و در اختیار ما قرار داده شود .

۸ - (نمایندگان ونو) ساعت ورود ذات طوکانه به ونو طوری تعیین شود که ساعت کار باشد مثلا ساعت ۳ بعد از ظهر .

۹ - (نمایندگان ایران) جهت حمل چمدانهای شاهنشاه آریامهر و همراهان از هواپیما به کامیون منظور ارسال به هتل مورد اقامت یکفر افسر پلیس مسئول تعیین گردد .

(نمایندگان ونو) در اینمورد مسئولیت با ما موریان ایرانی است ولی همه نوع کنکلی که بخواهید انجام خواهیم داد .

۱۰ - (نمایندگان ونو) پیشنهاد میکنیم که روز تشریفمائی هلیکوپتری نیز در فرودگاه آماده باشد تا در صورتیکه وضع جهت عزیمت به هتل با اتومبیل مساعد تشخیص داده نشود ذات مبارک شاهانه از هلیکوپتر استفاده نمایند .

۱۱ - (نمایندگان ونو) مقررات استعمال اسلحه را در اختیار شما قرارخواهیم داد تا آنرا ترجمه و به افراد کارر شاهنشاهی بدهید تا بمقررات مذکور آشنائی لازم داشته باشند و در صورت بروز حوادث جزئی از اسلحه استفاده ننموده و اصولا بمقررات استفاده از اسلحه در سوئیس آشنا باشند .

۱۲ - (نمایندگان ونو) تقاضا داریم قبل از تشریفمائی اهدامهای جدیدی در ایران صورت نگیرد تا از طریق جرایم سوئیس با انعکاس این قبیل اخبار مستسک بدست افراد تندرو در سوئیس داده نشود و وظایف ما را از نظر وضع تظاهرات مشکل ننماید .

۱۳ - (نمایندگان ونو) مشخصات خبرنگاران و فیلمبرداران ایرانی را که جهت تهیه رپورتاژ یا فیلم از برنامه تشریفمائی به ونو خواهند آمد قبلا در اختیار ما قرار دهید .

همچنین تعداد و مشخصات افراد ایرانی و اتومبیل هائیکه روز تشریفمائی مجازند وارد محوطه فرودگاه ونو شوند قبلا در اختیار مقامات امنیتی ونو قرار داده شود .

آرژمکین (نام مستعار سابق مالک مهدوی)

(نقل از پاره ای ۰۰۰۰۰۰۰ ص ۱۰۴ - ۱۰۱)

طبق مذكرحات يك سند ديگر سرانجام قرار گذاشته میشود که مقامات امنیتی سوئیس چنانچه اطلاع یابند که تظاهراتی در شرف وقوع است فوراً مقامات ایرانی را مطلع سازند . اینطور که از ظواهر امر بر می آید کویسا

مقامات سوئیس اصولاً در احراز خواسته های ساواک خیلی خوش خدمت بوده و به يك تلگرام مثل تلگرام شماره ۱۴ که در ماه مارس ۱۹۷۶ از تهران به ژنو منابره شده است بسنده میکرده اند:

تلگراف شماره ۱۴

سری

به سیمین (مرکز اروپائی ساواک در ژنو)

از ۳۴۴ (مرکز ساواک در تهران)

شماره ۴۰۴۴/۳۴۴ - تاریخ ۵۴/۱۴/۲۱

نظر به اوامر کارگشا (ارتشبد نصیری رئیس سازمان امنیت) یکفرگ کار ضد اداره سوم بمنظور انجام مأموریتی با پوشش سیاسی وارد ژنو میشود دستور فرمائید رئیس ره آورد (نمایندگی ساواک) تسهیلات لازم از نظر عدم کنترل شخصی پلیس و گرگ از وسائل نامبرده فراهم نمایند تاریخ و ساعت ورود و مشخصات کار ضد مزبور متعاقباً اعلام خواهد شد.

با مدار (پرویز ثابتی)

بهمین جهت است که مزدوران شاه خود را در مقابل مقامات سوئیس و برای خوش خدمتی هایی که نه تنها از آنها خواستم شده، بلکه توسط آنان انجام هم شده اند خیلی ممنون و متشکر نشان میدهند. البته آنها هم به صورت پرداخت پول و یا دادن هدایا. این از جمله مطالبی است که روزنامه جیب " لاپلوی " رازش را هویدا ساخت.

بنابر این منبع یکی از اعضا دولت سوئیس دلالتی هدایای ساواک به

مقامات سوئیس را عهده دار بوده است. روزنامه مزبور مینویسد:

" آقای هنری اشمد Heng Schmidt وزیر دادگستری و

رئیس شهربانی مسئله هدایا را بعنوان يك رسم بین المللی بسیار معمول و مرسوم بی اهمیت جلوه داده و اضافه کرد که امر قطعی و ذریع آبیرون ها و نیز در زمان حکومت خود از روی عادت هدایای تسلیم داشته اند. " مسئله کشف این چنین اسراری البته ذهن سازمان امنیت ایران را خیلی به خود مشغول نمود بطوریکه در يك خبر خیلی " محرمانه " که نماینده کسی

ساواک در ژنو در ماه مارس ۱۹۲۵ به تهران مرسول میدارد مینویسد :

در باره هدایای منصور (شاه) به پلیس ژنو . برای تهیه يك فهرست از هدایائی که سوآن کشورهای دیگر در طی ملاقاتهایشان به ماژورین سوئیسی تسلیم کرده اند با آقای اسفندیاری سفیر شاهنشاه آریامهر مذاکره و از ایشان خواهش شد که در صورت امکان چنین فهرستی را از وزارت امور خارجه سوئیس تهیه نمایند . ۱۹

طبق مذاکره این مدارک گرچه رئیس تشریفات وزارت امور خارجه سوئیس قادر نبود اطلاعات دقیقی در این باره بدهد ولی با کمک حافظه خودش توانست خدمت بکند . وی اظهار داشت که قیصر انبویی (حبشه) هنگام ورود به جلسه جامعه ملل متحد که در سال ۱۹۲۵ در ژنو منعقد شد خاطره خوبی از بذل و بخششهای خود در نوز مقامات سوئیس باقی گذارد . همچنین هیأت نمایندگی اتحاد جماهیر شوروی که در سال ۱۹۲۲ در کنفرانس جهانی امور اقتصادی شرکت کرده بود چوب سیگارهای نقره ای به صاحب منصبان دولت سوئیس هدیه نمود . وی اضافه کرد که پاپ پائولو ششم نیز در سال ۱۹۶۹ چهل شمع زرین بین افراد پلیس محلی بخش کرده و رئیس جمهور آلمان غربی در سپتامبر ۱۹۷۲ با تقدیم سکه های طلا به اعضای رسمی سوئیس که مسئول اجرا تشریفات دیدار رسمی او بودند دیدار خود را آغاز نموده بود .

اینطور که از اوضاع و احوال برمی آید جبران اینگونه دست و دل بازی های مقامات ایرانی تنها در این خلاصه نمیشود که مقامات سوئیسی بنوبه خود به هواطل ساواک اجازه دهند تا بدون کنترل از گمرک سوئیس گذشته و با آنان را از جریان نظاهرات علیه شاه مطلع سازند . از این ها گذشته ایشان تمام اطلاعاتی را که در باره ایرانی های ضد رژیم دارند تقدیم ساواک میکنند . وگرنه طور دیگری نمیتوان فهمید که چگونه یکی از اتباع ایرانی که در سوئیس زندگی میکرد ، در مسافرتی که به تهران نمود در فرودگاه

توسط افراد ساواک دستگیر و بعد هم با يك پرونده ۳۰ صفحه‌ای مواجهه گردید که مبین کامل تمام فعالیت‌های سیاسی او در سوئیس بود. این پرونده قسمت اعظم مکاتباتی را که وی در سوئیس انجام داده بود در بر داشت. مسلم است که ساواک هیچگاه نمیتوانسته بدون کمک مقامات پلیس سوئیس به آنها دست یابد. البته این تنها دلیل همکاری مبنی مقامات سوئیس و سازمان امنیت نیست. سندی وجود دارد که حاوی فهرستی از اسامی مخالفین شاه بوده و در آن می‌آید:

آقای اسفندیاری سفیر اعلیحضرت همایون پنجاهم از تهیه ایمن

فهرست‌ها که مورد پسند بسیار مقامات سوئیس قرار گرفته اند تشکر نمود.

نظر ساواک حتی در مواردی توسط مراجع دولتی در کشورهای اروپایی پذیرفته میشود که مربوط به مخالفین ایرانی و یا اروپایی رژیم نبوده بلکه مربوط به استفاده از نیروهای انسانی کشورهای اروپایی در ایران میباشند. طبق خبری که نمایندگی ساواک در ونو در فوریه ۱۹۷۵ به تهران گزارش داده است مسئولیت اینگونه امور بر عهده کمیته‌ای است که در آن از طرف کشورهای اروپایی ذریبط نماینده وزارت کار و یا وزارت خدمات اجتماعی و از طرف ایران نه تنها یکی از مؤسسين ساواک و رئیس کنونی آن در اروپا یعنی خوانساری بلکه فرد دیگری که موکداً بهمنسوان نماینده ساواک معرفی میشود، شرکت میکند. (۳)

خیلی محرمانه

به لاهوت ۳ - ۳۳۴ (اداره کل ساواک در تهران)

از سیمین (نمایندگی ساواک در ونو)

شماره ۱۲۲ - تاریخ ۵۳/۱۱/۱۷

نامه شماره ۵۳۰۰۶ - ۵۳/۱۰/۱ نخست وزیری بعنوان جناب آقای وزیر کار و امور اجتماعی حاکمیت که بنا به پیشنهاد جناب آقای خوانساری سفیر شاهنشاه آریامهر مقرر گردید دو کمیته در ونو و تهران برای تمرکز و هماهنگی امور مربوط به استفاده از نیروی انسانی در خارج از کشور تشکیل و کلیه

(۳) متن این سند نیز در اینجا بطور کامل آورده میشود. شرح

سازمانها و موسسات دولتی احتیاجات خود را از نظر تخصصان خارجی به کمیته وزارت کار و امور اجتماعی منعکس و کمیته ونو نسبت بتأمین احتیاجات آنها اقدام نماید.

بطوریکه متن نامه فوق الاشعار حاکیست اعضای کمیته ونو بهارت خواهند بود از

- ۱ - جناب آقای خوانساری سفیر شاهنشاهی آریا مهر
- ۲ - جناب آقای صادقی عطیعی سفیر شاهنشاهی آریا مهر در دفتر اروپائی سازمان ملل متحد

۳ - نماینده وزارت کار و امور اجتماعی

۴ - نماینده سازمان اطلاعات و امنیت کشور

در مواردیکه مسائل مربوط به نیروی انسانی تخصصان امور پزشکی مطرح است با عضویت جناب آقای دکتر احمد دیبا سفیر شاهنشاهی آریا مهر در سازمان بهداشت جهانی.

با توجه به اینکه سفارتخانه های شاهنشاهی در آلمان فدرال - فرانسه - بلژیک - اطریش - ایتالیا در زمینه جلب تخصصان خارجی از مدتی قبل اطلاعاتی انجام و همین تماس با وزارت خانه های کار و نیروی انسانی در کشورهای مذکور اطلاعاتی جمع آوری نموده اند علیهذا ساعت ۱۰۰۰ مورخ ۵۳/۱۱/۸ اولین کمیسیون نیروی انسانی - در دفتر جناب آقای خوانساری با شرکت اعضای اصلی کمیسیون و آقای دکتر روحانی از سفارت شاهنشاهی ایران در بن - آقای پرویز مرآت از سفارت شاهنشاهی ایران در پاریس - آقای تورج مقصودی از سفارت شاهنشاهی در بلژیک - آقای محمد حسین امیرافغانی از سفارت شاهنشاهی ایران در وین - آقای ناصر رسولیان از سفارت شاهنشاهی ایران در رم و اینجانب بنمایندگی سازمان اطلاعات و امنیت کشور در دفتر جناب آقای خوانساری تشکیل گردید و هر یک از نمایندگان سفارتخانه های فوق الاشعار آمار تهیه شده از شخصین رشته های مختلف را عرضه نمودند.

سپس کلیات انتقال نیروی های تخصص به ایران از نظر تهیه مسکن - بیمه های اجتماعی و درمانی - وضع تحصیل فرزندان آنان در ایران - نحوه انعقاد قرارداد های لازم با شخصین مذکور مورد بحث قرار گرفت که مراتب از طرف جناب آقای خوانساری بعنوان جناب آقای نخست وزیر تلکس گردید.

بطوریکه استحضار دارند نحوه انتقال تخصصان مورد بحث و کارگران فنی از کشورهای مورد نظر به ایران ضمن یک سلسله تدابیر امنیتی خواهد بود و با توجه باینکه طی جلسه اول ضمیرا کلیات موضوع مطرح بود این مسئله بطور کامل بررسی نگردید که اینجانب در جلسات آینده توجه اعضای کمیسیون را به این موضوع جلب خواهم نمود.

با در نظر گرفتن مراتب فوق‌الذکر خواهشمند است دستور فرمایند از هرگونه نظر و تعالیبی که در این مورد دارند این ره آورد (نمایندگی ساواک) را مطلع فرمایند. فتوکپی نامه شماره ۵۴۰۰۶ - ۵۴/۱۰/۱ جهت استحضار تقدیم میگردد.

محمودی (سرهنگ مالک عهدوی)

گیرنده

لا هوت ۸ - ۸۱۰ جهت استحضار و ارشاد این ره آورد.

(نقل از پاره‌ای ۰۰۰۰۰۰ ص ۱۵۶/۱۵۷)

این سند روشن می‌سازد که روابط حسنه بین مقامات محلی و نمایندگان ساواک تنها از خصوصیات کشور سوئیس نیست. در آلمان غربی هم روابط مقامات دولتی با سازمان امنیت شاه بدتر از اینها نیست. یکی از دلائل در این مورد مسئله معاملات تسلیحاتی است. "فرانکفورتر روند شاون" در شماره مورخ ۱۹ مارس خود مینویسد:

"از این اصل که سلاحهای جنگی فقط باید به کشورهای عضو پیمان ناتو داده شوند، گویا کشورهای مثل ایران و برزیل سنتی هستند. زیرا دولت آلمان غربی در این اواخر یعنی در سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۲ سلاحهای تجاوزی، مسلسل و یک کارخانه فشنگ سازی، راکت‌های ضد تانک، دستگاه‌های تولید کننده این گونه راکت‌ها و همچنین کشتی‌های جوینده مین به ایران تحویل داده است."

یکی از جنبه‌های بسیار مهم دوستی بی حد و حصر مراجع دولتی آلمان غربی با شاه که شامل حال سازمان امنیت او نیز میگردد، مسئله نیاز نفتی کارخانه‌های آلمانی بوده و به این ترتیب است که منافع آنها به هم ملحق میشوند. در ژانویه ۱۹۷۴ برخی از جرایم روزانه آلمان غربی خبر دادند که شاه "انجام طرح پیشنهادی مینی بر تاسیس پالایشگاه مشترک ایران و آلمان را تعلق بر تحویل زره‌پوش‌های آلمانی از نوع "لئوپارد" Leopard کرده است." این مطلبی است که از جمله روزنامه "اشتوتگارت تایمزنسنگ"

Stuttgarter Zeitung در شماره ۱۲ ژانویه ۱۹۷۴ آورده است. از قضا در همین زمان یکی از معاونین وزارت جنگ آلمان در دربار شاه می‌پلکند و بهین علت بود که این خبر میابستی تکذیب شود. در همین روزنامه میتوان خواند:

"سخنگوی وزارت دفاع این تکه را که گویا بین خواسته‌های شاه و دیدار معاون وزارت دفاع "مان" Mann در تهران رابطه‌ای وجود دارد تکذیب و اضافه کرد که دیدار مزبور صرفاً بخاطر مبادله اطلاعات درباره مسائل تجهیزاتی صورت گرفته است."

لااقل يك چیز را دولت بن تکذیب نکرد و آن اینکه معاملات کشور آلمان غربی با شاه مهتر از رعایت اصول دموکراسی هستند. درست زمانی که صاحبان سرمایه در آلمان غربی بیش از پیش امید ورود به معاملات با دولت ایران را داشتند، کنگره سالیان کفدراسیون (اتحادیه ملی) در فرانکفورت ضعف کردید. این امر سخنگوی اداره امور خارجی یعنی فون پاخل بل *von Pachelbel* را برآن داشت که بیشرمانه اعلام نماید: "با انعقاد این کنگره به احتمال قوی روابط بسیار حسنه کونی بین دول آلمان و ایران بطور خیلی جدی دچار خدشه خواهند شد." و با همان پیشروی تاخیر نمود که اداره امور خارجی در مورد نظاهرات علیه رژیم شاه در فرانکفورت مداخله کرده است زیرا چنین نظاهراتی "مطابق مصالح کشور آلمان" نمی باشند. در این موقعیت بود که دانشجویان ایرانی کس بیشتر از پیش به ماهیت دموکراسی آلمان پی بردند زیرا به بیست و پنج نفر از نمایندگان اعضای برای شرکت در این کنگره اصلاً اجازه ورود به خاک آلمان داده نشد. دلیلی هم که برای این اقدام آورده شد يك بار دیگر و طبق معمول همان مسئله "مصلح آلمان" بود که در روزنامه "اشتوتگارتر تسا پتوئنگ" هم آورده شد:

"اداره امور خارجی و وزارت کشور آلمان غربی بهم از آن دارند که در این کنگره اعلامیه‌هایی علیه دولت ایران تهیه شوند. این امر منافق با منافع و مصالح دولت آلمان است. دولت آلمان فدرال اصولاً بر این عقیده

است که دانشجویان خارجی باید مجبور به قبول محدودیت فعالیت های سیاسی خود در این کشور بشوند، هرگاه که فعالیت های آنها در تضاد با مافع سیاست خارجی دولت آلمان قرار گیرند. کوشش های بن جهت بقا و توسعه روابط حسنه با تهران حق تقدم دارند.

حال دیگر ساواک میتواند با مسرت خاطر درباره اوضاع و احوال به تهران گزارش داده و راپورتی نیز درباره واکنش دانشجویان ایرانی در ایتالیا که اجازه ورود به سرزمین موعود آلمان را دریافت نکرده بودند به آن اضافه نماید:

در این روز سه دانشجوی منحرف ایرانی ساکن رم در سفارت آلمان حاضر شده و پس از تسلیم اعتراض نامه ای خواستار پاسخ گویی شدند. بر اساس اقدامات ما افراد ذیصلاح در کسولگری آلمان در فلورانس و سفارت آلمان در رم تاکنون از تسلیم هرگونه جواب گویی به دانشجویان منحرف خوداری کرده اند.

بنابراین و تکیه ساواک - همانطوریکه در اینجا آمده - به دیپلماتهای آلمانی دیگره میکند که چه عکس العملی از خود نشان دهند، پس بر واضح است که میتواند در مجموع اقدامات رسمی سفارت آلمان را به وجه زیر ارزیابی نماید: " اقدامات انجام شده و تصمیماتی که نیز در آتیه اتخاذ خواهند شده بجا و درست میباشد البته بدیهی است که تمام این مطالب تحت عنوان " خبلی محرمانه قید میشوند.

ساواک که از اینگونه موفقیت ها جری تر شده بود طبق خبر مذکور در روزنامه " زود دوپچه تسایونگ " *Süddeutsche Zeitung* مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۲ و قبحانه تر از پیش خواسته های خود را از مقامات آلمانی اعلام میدارد. در این روزنامه میآید:

" در حال حاضر دولت ایران تقاضای تنبیه نظا هرکندگان علیه شاه را دارد. شاید هم سازمان امنیت این امید را در سری پروراند که از این

طریق اساسی آندسته از ایرانیان را بدست آورد که موضعی علیه شاه اتخاذ کرده اند تا آنها را ظاهراً به دلخواه خود وادار به مراجعت به ایران نماید. توگویی که این گروه از ایرانیان بعد کافی از اقدامات اضتی دولت آلمان در عذاب نیستند. دولت آلمان کار خوبی خواهد کرد چنانچه در مقابل این خواسته ایران از خود مقاومت نشان دهد.

لیکن مقامات کشور آلمان فدرال نمی توانستند مقاومتی بخرج دهند و پلیس مونیخ با رفتاری که ظاهراً در آن منطقه مرسوم است در این زمینه پیش رفت. سازمان عفوبین المللی در تاریخ اول فوریه ۱۹۷۱ در یک اطلاعیه مطبوعاتی اعلام داشت که پلیس مونیخ اساسی ۶۶ نفر از اعضا کفدراسیون را در اختیار ساواک گذاشته است. که در اوت ۱۹۷۰ کسولگری ایران در مونیخ را واقع در "مول اشتراسه" Möhlstraße اشغال کرده و بلافاصله توسط پلیس دستگیر شده بودند. سازمان مزبور موفق شده بود زنجیره ای از ادره کا ملافای کننده در این باره تهیه نماید. از جمله اینکه در تاریخ دوم ژانویه ۱۹۷۱ اساسی این دانشجویان در روزنامه کیهان چاپ شد و نکته ای که توجه را جلب میکرد این بود که ترتیب اساسی طبق الفبای فارسی نبوده بلکه بر حسب الفبای زبان آلمانی صورت گرفته بود. علاوه بر این مشخصاتی از دانشجویان ذکر شده بودند که فقط و فقط مسی توانستند از گذرنامه های آنها برداشته شده باشند و این گذرنامه ها را پلیس مونیخ پس از دستگیری آنها ضبط کرده بود.

برای اینکه بتوان صحت انعام اینگونه اقدامات مراجع آلمانی را به اثبات رسانید در واقع نیازی به اقامه اشاراتی از این قبیل نیست. اکنون سندی موجود است که نایب کسول ایران در هامبورگ محمود ناظمی افشار به نمایندگی ساواک در ژنو نوشته و در آن گزارشی در مورد زد و خورد بین هواداران رژیم و مخالفین آن داده است که در تاریخ ۲۶ اکتبر ۱۹۷۱ و در جنسی در مدرسه عالی حرفه ای شهر کیل صورت گرفته بود.

هاهورگ بتاريخ ۱۹/۹/۱۳۵۳

شماره ۲۴۳۱

سرکسولگری شاهنشاهی ایران - هاهورگ

جناب آقای خوانساری سفیر محترم شاهنشاه آریامهر

باستحضار میرساند که مدتی قبل دوتن از دانشجویان شاهدوست و وطنپرست که در مدرسه عالی فنی شهر کیل بتحصیل اشتغال دارند باین سرکسولگری مراجعه و اظهار داشتند که مایلند يك شب ایرانی در مدرسه خود برای دانش جویان ترتیب دهند. پس از بررسی اسلاید و پلاکات و مدارک لازم در اختیار آنان گذارده شد. دو دانشجوی مذکور روز ۳۰/۸/۱۳۵۳ شب نشینی کوچکی برای دوستان خود ترتیب دادند که عده ای از دانشجویان ضحرف و ماجراجو سازمان باصلاح دانشجویان ایرانی شهر کیل و دانشجویان افراطی جیب آلمانی به سالی که مراسم جشن در آن برپا بود هجوم آورده و با برگزارکنندگان جشن به کک کاری پرداختند و خساراتی نیز وارد نمودند. بمحض اطلاع از این امر با مقامات مسئول مدرسه عالی فنی شهر کیل تماس گرفته شده و ندهدا به این عمل خرابکاران اعتراض و از روسای مدرسه مذکور خواسته شد که از جان و سلامت دانشجویانی که در آنجا به تحصیل اشتغال دارند حفاظت نمایند و دانشجویان متجاوز را تحت تعقیب قرار دهند. ریاست مدرسه عالی شهر کیل نیز از طریق وزارت فرهنگ ایالت شلسویگ هلشتین موضوع را تحت تعقیب قرار داده و از دانشجویان متجاوز بمنوان تجاوز بحرم مدرسه وایراد ضرب و وارد آوردن خسارت تعقیب نمودند.

بطوریکه امروز از وزارت فرهنگ کیل اطلاع دادند دادستان عالی ایالت شلسویگ هولشتین شکایت مذکور را به جریان انداخته و پیگیری می نماید. سر کسولگری نیز مرتباً با مقامات مدرسه عالی شهر کیل وزارت فرهنگ ایالت شلسویگ هولشتین و دادستان عالی ایالت مزبور در تماس بوده و جریان امر را تعقیب مینماید. اساسی رهبران دانشجویان ضحرف و خرابکار متجاوز ایرانی بشوح زیر صیبا شد.

مراتب بالا ضمن تلگرام و نامه ای به وزارت شجوع گزارش گردیده است. -

کیل سرکسولگری - محمود ناظمی افشار

با تقدیم احترامات - امضاء

(نقل از پاره ای ص ۷۷)

بدیهی است که با استفاده از اینگونه روابط ما مورین ساواک درشهر

هاهورگ قادر بوده اند اساسی دانشجویان ضحرف و خرابکار متجاوز

ایرانی را در اختیار نمایندگی ساواک در ونو بگذارند.
 در چارچوب روابط دیگری ساواک حتی خواستار اخراج دانشجویان
 از آلمان غربی گردیده است. این امر را میتوان از مسوله‌ای برداشت
 نمود که مالک محمودی در تاریخ سوم ماه ۵ ۱۹۷۵ به تهران ارسال داشته
 است:

به ۳۳۲ (ساواک مرکز - تهران)
 از سیمین (مرکز اروپائی ساواک در ونو)
 شماره ۱۹۲ - تاریخ ۵۴/۲/۱۲
 جناب آقای خوانساری فرمودند از ۲۱ نفر تظاهر کنندگان مورخ ۵۴/۲/۹
 در مقابل سفارت شاهنشاهی ایران در لندن ۱۱ نفر دانشجویان ایرانی مقیم
 آلمان بودند که سوابق آنها بررسی و معلوم گردید که ۱۰ نفر از ۱۱ نفر
 دارای سوابق ضربه سیاسی هستند با توجه باینکه ۱۱ نفر دانشجویان مورد
 بحث پس از بازداشت از انگلستان اخراج خواهند شد لذا با سفیر شاهنشاه
 آریامهر در آلمان فدرال مذاکره شد تا با مقامات آلمانی مذاکره نمایند بلکه
 ۱۱ نفر مذکور را از آلمان نیز اخراج کنند.
 محمودی (سرهنگ مالک مهدوی)

(نقل از پاره‌ای ص ۸۰)

گرچه سفیر ایران موفق نشد که این خواسته را یک جا به کرسی بنشاند
 ولی موفقیت او در این بود که مقامات آلمان غربی اجازه اقامت این دانش
 جویان را محدود به شهرها و دوایری کردند که آنها در آنجا به تحصیل
 اشتغال داشتند. البته در موارد زیادی نیز از تهدید گذرنامه‌های دانش
 جویانی که در تظاهرات علیه شاه شرکت کرده بودند، سرباز زدند.
 مقامات آلمانی معمولاً توسط نمایندگی ساواک مستقر در این کشور مطلع
 میشوند که با چه کسانی باید اینگونه رفتار کنند. در عوض نیز آنها اطلاعات
 خود را درباره افراد اپوزیسیون در اختیار ساواک میگذارند. باید در نظر
 گرفت که فقط در سال ۱۹۷۶ اداره کشوری حفاظت از قانون اساسی در گن

ارسال داشته است .
 Kölnischer Bundesamt für Verfassungsschutz . نامه به آدرس ساواک

اشاره دیگری به کیفیت روابط بین سازمان امنیت ایران و نمایندگان مقامات دولتی آلمان فدرال و قایمی هستند که در ماه مه ۱۹۶۷ و در رابطه با سوئد من در آوردی ساواک صحنه سازی شده بودند . (رجوع شود به فصل چهارم این کتاب) . این واقعیت همیفا مشاهده این نکته را ممکن میسازد که چگونه در آن زمان پلیس آلمان غربی با یک اشاره نادرست طوی کیا رئیس ساواک آلمان منی برقرار دروغین دو بسبب ساز آلت دست ساواک یعنی زندنی و رضوی به بلژیک تسکین یافته و از جستجوی خانه رضوی در مونیخ صرف نظر نمود . با وجود اینکه این دو نفر چند روز دیگر نیز در این شهر سکونت داشتند . که تمام این مسائل موقعی روشن میشود که در نظر بها وریم که پلیس آلمان فدرال پس از دستگیری سوئد کننده اصلی یعنی ایرج شهیدی او را پس از ۲۴ ساعت مجددا آزاد نمود . تنها به این دلیل که وی بدون کوچکترین شبهه ای موفق شده ثابت کند که از عوامل ساواک در اتریش میباشد .

از این ها گذشته سازمان امنیت ایران از بیراهه های دیگری در محافل بی آبروتری افتخار حضور بهم رسانیده است . از جبهه در محفل رهبر نفوفاشیست های ایتالیا " جورجو آلیرانته " *Giorgio Almirante* که خود و اصوان و انصارش همینه بهترین روابط را با سازمانهای کشورهای فاشیستی داشته اند . ضباب مثال با سازمان جاسوسی کشور یونان در زمان حکومت سرهنگان در آتن که با کک آنها نفوفاشیست های ایتالیائی قصد اجراء کودتائی را در ایتالیا در سری پروراندند .

در حال حاضر رهبر نفوفاشیست های ایتالیا البته قصد ندارد که با کک ساواک کودتائی در ایتالیا برپا سازد . ولی همانطور که از گزارش های سفارت رم به نمایندگی ساواک در ژنو بر میآید ، به چهارزه علیه ایرانی های ضد رژیم پرداخته است ؛

پیرو محاطاتی که چندی قبل در مرکز بین آقای " جورجو آلیرانته " و تیمسار

ارتشبد نصیری صورت گرفت این نمایندگی با همکاری مزبور تماس گرفته و قرار شد که از این پس مطلقاً علیه دانشجویان ضحرف به اصطلاح کفدراسیون اقدام شود. از اینرو تقاضا شد است که در اسرع وقت فهرست اسامی دانشجویان ضحرف را در آن کشور تهیه کرده و در اختیار سازمان امنیت قرار دهید تا پس از بررسی در مرکز اواک امر لازم صادر گردند.^{۲۰}

البته ساواک فقط در ایتالیا اهلپان طیدی برای خود پیدا نکرده است. چنین نقشی را مثلا در اتریش "مجمع دانشجویان آزادخواه" *Ring Freiheitlicher Studenten* بازی میکند که در تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۹۷۵ طی خطابه‌ای برای سفیر ایران در وین نه تنها او را از "موضع چاکرانه خود نسبت به امپراتور ایران اعلیحضرت شاهنشاه" مطمن ساخته بلکه با خوش‌زبانی نیز از میتینگ‌هایی که علیه شاه در دانشگاه وین صورت گرفته بودند ناله و نندبه سر داده و تقاضا میکند: "از آنجا که دولت اتریش در حفظ گروه‌های مارکسیستی را حمایت میکند به نظر ما مداخله شما در این مورد بسیار لازم است."

این گروه که به خود نام "اکلیت دانشجویان ملی و آزادخواه" را اعطا نموده است پس از این خیالیاتی‌ها با وضوح هر چه بیشتر و با زبان آلمانی پر از چاله چوله‌ای اظهار میدارد: "مجمع دانشجویان آزادخواه از آن عالیشانان تقاضا شد است جهت حفظ روابط حسنه مقابل بین دو کشور اعتراضات نامی خطاب به وزارت امور خارجه اتریش دست رنجه فرمایند." سفارت ایران در وین این نامه را به اضافه توضیحاتی در باره گروه‌های دانشجویی در اتریش که توسط سفیر ایران در وین مصطفی نادرتهیه و احضار شده بود برای نمایندگی ساواک در ژنو ارسال میدارد. عمال ساواک در ژنو برای اطلاعات فوق اهمیت کافی قائل شده و هر دو نامه را به مرکز ساواک در تهران رد و مضافاً استدعا میکند: "دستورات لازم به سفارت ایران در وین ابلاغ گردد."

خیلی محرمانه

به لاهوت ۳ - ۳۳۲ (اداره کل ساواک در تهران)

از سین (مرکز اروپائی ساواک در ونو)

شماره ۸۸۲ - تاریخ ۰۴/۱۰/۳

نامه شماره ۱۵۵۹ - ۰۴/۹/۲۷ سفارت شاهنشاه در وین بعنوان جناب آقای خوانساری حاکمیت که " سازمان دانشجویان آزادیخواه اتریشی " سازمان دست راستی و ملی دانشجویان دانشگاه وین میباشد با ارسال شرحی به سفارت شاهنشاهی فوق الاشمار ضمن نکوهش اعمال دانشجویان منحرف ایرانی و اتریشی که بر علیه دولت شاهنشاهی ایران صورت میگردد از سفیر شاهنشاه آریا مهر در وین تقاضا نموده اند که طبق مقررات اتریش ایشان با ارسال نامه ای بعنوان وزارت امور خارجه با این قبیل اقدامات غیر انسانی و بر خلاف مصالح دولت ایران اعتراض نمایند .

اینک با ارسال فتوکی مدارک واصله ضمیمه نامه شماره ۱۵۵۹ - ۰۴/۹/۲۷ سفارت شاهنشاهی در اتریش خواشمند است دستور فرمایند از هر پاسخی که در این زمینه بایستی سفارت شاهنشاهی در وین داده شود این ره آورد (نمایندگی ساواک) را مطلع فرمایند تا مراتب به عرض جناب آقای خوانساری برسد .

محمودی (سز هنگ احمد مالک مهدوی)

نه تنها در ونو بلکه در تهران نیز میبایستی اتهامات مجمع دانشجویان آزاد یخواه اتریش نسبت به مقامات اتریشی حقیقتاً ایجاد تعجب و حیرت کرده باشد . زیرا پلیس دولت اتریش کماکان و به بهترین وجهی با ساواک همکاری میکرد . منجمله ایرج شهیدی یعنی یکی از مزدوران ساواک که دیگران را تحت نقاب رفاقت به عملیات جاسوسی می کشانید ، نه تنها نسزد سازمان امنیت از اهمیت برخوردار بوده بلکه همانطوریکه روزنامه کاتولیکس " کلاپنه تسایونگ " *Kleine Zeitung* در تاریخ ۱۸ ماه مه سال ۱۹۶۸ اشاره کرده " مدت های مدید برای پلیس اتریش در شهر لئوبن بهترین همکاری بشمار میرفت ."

دیگر مقامات اتریشی نیز در مقابل این شخص بزرگواری بسیار به خرج میدادند . با وجودیکه در این زمان و در واقع از مدت ها پیش

روشن شده بود که شهیدی در سوئد با مواد منفجره در آلمان غربی شرکت و در پس عمل سرقت این مواد از معادن شمالی کشور اتریش بوده است. مع الوصف وی توانست بلا مانع در دسامبر ۱۹۶۷ به اخذ دانشنامه پایان تحصیلی خود از دانشگاه مونتان لئوپن نائل آید.

پلیس اتریش حداقل از ژانویه سال ۱۹۶۹ میدانست که چه رفتاری را باید هنگام وارد کردن مواد شیمیایی سازمان امنیت در پیش گیرد. یعنی از زمانی که (همانطور که شرح آمد) مائورین ساواک به شرکت کنندگان در نظاهرات علیه شاه در وین حمله برده و آنان را با میله های آهنی و جوبدستی شدت مجروح و مضروب کردند. در این احوال پلیس اتریش کوچکترین عکس العملی از خود نشان نداده بلکه فقط و فقط مشغول تنظیم و ترتیب همور و مرور بود. حتی وقتی که نسی الله آلبیگی که در جریان زد و خورد جلب توجه کرده بود به سفارت ایران در وین پناه برد تا او را با مدارک جعلی مجهز کنند باز هم پلیس اتریش غضب من کرده تا آنجا که ساواک او را با مدارک جعلی به ترکیه که محل امن و امان تری بود فرستاد.

با همه این اوصاف وزیر کشور اتریش در آن زمان "فرانتس سورونیک" Franz Soronic وارد ممرکه شده و طی یک مصاحبه مطبوعاتی ضمن تهدید ایرانیان ضد رژیم اظهار داشت: "علیه شاهنامه پردازان که با ادعاهای غیر قابل اثبات خود از قبیل موجودیت ساواک و فعالیت های آن در اتریش اوضاع عمومی را متعطل می سازند شدیداً عمل خواهد شد."

طبق خبر مذکور در روزنامه "دی پرسه" Die Presse که در وین منتشر میشود (مورخ ۲۱ ژانویه ۱۹۶۹) "سورونیک" اعلام نمود: "برای حفظ دانشجویان از دخول عناصر غیر دانشجویی به صفوف آنها، آندسته از دانشجویان خارجی که فعالیت بسیار شدید داشته اند دقیقاً مورد کنترل قرار خواهند گرفت. این عمل هرگز جاسوسانه نبود"

بلکه فقط بدین منظور صورت میگیرد که در پاپیم این دانشجویان در واقع چه کار میکنند و از چه منابعی مخارج زندگانی خود را تأمین می کنند.

در سلم اینست که نتایج این بررسی ها شده پدا مورد توجه ساواک بوده است. نکاتی چند دال بر این هستند که مراجع دولتی اتریش نیز برای این توجه و علاقمندی تفاهم کامل داشته اند. از جمله درک زهر که توسط سرهنگ مالک مهدوی (محمودی) از ژنوبه تهران ارسال شده است :

به پیوست فهرست اساسی اتباع ضحرف ایرانی و اتریشی که علیه دولت شما هتاهای فعالیت و تبلیغ میکنند ارسال میشود. طبق گزارش نمایندگسی ساواک در اتریش روابط ما با مقامات امنیتی اتریش مجدداً بهبود یافته و تصمیمات لازم جهت جارتزه با دانشجویان ضحرف متفقا اتخاذ خواهند شد.

پلیس اتریش همواره دلش برای شاه میرفته. کما اینکه روزنامه سوسیال دموکراتها در وین "آرباپتر شاپتونگ" *Arbeiter-Zeitung* در شماره دوم فوریه ۱۹۶۹ خود مینویسد: "تعال شاه حتی در اتاق کار رئیس پلیس کشوری به دیوار آویخته است."

مزدوران شاه نه تنها در امور امنیتی کشورهای اروپائی و غیر اروپائی مداخله کرده بلکه میکوشند که در سیاست این کشورها نیز اعمال نفوذ نمایند. در این زمینه میتوان به اظهار نظر ساواک به مناسبت انتخابات دانتارک در سال ۱۹۷۵ رجوع نمود :

لیبرالها در جارتزه انتخاباتی حداکثر سود را از همکاری با دولت شما هتاهای ایران و از طریق وام هائی که دولت ایران در اختیار آنها می گذارد، خواهند برد. وام های مزبور سبب کاهش میزان بیکاری و تورم پول شده و از اینرو لیبرالها موفقیت خود را بدون کمک اعلیحضرت شاهنشاه می باشند.

فهرست منابع

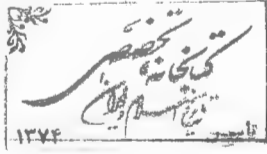
فصل اول

- ۱ - نیویورک تایمز مورخ ۹ اوت ۱۹۵۲
- ۲ - ایران در راه ترقی به يك قدرت جهانی . در رخدادهای جهان سوم، جلد سوم ۱۹۷۵، صفحه ۲۲۲
- ۳ - نیویورک تایمز مورخ ۸ دسامبر ۱۹۵۲
- ۴ - لوموند مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۵۲
- ۵ - مجله "نی شن" شماره ۵۲۹ / ۱۹۶۱
- ۶ - آنتونی ایدن؛ خاطرات - جلد سوم، اکتبر ۱۹۵۱ - مارس ۱۹۵۵ لندن ۱۹۶۰، صفحه ۲۱۴
- ۷ - بهمن نیرومند؛ ایران نمونه يك کشور در حال رشد. راین بک - هامبورگ ۱۹۶۷، صفحه ۷۰
- ۸ - ساتردی ایونینگ پست مورخ ۶ نوامبر ۱۹۵۴
- ۹ - "نونه بارز اقدامات محفیانہ سی. آی. ا. شاید فعالیت های هوایی "ادوارد لانس دیل" باشد. عطیات این شخص ابتدا در فلیپین و سپس در ویتنام و تحت توجه سی. آی. ا. طوری مشهور شدند که وی قهرمان اصلی دو رمان بست سلز بناهای "آمریکائی زشت" اثر ویلیام ج. له درر و "آمریکائی آرام" اثر گرهام گرین گردید. وی در رمان اولی نقش يك قهرمان و در رمان دومی نقش آدم خلی را بازی میکند. (نقل از کتاب مارکئی و جان د. مارکسز بنام "سی. آی. ا." اشتوتگارت ۱۹۷۴، صفحه ۶۱)
- ۱۰ - مارکئی - مارکز، صفحه ۶۳
- ۱۱ - محم رضا پهلوی؛ ما موریت من برای وطنم. اشتوتگارت ۱۹۶۱ سی ۸۶ (ش فارسی صفحه ۲۰۱)

فصل دوم

- ۱۲ - نیورویک مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۷۴
- ۱۳ - مجله اشترن مورخ ۲۱ اکتبر ۱۹۷۶

- ۱۱ - بولتن اطلاعات ضد امپریالیستی (جزوه مخصوص درباره ایران)
دورتموند ژوئیه ۱۹۷۵
- ۱۵ - همانجا
- ۱۶ - نیوزویک مورخ ۱۴ اکبر ۱۹۷۶
- ۱۷ - ایران امروز نوشته هایبریش کاستر دوسلدورف ۱۹۷۴، صفحه ۴۸
- ۱۸ - ساختمان و تقسیمات ساواک بر اساس مدارک و اسنادی که در اختیار نویسنده میباشد در اینجا تشریح شده اند .
- ۱۹ - نقل از روزنامه تاگل تسایونگ چاپ زوریخ مورخ ۲۹ مه ۱۹۷۶
- ۲۰ - همانجا
- ۲۱ - نقل از روزنامه فرانس ایزرواتور چاپ زوریخ مورخ ۲۹ مه ۱۹۷۶
- ۲۲ - متن قانون تصحیح شده اصلاحات ارضی مورخ ۹ ژانویه ۱۹۶۲
منتشر از طرف وزارت کشاورزی ایران - تهران ۱۹۶۲ صفحه ۶
- ۲۳ - اشپیگل مورخ ۱۰ مه ۱۹۷۱
- ۲۴ - همانجا
- ۲۵ - محمد رضا پهلوی؛ مائوریت من برای وطنم . اشتوتگارت ۱۹۶۱،
صفحه ۱۵۶
- ۲۶ - بهمن نیرومند؛ ایران نمونه یک کشور در حال رشد . راین یک هایبورگ
۱۹۶۷، صفحه ۷۱
- ۲۷ - اشپیگل مورخ ۱۰ مه ۱۹۷۱
- ۲۸ - دی تسایت مورخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۶
- ۲۹ - گزارشی به زبان آلمانی تحت عنوان " گزارشی درباره شکجه " از انتشارات فیشر - شماره ۱۷۱۱
- ۳۰ - دی تسایت مورخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۶
- ۳۱ - همانجا
- ۳۲ - نقل از لوموند مورخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۷۲
- ۳۳ - اشپیگل مورخ ۱۰ مه ۱۹۷۱
- ۳۴ - بولتن اطلاعاتی ضد امپریالیستی (جزوه مخصوص درباره ایران) دورتموند
۱۹۷۵ صفحه ۶۳



حواشی

۱ - "سی. آی. ا." (Central Intelligence Agency (CIA) سازمان جاسوسی آمریکا نه تنها محرك و عامل و اجرا کننده کودتای خائنه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود که منجر به سقوط دولت ملی دکتر مصدق و بازگشت شاه فراری شد، بلکه در اکثریت قریب به اتفاق کنکاش‌ها و توطئه‌ها و کودتاها علیه دولت‌های مردمی و ملی در سراسر جهان دست دارد. کارنامه این سازمان جنایتکار و جنایت‌بار را میتوان مشروحاً از بطنه در دو اثر زیر مطالعه نمود:

David Horowitz:

From Yalta to Vietnam

American Foreign Policy in the Cold War (1967)

Victor Marchetti, John D. Marks:

The CIA and the Cult of Intelligence (1974)

۲ - هنگامی که این کتاب ترجمه میشد هنوز نصیری، این‌بار و بساور دبیرین شاه بر سر کار بود. وی از سال ۱۹۶۲ تا اوائل ۱۹۷۸ مسئول سازمان جهانی امنیت و یکی از عاملین تمام جنایت‌هایی بود که علیه ملت ایران و به نفع ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی انجام شده‌اند. "رزار دو ویلییر" Gerard de Villiers در کتاب خود

L'Irrestible Ascension de Mohammad Reza Shah d'Iran

در باره این نامرد مینویسد:

" وقتی که به صورت گرد و کوشنالو و لبان نازک و چشمان زرد و قهوه‌ای رنگ او نگاه میکنیم ، بلافاصله این احساس به ما دست میدهد که جز وی کس دیگری قابلیت عهده‌داری چنین تشکیلات مخوف و دهشتناکی را ندارد ." (ترجمه آلمانی ، صفحه ۳۹۶)

مارزات قهرمانانه مردم ایران بویژه از آغاز سال جدید تاکنون موجب شدند که نصیری از کار برکنار و ابتدا به عنوان سفیر شاهنشاهی روانه پاکستان گردد . پس از سرکار آمدن شریف امامی ، این عنصر ناشریف که دستان ناپاکش به خود هزاران شهید مارز و مبین پرست ایرانی آلوده است و اینک عهده‌دار " آشتی ملی " و اجرا " عدالت اجتماعی " شده است ، نصیری ظاهراً بعلمت سواستفاده از قدرت ، در واقع ولی بعلمت تنها خوری هایش و بی کفایتی در سرکوب جنبش آزادبخوانه ملت ایران اخیراً به تهران احضار و به اصطلاح توقیف شده است . در هیاهوی جنگ زرگری که اینک رژیم به راه انداخته و در حقیقت چیزی جز دعوی بین بول و غایب نیست ، سناتور رضا جلالی نائینی به نصیری حمله و او را متهم به تحبیس و شکنجه جوانان نموده و اضافه میکند : " مردم در حال حاضر مس کوبند این ارتشبد که میلیاردها ثروت به جیب زده است ، حالا سفیر ایران شده است . " سپس میخواهد که قانون " از کجا آورده‌ای " اقلایک بار و آنهم در مورد نصیری اجرا شود . (رجوع شود به کیهان انگلیس مورخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۷۸)

۳ - مجله آمریکائی " نی شن " در شماره مورخ ۱۲ آوریل ۱۹۶۵ خود در طی مقاله‌ای پرده از روی اسرار برداشته و به تفصیل از لوطی خورشیدن " کلک های " آمریکا به ایران سخن میگوید . خلاصه‌ای از مقاله مزبور در زیر آورده میشود :

" در اواخر سال ۱۳۴۱ خیبرخان ، یکی از وابستگان رژیم شاه ، در

- رابطه با تضاد های درون هیأت حاکمه از موقعیتی که در داخل دستگاه داشت استفاده کرد و اسنادی را از خزانه سلطنتی ربود و در همانسال به سوکسیون تحقیق سنای آمریکا ارائه داد. این کمیسیون صورت‌مقداری از چکهای شاه را که توسط بنیاد پهلوی به سردمداران کودتا ۲۸ مرداد و خانواده خود پرداخته منتشر نمود. این صورت‌حساب بنیاد پهلوی نشاندهنده فقط بخش کوچکی از غارتگری شاه و اربابان اوست. در این صورت‌حساب در ستون بستانکار مبلغ ۵۶۸۵۵۲۴۱۰/۵۵ دلار نوشته شده است. ما برای اینکه این تفهم ایجاد نشود که این مبلغ اموال "خصوصی" شاه بوده است، قسقی از ضایع اخذ این وجوه را در زیر میآوریم.
- ۱ - در ۱۷ آوریل ۱۹۵۹ دولت آمریکا مبلغ دو میلیون و نیم دلار سازمان برنامه پرداخته که سازمان برنامه در ۱ آوریل مبلغ دو میلیون دلار آنرا بحساب بنیاد پهلوی واریز کرده است.
 - ۲ - در ۱۱ آوریل ۱۹۵۹ دولت آمریکا ۳/۱۷۱/۱۶۸۰۰ دلار به سازمان برنامه پرداخته که سازمان برنامه در تاریخ ۱۰ ماه مه دو میلیون آنرا به حساب ورزش شاهنشاهی واریز نموده که از آن طریق به بنیاد پهلوی پرداخت گردیده است.
 - ۳ - در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۹ دولت آمریکا مبلغ ۳/۸۹۰/۳۵۵۰۸۳ دلار به سازمان برنامه پرداخته که ۲/۵ میلیون آن بحساب ورزش شاهنشاهی و از آن طریق بحساب بنیاد پهلوی واریز شده است.
 - ۴ - در ۱۳ ژوئن ۱۹۶۱ دولت آمریکا مبلغ ۲۴ میلیون دلار جزه ککهای اقتصادیش به بانک مرکزی ایران پرداخته و در یک ژوئیه ۱۹۶۱ بانک مرکزی ۱۲ میلیون دلار آنرا بحساب بنیاد پهلوی واریز کرده است.
 - ۵ - در ۱۷ اوت ۱۹۶۱ دولت آمریکا مبلغ ۵ میلیون دلار بیانک مرکزی پرداخته و در دوم سپتامبر بانک مرکزی ۴ میلیون دلار آنرا به سازمان ورزش شاهنشاهی پرداخت کرده است.
 - ۶ - ۱ سپتامبر ۱۹۶۱ دولت آمریکا مبلغ ۱۵ میلیون دلار وزارت دارایی

ایران پرداخته و وزارت دارائی در اول اکتبر مبلغ ۱۰ میلیون دلار آنرا بحساب بنیاد پهلوی واریز کرده است .

۷ - در ۲۱ نوامبر ۱۹۶۱ دولت امریکا مبلغ ۱۵ میلیون دلار به وزارت دارائی ایران پرداخته و وزارت دارائی در تاریخ ۱ دسامبر مبلغ ۱۰ میلیون دلار آنرا بحساب بنیاد پهلوی واریز کرده است .

۸ - علاوه بر این دو رقم دیگر نیز در ستون بستانکار این حساب دیده می شود، که اولی در تاریخ ۱۲ فوریه ۱۹۶۲ بمبلغ ۱۲ میلیون دلار از شرکت ملی نفت ایران و دوسمین در تاریخ ۲۷ فوریه ۱۹۶۲ بمبلغ ۶ میلیون دلار از سازمان برنامه می باشد که بحساب بنیاد پهلوی واریز گردیده است . در ستون بدهکار چکهای است که بنیاد پهلوی بنام اشخاص مختلف صادر کرده است .

الف: اسامی خارجی که در لیست بچشم میخورد از این قرار است :

خانم لوی هندرسن همسر سفیر کودتاجی امریکا در ایران	۱ میلیون دلار
آقای درک مینل	۵۰۰ هزار دلار
آقای هنری لوس رئیس سابق مجلات تایم - لایف و فرچن	۵۰۰ هزار دلار
آقای آلن دالس، رئیس سابق سابق سازمان جاسوسی امریکا	۱ میلیون دلار
آقای جورج آلن، سفیر سابق امریکا در ایران و تخصص امور خاورمیانه و معاون سابق وزارت امور خارجه امریکا	۱ میلیون دلار
آقای ویلیام بورك	۱ میلیون دلار
آقای راندولف دیککز	۲۰۰ هزار دلار
آقای سلدین چین سفیر سابق امریکا در ایران	۱ میلیون دلار
آقای وارن، رئیس سابق اصل چهارم در ایران	۱ میلیون دلار
آقای دیوید راکفلر برادر استاندر نیویورک . از صاحبان شرکتهای نفتی مختلف و بزرگترین سرمایه دار امریکائی	۲ میلیون دلار
آقای وستر	۱ میلیون دلار
آقای رولند لیس	۱ میلیون دلار
آقای پیگات، در یادار انگلیس در قسمت خاورمیانه	۱ میلیون دلار

آقای پایپر ، معاون نیروی هوایی سلطنتی انگلستان در خاورمیانه
 ۱ میلیون دلار

آقای تشو در مک ایوی
 ۱ میلیون دلار

ب : اعضا خانواده شاه و نوکران

۱ میلیون دلار	شمس پهلوی
۱ میلیون دلار	شهباز پهلوی
۵۰۰ هزار دلار	حمید رضا پهلوی
۱ میلیون دلار	احمد شفیق
۱ میلیون دلار	امیر خاتمی
۱۵ میلیون دلار	فرح پهلوی
۲ میلیون دلار	فاطمه پهلوی
۲ میلیون دلار	عبدالرضا پهلوی
۲ میلیون دلار	غلامرضا پهلوی
۳ میلیون دلار	دکتر علی امینی
۵۰۰ هزار دلار	حمید رضا پهلوی
۱ میلیون دلار	محمود رضا پهلوی
۵۰۰ هزار دلار	جمشید خبیر
۳ میلیون دلار	ارد شیر زاهدی
۳ میلیون دلار	اشرف پهلوی
۱ میلیون دلار	اسدالله علم
۱ میلیون دلار	حسین علا

(نقل از "درباره ساواک" از انتشارات کفدراسیون جهانی محصلین

و دانشجویان ایرانی ، صفحات ۱۳۰ تا ۱۳۲)

این مقاله توسط "سازمان مجاهدین خلق ایران" بطور کامل ترجمه و در سال ۱۳۵۲ تحت عنوان "راز بیلیون دلار" منتشر شده است . برای اطلاع هر چه بیشتر در باره غارت بیشترمانه خلق ما رجوع به این مدرک بسیار ضروری

میباشد .

۴ - صحنه ریزی و پیاده کردن کودتای سیاه " س . آی . ا . " در ایران و عودت دادن شاه ، این آلت دست امیرالاسم ، به اریکه سلطنت ، حقیقت تلخی است که که آن دیگر هر کس پوشیده نیست . در کتاب " اسرار داخلی س . آی . ا . " که در سال ۱۹۶۲ در آمریکا منتشر گردید ، فصلی نیز در باره توطئه ها و کنکاش های " س . آی . ا . " در ایران آورده شده است . این قسمت از کتاب مزبور توسط یکی از سازمانهای اپوزیسیون در خارج از کشور ترجمه شده که متن آن در این عینا نقل میشود .

المخامنه در باره کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

ترجمه

فصل هفتم کتاب « سیا »

بقلم

اندرو تالی

۲۸ مرداد ۱۳۴۱

مقدمه

در سال ۱۹۶۲ دوشمین نهمین کتاب تمام و اسرار و احلی میاه باختر در باره همایان خاموش مرکزی و با و امر از آسین ترین سازمان دولت ایالات متحده آمریکا، بوسیله شرکت کننده از این دولت نامرد متفرقه شد .

این کتاب نوشته اندروالی است که از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۱ در کالج مید و ما زمان جاسوس مرکزی صحت خبرنگاری داشت .

اندروالی طبع اظهار خلاص در مقدمه کتاب برای تهیه مطالب از اطلاعات اشخاص برجسته و متحصص مانند پیر سایینس، متکرمی مخصوص بر زمین گذاری و لیدالس رئیس سابق و سیا و و مرتکب استایل کروگان از خدمتستان مبه و سیا و و ستانور مانسبیلد لیدر اکثریت در مجلس سنای آمریکا و راجر تارکین از معاونین وزارت خارجه آمریکا و ژانور سیلورستر معاون وزارت دفاع آمریکا و مک جورج مادی مشاور مخصوص کندی در امور مربوط با امنیت کنوری و راجر هیلزمن رئیس اداره اطلاعات و تحقیقات وزارت خارجه آمریکا استناد کرده است .

منظور از تهیه این کتاب که با همکاری نزدیک سیا و تهیه شده است دفاع از این سازمان اسرار آمیز دولتی ای انگلیس میوه آمریکا است که سکت شکست دولت ایالات متحده در سیاست خارجی سابق خود شد؛ بنا علیه میاه بر اینکه شهادت و در حدیث میاه خواسته است نشان دهد که این سازمان در جنگ سرد و در نقاط مختلف دنیا به بر ذریه های بسیاری برای حفظ منافع غرب نسبت آورده است و فقط سیاست خارجی قطعی بوده که نتوان است آنطور که باید و خواهد از این بیروزی ما بهره برداری نماید .

این کتاب مشتمل بر چندین فصل در مورد کلیه و مسائل این

هولندان ارجهند!

انبیه ما را بر این داشتند که دست به شکر شیر و آب انشمار جزوه حاضر بزنیم؛ امری است که در بین و تشریح و اطمینان کوبان ننگین ۲۸ مرداد در پی بخار رفته است . با وجود آنکه نویسنده صحن دانسته است بعضی حقایق را نلباشد و در بر سرما نسبت به دکتر محمد همدان، پیتوای ملک و در چین روا دارند ولی بنحو کاملی نفس انشمارگران را در از پا در آورین حکومت ملی و پیتوای ملک روشن نموده ماهیت کثیف و سر سبزده همدان حاکمه و کوبان پیمان و یاغیان به قانون اساسی ایران را بر ملا ساخته است و این همان مطالبی است که روشن ساختن بهیر از پیران مورد نظر ما میباشد . از این رو با توضیح این مخفی و مضمون ساختن تریزه خوانندگان محترم بمقدمه مترجم، انشمار این جزوه را مناسب دیدیم .

دائرة انتشارات

جهت مسلی ایران در اروپا

اطلاعاتی درباره کودتای ۲۸ تیر ۱۳۰۲

ترجمه فصل هفتم کتاب «سیاه قلم اندرو تالی»

پادشاه سازی در ایران

چند روز پس از آنکه یکی از تصمیمگیردهای خونی بر خورد پادشاه سرین پارس بنام علی امینی در ماه مه ۱۹۱۱ به نخستوزیری ایران رسیدن یکی از عاملین سازمان چاموس سرکزی آمریکا یکی از دوستان روزنامه نویسی خود را در یکی از بازارهای شیر اسلامی در ملاقات کرد .

در ضمن صحبت و پوشیدن یکی دو کلاهش علی امینی روزنامه نویسی از عامل سازمان چاموس سیاه پرسید : « در اسی رایج باین امینی چه میدانی ؟ » و این دیگر جوابی دلنکنی است ، « عامل سیاه جواب داد و خوب است - هالی است - یکی از توجه های خود ما است» روزنامه نویسی بازار امینی همین گفت : « ای بابا باز دستم گل یاب دادید ؟ »

اینکه روزنامه نویسی نسبت امینی می اضر امی میکرد با عین همه نسبت برای وی کمالاتی داشت که شبی و دیگران نبود چون آخرین بار یک سیاه با حسن نیت در امور داخلی ایران مداخله کرد و چون حکم می نمودند که فساد آن حتی بر تخریب ترین ناظران چپان و لنگر بوزاری محاوره میانه ای را دچار حیرت ساخت و میزبان شد که تا

سازمان در مقابل مختلف دنیا است که اخیراً هم دو امر آن پیش گرفته و ترجمه آن در هر جا بود در حد و کن. فصل هفتم کتاب که رایج با ایران میباشد اطلاعات بسیار عالی را درباره کودتای ۲۸ مرداد می نماید که میانه روز میانه هر فصل پیشتر بنده است.

دو این کتاب در هر می مراد از اساسی ستار استوار استوار و مطلب خود دارای و سری بودن از توضیح برخی نکات در جریان و مباحث خود دارای شده است و پوشش هم می نموده است که نوشته شده و اساسی بنده تا آنرا برای خواننده گان خود شیرین نماید و بدین جهت برخی نکات را که از لحاظ هدف کتاب بر اهمیت بوده است عملاً قلم نموده و با اینکه آن جنبه تاریخی بیشتری است و در ضمن با وجود آری از همی حقایق می گرداند کتابی را که هدف عملیات سیاه بوده اند بنام نویسی نفس آقای دکتر محمدی را تحقیق نموده و مورد تفسیر قرار داده .

تیس این فصل از کتاب صرفاً برای اطلاع ملت ایران از ماهیت کودتای ۲۸ مرداد استوار است و از آنست که در آن با عقاید نویسنده ستاره و نیز در ترجمه من بنده است که در سراسر من اسباب نوشته اصلی حفظ نمود و کلیت مطالب هیتاً آنطور که در کتاب مشخص میباشد بدون کم و کاست بنام نویسی ترجمه کرده .

مترجم

هنگام رسیدن استیضاح شدت کشور نفت خیز و فروتنی ایران
بهرنگاه در دستگیری رسیده بود.
حد و عصر این چهارول و هنرستانی حتی برای
ایران نیز شکست آورد بود زیرا از سال ۱۹۵۳ به
پس ایالات متحده آمریکا بیک میلیارد دلار پول سالیان
سرازیر نموده بود تا این کشور برای یک قطعه میلیون جیمین
دارد برای تحریک محظوظ به دارد بطوریکه میدانیم در
سال ۱۹۵۳ که سازمان جاسوسی مرکزی (سیا) وسائل
ملغوظ محمد مصدق نخست وزیر ایرانرا تمام کرد
مصدق منت منت آن کشور را از صاحب انحصاری بریتانیا
خارج کرده بود و تهدید می نمود که می خواهد با کرملین معاملاتی
انجام دهد.

در همان موقع «مسائل فریب» کودتای سیا را بعنوان یک
فیروزی بنوع دوم کرامت اعلام داشتند. ولی پس از کنار گذاشتن
مصدق و سیا، وزارت امور خارجه آمریکا یکبار دیگر همان منتی
را از خود نشان دادند که اغلب نایج مصیبت باری دربر داشته است.
«سیا» که در مستقر کردن حکومت جدید نقش

عمله را به عهده داشت هیچ وجه در نظر نگرفت که
آیا کسانی که تازه به حکومت می رسند خیال کوچکترین
کوششی برای از بین بردن بدبختی های مردم ایران را
دارند یا خیر؟ برای ایالات متحده خط کمونیست
بودن آنان کافی بنظر می رسید. ولی مانند بسیاری از
نواحی دیگر دنیا مصورس کشور لاتون این امر کافی نبود.
وزیرم هورد قبول امر یکم هر چه را بدستش
رسید در دیدم بدون آنکه مسائل تمام با حسن نیت ولی منتی
و باری بهر جهت شاه نامی در این فکر باشد.

شاه که جوانی در دستگیر و از لحاظ جسمی فعال تمام مصدق
رونا بهتری است میجوید که قسمت اعلام بوده چه علی کشور را

صرف متخارج ارتش دویمت هزار نفری و نوای بکس پنجاه هزار
نفری خود شاید با وجود آنکه بر ناله تقسیم املاک بیش
از ده سال است که در جریان است معینا در ماه ژوئن
۱۹۶۱ هنوز شخص شاه مالکیت نسبی از هفتصد نفر به
املاک خود را که مساحت آن در حدود صد هزار
«اکر» است در دست داشت بریتانیای ایران بیشتر
از این جهت حقیقتاً غم انگیز است که انسان می بیند
که ایرانرا میتوان با یک رهبری نسبتاً عادلانه و گمنام
در دستگیری به تروتمند ترین و قوی ترین کشور
عراق و میانانهد هیدال ساختن محمد ملیون جیمین در کنوری
بسر سیرتند که تنها قدری کوچکتر از ایالات متحده دنیوز
رودخانه می می است طول خاک ایران از دریای حریر تا
دریای عمان در حدود یک هزار میل است و با کشور انصاف جاسوس
شوروی در حدود یک هزار میل مرز مشترک دارد. با وجودیکه یک
سوم از این ناحیه امیرور است کوه های آن دارای منابع دست
شورده می و ذغال سنگ است و رودخانه هایش با ایجاد سد
می تواند مثلاً الکتریسیته نامحدود باخند از سدون منتی رودخانه
پیش از یک میلیون تنگ استخراج میشود - علاوه بر منابع دست
شورده دیگری که قابل بهره برداری است کشور ایران دارای
حلی است هر چند که سخت مطلوب از نژادهای عرب و ترک و
افغان و منول که منتی آنها شیبه که یکی از نژاد دین اعلام است.
می باشد و همچنین دارای شهرهای ملی که به کوشش کمپوز داربروش
می رسد و سد های انصار عمر خیام و مساندینا و عمر خیامی شگرف
نفت حفید و اسفهان و شیراز ارمطاشی آن است.

شاه برای توطئه یک وارث پس میجوید که صد ساله از رودخان
گند. اوستاه «حق الامم» خود را به نیت و ناخ قطع به پیوست
بر میگرداند که این سرسلطه می حرارت رسا بهتری بود که در اصل
افس میجوید در ارتش ایران بود در ده سال ۱۹۶۱

مصلحت ضمنی و مصالح اروپا برای تشکیل بانک ضمنی ایران موجود است این بانک برای تأمین امور مالی شرکت بین‌المللی انگلیس و ایران تشکیل شد .

سالها بعد مرشد از مستقیمین این بانک کوچه بودید حاضرستان خازنده یکی از بزرگان - این بانک نیز سه هفتم بین‌المللی بانکداری آلمانی بنام C . جری خرید و در نتیجه یک بود که این بانک مست مدیریت نسیم امریکائی آن را در دوران واکلت واکت واگسری خود میباید داشت همچنین اشاره شده است که آقای برانک . جن . تبارک یکی از مدیران معتمد بانک در امریه انبوری بانکداری خود در قسمت مدیریت شرکت است انگلیس و ایران را نیز داشت و نیز دفتر وکالتی سابق ایران و کر آمون در تیمبوری که وادانی و در اوزن جان ماسی از شرکتی آن بوده مستاد حقوقی شرکت است انگلیس و ایران بود از این مصلحت نسیم میگیریم که وقتی مصدق نفت انگلیس را ایران را مستاد کرد اتفاقات آن بانک پسندید بر کناری مصدق نسبت تأثیر این عوامل انجام گرفت .

چنین قضایائی نسبت به مریدی که می خود معجز اراش نسبت یکدیگر همواره بسیار مستقیم بوده زیاد از حد بزرگ نشینند و نیز سه . وقتی که مصدق مستاد و تأسیسات شرکت نفت انگلیس و ایران وصل کردند منابع نفت ایران را اعلام داشت نوشتن که این صل در مصالح بین‌المللی بر پا کرد و بعد آسارو .

مصدق حق چنین کاری را مستاد با انگلیس از آن غیر مست مصدق در دهه ۱۹۰۰/۰۰۰ ملحق با اگر آملع ۱/۱۰/۰۰۰ ملار برای

نفت ایران مصلحت میباید . مصدق بزرگش کرد تا غیرت میای کوچکتر دستقل نفت مستاد برای سوره برداری از نفت ایران انجام دهد دل وزارت خارجه امریکا این شرکتها را تفریق نکرد و بسیار دیگر تا تأسیساتی از مصالح با ایران مستقیم بود و در همین موقتی ایران در آمد نفت خود را از دست داد و نزدیک بود شکست می بود حتی کمک عالی امریکا کفایت نکرد اگر چه وزارت خارجه با اگر آملع ۱/۱۰/۰۰۰ ملار برای

برای انجام کودتا و مریدی و دست وزارت جنگ را امر از کرد . بر روی پهلوی نسبت وزیر طبع و در سال ۱۹۲۲ خود را

شاهشاه پانجا شاهان اعلام نمود . پهلوی اول با پسر بود که روز آملع سر امری ایران را که دارای ۴۱۰۰ بل و ۴۱۰۰ میل تونل است بسیار بود و تا زمانیکه در سال ۱۹۴۱ انگلیس پانجلر تا بلانیکه نامی است تا از یادداشت‌داری نسیم کرد که معانی باقی را منتلوب ساخته و حساب را از صورت با توان ایران دریبه بود پس از هم شینگی عالی پیوسته کشور داشته است . وی نیز از بیعت میل جدا آمدن عالی ساخته است و نیز بر نامه‌مفت سالهای برای سامعی معانی مستند توسعه آبیاری و ۱۰۰۰ میل خامه‌ای شروع کرد ولی شاه هنوز چند قسم از آب خود را به پای بیعت کشورش از نظامی قرن نوزدهم بر نشانه بود که مصدق سالجورده بر روی صفحه بین‌المللی ظاهر شد .

سال ۱۹۵۱ مقام سلطنت همروهان با بانک دوران ملتیب ناسیو نالینسی خود انتخابی گفت .

نخستین وزیر ایران خود انتخابی گفت . مصدق شاه شاهان را از صحنه سیاست کنار گذاشت و در واقع شروع به گندن دم شیر انگلیس کرد و وه حارت پسر مستاد اول شرکت انگلیس بین‌المللی ایران کرد و آزادی حاصله از آن مصالح از نیم قرن و با مستاد ایران گفته که در دهه ۱۹۰۰ میل تقریباً در حدود ۱۲ درصد کل ریخته‌اند است و باقی حقیقت شیرین انگلیس می در سال ۱۹۷۰ توجه کرده بودند .

در آستان ملارون روزیتر موسس مورس می گزینای . که میوز باین شام برانده میوه امتیازی بیعت آرزو که این صفت ایرانی را کاملاً در اقتصاد او فراوان وضع داخلی ایران و ارتجاع تمام ویا روزیتر را تسخیر ساخت که تا سال ۱۹۰۰ از این امتیاز بهره برداری میکنند ولی در آن زمان نشی کنی با تسخیر کنی خصمیتهای

و ایران نماینده سیلاروما دلار است و وقتی که منابع خصوصی آرم بازن دست بطرف می‌روند وزارت خارجه‌های فرس آمارگی دارند که بطور حساسی عکس العمل نشان دهند .
 بین المللی بزند . گزارشهای واضح ، ه ، وسایه ، حاکی از این بود که باوجود عضویت زیست در میان بوده‌ای مردم معدن مرکز ترواست است . وقتیکه شاه جوان را در میان مردم منززل و اودرا می‌آبرو کند .
 زمام امور را دست گیرد رهبر برای برکناری معدن و شاهد میگردید در هر نوع مسائلی این شاه و معدن برای نشین میزبان عضویت شانس برد با شاه بود .
 کاز دادن باج مستقیم خود است مذاکرات بیشتر که می‌آید و انتهای معدن مودیا به سیاسی ارسال می‌گردد اجناساب و وزید سپس برزید است آبر نازور بدون تدارک معدن جواب منفی داد .
 احتمال باخت در این قمار که آیا بتوان ، امصدق جنان رفتار کرد که نتواند تهیه‌های خود را بشهر برساند وجود داشت .
 فورا چرخه‌ها را برای ویرودن با این پیر عمر سر سختی بخر گت انداخت اول از همه الین دالس روز دوم اوت ۱۹۵۳ ظاهر برای هانچ شدن بصر خود و گلراندن تعطیلات در کوهپایه‌ای آب سوسیس باروویا پرواز کرد باوجودیکه اوضاع سیاسی در تهران دروم ترمیند و معدن همه روزه مشغول مذاکره بایک هیات اقتصادی روس بود اوقه‌بندرسن سفیر گتیر امریکا باین نتیجه رسید که اوهم باستراحت در سوسیس احتیاج به دارد تقریباً شش ماه را با این چیزها نماند .

یک برنده همسانی روسانی در سال ۱۹۵۱ اعطا کرد و بدینال آند ۱۹۵۲ مبلغ ۲۲ میلیون دلار به عنوان کمک بلاعوض پرداخت قسمت بیشتر این مبلغ صرف جبران کمبود انرژی ایران گردید ولی ایران از لحاظ مالی در وضع غیر ناسی باقی ماند .
 در این بین هیات اطلاع یافت که معدن بطور بنهانی مشغول لایروزی باخرب کدوست منعی ایران (حزب توده) است .
 جامع‌تر سازی در تیران از حاکم کرده بوده و بر خورده‌های همین آستان و جاموسان جوان و بر امرای الی‌الشی حالت مستحکم بخود گرفته بود تقریباً هر روز کاشنگان منعی شارون هموری آمده بندخت شریاب حضور معدن بودند .
 دیکناتوره‌های ناچاره طلب خود را سر حاکم بر زنت آبر نازور ابراز داشت در نامه‌ای که بتاريخ ۲۸ مه ۱۹۵۲ نسبت رئیس جمهور رسید پیش از حد تند رفت و کوشید دولت امریکا را و قاضی کند و اخطار کرد اگر امریکا کمک مالی بیشتری با ایران نکند وی ناچار خواهد شد برای بندش آوردن کمک بساحای دیگر متوسل شود مشغول از جاهای دیگر ایجاد جواهر شودوی بود که معدن خیال داشت با آن کشور هم ریک فرار داد .
 بهسان دو صانیه و هاشم کرده .
 صیده که در مقابل کاشنگانی روس منابع منعی شس ایران و پالایشگاه آبادان یعنی بزرگترین صنایع خانه جهان را محصور بودند بونیاید بگذارند .
 خطر یک متوجه غرب میند آشکار بود روسیا با دوست داشتن سرمایه منعی ایران در چنگ خود = دیگر احتمال زیادی برای رسیدن به هدف معدن سیاست خارجی خویش از زمان تزارها تا حال یعنی دست یابی با همای گرم خلیج فارس که بر له شینه هم راه و نیای آزاد بخاور دور است در پیش نشاندهند .
 حتی اگر روسیا قطب بنفش ایران دست می‌آیند و نیای غرب در سراسر خاور میانه تنبیه میند و در مقابل تمام و شان تیردی می‌آزمودند البته این هم واضح و آشکار بود که شرکت منعی انگلیس

۱۸۰-

در میان سرحدات زیادی راه ساختند ولی شوارتسکف با حالت عادی بکارهای خود ادامه دادند این ترتیب که یک روز بعد از نظیر برای دین شاه میرفت و صبح را با سر لشکر زاهدی میگذرانند و با سایر دوستان دیرینه در ارتش و ژاندارمری مشغول تجدید دیدار بود و تا چهار پنج روز بگذرد که شاه اراده و اقتدار خود را با بازیافتن است روز پنجشنبه ۱۳ اوت شاه فرمائی صادر کرد که معلوم بود با همگونی زاهدی و شوارتسکف نوشته شده است تحت این فرمان مصلحت از نخست وزیر میفرماید و چنانچه وی زاهدی بود شاه بفرماید که در همان مقامی دستور داری فرمان را مصلحت ابلاغ کند و بیشتر میرسد که کارها پیوست صورت میگیرد ولی چنان فرمانها میروند بسرت سنجید و دوروز طول کشید تا در دوازده ۱۰ اوت سرحدات میروند و دستهای از امرادش جلوسیرال مصلحت نامی شده وجود را در مسافرت تعدادی تا یک و صبی برای نظامی و در زمینه که مصلحت در این صحت از دودان سرحدات استفاده کرده و دست کرده بود یافتند سرحدات را البته بریتانان انگلستان و مصلحت اعلام داشت تخریبی که ملیه دولت قانونی ایران شده بود در هم شکست است وی البته مقامی هم دربار شاه جوان بیان کرد که بیست و شش ساله امان در ایران و ملکه های سرحدی فضا شده با هم اینجا از طریق کشور عراق که در آن زمان سلطنتی داشتی بود بطرف دم رسیده که دیده شد.

بهر حال شوارتسکف دست برنشان نمود و ریاست غیر رسمی باجه بر داشت گروه ضمه مصلحت را بهر جمله گرفت و برخی از ایرانیان یکباره ترو تشنه شدند و عطش آنچه بعدها معلوم شد در صحت کوتاه چند روزه شوارتسکف تا آخر خرج بیش از ده میلیون دلار برپوشید.

۱۸۱-

پهتی شاه صحت امیری زیبا و سر صحت وارد خارج سلطنتی زن و برادر خود را بخاطر نزدیکی در ایستادن در همان مصلحت داشت سرزنش کرد و سپس او را به پیش روی مونس رهساز کرد و بدین استقامتی که در آن وقت و هنگام سفر در همان ایستگاه و هنگام سفر ظاهر شد و بدینکه ساموسی شورش میباید حس کرده باشد که حیواناتی در پیش است و زسانیکه یکی از منضمین قدیمی امپراتوری است با شرفی فرمان شوارتسکف را این دو حال گذارند اما این مصلحت در نزد دوستانه از کشور میگذرد دیگر در حال پرواز دیده شود طن آتالان قوی ترند او از ایستگاه و دوره و لیسان دین کرده بود و زسانیکه دو سه در حال حیرت بودند در همان ظاهر کلامی کردند.

تور در بهای حقی دانستند مگر آن خود زیر شوارتسکف مدتها بود که باعث ناراحتی کرملین شده بود.

میرتو امریکائیها او را بهیتر از همه به عنوان مرید که بر تعصبات خود یعنی ایات شیخیه می نظارت کرد یاد دارند ولی در بسیاری سانسهای بیباک الله سلطنت قبل که از سال ۱۸۱۲ تا ۱۸۱۸ در ایران برپا شد و تنگناهای تنگنای ژاندارمری دارا بود معروف دارد در این صحت شوارتسکف کمتر وقت خود را صرف چنانچه آن عالی میگردد او در این عمل مسئول حساب از دولت در مقابل و همسایه آن بود یعنی قبل که پلانهای تشکیل یک سازمان ساموسی برای تحت پوشش گرفتن گروههای مختلف سیاسی بود که اکنون باعث خیال سرگردان کردن شاه را داشته باشند.

در جریان انجام و تابست میروند و شوارتسکف مصلحت دوست و شکار شده را با خانه دو بهیتر از آن با سر لشکر امیر الله زاده میگویند از همکاران خود میروند با بیست و بیست و دو نفر شریفی و یکی که در شوارتسکف در ماه اوت شهران رسیده با گناوه روسی میگرداند که در مانی تخمینه در ماه دوازده در بریتانیا تمام هم در مصلحت شوارتسکف

۱۲- «سپاه بروه است و در نتیجه مصداق و لغماً تعدادی از هواداران خود را از دست داد .»

دورن، توسط مصداق نصی باج خود رسید پایتخت طارح بر اثر سرایانی بود که برای مقابله با امر بوج پیش آمدی آماده شده بودند ولی هیچ یک زیاد عورتسال بنظر نمی رسیدند .

مصدور در تهران ، بیابان آمد ولی برای اعلام خطر بنظر نمی رسید در میان ایشان چند وزنه پودار رکشی گیر رکسور و زورخان دار که هر یک در حال حرکت متداول نمایش حلیان تخصصی خود بودند بچشم مجبور و مانند همیشه صحبت از منازل برای شناسای این دسته بیابان آمده بودند سپس ظاهر آ کسی در هر سرد صدا بوجهر آمد. فریاد میزدند « جاوید شاه » و در یک بر مصداق ، چندینبار با یک دست محکم بر روی چپین که مصداق حق و حساب برداشتی توسط امریکائیان بود شروع بر فریاد کشیدن کرد بزودی این سروصدا ، در تمام پایتخت بوجید و هنگامیکه طنین به صدای درجه خود رسید سپاهیانیک نسبت بنهاده دارنامه بودند حمله خود را آغاز کردند .

چندین سازه میگردند ولی کر کم غف نشنند واضح بود که تا کشیدند و عملیات حرکت نظامی مهاجمان شامی که توسط یک متخصص امریکائی تسلیم دیده بودند آنها را بهیترت انداخته بود بهر حال تائیه شب که سرایان مصداق بصورت دایره تسلیم شدند امرا را با سلاح مستند زیر درآمس بودند مجبور تسلیم شدند سرایانیکه راه خود را بجا نداشتند منزل مصداق باز کرده بودند مصداق را در حالیکه بیز آماهی راه راه ابریشمی بتن داشت به حال گریه درختند و این دستگیر کردند (فرس سوه نویسنده نسبت به پرتزای پترز که مردم ایران صدای است که کجلا حقایق را قلب ندوده و

۱۳- فراموش کرده است که کودتاچیان خانن ومزور و آهنگان سرگرم طارح امرا را منزل پیشوای ملت بودند که حتی متوجه خیر و مصداق و بارایش بوسله بروم از رویار منزل سانه های مسدود نگردیدند آنان نانشا دستگیر نشدند بلکه شمشا باجهات تمام صبح روز بعد خود را بر مرکز ستاد کودتاچیان معرفی نمودند .

برم نالن ند و شاه و ملکه اش کجبار دیگر چندانهای خود را برای مراجعت با بران و ارتقاء زاهدی بنام مستند زبری آماده کردند .

انجام این کودتا برای حفظ امنیت ایالات متحده و شایندنیای عرب لازم بود این یکی دیگر از قضایای بود که نشان دان ایالات متحده بدون شرایط زیادی حاضر است از گروهی بتیمیانی کند کمالا بیعتمی است اگر مانند برخی از ناظران بگوئیم که ایرانیان خود پنهانی مصداق را ترکبار کردند ، این جریان از اول تا آخر بدست امریکائیکها تحقق پذیرفت ولی آخر سر سازمان جاسوسی مرکزی و دولت امریکا کنار ایستادند و آمد رفت با کسی دولتهای طرفدار مریدند کمونیست را که با تمام کوچکترین اصلاحات اجتماعی ترخیب نشاندند و ایرانیان دو باره پسند در دستگیر میمانند نشانا کرده اند البته مالیات دهندهگان امریکایی هم صدها میلیون دلار برای نومه این نساد پرداخت کردند چیزیکه صحبت بنظر میرسد آنستکه چرا ایالات متحده لازم است این منابع گران را در ایران مرید و ولیک وضع بحال دادی بر کشت توانش بمثل آمده که در نتیجه آن کسرسوم بین المللی برای اداره ثروت قدری ایران تشکیل گردید و بزودی خزانه ایران با دریافت سالیانه . . . ۳ میلیون دلار بابت درآمد نفت فرقه شد .

در کشوریک قلب همیشه ملبور صحبت داره فاهنا باید این مبلغ برای حفظ اقتصادیان از ورگشگی کافی باشد ولی

-۱۵-

یک ارتش دوست موارثی که از ارتشهای زاین و آلمان نرمن
 متعلق نمی است دارد.
 یکی از امرای ارتش بنام احمد آهروانی که سابقاً ریاست
 اداره برق ایران را سیمه داشت بطرف کت مشاوران لاسی ستیور
 می رفتی؛ آن کسی بلافاصله برنده و ملین ولایتی نامی کرده و نشانه
 عالیستوار افتخار نگه برقی را ستاداد جریان برودارد اصغری
 که در آن حوالی بوده و دودویی ستاداد را هلاک کرد.
 زینال حاج علی کیا رئیس سابق رکن ۴ صفا کوی تبریز است.
 سازمان دولتی را که شامخون ایران ام (آناکوکا) شامخون میبود
 اداره میکرد برده آن مسلم پیشکون دیم ولایت دهمه نامین
 قدمه بود و تنها وظیفه اش تهیه گازهای مجریانه دهمه باره میوزان
 محمولیت شامخون این کس برای زیران کاهی یکی به همو این سازمان
 میبود و گازهای خود را سرموایی تهیه میکرد مشکل و
 ناراحت کننده بود.
 درماه ۱۹۱۱ که شاه ملیانیش را بنیختند بزیروی - سوب
 کرد برای مردم راجتی چنان زیادی یادوری کردی واد که
 بدنه های دولت ایران از سال ۱۹۰۵ تا سال از ده سلین ولایت
 به ۵۰۰ سلین ولایت رسیده است و بالنده وراوان اشاعه کرد که
 هوزان عالی است و ملت موافق باهمه این است من حرات ستادم
 واضح تر صحت کتبه چون ممکن است باهم صحت موثری گردد...
 حتی همزمان با بیانات امینی نوده های چنین
 مردم ایران برای پشتیبانی از مصلحت حردی که
 باصطلاح توسط کودتای هسپاه بی اعتبار ضمه بود
 دور هم جمع شدند، همزمان هر ارفتر از اینان در و میهان
 اسب دوانی، جلایله تهران برای بزرگداشت نام او
 در بزرگترین اجتماع سیاسی هشت سال اخیر گرامه
 بودند. مصلحت در سن ۷۹ سالگی و یحالت زندانی
 در هنرش هنوز و مهمترین شخصیت سیاسی ایران بشمار

-۱۶-

تا دوران ایرانی و نه ساده لوحان امریکایی هیچکدام متوجه این
 موضوع نشدند.
 مدت تحصیل بینی از ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۸ ایالات متحده
 ۴۰ سلین ولایت ایران بزرادیت ولایت وولایت خوزستان را
 مصلحت ایالات متحده در نتیجه، پیمان دوامت دولتی بطور متوسط
 ماهانه پنج میلیون دلار ایران پرداخت کرد و این کار را
 بهمنیت محاسب برای تأمین کسری بودجه ایران ادامه داد این ارقام
 از کرایز بزرگ ۱۹۰۷ کسپورن اشاعات دولتی، جلسه شایسته کان
 امریکا گرفته شده است.
 هنگامیکه امتیاز هبات حاکم ایران در قفسه های زندگی
 دیگر دانه و انوپیل در زوروس موارث شدند (کابلانک برای آتانی
 باندان کاس بیگ نبود) کسپورن مجلسی سابقین کان کردی داد
 وگ که کمک مالی امریکا را در دست چنان شرایط نامرتب و پلاهای
 و غیر اداری خرج کرده اند که افساهه غیر ممکن است بیوان
 با کسپورن صحت تعیین کرد که چه سراین بولیا آمده است.
 یکی از موزهای اصلی، مساجدان یک مد چند مله و خلای
 بوزی رودخانه کج است که کسپورن در کرایز خود راجع بان
 نوشته است که: "شمال این بر نامه و نتیجه اش خرج سه سلین ولایت
 توسط ایالات متحده فتنه برای تغییر جهت راه اشراک عمل شد
 نویسنده ای بود است؛ بزرگراهه، بر نامه کی انیست که حال کی
 توسط دولت ایرانی دست آموز همپاه اداره شد عملا کوچکترین
 کاری برای بهبود زنده گزاد عادی سلطه ایران صورت داده است و
 این چنین است که دستگامهای تبلیغاتی مسکو از آن ستمهای بزمه
 کردی و انیست کسپورن مجلسی سابقین کان بعد سال ۱۹۰۷ کرایز
 داد که با کسپورن همو در ایران خارج است که حتی در پیروها
 بیروت ممکن است پیش از هفت درصد از جمعیت بامواد بافنده
 در آمد مملتان ماهانه کمتر از ۲۰ دلار است و خانواده های
 دمو و دارنده که با درآمد حاصله از یک درخت کرده در تمام سال
 زندگی میکنند هوز شاه وزیر و ستایش اسرار و انوری در یکبارگی

مجرد و مینورانه درگیرین شد در مقابل مرانه انقلاب از بالای
 و کس آمیسی باشد .
 انقلابی از چهار حزب تندرو قید و شرط جنبه ملی که
 متخصصین قبول دارند که جنبه ملی اکثریت گرسی
 های مجلس ایران را در صورت انتخابات آزاد بدست
 خواهد آورد .
 در ایران یکی از آن دودس مشکل بود که برای ازمان
 خاص می مرکز نشی گرامی پایان یافت . این دوس آن بود
 که در این عصر و نوشته های کمونیستی و ایالات متحده نمیتواند
 به و نتایج کوتاه مدتی و فاش کند .
 صحت است که باید به دست های طرفدار غرب کت کرد
 نامر کشورها تکیه ، اهمیت سوزن المپیک دار محکومت را دست بگیرد
 ولی اگر بنگاه خاصیت آنها است که طرفدار غرب هستند شاید
 لازم شود دنیا فدای بیشتر جسمی که چون اکثر رهبر انیکه
 متوجه غرب هستند گوجهی یا حتی جان ملت خود
 نمی کنند و در و بده و ستانهای و حزب و زرم خود ، ابلا فکری
 به اصلاحات اجتماعی ، بهترین منابع تبلیغاتی را به مسکومرغه
 میدارند آنها با مارک نابودکننده و ساخت آمریکا » .

..... شکایک مصدق در ایران با اصلاحات
 اساسی دست زد ما به وحشت افتادیم .
 این مرد که من بر خود میبالم که او را دوست خود
 بدوام در رویه کرات بود به مهمو لافوت و توریس
 ما با انگلیسها همستندیم با او را از میان برداریم .
 در این کار توفیق یافتیم ولی از آن روز در خاورمیانه
 دیگر از ما به بیگانهی یاد نشده است
 ولیم دو گلامی قاضی دیوان عالی
 ایالات متحده آمریکا
 خبر سقوط و کس مصدق از اریکه قدرت
 زمانی من رسید که ناخوش و بهر م در کشی در میان
 جزایر بوزان در دریای مدیترانه به مشورل استراحت
 بودم پس از مدتها آن شب حدیث بسیار خوشی
 کردم
 آنفونی ایمنی نصحت وزیر سابق انگلستان
 از کتاب خاطرات او
 من گمانهای زیادی نسبت زاده ولی من
 خود میدانم که بک نگاه بیشتر ندارم و آن ایست
 که تسلیم حاد می ما نشده و دست آنها را از منابع
 طبیعی ایران کوتاه کردم و در تمام مدت زمانه ماری
 در سیاست خود بک هدف داشتیم و آن این بود که
 ملت ایران بر مغز خود مسلط شود
 و کس مصدق مصدق پیترا می ملت ایران
 در ادگاه مرابیش سلطنت آباد

ه - اداره گل سوم بهترین اداره سازمان اخیت و در حقیقت پایگاه اخیتی و دفاعی رژیم بشمار میرود. این اداره بیش از سیصد نفر عضو داشته و ابتدا تحت مدیریت سرلشکر ناصر مقدم اداره میشد. معاونین وی به ترتیب عبارت بودند از سرتهپ طباطبائی و سرهنگ پرنیان - سر شخص اخیر در همین حال سرپرستی بخش نظامی را نیز برعهده داشت. سرلشکر ناصر مقدم پس از ارتقا به درجه سپهبدی از کار برکنار و پرویز ثابتی، این جلا در پست فطرت، به ریاست اداره مزبور منصوب گردید. پست معاونت این اداره را دکتر بهبودی به عهده دارد که مدتی نیز تحت نام ستعمار دکتر سجادی بخشی از فعالیت‌های ساواک را در آلمان غربی مدیریت نمود. از مزدوران و جاسوسان این اداره و بخش‌های مختلف آن در داخل کشور میتوان از جمله از افراد زیر نام برد:

احسان الله شهبازی. رضا عطاپور (دکتر حسینی زاده). فرجادی. خانم ابراهیمی (ارغندی). مرشد زاده. بصیری. سروان بازنشسته محجوبی (برادر هنرمند محجوبی). وجویه. رفیع زاده. مرتضی اکبر. ناظمان. ولیان. پرویز صادقی. آزموده. باوری. یدالله خراسانی (قهرمان شطرنج). حسینی. ابراهیمی. سینی. نظیف کار. شهاب فردوس. میرهادی. دکتر آربائی. سرهنگ سجده‌ای. سرهنگ سلطانی خانم کیبادی. سرهنگ معماری. مهندس امیدی. مقدر نژاد. بهرام بیگی. باقی زاده. رنجبران. سرهنگ آکه‌دل. مجیدی.

افراد نامبرده یا در گذشته از مزدوران ساواک بوده و یا هنوز هم به شغل کیف و غیر انسانی خود اشتغال دارند. برخی از آنها مثل پارسا کیا و پرویز خوانساری که ناشان در این جا آورده نشده ابتدا در تهران انجام وظیفه (۱) نمودند و بعد ها در خارج صدر مقامات مبعوضی شدند.

از مزدوران و جاسوسان این اداره و بخش‌های مختلف آن در خارج از کشور میتوان از جمله از افراد زیر نام برد که یا در گذشته به شغل

شریفان اشتغال داشته‌اند و با هنوز نیز به مزدوری و سگ صفتی تن در
 مدهند تا روزی که مزایمان کف دست نالایمان گذاشته شود.

آلمان غربی

سپید علوی کیا (مسئول سابق ساواک در اروپا و متنی سابق بختیار .
 سرهنگ اکبر دادستان (گرداننده فعلی ساواک در این کشور) . سرگرد
 عطاالله فروتن (مسئول مالی ساواک) . سرهنگ عفا مرتضوی (مسئول
 امور سیاسی - مونیخ . وی سابقا رستوران شهرزاد را در مونیخ اداره
 میکرد) . سرهنگ دوم فرزانهگان (ظاهرا تاجر فرش در مونیخ) . سرهنگ
 زیبایی (جلال معروف که اکنون در ویسبادن زندگی میکند) . هدایتی (که
 با نام مستعار " محمودی" امور بانکی ساواکرا انجام میدهد) . مهندس جمشید
 تشریفی (کارمند شرکت هواپیمایی " سوئیس‌ار" در فرانکفورت) . ستوان
 یکم بیگری (مأمور رابط با خبرچینان) . خانم انصاری (مترجم
 و مسئول حقوق مأمورین ساواک آلمان) . رجب زاده (متنی سفارت در
 دستگاه دادستان و مسئول پست) . علی قاضی (وابسته اقتصادی که قبلا
 در برلن بود و اکنون در بن مشغول " کار" است) . ضوچهر آزمون (گر
 داننده سابق روزنامه دولتی اخبار ایران و وزیر مشاور دولت شریف
 امامی در حال حاضر) . محمد عاصی (گرداننده کلوب و مجله کساوه)
 دکتر عزیزی (سرپرست سابق دانشجویان و رئیس کونی بخش اروپایی
 " هما") . دکتر امیر خلیلی (آتاشه فرهنگی و مطبوعاتی سفارت و سواد
 زبان آلمانی ایشان واقعا بدنی و شنیدنی و شایسته شغل شریف ایشان
 است) . سروان دادگر . کاوس مهدوی (در باره اینجناب رجوع شود
 به برخی از مکاتبات ایشان با مزدور دیگر هدایتی (محمودی) که نامش
 در بالا برده شد به کتاب " درباره ساواک" از انتشارات کفدراسیون ،
 صفحات ۱۷۱ و ۱۷۲) . ناظران (کارمند سابق اداره کل سوم در تهران)
 دکتر شفیعیها و سرهنگ آیرملو (هر دو به ایران مراجعت کرده‌اند) .
 سروان آریانا . ولیان . پرویز صادقی (دو نفر اخیر سابقا در تهران

و در اداره گل سوم به مزدوری مشغول بودند) . طوقانی (مأمور سابق ساواک در اتریش و اکنون ساواک در آلمان) . خلخالی . عطاران . اسماعیل سیگاری . ضنی زاده . علی دری . (شن نفر اخیر همواره در مونیخ برای سازمان امنیت به جاسوسی و خبرچینی اشتغال داشته اند) . وهاب زاده . اخوان . شاپوریان . جوان . پارساکیا

اتریش

بوشجری پور (وزیر مختار سابق ایران در اتریش) . فرخ امیر پرویز (کارمند سفارت) . ایرج شهیدی و شاپور زند نیا (وصف این دو نفر به تفصیل در کتاب حاضر آمده است) . ابراهیم راضی . مهدی تکه . فیروز حجازی (عضو سابق اتحادیه وین) . کشاورز (سرپرست سابق دانشجو یان در وین) . اتابکی (سفیر اسبق شاهنشاه آریا مهر که به وحشی گری و بی چاک دهنی مشهور بود و خود را مرتب و در همه جا نوکر اعلیحضرت مینامید) . سامی سیوش (مسئول امور دانشجویی در اتریش) . پرویز کیانی (مهندس کشاورزی و از همکاران سابق (و یا فعلی ؟) دانشگاه آریا مهر) . ناصر کریمی ملابری (سارق مواد منفجره از معادن تریسی ملکام واقع در شمال اتریش و یکی از همکاران (و یا قربانیان ؟) ایرج شهیدی . وی اینک مدتهاست که در ایران امرار معاش (؟) میکند . هوشنگ سعیمی (سرپرست سابق ساواک و یکی از جانشینان کشاورز ، وی مدتست که به ایران مراجعه کرده و مصدر مشاغل مهمی که مطابقت با خدمات خائنانه اش دارند ، میباشد) . صالحی و ملائکه (دو نفر اخیر رابط وزارت امور خارجه و ساواک اتریش میباشند) . خانلری (مأمور سیار ساواک) .

انگلستان

نبوی (سرپرست سابق دانشجویان شرکت نفت) . سعید دستغیب (مزدوری که بعد ها به کالیفرنیا رفت) . اویسی (پسر ارتشبد اویسی فرماندار

نظامی تهران در حال حاضر، وی یکی از چاقوگشان بنام درباری و فرزند خلف پدرش می باشد) . درودیان و زنتش (خانم درودیان سابقاً از منشی های نصیری بوده است) . فرخ خداپنده لو (نامبرده سردبیر مجله دانشجویی (۲) * پژوهش بود که توسط سازمان دانشجویی پرویزخوانساری منتشر می شد) . پرویز خوانساری (مأمور سابق اداره کل سوم در تهران که بعلمت " خان نزاری " ها و خدمات بسیار زیاد نه اش مراتب ترقی را بسرعت طی کرده و به سمت سفیر مخصوص شاهنشاه به خارج فرستاده شد. در این سمت بود که ریاست مرکز اروپائی ساواک نیز بعهده او گذارده شد. در توطئه چینی و زناات وی حتی در دستگاہی چون ساواک بینظیر است. پسر وی پیاس خدمات پدرش به خاندان سفور پهلوی و بدون داشتن کوچکترین شایستگی به ریاست بیمارستان فرح دیبا منصوب شده است که مدرن ترین و مجهزترین بیمارستان کشور بوده و در نوع خود کم نظیر است. این امر سبب شده که بسیاری از پزشکان نادر و چیره دست که با مقداری امیدهای واهی در آنجا کار میکردند نو میدانند این محل و برخی از آنها کشور را ترک کرده و به خارج رفته اند.) . بدالله خدیوی (از مأموران سابق ساواک که اینک در ایران است) . میرهادی . امامی . فضل الله نیک آئین . حسن کهنوش (کارمند سفارت که با همکاری " روشن " (ابراهیم نبوی که نامش در بالا آورده شد) مأمور عضوگیری برای ساواک می باشد. رجوع شود به حاشیه (۱۱) . معین زاده .

ایتالیا

یاوری (مسئول ساواک در ایتالیا که در ظاهر عهده دار امور دانشجویی می باشد. چنین به نظر می آید که وی تحت نام " سیار " به رتق و فتق امور جاسوسی ساواک مشغول است) . حسین صادقی (کارمند اداره تغذیه سازمان ملل متحد که هنگام فرار شاه به رم پول و ماشین در اختیار شاه شاهان گذاشت. وی مدتی نیز سمت سرپرستی امور دانشجویان را در رم

بمبده داشت) . جیل عاطفی (برادر این حضرت نیز از خاندان دستگاه بوده و استاد خد اطلاعات ساواک در تهران می باشد) . خسروی (پسر زرگانی که بین از ۳۰ سال است که در رم اقامت دارد) . داریوش فرهنگ دره شوری و خسرو فانیان (این دو نفر در فلورانس مقیم می باشند) . صادقی (مسئول سابق امور دانشجویان) . رضا اویسی . فیروز . مهاندوست . نادرختی اشرف پهلوی (وی احتمالاً دختر قوام بوده و مجالس هنکفی از سفارت در بابت میدارد) .

سوئیس

سرهنگ حقیقی (رئیس ساواک که مدتی است دارفانی اش را ترک کرده . وی در زمان حیانتش مسئول پرداخت پول برای انجام انواع و اقسام عملیات جاسوسی نیز بود) . آزموده (پسر سیهد آزموده که قبلاً پسر سرگرد آریانا در فرانسه همکاری میکرد و پس از فوت سرهنگ حقیقی بجای او به سمت ریاست ساواک سوئیس برگزیده شد) . مهنا (کارمند سفارت در ژنو که سرایدار " وبلای گل سرخ " زاهدی نیز میباشد) . فیروز فولادی (چهره شناخته که همواره با سران ساواک در تماس بوده و مدتی نیز در لوزان بسر میبرد) . خدوی (ساکن زوریخ و رابط ساواک با افراد مختلف) . سرهنگ احمد مالک مهدوی صاحب نام ستعمار مهدوی (ویژگی ها و اهمیت رلی که این مزدور در ساواک سوئیس بازی می کرده زمانی به وضوح تمام روشن شد که اسناد و مدارک زیادی از ساواک بدست کفدراسیون افتاد . اکثر مکاتبات مرکز اروپائی ساواک در ژنو با سایر نمایندگی ها توسط وی انجام می شده اند . رجوع شود به " پاره ای از اسناد ساواک " از انتشارات کفدراسیون جهانی (۱۹۷۶) حسن افتخاری . مرتاض . پرویز خوانساری (رجوع شود به بخش مربوط به انگلستان) . صادقی عطیعی (سفیر شاهنشاه در دفتر اروپائی سازمان ملل متحد حداقل از پادوهای ساواک) .

فرانسه

سرلشکر پاکروان (وی دومین رئیس ساواک و جانشین جلال بختیار بود .
 بعدا به عنوان سفیر ایران به فرانسه رفته و اینک از اوائل ماه اکتبر
 ۱۹۷۸ طبق خبر رادیو ایران مجدداً به ایران بازگشته و عهده دار امور
 مالی وزارت دربار شده است) . سرگرد آریانا (رئیس سابق ساواک
 در فرانسه و همکار پسر سهپد آزموده که بعدا رهسپار ترکیه شد) . پور
 دستگار (یکی دیگر از مزدوران ساواک که گویا فعلاً در ایران مشغول
 انجام وظیفه است) . سرهنگ هوشمند (رئیس سابق ساواک همدان و از
 خوبشاندان سرلشکر فردوست قائم مقام ساواک ایران و رئیس دفتر ویژه) .
 سرتهیب قانع (یکی از رؤسای سابق ساواک فرانسه) . همایون کیکاوسی
 (جریان تیر خوردن مرموزانه وی در دو سال پیش سبب هیاهو و حنجال
 فراوان گشت) . روحانی (وی از مأمورین دفتر ویژه بوده و چند سالی
 است که تحت عنوان " مذهبی " در اروپا فعالیت میکند) . جهانگیر
 تفللی (از مهره های بنام و کارکنته رژیم ، وی در مقام وزارت اطلاعات
 موجبات تعطیل صدها روزنامه و مجله و نشریات دیگر را فراهم آورده و
 اختناق و حشمتاک عقیده و جرایم را دوچندان نمود . بعدها سفارت ایران
 در الجزایر به عهده او گذاشته شد) . احسان نراقی (این شخص مرموز
 و حیلہ کار از مأمورین " سی . آی . ا " و صدر انواع و اقسام مشاغل
 بوده است . حیظه فعالیت های وی اکنون ایران میباشد) . استوانسی
 (سرپرست سابق دانشجویان ایرانی در فرانسه) . پرویز عدل (وابسته
 طبوغاتی ایران در فرانسه و کارمند سابق سازمان ملل متحد) . آشتیانی
 (از کارندان سابق سفارت ایران در فرانسه) . فرجادی . هدایتی .

آمریکا

سرهنگ فریوری . سرهنگ آنا (وابسته نظامی) خسرو افشار بکلو

(عضو انجمن ایران و آمریکا) . پور زند (مخبر کیهان که در کالیفرنیا بسمه کار مشغول است) . فریدون شمس (عضو سابق سازمان دانشجویی) . دکتر معیری (دبیر سابق سفارت) . مهندس آنرپور (مسئول امور دانشجویان) . اویسی (کارمند سفارت) . پوران پورزینال . محمد آشتیانی . جواد خاکباز . اسکدرامان الهی بهاروند . محمد قراکزلو . قهاری . شفیق هزاز . فلا هاله سبحانی . موهبت الله سبحانی . داریوش پروند (رهبر بهائیان) . سدهی . دکتر پرویز خطیب دماوندی . داریوش سطوتی . گچ پزانی . سبقتی . منصور اسکدری . سرهنگ صورت رحمانی . دکتر سیاحتگر . علی زارع . رضا نقوی . هاشم امینی درهانی . خانم بدری مستوفی المالکی . هوشنگ تابتی . کامران امجدی . نعمانی . سیمون غنی زاده . مجید کمال . دکتر هوشنگ مقدر . کامران شایخی . گله داری . ایرج مستوری . حسین سامان . بدالله شرجی . میراحمدی . شهیر اصفهانی . یحیی دوستدار . خسرو خرمشاهی بیات . هژیوی . بهرام قریب . عباس هدایت وزیری . سیف غفاری . ضوچهر شفا . سیروس مسعودی . بازارگاد . ایرج مرعشی . محمد حاج غفوری . دکتر جلیل محمودی . ضوچهر شعوف . دکتر خسرو مستوفی . منصور رفیع زاده . ناصر قوش بیگی . دکتر کردنی زاده . محمود حشقی . مرتضی علی اکبر . مهندس اکبر نورمنش . هوشنگ محدی . دکتر مقبل . حسین صاحب . محمد رضا . حق پرست . علیرضا گودرزی . محمد مروارید . فرهاد نعمانی . هوشنگ پاکرشت . مهندس حسین آینی . پرویز الیمون . گودرز شیدائی . علی پارسا . متقی . حسن محدی نجف آبادی . فرهاد عظیما . دکتر محمد زرنگار . مهین حسینی . احد جباری . هوشنگ صدیق زاده .

تسکيه

ضوچهر پاکروان (برادر سرلشکر پاکروان و کارمند ضد اخلا لگري سننو) .
 پرچهر جاويدان (زن ضوچهر پاکروان و کارمند سفارت در آنکارا) .
 سرلشکر صالح (مسئول ساواک) . مرتیپ سبحانی (رئیس سابق ساواک

ترکیه) . و توفی (مأمور مخابرات دفتر ضد اخلا لگري سنتو) . دکتر شیلانی
 (افسر سابق توپخانه و سفیر اسبق ایران در ترکیه) . فرامرز عظیمی
 (او نیز کارمند دفتر ضد اخلا لگري سنتو بوده است) . کاظم زارکان
 (از کارمندان سفارت) . رشیدی . علی باشاره . قنای . حمیاری .

اشخاص نامبرده در فوق و هزاران نفر دیگر در داخل و خارج کشور به
 شغل کیف خبر جینی و جاسوسی برای سازمان امنیت شغول بوده و پشت
 پا به تمام فوافظ انسانی و ملی زده اند . بدون شك اطلاعات فوق الذکر
 نه تنها کامل نبوده بلکه محققا عاری از اشتباه نیستند . قسمت اعظم اطلاعات
 مزبور از " جزوه پاره ای از اسرار سازمان امنیت " منتشر شده از طرف
 جبهه ملی ایران (خارج کشور) در اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ برداشت شده
 و با توجه به منابع و مآخذ دیگر حتی المقدور تکمیل شده اند .

۶ - جنایات به شمار رژیم و پاپمال شدن ابتدائی ترین حقوق انسانی در
 ایران موجب شده اند که بسیاری از مجامع آزادپخواه و لیبرال در صورت
 امکان نمایندگان و یا ناظرانی به زندانهای مخوف و قرون وسطائی و بی
 دارگاہ ها رژیم فاشیستی ایران روانه ساخته و از این طریق وجود ان
 جهانیان را به جنایاتی که در ایران صورت میگیرند متوجه سازند . از جمله
 مهترین این مجامع ، تشکلات زیر میباشند :

1. *Association Internationale des Juristes Démocrates*
2. *International Commission of Jurists*
3. *International Federation of the Rights of Man*
4. *Amnesty International*

برای اطلاع به گزارش های به شمار نمایندگان و ناظران مجامع فوق الذکر
 در باره بیدارگری ها و حق کسی های رژیم و اربابان و نوکرانش
 رجوع کنید به نشریات و جزوات متعدد کفدراسیون و دیگر تشکیلات
 اپوزیسیون در خارج از کشور .

۷ - در رابطه با اشغال مرکز اروپائی ساواک در کسولگری ایران در
 ونو توسط اعضای کفدراسیون جهانی در اول ژوئن ۱۹۷۶، روزنامه
 معلوم الحال اطلاعات در شماره ۱۰۱۰۶ مورخ شانزدهم شهریور ماه
 ۲۰۳۰ (۲۲) خود چنین مینویسد:

" خرابکاران کارمندان کسولگری ایران را بازداشت کردند.
 بعضی اسناد و مقداری پول نقد و چک به سرقت رفت.

پیش از ظهر امروز محمود صالحی مدیرکل مطبوعات و اطلاعات وزارت
 خارجه در يك گفتگوی مطبوعاتی اطلاعات تازه ای در مورد جریان اخراج
 دیپلمات ایرانی از سوئیس در اختیار خبرنگاران گذاشت.

وی گفت خبرنگاری آژانس تلگرافیک سوئیس در تاریخ سوم سپتامبر
 اظهارات آقای پایو وکیل دادگستری و دبیر کل انجمن طرفداران حقوقی
 بشر سوئیس در يك مصاحبه مطبوعاتی جمعه گذشته را منتشر کرده است.

وی ضمن اظهار خشنودی از "تصمیم شجاعانه" دولت سوئیس در مورد
 دیپلمات ایرانی همان اظهارات سابق را منسوخ کرد و اینکه دیپلمات ایرانی مأمور
 ریت اطلاعاتی داشته باستاند اسناد ربهوده شده از سر کسولگری شاه
 هتاهی ایران در ونو تکرار کرده است.

وی همچنین گفته است که دولت شاهنشاهی شکایت خود را از مقامات
 دادگستری کانتون ونو مسترد داشته است.

لازم میدانند در جواب اظهارات این آقای حقوقدان توضیحات زیر
 بدهم:

۱ - دبیر اول نمایندگی دائمی ایران در دفتر سازمان ملل متحد که
 تجاوز از چهار سال در ونو مأموریت داشته، از ابتدای شروع به خدمت
 بعنوان مأمور اطلاعاتی به مقامات سوئیس معرفی شده است. وی ظرف این
 مدت با مقامات اطلاعاتی سوئیس در تماس مستمر و مداوم بوده و بخصوص هنگام
 سفر شخصیت‌های ملطقی به سوئیس برای حفظ امنیت و جان آنان با مأموران

سویسی همکاری داشته است. بطوریکه ملاحظه میفرمایند این ماموریت از نظر مقامات سویس مخفی نگه داشته نشده و مانند سایر ماموران اطلاعاتی سایر کشورها در سویس که آنجا را جرایم "بهشت جاسوسی" قلمداد می کنند در پوشش دیگری مخفی از نظر و اطلاع مقامات رسمی دولت سویس انجام وظیفه نمیکرده و صورت جاسوسی نداشته است.

شاید تذکر این نکته بی فایده نباشد که خود دولت سویس هم در نمایندگی های خود ماموران امنیتی دارد. حالا معلوم نیست بجه علت پس از ۴ سال دولت سویس بفرآیند این اقدام افتاده است.

۲ - اگر دولت ایران شکایت خود را مسترد داشته دلیل آن نیست که خود را از نظر قضایی و حقوقی بین المللی معنی نداند بلکه برعکس معتقد است که دولت سویس طبق رسوم و رویه بین المللی و کنوانسیون دیپلماتیک وین موظف بوده است از محل و کارمندان سرکسولگری شاهنشاهی در زنی حمایت کند.

۳ - افراد مخرب و عناصر ضحرفی به زور وارد سرکسولگری شاهنشاهی شده اند و کارمندان سرکسولگری شاهنشاهی را به زور در همان محل در یک اطاق بازداشت کرده اند اسناد و اوراق سرکسولگری را ربوده اند و حتی پول نقد و چک را بزدی کرده اند.

۴ - دولت سویس در مقابل این همه خلاف کاری تا بحال به تعهدات خود عمل نکرده و در ازای قانون یعنی محاکمه و محکومیت خرابکاران و درود ان فوق سکوت اختیار کرده است روی دست گذاشته سهل است بلکه به خبرنگاران و خلاف کاران اجازه داده است با کمال راحتی خاک سویس را ترک کنند.

با کمال تاسف باید بگویم بدون رعایت اصول حقوق و رویه بین المللی دبیر اول نمایندگی ایران را که جز انجام وظایف خود آنهم با اطلاع کامل آنها کار دیگری نکرده است، عنصر نا مطلوب اعلام کرده اند.

تسوق ما

مدیر کل اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه در جواب به سوال خبرنگاران ضمن تاکید بر این موضوع که تا بحال سابقه نداشته ملاحظی برای هیات‌های نمایندگی سیاسی مقیم تهران پیش بیاید، افزود ما توقع داشتیم که مقامات دولت سوئیس پس از دستگیری مسببین حمله به کسوف لگری ایران در ونودر ماه ژوئن گذشته، حداقل مدارک و پول و چکهای دزدیده شده توسط این خرابکاران را بما مسترد دارند ولی هنوز این اقدام انجام نشده است.

بدون تفسیر - خود به خوان حدیث مفصل از این مجل!

۸ - در مورد اخراج مزدور ساواک از کشور سوئیس روزنامه کیهان در تاریخ ۹ شهریور ۲۵۳۵ (۲۴) می نویسد:

"بدنبال رفتار ناوارد مقامات سوئیس و به اتهام عطیات خلاف قوانین دیپلمات ایرانی مجبور به ترك سوئیس شد. يك دیپلمات سوئیس نسیمز ایران را ترك کرد. دیپلمات ایرانی با مقامات امنیتی سوئیس همکاری داشت. عده ای افراد منحرف و خرابکار حرفه ای به سوئیس رفتند و به زور وارد نمایندگی کسوفی ایران شدند و پول و لوازم کار را به غارت بردند..... دیپلمات ایرانی مسؤولیت های امنیتی خود را سالها در سوئیس انجام داده بود.

روز پنجشنبه گذشته معان وزارت امور خارجه سوئیس به سفیر شاهنشاه آریامهر در برن اطلاع داد که به علت عطیات خلاف قوانین جاری سوئیس از طرف دبیر اول نمایندگی دایمی ایران در دفتر سازمان ملل متحد در ونودر دولت سوئیس خواسته است که تا برده ظرف ۲۸ ساعت خاک آن کشور را ترك کند.

دولت شاهنشاهی ایران ضمن رد اتهام فوق که مدارکی در باره آن ارائه نگردیده است ما مور خود را به تهران فراخواند و بر اساس معاطه

مقابل سفیر سوئیس در دربار شاهنشاهی روز شنبه ۶ شهریور به وزارت امور خارجه احضار و از او خواسته شد وابسته سفارت سوئیس ظرف ۴۸ ساعت خاک ایران را ترك كند .

باید دانست دبیر اول نمایندگی دایمی ایران در دفتر سازمان ملل متحد که مسئولیت امنیتی داشته طبق وظایف خود ما موریت خویش را سال ها در سوئیس انجام میداده و از این گذشته از ابتدای شروع خدمت رسماً به مقامات امنیتی سوئیس معرفی شده و سالها با آن مقامات همکاری داشته است . بویژه هنگام مسافرت های مقامات عالی و هیات های رسمی و وزیران گاه بینه به آن کشور برای حفظ امنیت و جان شخصیت ها با مقامات امنیتی سوئیس همکاری نزدیک می نموده است .

اکنون روشن نیست و توضیحی نداده اند چنین ما موری که مورد مراجعه و همکاری با ما موران امنیتی سوئیس بود چگونه مرتکب اقداماتی علیه ضافع سوئیس و قوانین جاری آن کشور شده است .

۱ - روزنامه " ناسیونال - تسایتونگ " چاپ " بازل " در شماره ۱۸۸ به تاریخ ۱۹ ژوئن ۱۹۷۶ در این رابطه مینویسد :

" ایران ، پس گرفتن اعلام جرم ؟

و نو . اس . د . آ . - انجمن سوئیس حقوق بشر در يك قطعنامه تأیید کرد که دولت ایران تصمیم گرفته است اعلام جرم خود را علیه ۱۳ دانشجوی ایرانی که در تاریخ اول ژوئن کنسولگری ایران در ونورا اشغال کرده بودند پس بگیرد . به عقیده انجمن مزبور این امر چندان قابل تعجب نیست ، زیرا مقامات دولتی ایران تمام هم و کوشش خود را مهذول خواهند داشت تا از مواجه شدن قاضی دادگاه با این اسناد سنگین و متهم کننده جلوگیری نمایند .

به نظر انجمن مزبور این اسناد " فعالیت های غیر قانونی پلیس مخفی ایران یعنی ساواک را در کشور سوئیس و در تحت پوشش دیپلماتیک به

وجه کاملاً روشنی^{۱۰} اثبات میکنند.

۱۰ - اصل این سند به زبان آلمانی در روزنامه "دیسکوس" چاپ فرانکفورت در تاریخ اکتبر ۱۹۱۷ و به متن زیر درج شده است:

" همکار بسیار گرامی، پس از سلام، بسیار خوشحالم که شما از روی علاقه به شاه و وطن به همکاری با ما حاضرید و از عکس که برای ما ارسال داشته اید ممنونم. بزودی کارت معرفی ساواک را برای شما میفرستیم. از فرصت استفاده کرده و از اطلاعاتی که در باره سازمان دانشجویان... در اختیار ما گذارده اید، تشکر میکنم. ما به اطمینان ما میند اگر ما را تا آنجا که ممکن است در جریان اتفاقات مربوط به دانشجویان ایرانی... میگذارید. از همکاری شما با سازمان امنیت ایران تشکر میکنیم و مشتاقانه در انتظار اخبار دیگر شما هستیم."

(نقل از "در باره ساواک" از انتشارات کفدراسیون، صفحه ۱۷۵)

۱۱ - سازمان جنایت کار ساواک همواره سعی داشته است که با استفاده از ضعف اخلاقی، مشکلات مادی و مسائل خانوادگی برخی از عناصر جاسوسی برای خود در بین صفوف دانشجویان پیدا کرده و از این طریق ضربات مهلکی به جنبش مشرق آنان وارد آورد و همانطور که تاکنون تجربه شده، گاهی اوقات در این راهگداز نیز موفق بوده است. برای نمونه به ماجرای شهریار سالور که در سال ۱۹۲۶ در انگلستان اتفاق افتاده است اشاره میشود:

خبر مذکور در روزنامه انگلیسی *The News Line* مورخ ۲۱ ژوئیه

۱۹۲۶:

" من برای شاه جاسوسی میکردم."

شهریار سالور در بین دانشجویان ایران برای ساواک یعنی پلیس مخفی شاه به جاسوسی مشغول بود. وی نام مستعار "خیام" به خود نهاده

و در قبال دریافت ۵۰ پوند در ماه هفت‌ه‌ای سه بار اخبار خود را تلفنی رد کرده و ماهی یکبار نیز گزارش‌کنی خود را تحویل می‌داد.

رابط ساواک با او شخصی بود بنام نبوی در کسولگری ایران در لندن که تحت نام مستعار "روشن" با او تماس می‌گرفت. شخص مزبور در "هاید پارک پلوس" شماره ۲۰ با ختمان ۲ ساکن می‌باشد.

سالور، دانشجوی ۲۱ ساله‌ای که تا چندی پیش برای ساواک جا سوسی می‌کرد، طی مصاحبه‌ای با "نیوز لاین" که توسط اعضای کفدراسیون دانشجویان ایرانی در انگلستان صورت گرفت، گفتگو کرد. وی باگفت که سیتا مهر گذشته در Southwark College نام نویسی کرده و بعد با بی پولی شدیدی گریها نگیرد شده بوده است. در این زمان با چند تن از دانشجویان ایرانی که در فعالیت‌های سیاسی شرکت داشته‌اند آشنا شده و دوبار در جلسات آنها شرکت میکند.

چندی بعد برای تهدید گذرنامه خود به کسولگری مراجعه و در آن جا با آقای کی نوش گفتگو کرده و سؤال می‌نماید که چگونه می‌تواند جاسوس ساواک بشود.

کی نوش يك ورقه تقاضا نامه به وی داده و از او می‌خواهد که دو هفته دیگر به مجدداً به او مراجعه نماید.

ورقه مزبور بسیار دقیق و مصلح بوده و در آن در باره نام و آدرس خانواده، شاغل آنها، جزئیات مربوط به همسر، سابقه پزشکی و نظامی و نظرات سیاسی دقیقاً سؤال شده بود.

در ملاقات بعدی خود در کسولگری، شهریار سالور توسط کسی نوش به شخصی موسوم به آقای "روشن" معرفی می‌شود. سپس نام مستعاری به او داده شده و از او خواسته می‌شود که با "روشن" از طریق شماره تلفن ۵۲۲۵ - ۹۲۲ و شماره داخلی ۳۲ تماس برقرار نماید.

سالور می‌گوید:

"روشن هفت‌ه‌ای يك بار به ملاقات من می‌آمد و ما هر بار خارج از

محوطه کالج و در داخل ماشین او برای مدت يك ربع تا نيم ساعت به مذاکره می پرداختیم. اتوبیل او ابتدا يك مردس زرد رنگ بود و ولسی بعد ها با يك رولز رویس به دیدار من میآید.

من میبایستی تمام جزئیات جلسات دانشجویی را به اطلاع او رسانیده و در باره سخنرانیها نیز گزارش میدادم. از من خواسته شده بود که با افراد فعال تماس گرفته و در باره ایده تئولوژی آنها گزارش دهم. وظیفه دیگر من این بود که به روشن اطلاع دهم که چه نظاهراتی در شرف وقوع میبودند. از من خواسته شده بود که در جریان نظاهرات هنگام دیدار خواهر شاه از شهر آکسفورد از نظاهر کنندگان عکس بگیرم. در ضمن بن دو قطعه عکس گذرنا به و دو عکس دیگر داده شده و خواسته بودند که هویت صاحبان آنها کسب نمایم. به کک این عکسها که با خودم به آکسفورد برده بودم موفق شدم هویت نه یا ده نفر از نظاهر کنندگان را تشخیص دهم.

من در حدود شش ماه برای ساواک کار میکردم، ولی در طی این مدت فقط چهاربار و هر بار مبلغ ۵۰ پوند به من پرداخت شد. يك بار روشن اظهار داشت که او از طریق ضایع دیگری نمیتواند اخبار و اطلاعات کسب میکند، ولی نگفت که این ضایع چه کسانی میباشند. از اینرو من حدس زدم که احتمالاً خیرجینان دیگری نیز وجود دارند، اما هرگز اطلاعاتی در این زمینه به من داده نشد تا بتوانم هویت این افراد را دریابم.

روشن همچنین اشاره ای کرد منی بر اینکه در آینده ممکن است با گروهی سروکار داشته باشم که عقاید مائوئیستی دارند. ولی کارها دیگر به اینجا نرسیدند.

روشن از من خواسته بود که در باره سفرم به ایران در تعطیلات تابستانی چیزی نگفته بلکه اعلام کنم که هازم کشور فرانسه میباشم. (دانشجویان ایرانی برخی بر این عقیده هستند که این اقدام با

برای این بوده است که شهریار را برای تکالیف مهتری تربیت کند و پس اینکه او را آماده سازند تا طرفداری خود را از رژیم و مخالفت خود را با اُپوزسیون اعلام دارد.

پس از فاش شدن نقش سالور به عنوان جاسوس ساواک وی دچار وحشت شده و اظهار میدارد: " فکر نمی‌کردم که دوستانم به من مؤظن برده‌اند. آنها خیلی زرنگتر از آن بودند که روشن فکر میکرد. وقتی که نقش من فاش شد، وحشت بسیاری بمن دست داد. بخصوص از باهست خانواده‌ام خیالم خیلی ناراحت بود. هر کودکی میداند که ساواک به چه کارهایی قادر است. ما مورین ساواک آدم میکشند. از اینرو کوشیدم دست به دروغ پردازی بزنم، ولی همدا حقایق را ابراز کرده و تصمیم گرفتم آب پاک روی همه چیز ریخته و دست‌های ناپاکم را بشویم. من به تمام ما مورین ساواک اعلام میکنم که هنوز دیر نشده است. آنها نیز میتوانند خود را خلاص کنند. ضمیم همواره فکر میکردم که ساواک دارای قدرت همه جانبه است در حالیکه چنین نیست."

یکی دیگر از روزنامه‌های انگلیسی یعنی *Socialist Worker* در شماره مورخ ۲۴ ژوئیه خود در این رابطه مینویسد:

" یک حلقه دیگر از زنجیر جاسوسان و خبرچینان رژیم دیکتاتوری ایران که در انگلستان و با علم مقامات دولت انگلیس به عطیات جاسوسی اشتغال دارند، کشف شد.

یکی از دیپلماتهای سفارت ایران که خود را "روشن" مینامد، مورد عضوگیری در بین دانشجویان ایرانی رژیم در انگلستان برای جاسوسی بوده است. وی تحت نظر مثنی دوم سفارت یعنی حسن کی‌نوش مشغول خدمت بوده و نام اصلی او ابراهیم نبوی میباشد.

تشخیص هویت واقعی روشن نتیجه اعتراضات یکی از اعضای فعال کدراسیون دانشجویان ایرانی میباشد که خود توسط روشن در جرگه

مأمورین ساواک در آمده بود.

دانشجوی مورد نظر شهریار سالور نام داشته و به کفدراسیون اطلاع داد که در ازای دریافت ۵۰ پوند در ماه فعالیت‌های دانشجویان را تحت نظر داشته و مرتباً در باره افراد اپوزیسیون ایرانی مقیم کشور انگلستان به رژیم دیکتاتوری ایران گزارش داده است. شهریار از اهالی شهر ری، شهر کوچکی در جنوب تهران، بوده و پدرش کارمند شرکت نفت می‌باشد. وی برای ادامه تحصیل به لندن آمد و بزودی شوجه شد که پول دریاقتی از خانواده اش کفای مخارج سنگین زندگی در اینجا را ندهد. مأموس از توانائی ادامه تحصیل، به جستجوی کار پرداخت که آنهم با وجود بهکاری زیاد در این کشور امر بسیار مشکلی است. هر وقت هم که شهریار کاری پیدا میکرد بزودی پایان می‌افت.

این وضع ایجاد مشکلات شدید مالی برای او کرده و از دیاد هزینه تحصیلی نیز مزید برطت شد. میزان مخارج تحصیل در دانشگاه که در روز نامه درج شده بود حتی از کل مبالغی که او در سال دریافت میکرد تجاوز میبود. به این ترتیب وی در وضع دشواری قرار گرفته بود.

شهریار مانند بسیاری از جوانان ایرانی به این امید به خارج آمده بود تا تحصیلات مناسب که امکاناتش در ایران بسیار محدود می‌باشد، انجام داده، زبان انگلیسی را آموخته و از آن قسمت از جامعه و تمدن غربی برخوردار گردد که طبقه حاکم در ایران آنچنان پرستش میکند.

وی در ماه دسامبر ۱۹۷۵ جهت تعدید گذرنامه خود به کسولگری رفته و در آنجا با حسن کی نوش (منشی دوم کسولگری، آدرس: لاتیمر کورت، لندن و. ۶، تلفن ۷۲۸۷۷۲۵ - ۰۱) تماس گرفته و اطلاعات خود را در باره فعالیت‌های کفدراسیون دانشجویان ایرانی به او عرضه نمود. کی نوش او را به فردی بنام " روشن" معرفی کرده و سپس دفتر روشن را ترک نمود تا آن دو بطور خصوصی به مذاکره به پردازند. بین ماه‌های ژانویه و فوریه سال جاری، شهریار هر سه شنبه در بخش

تحصیلات عالی *Southwark College* با روشن ملاقات میگرد. تماس تلفنی نیز با نمره ۹۳۷۲۲۵ - ۰۱ که به وی داده شده بود و از طریق مرکز تلفنی کسولگری صورت میگرفت. کافی بود که سالور شماره داخلی ۳۲ و آقای روشن را خواستار شود. روشن تقریباً همواره حاضر و آماده بود. قرار گذاشته شد که سالور هر ماه گزارشی در باره جزئیات فعالیت های کفدراسیون تهیه کند. ساواک که پلیس مخفی ایران بطور کلی نماینده داشت که بدانند چه کسانی چه مطالبی را اظهار داشته اند و عدم توافق در چه مواردی بوده است و جزئیات فعالیت های کفدراسیون و رهبری آن چه بوده است. بعدها عده اهمیت در زمینه اختلافات در داخل کفدراسیون گذاشته شد. ظاهراً ساواک امید داشت که بتواند این اطلاعات را برای ایجاد برش و اختلافی بین صفوف دانشجویان مخالف دستگاه بکاربرد.

شهریار سالور تدریجاً ترفیب شد که نقش فعالانه تری در این گونه فعالیت بازی کرده و در این اواخر حتی کار بدانجا رسید که وی بخاطر برتاب تخم مرغ بسوی زن شاه موقفا دستگیر شد. البته خیلی غریب به نظر میرسد که دست به چنین کارهایی زده شود ولی اینها همه نکته هائسی بودند تا او سرانجام به عنوان يك عضو کامل پذیرفته شود.

روشن کمی از این ترس داشت که رئیس اش از چنین فعالیت هائسی مطلع شود و از اینرو به سالور توصیه کرد که از این پس کمی بیشتر متوجه رفتار خود باشد.

آخرین نکته ای که روشن برای سالور طرح کرده بود این بود که وی اختلافاتی در داخل کفدراسیون ایجاد کرده و از طریق انشعاب در کار آن وقفه و خدشه وارد کند. برخی اظهار میکنند که کوشش های ساواک در این جهت در گذشته حتی سبب شده است که يك بار کنگره جهانی کفدراسیون تشکیل نشود زیرا گروه کوچکی به جای بحث و مذاکره خواهان جنگ و جدال بوده است. چند سال قبل حتی یکی از دانشجویان با چاقو

مضروب شد .

نشن ماه گذشته برای شهریار يك دوره تربیتی و آموزشی جهت نقش جدید وی بوده است و قرار بود که آموزش بیشتری نیز صورت گیرد . هم چنین از دیار مزد نیز به او قول داده شده بود .

تمام این ماجراها اینک به پایان رسیده اند و سالور اکنون از گذشته خود احساس اشتزاز میکند ، وی به ویژه ترس از این دارد که خانواده اش دچار خطراتی شوند ، با وجود اینکه آنها کوچکترین اطلاعی از کارها و فعالیت های او نداشته اند . يك بار روشن به او گفته بود که ساواک یکی از خبیر چینان خود را در آمریکا بعلت روی بر گرداندن او از ساواک کشته است . بعد هم ادعا کرده بود که عامل این قتل کفدراسیون بوده است .

با وجود چنین سابقه ای اکنون واجب است به سالور یاری کرد تا از جنگال ساواک رهائی یابد و اینطور که از قرائن بر میآید این امر چندان هم آسان نخواهد بود زیرا که ساواک با اجازه مقامات دولتی انگلیس در این کشور به عطیات خود اشتغال دارد .*

يك سند دیگر برای اثبات همکاری پلیس و مقامات دول غربی با مراجع رژیم فاشیستی شاه! . (رجوع شود به لیست اساسی مزدوران ساواک در کشور انگلستان ، صفحه ۱۲۹)

۱۲ - عین و اصل سند آوانس عکسبرداری "بایرن" به زبان آلمانی در کتاب "در باره ساواک" از انتشارات کفدراسیون آمده است . (رجوع شود به آن کتاب صفحه ۱۷۵) .

۱۳ - در رابطه با مرگ دلخراش دانشجوی آلمانی "بنواونه زرگ" در جریان تظاهرات علیه شاه در دوم ژوئن ۱۹۶۷ در برلن غربی بد نیست به واقعه زیر اشاره شود :

يك سال بعد از وقوع این حادثه جانگداز یکی از گروه های هنری شرقی آلمانی نمایشی در این زمینه در شهر کوچک "اولم" Ulm به روی صحنه برد. در یکی از صحنه های این تئاتر فرح دیبا ناله سر داده و در تعاقب آن "کارل هاینس کوراس" Karl-Heinz Kurras (تاتل "بنواونه زرگ") به روی او خم میشود تا شهوت شهبانو را ارضاع نماید. این صحنه معاشقه و مغایزه سبب خشم اعلیحضرت شده و به غیرت او بر میخورد بطوریکه با عصبانیت بر سر سفیر وقت آلمان غربی در تهران دکتر فراننتز باخ Franz Bach فریاد زده و میگوید: "من از نوهینی که به ملکه شده امت بسیار خشناکم." بدنبال این جریان با درداشتهایی بین دو دولت ایران و آلمان فدرال رد و بدل میشوند. معاون صدر اعظم آلمان نزد سفیر ایران در آلمان غربی سپهبد مظفر مالک به کن رفته و ضمن طلب معذرت و اعلام تقاضای دولت خود برای عصبانیت اعلیحضرت سعی میکند به او حالی کند که دولت آلمان غربی نمیتواند بهمین آسانی از اجرای این نمایشنامه جلوگیری کند. "هانس یورگن ویشنفسکی" Hans-Jürgen Wischnewski وزیر کله های خارجی که قرار بود در آینده نزد یکی برای انجام مذاکرات به تهران برود مجبور به تدبیر و زاری از این حقیقت شد که: "در بار ایران نمیتواند درک کند که ما در آلمان نمیتوانیم با فشار دادن دکمه ای از بالا آنرا اجرای این نمایشنامه جلوگیری به عمل آوریم."

۱۴ - در باره شهیدی، این مزدور مرموز و نابکار ساواک، فضلا درین کتاب سخن آمده است. برای روشن شدن برخی از مطالب لازم است مطلبی که ماهنامه شانزدهم آذر در شماره ۴ خود مورخ خرداد ۱۳۴۷ (روشن ۱۹۶۸) در این زمینه آورده است، حینا در این جا نقل شود:

"برونده سازمان امنیت ایران در دادگاه عالی آلمان.

همانطوریکه ممکن است خوانندگان ما اطلاع داشته باشند، در ماه

گذشته دیوان عالی کشور آلمان فدرال، پس از مدت‌ها رسیدگی، بمحاکمه ضیا' رضوی خاتمه داد و او را بجرم در اختیار داشتن غیر مجاز مواد منفجره به نه (۹) ماه حبس محکوم ساخت. خوانندگان ما بیاد دارند که درست یکسال پیش پلیس امنیتی آلمان فدرال آقای ضیا' رضوی را به اتهام ارسال بسته‌های حاوی مواد منفجره دستگیر نمود. همانروز رادیو و تلویزیون آلمان اطلاع دادند که بسته‌های حاوی مواد منفجره‌ای برای برخی از نمایندگان دولت ایران در آلمان (مانند سرلشکر علوی کیا) آقای عزیزی، رئیس شرکت هما - هواپیمائی ایران - ارسال شده است. پس از انتشار این خبر در آلمان، پلیس این کشور تحت عنوان پیشگیری در مقابل "خطراتی" که ممکن بود شاه ایران را بهنگام مسافرتش به آلمان تهدید کند، محدودیت و تضيقاتی برای دانشجویان و سایر ایرانیان مقیم آلمان فراهم آورد، که از آنجمله اجبار دانشجویان بمعرفی روزانه خود به پلیس شهری در اکثر شهرها و اجبار بتربک ایالت باواریا بود.

خوشبختانه پس از انتشار این خبر، هیئت دبیران کنفدراسیون جهانی نی بلافاصله موضع کنفدراسیون را در مقابل افکار عمومی این کشور روشن ساخت و هرگونه شبهه‌ای را که ممکن بود در اثر انتشار این خبر ایجاد شود از میان برداشت. از آنجا که رسیدگی به پرونده آقای رضوی برخی از مسائل در مورد فعالیت‌های سازمان امنیت در اروپا روشن ساخت ما لازم دانستیم طی مصاحبه‌ای با آقای دکتر هلدمان، وکیل مدافع شهپر آلمانی، این مسائل را با اطلاع دانشجویان و ایرانیان مهین پرست به رسانیم.

در مقابل سؤال ما که آیا رضوی مأمور سازمان امنیت بوده، دکتر هلدمان اظهار داشت بر اساس استناد پرونده معتقد است که وی مأمور سازمان امنیت نبوده، بلکه قربانی نقشه سازمان امنیت که بمنظور بدنام کردن دانشجویان ایرانی طرح شده بود گردیده است (باید به یاد آورد که رضوی، طبق اظهاریه خودش در دادگاه، یک ماشین تحریر فارسی و

ماهی یکهزار مارك از محل نامعلومی دریافت می‌کند و نشریه ای که او منتشر می‌کند - سوگند - اندیشه‌های ضد مارکسیستی را اشاعه می‌دارد. آقای دکتر هلدمان بنا بر نتایجی که در دادگاه گرفته شده بر این عقیده است که جریان ارسال همبها در اصل از طرف سازمان امنیت اورگانیزه شده بود تا از آن طریق دانشجویان و عناصر مترقی ایرانی مقیم این کشور را بدنام کرده پلیس آلمان را بتعقیب آنان وادارد.

دکتر هلدمان جریان امر را بطور خلاصه بنا بر اظهاریه شهم به شرح زیر بیان داشت:

در ماه فوریه ۱۹۶۲، شخصی بنام زندنیا (کارمند ایرانی اوپک) که مقیم وین بود و از دوستان و همکاران رضوی در حزب سوشال بود با شهم تماس می‌گیرد و باو اظهار می‌کند که سازمان امنیت نرفته‌ای علیه دانشجویان ایرانی در آلمان دارد و سپس در ماه آوریل بار دیگر با شهم در مونیخ تماس گرفته و اضافه می‌کند که نرفته سازمان امنیت عبارت است از اقدام بیک "سوء قصد غیر خطرناک از طریق مواد منفجره"، زندنیا سپس می‌افزاید که دریافت کنندگان مواد منفجره قلا خواهند دانست که این همبها منفجر نخواهند شد و هدف سازمان امنیت اینست که این اقدام بحساب ایوزیسیون شاه در آلمان بگذارند و ازین طریق مانع تظاهرات دانشجویان ایرانی علیه شاه شود. دکتر هلدمان سپس به باز با استناد اعترافات شهم، افزود که زندنیا بنا بر سابقه دوستی حزبی و اعتمادی که شهم بوی داشته ازو دعوت می‌کند در اجرا این نرفته با زندنیا همکاری کند. او می‌افزاید که هدف اجرای این نرفته علیه دانشجویان نبوده بلکه وی می‌خواهد این نرفته سازمان امنیت را علیه خود این سازمان و بنفع خودش (!) تمام کند. شهم اظهار داشته که زندنیا مورد اعتماد مقامات ایرانی بوده است. (میدانیم که زندنیا کارمند ایرانی اوپک بود). طبق اظهارات شهم، زندنیا با شخص بنام شهیدی (که سابقاً در انترپس بوده و خود در دادگاه اعتراف کرد که مامور سازمان امنیت است) تماس می‌گیرد تا وسیله تهیه مواد منفجره را فراهم آورد.

شهیدی با شخص بنام سمعی (که اکنون سرپرست دانشجویان ایرانی

در اتریش است و طبق شهادت شهیدی در دادگاه مسئول سازمان امنیت در اتریش نیز هست) تماس برقرار میکند. سمعی بنوبه خود با سرلشکر علوی کیا ارتباط برقرار کرده از او کسب نظر میکند. علوی کیا بهمین مناسبت به وین مسافرت میکند. پس از مدتی مذاکره در وین علوی کیا موافقت میکند برای شهیدی و زندنیان مواد منفجره را تهیه کند. در اینجا باید یاد آور شد که یکی از کسانی که در دادگاه شهادت داد آقای فون در هایدن نویسنده سابق مجله معروف "اشپیگل" بود و او اظهار داشت که زندنیان و شهیدی بهاموریت از طرف سازمان امنیت نزد رضوی رفته بودند تا همکاری او را جلب کنند. هم این آقای فون در هایدن در دادگاه شهادت داد که مسئولین سازمان امنیت بوی گفته اند که سازمان امنیت نقشه ارسال مواد منفجره را کشیده بود تا دانشجویان ایرانی مخالف شاه در آلمان را بدنام سازد.

دکتر هلدمان در جواب سؤال ما که شهیدی، علوی کیا و سمعی کیستند گفت که طبق اعتراف شهیدی در دادگاه، شهیدی جاسوس سازمان امنیت بوده و هست و در اواسط سال ۱۹۶۶ توسط سمعی با استخدام در آمده است. طبق همین اعتراف، علوی کیا رئیس سازمان امنیت در گن بوده، و سمعی مسئولیت سازمان امنیت در اتریش را بهعهده دارد. در مقابل این سؤال ما که عزیزی کیست، دکتر هلدمان جواب داد آقای دکتر عزیزی سرپرست سابق دانشجویان ایرانی در اتریش و آلمان که اکنون رئیس هواپیمائی ایران در فرانکفورت است طبق شهادت فون در هایدن. همانند علوی کیا مسئولیت سازمان امنیت در اروپا را بهعهده دارد و سازمان امنیت بمب‌های ارسال شده را درست برای او و علوی کیا فرستاده بود چه از نظر مقامات آلمانی این امر نمیتوانست کاملاً باور کردنی باشد که دانشجویان ایرانی علیه این دونفر اقدام بهسوقصد کنند. دکتر هلدمان اضافه کرد زندنیان عامل سازمان امنیت بوده و ساواک او را برای اجرای نقشه خود از این حیث انتخاب کرده بود که بسیار مورد اطمینان بود. طبق اظهاریه شهم، زندنیان با علوی کیا نیز رابطه داشته و با اینکه او رسماً شغل خود را در

از دست داده است، بنظر می‌رسد با شکل مالی روبرو باشد. حتی گذرنامه اش پس از وقوع جریان ارسال مواد منفجره از طرف مقامات ایرانی تقدیم شده است. همچنین با اینکه علوی کیا در دهم ماه به سال گذشته بمقامات آلمانی اطلاع داده بود که رضوی و زندنی مواد منفجره تهیه کرده‌اند و ادعای کند که سازمان اسبیت این امر را کشف کرده، او بمقامات آلمانی اظهار می‌دارد که رضوی و زندنی از راه بروکسل به لندن گریخته‌اند، در حالیکه رضوی در مونیخ و زندنی هنوز در گن بوده است. در پاسخ این سؤال ما که هدف علوی کیا از اطلاع دروغ به مقامات آلمانی در مورد محل اقامت زندنی چه بوده و آیا او میخواسته بدین طریق در عین برطرف کردن هر گونه شبهه از ساواک بعنوان ترتیب جریان، از دستگیری زندنی نیز جلوگیری بعمل آورد، دکتر هلدمان گفت که اگر علوی کیا حقیقت را در باره محل اقامت زندنی گفته بود، مقامات آلمانی میتوانستند هر دو، یعنی رضوی و زندنی، را قبل از ارسال مواد منفجره دستگیر کنند و هرگز بهیچا ارسال نمیشد. در آخر دکتر هلدمان در پاسخ سؤال ما که فعالیت‌های ساواک در اروپا چیست و آیا میتوان علیه آن در آلمان اقدام قانونی نمود جواب داد پس از این محاکمه میتوان گفت که ساواک میکوشد مخالفین شاه را با تمام وسائل ممکن خاموش سازد. سرپرستهای دانشجویان ایرانی مانند سمیعی در وین، همیزی سابقا در وین و گن، پرویز خوانساری سابقا در لندن همه ماموران ساواک هستند. اینان مابوریت دارند مخالفت دانشجویان ایرانی در خارج را بطریقی مختلف، مانند اعمال فشار در زمینه ارز عدم تقدیم گذرنامه و غیره و نده سازی نزد پلیس (مانند جریان محاکمه نراقی و تهرانی) سرکوب کنند. ساواک را در آلمان میتوان طبق مواد ۱۲۸ و ۱۲۹ قانون مجازات عمومی بعنوان یک سازمان مخفی غیر مجاز تحت تعقیب قرار داد. همچنین ساواک را میتوان طبق ماده ۲۴ همان قانون بعنوان سازمانیکه از وسیله ارهاب و تهدید استفاده میکند تحت تعقیب قرار داد. بنظر میرسد که پرونده رضوی به اندازه کافی زمینه تحقیق در این باره را فراهم آورده است.

صاحبه فوقی نشان میدهد که ساواک با انواع حیل دست میزند تا صدای

بحق دانشجویان را خاموش سازد. ولی دانشجویان جرکت آگاهی که دارند همیشه قادرند بطور موثر و به موقع از خود دفاع کنند و مبارزه خود را پس گیرانه ادامه دهند. (باید بار آورشد که شرکت بهیران تشکیلات و انتشارات کفدراسیون و برخی از اعضای کفدراسیون در دادگاه تنها به خاطر کسب اطلاع از جریان محاکمه و تهیه گزارش بود و نباید به شایعه دفاع از کسی تلقی گردد.)

۱۵ - خبر زیر نامانگوار این واقعت است که چرا رژیم فاشیستی شاه شخصیت‌هایی چون "کریستیان گروه" را توسط پلیس مخفی خود تحت نظر قرار میدهد.

"بلنک" Blick مورخ ۱۶ ژوئن ۱۹۷۱

اسنادی در باره فعالیت‌های غیر قانونی ساواک

ب. آ. گ. - برن / ژنو. اکنون ادله غیر قابل انکاری در باره فعالیت‌های غیر قانونی پلیس مخفی ایران "ساواک" در کشور ما وجود دارند. دیروز طی یک صاحبه مطبوعاتی و انجمن سوئیس حقوق بشر مدار زیادی از اسناد محرمانه را در معرض عموم گذارد.

این اسناد. مدارکی هستند که ۱۴ روز پیش هنگام اشغال سرکسول گری به جنگ مخالفین شاه افتاده‌اند. ("بلنک" در این مورد گزارش داد.)
دنی پاپو Denis Pavoit رئیس انجمن و کریستیان گروبه
Christian Grobet نماینده مجلس و عضو حزب سوسیالیست -
در ژنو، شدیداً به مقامات قضائی اعتراض کرده‌اند.

پاپو: "از زمانیکه ۱۳ نفر اشغال کننده سرکسولگری از سوئیس اخراج شده‌اند تاکنون دیگر هیچ اقدامی نشده است. از اینرو خود را مجبور دیدیم که به افکار عمومی مراجعه کنیم."
گروه: "صدها سند در خارج از کشور در محل امنی حفظ میشوند.

ما تا کنون بارها و بدون کوچکترین موفقیتی از قاضی ذیصلاح خواستار زویر شدن با سرگسول ایران شده ایم. او بوده است که تحت عنوان "سرت اسناد محرمانه" اعلام جرم کرده است. ما حاضریم در حضور وی مدارک خود را تحویل قاضی دادگاه بدهیم، ولی چنین به نظر میرسد که مقامات دولتی اصلاً تمایلی به روشن شدن این مسائل ندارند.

پیروی نیشه *Pierre Dinichet* دیروز به "بلیک" اطلاع داد:

"سرگسول ایران از حمایت صونیت دیپلماتها برخوردار است."

"بلیک" نیز اسنادی از ساواک را در اختیار دارد. در یکی از این مدارک بخشنامه "خیلی محرمانه" ای وجود دارد که در آن وزارت امور خارجه ایران از دریافت کنندگان این بخشنامه میخواهد تا جمیع اخباری را که آنها سری تلقی میکنند، بلافاصله و بوسیله رمز مخصوص به ژنو، پاریس و تهران ارسال دارند.

۱۶ - این آقای ویلیام ویلمسن که تا این حد مورد توجه ذات هایونسی میباشد، کسی است که در دسامبر سال ۱۹۶۸ در دادگاه بدوی "گروه جزئی" شرکت کرده و نظرات خود را در نصابه ای در تاریخ ۸ ژانویه ۱۹۶۹ به نحو زیر اعلام داشته است:

"..... با وجود اینکه شصتین مدت زیادی بود که در زندان بسر میبردند، بعضی از آنها حتی دوازده ماه، معیذا در روزنامه های ایران نه در مورد جریان دستگیری ایشان و نه بطور کلی درباره زندانی بودن آنها خبری منتشر شده بود.

دادگاهیکه زندانیان را محاکمه میکند، يك دادگاه نظامی است که هیأت رئیسه آن از چهار افسر در حال خدمت تشکیل شده است. مقدمات محاکمه توسط سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) تهیه شده است. من با چند نفر از زندانیان صحبت کردم و به صحت مطالبی که آنها

در باره روش بازجویی و بازپرسی ساواک به من گفتند، اعتقاد دارم .
بعد از دستگیری ، بازداشت شدگان را در يك زندان متعلق به
ساواک نگاه داشتند . در باره محل اقامتگاه آنها به بستگان ایشان خبری
داده نشده بود و ملاقات با ایشان نیز ممنوع بود . در مدتی که دستگیرشدگان
در زندان ساواک بسر میبردند ، بهیچ يك از آنها اجازه مشاوره با هیچ
وکیل مدافعی داده نمیشد . همین چندین ماه در این بازداشتگاه زندانی
بودند . بسیاری از دستگیرشدگان از رفتار غیر انسانی که با آنها شده بود
شکایت میکردند و یکی از آنها در جریان محاکمه گفت ، بعلمت رفتار خشن
پلیس او مجبور بوده مدت دوازده روز در بیمارستان بسر برد .
بنا بر این اظهارات برای من تعجب آور نبود و تکیه شنیدم دادستان
اعلام کرده که دستگیر شدگان همه اقرار کرده اند
ز نقل از " درباره ساواک " صفحه ۹۷)

۱۷ - سند زیر يك نمونه دیگر از این است که چگونه عواطف و مزدوران
ساواک اتباع ترقی و مبارز خارجی را تحت نظر داشته و اطلاعات دقیقی
در باره آنان جمع آوری میکنند :

سفارت شاهنشاهی ایران - کهن
تلگرام رمز از وزارت امور خارجه
تاریخ ۵۰/۱۱/۴ - شماره ۱۰۳۰
سفارت شاهنشاهی ایران - کهن . خواهش شد است دستور فرمایند اسامی
خانم ها :

۱ - ANNA BOGIOVANNA معروف به MIMMI فرزند UMBERTO و
ROSA ROSSINI متولد ۲۳/۳/۱۹۲۹ در رم نقطه
۲ - ANNA MARIA MEDDA فرزند RAFAELIA و MARIA DERGINI
متولد ۲۳/۳/۱۹۲۵ نقطه
اتباع ایتالیا را که از عناصر دست چپی می باشند و با کفدراسیون دانشجو
بان ایرانی در ایتالیا همکاری دارند در فهرست ممنوع الوردین آن نما

بندگی ثبت و در آتیه از مدور هر نوع روادید برای آنان خود داری نماند
نقطه کارت اندکسرو فرمهای مربوطه شما قبا ارسال خواهد شد .

۲۳۴۰ - ۵۰/۱۱/۳

(نقل از پاره ای ص ۲۴۰)

۱۸ - ماهیت این کرد و خاک کردن آقای کیسینجر را میتوان از خبر زیر
استنتاج کرد :

کیهان - شماره ۱۰۰۰۴ مورخ ۱۰ آبان ماه ۲۰۳۰ (!!)

فعالیت ماموران امنیتی ایران در آمریکا - اظهارات سخنگوی وزارت
خارجہ در پاسخ کی سینجر . سخنگوی وزارت خارجہ : با ما ماموران آمریکائی
مقابل به مثل خواهیم کرد .

کی سینجر ؛ در باره فعالیت پلیس مخفی ایران در آمریکا تحقیق میکنیم
و اگر درست باشد خواستار توقف عملیات آن ها خواهیم شد .
ماموران ایرانی مخالفان ایران در آمریکا را زیر نظر دارند .
اخطار دولت در باره ما ماموران آمریکائی در ایران .

هر اقدامی که آمریکائیت به ما ماموران ایرانی در آن کشور در پیش گیرد ایران نیز
همان رویه و اقدام را نسبت به ما ماموران آمریکا بعمل خواهد آورد .

هنری کیسینجر وزیر خارجہ آمریکا در یک مصاحبه مطبوعاتی گفته است
که آمریکا در باره این گزارشها که پلیس مخفی ایران همانطور که شاهنشاه
ایران گفته اند دانشجویان ایرانی را در آمریکا زیر نظر گرفته است تحقیق می
کند و اگر این امر صحت داشته باشد از این کار جلوگیری خواهد شد .
از کیسینجر در باره سخنان اخیر شاهنشاه در مصاحبه با برنامه ۶۰ دقیقه
ای شبکه تلویزیونی " سی . بی . ای . " سؤال شد شاهنشاه در این مصاحبه
گفته بودند پلیس مخفی ایران بنام " ساواک " هر ایرانی را در آمریکا که با
دشمنان ایران وابسته باشد زیر نظر گرفته است . شاهنشاه افزوده بودند که

این کار با اطلاع و رضایت دولت آمریکا انجام میشود .
 کمیسیون در پاسخ گفت این امر که آمریکا از زیر نظر قرار گرفتن
 افراد ایرانی مقیم آمریکا بوسیله ما موران اطلاعاتی ایران آگاه است درست
 نیست . کمیسیون در این مصاحبه افزود که تحقیقاتی در این زمینه انجام
 میشود و اگر این گزارشها درست باشد تقاضا خواهد شد این کار
 متوقف شود . سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در باره این خبر و
 اظهارات هنری کمیسیون وزیر خارجه آمریکا گفت ما با آمریکایی ها
 دوست هستیم و با آنها روابط حسنه و منافع مشترک داریم ولی البته هر
 رویه ای که آنها نسبت به ما موران ما در پیش گیرند ما نیز همان رویه را
 در مورد ما موران آنها اتخاذ خواهیم کرد .

۱۹ - برای مزید اطلاع اسناد زیر نیز مضافاً نقل میشوند :

به سیمین

از ۳۳۲

شماره ۳۳۲/۱۳۵۹ - تاریخ ۵۱/۱۲/۲۸

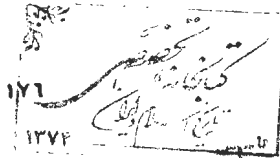
بدنبال مطالب مندرج در مورد هدایای منصور (شاه) به پلیس ونسودر
 صورت امکان با همکاری وزارت امور خارجه لیستی از هدایایی که قبلاً
 توسط کشورهای دیگر داده شده تهیه و ارسال دارند .
 باعداد (پرویز تابندی)

با جناب آقای اسفندیاری سفیر شاهنشاه آریامهر در برن مذاکره گردید
 گفتند قبلاً نیز این موضوع را اینجانب از تشریفات وزارتخانه سوئیس
 سؤال کرده بودم که جوابها اظهار نمودند چون هدایا در کانتونهای
 مختلف داده شده لذا فهرست کاملی از آن در دست وزارت امور خارجه
 وجود ندارد . - ۵۱/۱۲/۲۸

به سیمین

از ۳۳۲

شماره ۳۳۲/۱۷۶ - تاریخ ۵۲/۱/۳۰



بازگشت شماره ۳ - ۵۲/۱/۳
بعرض کاژگشا (نصیری) رسید مقرر فرمودند ترتیب اتخاذ شود که
صورت هدایای روسای کشورهای مختلف به پلیس ژنو در روزنامه های
خارجی منعکس گردد .
با طراد (پرویز تائبی)

محرمانه

به بریستول - ۳۳۲

از سیمین

شماره ۵۸ - تاریخ ۵/۲/۵۲

بازگشت شماره ۳۳۲/۱۷۶ - ۵۲/۱/۳۰

دوباره درج هدایای روسای کشورهای مختلف به پلیس ژنو
در اجرای اوامر صادره بعرض میسرمانند پس از اینکه آقای اشیت وزیر
دادگستری و پلیس کانتون ژنو در جلسه مورخ ۲۳ فوریه ۱۹۷۳ در قبسال
مشوال نمایندگان مجلس کانتون ژنو از نظر هدایای مرحمتی ضمیمه (شاه)
بپلیس این کانتون لایحه دفاعی خود را اعلام نمود ضمن آن فهرستی از
هدایای شاه که طی سالهای گذشته از طرف روسای کشورهای مختلف
خارجی به پلیس ژنو داده شده است ذکر نمود .

اظهارت آقای اشیت و فهرست هدایای روسای کشورهای مختلف که به
پلیس داده شده است به شرح زیر درج میگردید .

۱ - لا سوئیس مورخ ۲۴ فوریه ۱۹۷۳

۲ - روزنامه تربیون دو ژنو مورخ ۲۴ و ۲۵ - ۱۹۷۳

۳ - روزنامه ژورنال دو ژنو مورخ ۲۴ فوریه ۱۹۷۳

مراتب طی شماره ۱۷۴۵ - ۵۱/۱۲/۸ به مرکز منعکس گردیده است .

محمودی (سرهنگ احمد مالک مهدوی)

(هر سه سند مذکور در فوق از " پاره ای " صفحات ۱۲۰ و ۱۲۱)

نقل شده اند .)

۲۰ - اصل سند محرمانه مربوط به مذاکرات بین ارتشبد نصیری و رهبر
ثوفاشیت های ایتالیا " جورجو آلبرانتی در بسیاری از روزنامه های

ایتالیائی درج و سبب اعتراض وسیع و شدید افکار عمومی گردید. از جمله روزنامه‌ها و مجلات زیر در این باره مطالبی نگاشته و خواهان رسیدگی و تعقیب مسئولین شدند:

Lotta Continua (14. und 17.9.1976)

L'Unità (17.9.1976)

Faese Sera (14., 15. und 17.9.1976)

La Repubblica (15.9.1976)

Avanti (14.9.1976)

Il Manifesto (12.9.1976)

